

# سر روش محمود

مجموعه مقالات شهید مجید دکتر محمود مجذوب

بنده بی‌نشره آثار امری به سان فارسی عربی  
لاکنه‌نایین - آلمان غربی

نشراول : لانگنهان - آلمان غربی  
۱۴۶ بديع - ۱۹۸۹ ميلادی  
نشر دوم : لانگنهان - آلمان غربی  
۱۵۰ بديع - ۱۹۹۴ ميلادی

لجنة ملكى نشر آثار امرى به لسان فارسى و عربى  
لانگنهان - آلمان غربى  
۱۵۰ بديع - ۱۹۹۴ ميلادى

## فهرست مندرجات

مقدمه ناشر.....	۹
فهرسرم محمود مجذوب.....	۱۳
بجرم آنکه نگفتیم شکر روز وصال.....	۲۱

## وحدت عالم انسانی

### وحدت عالم انسانی

وحدت عالم انسانی هدف اجتماعی دیانت بهائی است- انسانها مساوی خلق شده اند- مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی بهائی اجزاء و ارکان وصول به وحدت است - در ادوار گذشته تاسیس وحدت عالم انسانی امکان نداشته است- عواملی که اکنون دنیا را آماده قبول این هدف نموده - وجود اقوام و نژادهای مختلف مانع وصول به وحدت عالم انسانی نیست- وحدت عالم انسانی جزیره الهیه حصول نپذیرد- راههای وصول به وحدت عالم انسانی- هدف زندگی بهائی سعادت عموم است. .... ۵۷ - ۲۷

### صلح جهانی در ظلّ تعالیم بهائی

تاریخچه سازمانهای بین المللی - جامعه ملل - سازمان ملل متحد- حکمیت و داوری بین المللی - علل عدم موفقیت جامعه ملل و سازمان ملل- صلح جهانی از نظر دیانت بهائی- راههای دستیابی به صلح اعظم: استمداد از مشیت الهیه، استمداد از مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی بهائی - تحول جامعه بشری- نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله- تنوع نژادها و اقوام گوناگون مانع حصول صلح نیست..... ۹۷ - ۵۸

### تحرّی حقیقت

تحرّی حقیقت از تعالیم اساسی امر بهائی است- معنی تقلید و معنی تحرّی

حقیقت - طریق تقلید و طریق تحقیق - وجوب تحرّی حقیقت - اهمیت تحرّی حقیقت در ادیان گذشته - اهمیت تحرّی حقیقت در این ظهور مبارک - کیفیت تحرّی حقیقت و شرایط شخص محقق - شرایط تحرّی حقیقت: تقوی و تنزیه، احتراز از تقلید، احتراز از ریا و خودبینی، عدم توجه به مادیات، مفرور نشدن به علوم اکتسابی، استقامت - اثرات و نتایج تحرّی حقیقت..... ۱۱۹ - ۹۸

دین باید سبب وحدت و محبت باشد .

تعریف محبت - خداوند منبع محبت است - اطاعت از خداوند نشانه محبت است - خداوند انسان را بجهت محبت خلق کرده - مظاهر الهیه برای ایجاد محبت آمده اند - دین باید سبب الفت و محبت باشد - توسیع دائره الفت و محبت در این ظهور مبارک - عوامل تأسّیس الفت و محبت در دیانت بهائی..... ۱۳۹ - ۱۲۰

وحدت لسان و خط

اهمیت زبان در تفاهم و همکاری - چگونگی پیدایش زبان - خانواده های بزرگ زبان - چگونگی پیدایش خط - وحدت زبان و خط از تعالیم اساسی دیانت بهائی است - کیفیت بوجود آمدن زبان و خط بین المللی - اثرات و نتایج ایجاد زبان و خط بین المللی - وحدت زبان و خط از علائم بلوغ عالم است - اهمیت فراگرفتن زبانهای مختلفه - فضیلت فارسی و عربی در این ظهور مبارک - تاریخچه زبانهای بین المللی که تا کنون اختراع گردیده ..... ۱۸۳ - ۱۴۰

## عالم امر

عالم امر

عوالم سه گانه : عالم حق، عالم امر، عالم خلق، وجود و وحدت وجود - تجلّی صدوری و تجلّی ظهوری - تعریف عالم حق - تعریف عالم خلق - تعریف عالم امر - ظهورات مقدسه رابط بین عالم حق و عالم خلق بوده اند - عظمت این ظهور..... ۲۰۰ - ۱۸۷

یکصد سال پس از نزول کتاب مستطاب اقدس

آیات مقدس کتاب مستطاب اقدس در مورد اطمینان به شمول عنایات الهیه برای مبلّغین و خادمین امرالله - قیام به تبلیغ در عهد الهی - تبلیغ در دوران مرکز میثاق - فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء - پیشرفت امرالله در زمان ولایت حضرت ولی

امرالله- نقشه های ملیّه و نقشه های بین المللی- نقشه های تبلیغی در زمان بیت  
العدل اعظم..... ۲۰۹- ۲۰۱

### کتاب مستطاب ایقان

این کتاب عالیترین اثر استدلالی در این امر اعظم است- تاریخ و محل  
نزول- شان نزول این کتاب مستطاب- مطالب و مندرجات این  
کتاب- باب اول و شرح مندرجات آن- باب دوم و شرح  
مندرجات آن ..... ۲۲۰- ۲۱۰

### افتتاح الواح مبارک وصایا

تاریخ و زمان نگارش الواح مبارک وصایا - الواح وصایا متنم کتاب  
مستطاب اقدس است- مندرجات الواح مبارک وصایا- صعود حضرت عبدالبهاء و  
افتتاح الواح مبارک وصایا- نحوه کشودن پاکت محتوی این الواح-  
تلگراف حضرت ورقه علیا- ارسال کتاب وصایا به  
ایران..... ۲۲۸- ۲۲۱

### تاج مفخرت عظمی

مقدمات تاسیس بیت العدل اعظم- طرح و اجرای نقشه های جهانی تبلیغی  
بمنظور استقرار اعمده دیوان عدل الهی- واقعه تاریخی تاسیس بیت العدل  
اعظم- شرح نخستین کانونشن بین المللی- وظایف ما در قبال آینده جهان  
بهائی ..... ۲۳۵- ۲۲۹

### عید اعظم رضوان

اعیاد گوناگون در ادیان مختلف - عید اعظم رضوان سلطان اعیاد است-  
انتخابات بهائی در سراسر دنیای بهائی در ایام عید رضوان- رضوان  
تاریخی ۱۹۶۳ ..... ۲۴۰- ۲۳۶

### تقویم بهائی

تقویم های مختلف رایج در جهان- واحدهای اندازه گیری زمان- تقسیمات  
فصول در کتاب مقدس- تقسیمات زمان در امر مقدس بهائی- تقویم بدیع و  
اساس آن- ایام هاء- اسامی روزهای هفته- واحد و کشیئی-  
وحدت تقویم موجب تحول در زندگی بشری  
است..... ۲۵۲- ۲۴۱

## مقالات در مواضع مختلفه

### موقعیت زمانی طلوع شمس حقیقت

یکصدسال پس از اعلان امر عمومی حضرت بهاء الله- تحولات عظیم و اساسی قرن نوزده و بیست- انقلاب کبیر فرانسه- انقلاب صنعتی انگلیس- مقدمات آن دو انقلاب- تعمیم علوم و فلسفه- اختراعات جدید صنعتی و طبیی- ظهور دانشمندان و متفکرین- خرافات مذهبی در تصادم با علم- روگردانی مردم از دین- ضعف قدرت علمای مذهبی- وضع پاپ- وضع سیاسی جهان در قرن نوزدهم- نژاد پرستی- معاهده برلین- تشدید حس ملیت- تضاد منافع سرمایه داران و کارگران- متلاشی شدن امپراطوری عثمانی- تحقق و عود و اندازات کتاب مستطاب اقدس- اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن نوزدهم- فساد دربار قاجار- شیوع رشوه خواری و ظلم- رواج اوهام و خرافات- وضع رقت بار اقلیتهای دینی- وضع اسف بار زنان- جهل فرهنگی و علمی- عدم بهداشت- عدم عدالت- ظهور حضرت بهاء الله برای تأسیس مدنیت الهیه، ۲۷۷-۲۵۵.....

### چرا لز مداخله در امور سیاسی ممنوعیم

هدف از شناسائی مظهر ظهور الهی- دیانت بهائی عمومی و فراگیر است، اما هدف احزاب سیاسی محدود است- مداخله احباء در سیاست اساس امرالله و وحدت جامعه را متزلزل میسازد- مرامنامه احزاب تطابقی با اهداف دیانت بهائی ندارد- تمدن مادی رویزوال با خود انقلاب و بی نظمی می آورد- احزاب قادر به نجات بشریت نیستند- مساعی برجسته ترین سیاستمداران قادر به نجات بشریت نیست- فقط تعالیم الهی و نظم بدیع بهائی میتواند جهان را نجات دهد- عدم مداخله در سیاست منافاتی با عشق به وطن ندارد- اهمیت خدمت به میهن و اطاعت از حکومت- ایران در آینده بسیار ترقی خواهد کرد- نصوص مبارکه در این باره- روح ایمان و سجایای اخلاقی وعدم تعصب باید ما را مشخص سازد..... ۲۹۲-۲۷۸

### شرکت یاران در خدمات بین المللی

تبلیغ و سیر سفر احباء در ابتدای امر- اهمیت سفرهای تشویقی- آثار قلم حضرت عبدالبهاء در اهمیت تشکیل محافل روحانی ، جلسات الفت و لزوم اتفاق و اتحاد- ایجاد طرح مشرق الاذکار در اواخر عهد میثاق- رشد نظم اداری در زمان حضرت ولی امرالله- نقشه های گوناگون تبلیغی در شرق و غرب- انتخاب ایادی امرالله و اعضای هیاتهای معاونت- تأسیس شورای انتصابی بین المللی بهائی-

تأسیس شورای انتخابی بین المللی- کنفرانسهای بین القارات- اهمیت مشارکت در فعالیتهای بین المللی..... ۲۹۳- ۳۰۳

### وقایع مهمه امریه در اسکاندیناوی و فنلاند

وعده نصرت الهی به مبعوث ساختن رجالی به نصرت امرالله- نفوذ امرالله در نواحی شمالیه اروپا- وضع جغرافیائی و سیاسی ممالک اسکاندیناوی- زبان، آب و هوا- آمار امر در اسکاندیناوی در سال ۱۹۵۷ - کنفرانس استکهلم- تشکیل محفل روحانی ناحیه ای اسکاندیناوی- نخستین مدرسه مشترک تاپستانه بهائی اسکاندیناوی- کانوشن های ملی بهائیان اسکاندیناوی- انتخاب محافل ملی کشورهای اسکاندیناوی در سال ۱۹۶۲ ..... ۳۰۴- ۳۲۱

### فارسی و عربی

آثار نازله مقدسه بهائی بزبان عربی- مخاطب آیات الهی جمیع عالم است نه ملتی خاص- زبان قران کریم همراه با اسلام منتشر شد- وحدت لسان و خط از مبادی آئین بهائی است- آثار مقدسه بهائی بزبان فارسی- ترجمه این آثار بزبانهای دیگر- محتوا و پیام این آثار کافل سعادت بشر خواهد بود..... ۳۲۷- ۳۲۲

### اهمیت تحصیل السنه مختلفه

نقشه دهساله آغاز مرحله جدید خدمات بین المللی بود- آینده فعالیت های بین المللی- از دیگر صفات مبلغ بهائی اطلاع محقق کتب مقدسه و علمیه و تاریخیه است- اهمیت تحصیل زبانها- زبان انگلیسی جنبه بین المللی بخود گرفته- تاکید حضرت ولی امرالله به آموختن انگلیسی ، آلمانی و عربی- ترجمه های آثار امری بزبان انگلیسی- آثار و توقیعات حضرت ولی امرالله به انگلیسی- ترجمه های انگلیسی آثار امری پلی رابط بین آثار اصلی و زبانهای دیگر است- ورود اصطلاحات خاص بهائی بزبان انگلیسی- وظیفه نسل جوان بهائی در یاد گرفتن زبان برای تبلیغ و خدمات بین المللی..... ۳۳۶- ۳۲۸

## ترجمه ها

### خاطراتی از حضرت عید البهاء

چگونگی تصدیق من به امر بهائی- تصوراتم در باره نجات عالم قبل از تصدیق- سفرم به مصر و سپس به عکا- نخستین ملاقاتم با حضرت عیدالبهاء-

افتخار صرف غذا در حضور مبارك- بیاناتشان هنگام پذیرائی از زائرین- پایان  
 تشرف سه روزه و بازگشت به آمریکا- تشرف مجدد- وضع هیكل مبارك در حيفا-  
 بیماری من- صحت روحانی و جسمانی- حضرت عبدالبهاء در آمریکا- شخصیت  
 ممتاز مبارك- نحوه استدلالشان از امر- تشرف پدرم به حضور مبارك- آخرین  
 ملاقات در آمریکا- مهمترین ملاقات و مصاحبه با حضرت عبدالبهاء در پاریس-  
 تدریس مسائل روحانی در مدارس- مستر سارجنت و مسائل روحانی- ملاقات او با  
 حضرت عبدالبهاء - مقام روحانی حضرت عبدالبهاء و درک آن- منبع  
 اشراق و الهام..... ۳۶۹- ۳۴۰

### نظری به تعالیم اقتصادی بهائی

دنیای امروز در بستر بیماری افتاده است- پیشرفت و سعادت بشر فقط  
 سبب مادی ندارد- برای بهبود وضع بشر قوانین الهی لازم است- اصل مهم در  
 تعالیم اقتصادی بهائی سازگاری و قابلیت توافق است- اقتصاد جهانی- اقتصاد  
 عالم و وحدت عالم انسانی- سیستم اقتصادی در دنیای واحد- فقر مفرط و محروم  
 بودن میلیونها نفر از وسایل اولیه زندگی - ثروت مفرط عده ای معدود - سازمان  
 صنعتی و کشاورزی- مالیاتها - کار و سرمایه - اعتصاب - سیستم اداری-  
 فرد..... ۳۸۴- ۳۷۰

### جناب لئوی گریگوری سر سلسله ایادی امرالله از نژاد سیاه

تولد و تحصیلات جناب گریگوری- معلم، خطیب، حقوقدان- تصدیق او بامر  
 مبارك-عریضه او حضور مبارك حضرت عبدالبهاء - تشرف بحضور مبارك در  
 اسکندریه- زیارت او از مقامات مقدسه در عکا و حيفا- سفر بآلمان- مهمانی حضرت  
 عبدالبهاء در آمریکا و تشرف لئوی گریگوری- نخستین کنفرانس دوستی و اتحاد بین  
 سیاه و سفید در آمریکا- سفرهای متعدد لئوی گریگوری بتمام آمریکا- کنفرانسها  
 وحدت نژادی- مکاتبات او با حضرت ولی امرالله- آخرین کنفرانس  
 تبلیغی او..... ۴۰۰- ۳۸۵



## مقدمه ناشر

کتابی که اینک از نظر خوانندگان گرامی میگذرد مجموعه مقالاتی است که بقلم شهید گرانقدر دکتر محمود مجذوب در طی سالها بصورت متفرق و پراکنده در شماره های مختلف مجله آهنگ بدیع و یا بصورت مجزاً بچاپ رسیده و اینک به همت همسر ایشان سرکار خانم دکتر شکوه اعظم مجذوب (شکوهی) جمع آوری و نشر میگردد.

انتخاب عنوان و نگارش مقالات هرگز به نیت چاپ آنها در کتابی بصورت این مجموعه نبوده و چه بسا که اگر در زمان حیات مؤلف ارجمند این کار انجام میگرفت مقالات دیگری بآن افزوده میشد و یا مقالاتی حذف میگردد و کتاب صورت دیگری می یافت. مع هذا این لجنه بکمال شوق و امتنان نشر این کتاب را بدو دلیل بر عهده گرفت:

یکی اینکه مسائل مورد بحث همواره برای احبّاء و جوانان و آنانکه مایلند از مبادی و اصول آئین نازنین امر حضرت ربّ العالمین آگاهی یابند منابعی مورد اطمینان و مراجعی محکم و متقن بوده و از آنجا که جا بجا به آثار مقدسه اصلیه مزین است میتواند در هر زمینه مورد استفاده قرار گرفته و یا پایه ای برای مطالعات و انتشارات مفصل بعدی باشد.

دوم آنکه با انتشار این کتاب که امیدست سالهای سال در این گنبد دوآر بیادگار بماند نسلهای آینده بهائی خواهند دید نفوس مقدسه ای که پیدریغ در این عالم در راه جمال کبریا سر باختند و بفرموده حضرت عبدالبهاء «جام شهادت را در بزم لقا با شهد و شکر آمیختند» در حیات خاکی نیز یگه تازان میدان ایمان و عرفان بوده جان خود را آگاهانه بخاطر سعادت عالم انسان فدای آرمانهایی که برخی از آنها در این کتاب آمده است نموده اند.

ترتیبی که مقالات در این مجموعه درج شده ترتیبی نیست که در شماره های سالهای گوناگون آهنگ بدیع آمده است. در تدوین مقالات کوشش بعمل آمد که تا حد ممکن آنتهای که علیرغم اختلاف عنوان و موضوع دارای مطلب واحد بوده و بتواند جزئی از بخشی کلی در آید بدنبال هم چاپ شود. بدینترتیب چهار بخش مرتب گردید که اولی شامل مباحث مربوط به وحدت عالم انسانی و صلح عمومی است، دومی مطالب مربوط به عالم امر و ظهور و آثار این امر اعظم را دارد، و سومی در مسائل گوناگون است. بخش آخر مشتمل بر مقالاتی است که از آثار سایر نویسندگان بهائی ترجمه و تنظیم گردیده است.

برخی از مقالات بخاطر مفصل بودن موضوع در چند شماره پشت سر هم آهنگ بدیع آمده و در تدوین این کتاب همین موضوع رعایت شده است.

در اینجا باید باستحضار خوانندگان عزیز برساند که از مجموع مقالات جناب دکتر مجذوب چند مقاله بخاطر آنکه موضوع آن مربوط به زمان خاص (از جمله پنجاهمین سال صعود حضرت عبداله) و یا تشویق و ترغیب به خدمت در پایان نقشه های دهساله و نه ساله بود حذف گردید. همچنین مصاحبه های جراید نروژ با ایشان و تاریخچه نفوذ امرالله در کشور نروژ (که بخشی از آن در مقاله وقایع مهمه امریه در ممالک اسکاندیناوی آمده است) نیز در این مجموعه نیامد. خطوط نستعلیق اثر هنرمند جلیل القدر جناب امان الله موقن میباشد.

شرح حال و خدمات مؤلف ارجمند این کتاب بقلم همسرشان سرکار خانم دکتر شکوه مجذوب (شکوهی) نگاشته شده که یاران عزیز را بمطالعه آن دعوت مینمائیم.

بنده علی شهبان امریه به سان فارسی عربی

لاکهنابین - آلمان غربی

۱۴۶ بدیع - ۱۹۸۹ میلادی

## خلاصه شرح حال دکتر محمود مجذوب

تولد : ۱۳۰۹ شمسی در شهر ملایر .

فرزند : جناب اسماعیل و امة الله قمرالسلطان .

نام همسر : شکوه اعظم شکوهی

نام فرزندان : یوهاناگرتا و سروش

تحصیلات : دکترای حقوق .

شغل : وکیل دعاوی و مشاور حقوقی

آخرین خدمت امری : عضویت محفل روحانی ملی بهائیان  
ایران .

تاریخ شهادت : ( تقریباً ) ششم دیماه ۱۳۶۰ شمسی .



## همسر، محمود مجذوب

مشکل میتوان قلم بدست گرفت و درباره همسر و مونس خود که در نیمه راه زندگی عاشقانه بمیدان شهادت شتافت و جان را نثار محبوب واقعی کرد مطلبی نگاشت. مشکل میتوان خاطره سالهای بحرانی اخیر را که هر روز و هر ساعت و هر دقیقه اش با خبر ناگواری، با واقعه جانگدازی، با ایثار جانی و با نابود شدن خانمانی توأم بود بر روی کاغذ آورد و گفت که بر همسر و سایر یارانی که آنموقع مسئولیت تشکیلاتی جامعه ایران را داشتند چه ها گذشت. چگونه میتوان از در بدری های او و دیگر عزیزان، از خانه بدوشیها، از نگرانیهای جانکاه آنان، از ایمان چون کوهشان، از استقامت و جانفشانی و ایثارشان، از شوقشان به خدمت تا پای شهادت نوشت و حق مطلب را ادا کرد. چگونه میتوان جذبه و شور و عشقی را که دست قدرت حضرت بهاءالله در جان يك يك آنان دمیده بود بیان داشت و مطمئن بود که لااقل قطره ای از اقیانوس را نمایانده است.

قلم و زبان ناتوان من و طوفانی که هنوز پس از گذشت هفت سال روح و جانم را در تلاطم میدارد مرا از درك عظمت آن وقایع، از نوشتن و گفتن آن و حتی گاه از تصوّر آنچه که رخ داده باز میدارد. اینهمه درد نهان هست و توان آه نیست.

اغلب با خود می اندیشم که آیا زندگانی محمود هرگز میتوانست

پایانی جز شهادت ناگهانش و بخون کشیده شدنش داشته باشد. محمود ذره‌ناچیزی بود که آفتاب پر توانِ امر الهی او را پرورید، در آسمان خدمت بتدریج اوج گرفت، در بحرانی ترین دوران تاریخ امر چون گوئی آتشین بدرخشش پرداخت و سپس با غرشی عظیم متلاشی شد و همراه با دیگر شهدای نام آور، کهکشانی از نور شد که تاریخ بشریت تا ابد به بیگناهی، وفا و بشر دوستی آنان خواهد بالید. غرش شهادت او در سراسر جهان و از جمله در پارلمان اروپا شنیده شد و نمایندهٔ نروژ را در آن پارلمان بر آن داشت که برخیزد و در برابر صدها نماینده از دوازده کشور اروپای غربی طی نطقی مفصل در دفاع از حقوق احباء ستمدیدهٔ ایران بگوید: موج تضيیقات ایران بسواحل مملکت من نروژ هم رسیده است و محمود مجذوب که همشهری من در استوانگر و عضو اولین محفل ملی روحانی بهائیان نروژ بود همراه با هفت تن دیگر از اعضاء محفل ملی روحانی بهائیان ایران دستگیر شده و بدون محاکمه بشهادت رسیده است.

آیا محمود که به هنگام کودکی در راه دبستان در کوچه های خاکی و باریک ملایر هر روز بنخاطر بهائی بودن در معرض ناسزا و اهانت زبانی و ضربه های سنگ و چوب متعصبان و کوردلان بود میتواندست مرگی جز با گلوله های شرر بار دشمنان امر داشته باشد؟ آیا او که میگفتند حتی در نوجوانی همواره بدنش از ضربات سنگ و چوب زخمی بوده میتواندست جز با زخم گلوله جان را فدای محبوب عالمیان حضرت بهاءالله نماید؟

محمود مجذوب در خانواده ای مؤمن و با وفا به آئین جمال قدم بدنیا آمد. هوش و حافظهٔ سرشاری داشت و شوق فراوانی به مطالعه و یادگیری الواح و آثار الهی در وجودش نهفته بود. در شش سالگی الواح فراوان از جمله لوح مبارک احمد را از حفظ میدانست. از همان اوان کودکی به رونویسی و استنساخ آثار امری می پرداخت. در سن دوازده سالگی کتاب مستطاب اقدس و چند کتاب امری دیگر را رونویسی کرد. برخی از این کتابها که پس از شهادت او در خانه نبود ه موجود است و بقیه همراه با دیگر کتابها و اموال ایشان بتاراج رفت.

در هفده سالگی همراه با خانواده، که به سبب ورشکستگی پدر و

تضییقات روز افزون دیگر نمیتوانستند در محیط پر تعصب شهر ملایر به زندگی ادامه دهند به طهران آمد. برای اداره خانواده هفت نفری خود، پدر و مادر و چهار خواهر و یک برادر، در بانک ملی شغلی گرفت ولی بعد از ظهر ها و شبها به تحصیل پرداخت و توانست در مدتی کوتاه هم دبیرستان را تمام کند و هم وارد دانشگاه شده لیسانس علوم قضائی از دانشگاه طهران دریافت دارد.

اما تحصیل وقت اصلی او را پس از کار اداری نمیگرفت. شوق او به خدمات امری و شرکت در تشکیلات بهائی، و مهمتر از همه علاقه اش به آموختن علوم و معارف بهائی بحدی بود که عاشقانه حتی از خواب و خوراک خود برای رسیدن بآن میگذشت. سالهای نوجوانی و جوانی را علاوه بر خدمت در تشکیلات در کلاسهای فضیای امر از جمله کلاس عربی جناب هاشمی زاده و جلسات بحث و تحقیق مرحوم فاضل مازندانی و کلاس تدریس قرآن جناب سید عباس علوی گذراند. با گنجینه گرانبهای از معارف بهائی و غیر بهائی که در ذهن خود اندوخته بود و با بهره مندی از قدرت بیان و روشنی گفتار و متانت استدلال، به ایراد نظقتها و خطابه ها می پرداخت. مطالب بهائی را در جلسات بیشمار به شیوایی و زیبایی تشریح میکرد و یا آنها را برای مجله آهنگ بدیع می نگاشت. در همان ایام از طرف تشکیلات جوانان عهده دار تهیه مجموعه کاملی از معارف بهائی گردید که شامل استدلالات عقلی و نقلی، تاریخ، نظم اداری و مسائل اجتماعی و اقتصادی امر بهائی بود. چند جزوه از این مباحث بطور مستقل نشر شد و طالبان فراوانی یافت.

آغاز آشنائی من با ایشان در تشکیلات بهائی بود و ازدواج ما در سال ۱۳۳۹ با مراسمی بسیار ساده، یعنی فقط با حضور پدر و مادرها و شهود انجام شد.

نقشه دهساله که بدست توانای حضرت ولی امرالله طرح شده بود سالهای آخر خود را میگذراند و ما بلافاصله پس از ازدواج بدنبال مشورت با لجنة مهاجرت خارجه عازم اسکاندیناویا شدیم تا با نظر و صلاحدید محفل مقدس ناحیه ای اسکاندیناوی، به محل هجرت خود برویم. پس از مدتی اقامت در دانمارک بنا به امر محفل به شهر استوانگر در نروژ عزیمت نمودیم و افتخار یافتیم که در تشکیل نخستین محفل

روحانی آن شهر شرکت داشته باشیم.

فرهنگ متفاوت نروژ، زبان و آداب و آب و هوای دیگرگون کوچکترین نقصانی در شور و شوق محمود مجذوب به تبلیغ و خدمت وارد نیاورد. بیان مقدس حضرت عبدالبهاء را در الواح وصایا که می فرمایند «دقیقه ای نیاسایند، و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند و در هر کشوری نعره یا بهاء‌الاهی زنند» هر آن مورد نظر داشت. با برنامه فشرده ای که از قبل تهیه دیده بود مرتباً به شهرهای مختلف نروژ سفر نمود و در دانشگاهها، کلوب ها و مجامع عمومی حقایق امر مبارک را برای مردم نروژ و علاقمندان تشریح نمود. مصاحبه های متعددی با جراید نروژ بعمل آورد که موجب اشتهار امر و آشنائی تعداد زیادی از مردم آن کشور با نام بهائی شد.

در رضوان ۱۳۴۱ شمسی به عنوان نماینده در اولین کانونشن ملی نروژ شرکت جست و همانسال به عضویت نخستین محفل روحانی ملی بهائیان نروژ انتخاب گردید. در رضوان ۱۳۴۲ برای شرکت در اولین کانونشن جهانی بهائی و انتخاب اعضای نخستین دوره بیت العدل اعظم الهی به ارض اقدس سفر کرد و بدینترتیب به افتخاری نائل آمد که همواره با سرور فراوان بآن مباهات مینمود.

پس از پایان نقشه دهساله خانواده ما که اینک دختری بنام یوهانا گرتا بآن اضافه شده بود به ایران بازگشت. یوهانا در نروژ بدنیا آمد و چون نخستین کودکی بود که از يك خانواده بهائی در نروژ متولد میشد و نیز بخاطر تصادف تولدش با تشکیل اولین محفل ملی آن کشور، بنام نخستین مؤمن به امر مبارک در آن سرزمین و در حقیقت فاتح نروژ یوهانا شویارت نامیده شد. امروز تعداد کودکانی که در خانواده های بهائی نروژ بدنیا آمده اند از دهها هم متجاوز است.

با بازگشت به ایران دکتر مجذوب بلافاصله فعالیت‌های تبلیغی و خدمات تشکیلاتی خود را از سر گرفت و چون در اروپا مطالعات حقوقی خود را نیز دنبال کرده بود لذا با نامنویسی در رشته دکترای دانشکده حقوق توانست در مدت کوتاهی به اخذ درجه دکترای آن دانشگاه موفق گردد.

فعالیت‌های امری ایشان، بیشتر شامل اداره بیوت تبلیغی،



سخنرانی در جلسات تحرّی حقیقت و بخصوص جلسات دانشجویان و فارغ التحصیلان و تدریس در کلاسهای تزیید معلومات بود. با مطالعات فراوانی که در مکاتب مختلف دینی و فلسفی از جمله فلسفه مارکسیسم داشت سؤالهای جوانان را در مسائل مربوطه پاسخ میگفت و در فهم برداشت افکار و معتقدات بهائی و مقایسه آن با سایر مکاتب سیاسی و فلسفی و دینی، آنانرا یاری میکرد. اشتغالات امری بحدّی اوقات ایشانرا گرفته بود که تقریباً هیچ شبی از هفته و هیچ روز تعطیلی نبود که برنامه ای نداشته باشد. در همین موقع دفتر و کالت شخصی خود را باز کرد و مشاغلی به عنوان مشاور حقوقی برخی از مؤسسات از جمله بیمه های اجتماعی کارگران را برعهده گرفت. در سال ۱۳۴۹ دکتر مجذوب به عضویت محفل روحانی بهائیان طهران انتخاب گردید و در همین ایام فرزند دوم ما که پسری بنام سروش است متولّد گردید.

با آغاز انقلاب و شروع موج جدید تضییقات و سختیها، زندگی ایشان نیز مانند سایر احبّاء ستمدیده ایران وارد مرحله جدیدی شد.

پس از آنکه اعضاء محفل روحانی ملی و دو تن از اعضاء هیأت معاونت بوسیله دشمنان امر ربهوده شدند، ایشان به عضویت محفل روحانی ملی ایران انتخاب گردیدند. همقدم با سایر همکاران خود، با آنکه از سرنوشت زندگانی و شتابی که سیر حوادث در پیش راندن آنان به آستانه شهادت داشت بخوبی آگاه بودند، با آغوش باز خدمات متنوع، طاقت فرسا و جانکاه را در آن سالهای بحرانی پذیرفتند و به استقبال حوادث مهیبی که با چرخ سنگین خود هدفش را محو اساس امرالله در ایران قرار داده بود رفتند. دفتر حقوقی که اینک تعطیل شده بود تا مدتی محلّ تشکیل جلسات محفل و یا کمیسیونها و لجنات گردید. اینک ملاقات با احبّاء آواره و خانواده های شهداء، رسیدگی به گزارشهای تضییقات از سراسر کشور، تماس با اولیاء امور و سعی در رسانیدن ندای مظلومان بگوش آنان و ده ها وظیفه دیگر برنامه روز و شب او را تشکیل میداد.

موج وقایع نه تنها نتوانست شخصیت ذاتی او و متانت و آرامستگی فراوانی که در باطن و ظاهر داشت خدشه دار سازد، بلکه با تجربیاتی که مقابله هرروزه با حوادث به او می آموخت پخته تر، فداکارتر و مهربانتر میگشت. قیافه اش مطبوع و دوست داشتنی، قدش کشیده و

متناسب و در جزئیات پوشاك و رفتار دقیق و باسلیقه بود. صبر و خضوع فراوانی در همه امور داشت و هرگز در زندگانش قلبی را نشکست و دلی را مکدر نساخت. افراط را در هیچ کاری، جز خدمات امری، جایز نمیدانست و سالهای آخر زندگانش غوطه ور در اقیانوس خدمت با آنچه در قدرت داشت تلاش می نمود تا در آن طوفان مصیبتها و تضییقات خدمتی به آستان الهی بنماید و بعنوان عضو محفل تخفیفی در سنگینی فشارها که از هر جهت بر تشکیلات امریه و جامعه بهائی وارد میآمد بوجود آورد.

با رسیدن اخبار مربوط به ویران کردن بیت مبارک حضرت ربّ اعلی در شیراز محفل مقدس ملی ایشانرا مأمور ساخت که همراه با جناب کورش طلائی، به شیراز بروند تا بلکه با ملاقات با مقامات مذهبی و دولتی از این اقدام جلوگیری بعمل آید. خطرات این کار زیاد بود و نه تنها دوستان نزدیکشان بلکه مقامات بیطرف دولتی هم آنانرا متوجه عظمت و وخامت کاری که در پیش داشتند مینمودند. اما بدون توجه به این نصیحتها آن دو تن به شیراز سفر کردند و در حالیکه علماء و پاسداران و جمعیت ضدّ بهائی برای خراب کردن بیت مقدس ربّ اعلی بسیج شده در نهایت هیجان و شدت احساسات بر علیه امر بودند، آنان به عنوان نمایندگان جامعه بهائی خواستار جلوگیری از این ماجرا و حفظ آن مکان مقدس گردیدند.

افسردگی او پس از بازگشت از شیراز حدّی نداشت. یکی آنکه شاهد چگونگی خراب شدن آن محلّ مبارک بود و دیگر آنکه در ملاقاتهای شیراز دریافت که دشمنان امر نقشه های بسیار خطرناکتری برای سرکوبی این آئین الهی دارند.

آن روزها هنوز مجبور به اختفای محل اقامت خود نشده بود و من این افتخار را داشتم که از نزدیک شاهد فداکاریها و جانفشانیهای او و دیگر یارانش در محفل مقدس ملی باشم. اکثر بیانیه هاو مطالبی که جامعه بهائی برای دادخواهی به مقامات مملکتی و اسلامی میفرستاد به قلم ایشان بود. در محفل قبلی این مهم بر عهده جناب دکتر علی مراد داودی قرار داشت. لویحی که جناب داودی مرقوم میفرمود نمونه های کاملی از فصاحت، صراحت لهجه، شجاعت و محکمی استدلال بود. محمود

مجبذب میکوشید که بر همان شیوه وظیفه مزبور را انجام دهد. سوای آن مرتباً به خانواده های شهداء و ملهوفین که از شهرها و دهات رو به طهران آورده بودند سرکشی میکرد، جوئیای حال آنان می شد، غمگساریشان را میکرد و میکوشید مشکلاتشان را بر طرف ساخته آنانرا بفضل جمال مبارک امیدوار سازد. در این دوره از طوفان امتحانات هرگاه کسی از امر تبری میکرد بسیار غمگین میشد، و با شنیدن خبرهای تازه از گرفتاری و اذیت و آزار بهائیان آنچنان دچار افسردگی میگردد که حتی نمیتوانست غذا میل کند.

وسعت گرفتن دامنه تفضیقات و جری شدن دشمنان امر در مبارزه علنی و صریح با آئین مقدس بهائی طبعاً او را که عضو و رئیس محفل ملی بود دچار خطرات بیشتری میکرد. لذا دوسال آخر حیات خود را بصورت اختفاء در منزلی دور افتاده بسر برد تا هم به فعالیتهای امری خود برسد و هم حضورش در منزل، خانواده را دچار تهاجم و شبیخون کسانی که دنبالش بودند نکند. محل اختفای ایشان خانه ای دور افتاده بود. نه حمام داشت و نه وسیله گرم کردن. در زمستانها سرد و در تابستانها بسیار گرم بود. از نظر تهیه غذا و لباس و سایر امور در مضیقه شدید قرار گرفت و طبعاً زندگی در انزواء و آمدو رفت بطور پنهان و خفا بسیار به او سخت میآمد. اما هرگز از هیچ مشکلی لب بشکایت نگشود. تنها شکایت او دوری از خانواده مخصوصاً فرزندش سروش بود، گرنا دخترمان سالها قبل ازدواج کرده و آنموقع با همسرش در امریکا بود و از لحاظ او نگرانی نداشتیم.

سر انجام حادثه ای که خود را سالها برای آن مهیا نموده و جان مشتاق و شیفته اش انتظار آنرا میکشید فرا رسید. شب ۲۲ آذر ۱۳۶۰ در جلسه مشاوره ای که با شرکت هفت تن دیگر از اعضاء محفل روحانی تشکیل شده بود حدود ساعت ده شب با هجوم افراد مسلح دستگیر و زندانی شد. از دستگیری آن یاران وفادار جمال مبارک تا شهادتشان بیش از ده دوازده روزی نگذشت و خانواده های آنان وقتی از حادثه شهادتشان آگاه شدند که دولتیان آن اجساد پاک را در زمینی بنام کفرآباد خاک کرده بودند. ورقه تدفین که در دفتر بهشت زهرا صادر شده و علت مرگ را اصابت گلوله ذکر کرده بود تاریخ ششم دیماه را داشت.

در زندان چه بر سر آن جانهای پاک آوردند هنوز کسی نمیداند. نمیدانیم آیا آنطور که روال کار بود آنها را نیز تحت شکنجه قرار دادند یا نه. آنچه بدیهی است آن هشت تن بدنبال خلیل دیگر شهیدان که شرط عشق و وفا و دلدادگی را بجا آوردند، در نهایت شوق و سرور بمیدان فدا و قربانگاه عشق شتافتند و جانشان را عاشقانه نثار جانان کردند. شبی از فیض بحر کبریا بجان مشتاق آنان رسید و بحریم قدس ملکوت راه یافتند. خوشا باحوالشان.

\*

دکتر محمود مجذوب توجه زیادی به آشناساختن جوانان بهائی با اصول و مبادی امر داشت. در بحرانی ترین روزهای زندگی و در بحبوحه کارهای تشکیلاتی از اینکه چرا وقت و امکان چیز نوشتن ندارد افسوس میخورد. همواره میگفت آنقدر مطلب نوشتنی و تحقیقی در عرصه تعالیم بهائی هست که برای انجام آن ده ها عمر هم کفایت نمیکند. افسوس که شمع عمر خودش در اوج بروز استعداد و توانائی فکری به تندباد ظلم و جهل کشته شد.

امیدوارم مجموعه مقالات او شوق تحقیق در آثار و تعالیم بهائی را در خوانندگان، مخصوصا جوانان برانگیزد و ملاحظه زندگی او و دیگر دلیران جانباخته امر، عزم ها را در خدمت به این آئین نازنین راسخ تر، شوق ها را افزونتر، و افقهای جانبازی و خدمت را وسیع تر نماید. اگر آن شمعها خاموش شد امید که مشعلهای فرزوان دیگر جهان تیره تعصب و نادانی را روشن نماید.

شکوه اعظم مجذوب (شکوهی)

بقلم: دکتر محمد افنان

## جزای آنکه نگفتیم شکر روز وصال

آنانکه دست لطف الهی بر پیکر جانشان تشریف عنایت آراسته و از روضهٔ روح بر روانشان نشئهٔ مرحمت رسیده، بمصداق آیهٔ شریفه «لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ» (۱) در جمع همگان محشورند و ظاهراً در خور و خواب و روشها و آداب با دیگران هم‌رنگ و یکسان و در مسیر زندگانی هماهنگ دیگران ولی فی الحقیقه طیر باغ ملکوتند، اگر چه چند روزی در عالم خاک وطن گرفته‌اند. محمود مجذوب از آنان بود.

این عبد با دکتر محمود مجذوب، که یادش همیشه آرام این دل ناشاد است، سالها مانوس بودم، آنقدر این دوستی و محبت، بی شائبه امید و انتظاری بنیان یافت که سابقه اش بیاد نمی‌آید. آنچه بیاد است بی ابتداست. ایشان را آوای و آهنگ از عراق بود و این عبد از زندان سکندر، در طهران مطلع فرح عالمیان و مطمح نظر جهانیان، امّ العالم دیده بدیدارش روشن کردم و در مدت زمانی کوتاه، در دههٔ سوم زندگی با یکدیگر یار جانی شدیم بحدیکه ساعات و اوقاتی که در تشکیلات امری فرصت دیدار دست میداد دل آرزومند و ناشکیبا را خرسند نمی ساخت و لذا همیشه شهای تعطیل را که فرصتی فارغ بود و جلسات امری کمتر تشکیل میگردید در مصاحبت بعضی دیگر از دوستان باهم بگردش و صحبت میگذرانیدیم و خوش بودیم. آنچنان این فیض دوستی و صفا، فطری و طبیعی حیات این عبد بینوا بود که همچنانکه دربارهٔ آغاز آن حافظه یاری نمیکرد هرگز برای آن پایانی نیز تصور نمیکردم و قدرش را

نمیدانستم. حالا که آن نعمت از دست رفته و فرصت صحبت گذشته و از آن همه ساعات و دقائق عزیز جز نقش خیالی نمانده، افسوس این بی نصیبی غمی بر غمها و دردی بر دردهای بیکرانی است که هر يك یادآور جانی و جانانی است بلکه جانان جهانی. آن نفوس مبارک که باوج رفعت پریده اند و این ناتوان اسیر زندان جهان.

چگونه سیر کنم در فضای عالم قدس  
که در سراچه تقدیر تخته بند تنم

دکتر مجذوب مرد وارسته ای بود که در عین حال آداب اجتماع را بظرافت بسیار بجا میآورد. بحقیقت منقطع و بی آرایش بود، داعیه و انتظاری نداشت و آرزویی جز آنکه خدمتی کند در دل نمی پروراند. همواره این نکته را بیاد داشت و بیاد میآورد که همه موفقیتها و پیشرفتهایش نعمت و موهبت از امر الهی است و زبان حالش گویا باین نکته که:

چار چیزست که گر جمع شود در دل سنگ  
لعل و یاقوت شود سنگ بدان خارائی

پاکی طینت و اصل گهر و استعداد  
تربیت کردن خور از فلک مینائی

درمن این هر سه صفت هست ولی می باید  
تربیت از تو که خورشید جهان آرائی

پاکی طینت و اصل گهر و استعداد در او بحد کمال بود و خورشید جهان آرای امر الهی گوهر وجود او را بمدد تابش بیدریغ، زینت عالم انسانی فرمود. دکتر مجذوب خود را در ساحت امرالله فانی محض و ذره نابود میدانست و از هر عملی که شائبه تظاهری در آن بود بیزار بود. با آنکه از قوت استدلال و قدرت قلم و زیبایی کلام و روانی

بیان بهره ای سرشار داشت هرگز باین امتیازات متظاهر نبود و شیوه  
تواضع و ادب را فرو نمیگذاشت.

دکتر مجذوب برآستی در آثار مبارک امر بهائی مُتَبَع بود.  
تخصّص و تحقیق او بیشتر مصروف در اصول و مبادی روحانی و  
اجتماعی امر مبارک بود و آثاری که از او باقی مانده بر این حقیقت که  
او فاضلی دانش طلب و دانشمندی نکته سنج بود شاهدی صادق است.  
متأسفانه تا این اواخر ضبط نطقها و تقریراتی که در جلسات بهائی القاء  
میشد معمول و متداول نبود و لذا قسمت بزرگی از افاضات آن عزیز از  
دست رفته و فقط مقالات و آثار مکتوب معظم له باقی مانده که خود  
بسیار مغتنم است.

دکتر شکوه اعظم شکوهی، همسر گرانمایه و پر شور و عشق دکتر  
مجذوب مشوق اظهار تعلق و دلبستگی این عبد بآن سر حلقه اهل وفا  
گشتند. این موهبت و سیله ای شد که خاطره ها تجدید شود، یادها بفریاد  
آید و دل و جان بشور و شوق بطهد و روح و روان هوای دیدار آن عزیزان  
مهربان نماید. لذا مناسب دیدم آخرین نامه دکتر مجذوب عزیز را که  
مورخ ۲۵ آبان ماه و تقریباً چهل روز قبل از شهادت آن جوهر وفاست  
محض یمن کلام و حسن ختام در اینجا نقل کنم تا یاد حضرتش تشقی  
خاطری برای این عبد مستمند گردد و آراستگی و جمال لفظ و معنایش  
دوستان و عزیزان را نشئه و حالی جدید بخشد.

چون میسر نیست دیگر کام او  
عشقبازی میکنم با نام او

«عزیز دل و جان، مرقومه حاکی از محبت و وفا زیارت شد و  
موجب تسلی خاطر و سرور موفور این مهجور گردید که الحمدلله  
هنوز منظور نظیرم و مورد لطف و عنایت، تصور نفرمائی که عدم  
مکاتبه و تأخیر در ارسال نامه علامت نقصان ارادت و بندگی است  
بلکه همانطور که اشاره نموده بودی این محزون در وضعی نیستم که  
بتوانم مستمراً عرض اخلاص نمایم. از جهتی کسالت مزمن عارض  
است و همانطور که میدانی هرروز ممکن است تشدید شود و ناگزیر

از بستری شدن و قبول عمل جراحی شوم و نتیجه آن هم بمشیت و اراده الهی موکول است. از طرف دیگر فعلاً هر روز در جانی و هر چند شب در مکانی و شهری بسر میبرم و باقتضای شغل و گرفتاریها کمتر رنگ خانه و گاشانه می بینم و این مساله هم مزید عدم اجتماع خاطر است. از جهت دیگر جنگ و مصیبت و آوارگی و دریدری هموطنان و دوستان موجب تأثر و اندوه فراوان است. شما دعا کنید خداوند نجات دهد و صلح و آرامش را بملت عزیز ایران ارزانی فرماید و عسرت را برخا و عزت تبدیل نماید.

دوست عزیز، هر چند در وطنیم ولی فی الحقیقه مهجور و محرومیم و از فیض حضور حبیبیان ممنوع. در این یکسال اخیر هم که چند نفر از دوستان و خوبان مانند بدیع الله خان (۲) که دل بمحبت و فیض حضورشان بسته بودیم درک محضر حق کرده و در جوار رحمت الهی مأوی گرفتند. انشاءالله که زهر فراق بشهد وصال تبدیل شود و این دوری و مهجوری پایان یابد و نعمت دیدار و مصاحبت نصیب گردد.

استدعا دارم تکبیر و تحیت مشتاقانه حضور همه دوستان و آشنایان مخصوصاً خواهر عزیز و نورچشمان ابلاغ دارید و التماس دعا کنید. شکوه و سروش بحمدالله سلامت و ایامی را بفراق و هجران میگذرانند و عرض تکبیر و فیر دارند. امیدوارم بتوانم اگر عمری باشد گاه بگاه عرض ارادت و اخلاص بنمایم و آرزو دارم دیداری دست دهد تا شرح این هجران و این سوز جگر را نکته بنکته باز گویم و تسلی خاطر یابم. بامید دیدار. ۲۵ آبان.»

---

۱- قرآن کریم ، الانعام (سوره ۶) آیه ۹.

۲- شهید مجید جناب بدیع الله فرید.



وحدت عالم انسانی

# وحدت عالم انسانی

"... قُلْ قَدْ جَاءَ الْغُلَامَ لِيَحْيِيَ الْعَالَمَ وَيَتَّحِدَ مَنْ عَلَى  
الْأَرْضِ كُلِّهَا....."

( حضرت بهاء الله )

## مقدمه

خوانندگان عزیز بطوریکه میدانید نهضت روحانی  
و بین المللی بهائی در قرن نوزدهم میلادی با قیام حضرت  
اعلی و جمال اقدس ابهی بر امر الهی در کشور مقدس ایران  
تأسیس و با تأییدات الهیه و مجاهدتها و فداکاریهای  
مداوم بسوی هدف و مقصد مقدس خود در حال پیشرفت است.  
این ظهور الهی و عمومی که بجهت نجات اهل عالم از بلیات  
و مصیبات اخلاقی و اجتماعی بنا بمشیت الهی در بسیط  
غبرا تأسیس گشته دارای دو هدف اساسی میباشد.

## ۱- هدف فردی

هدف فردی دیانت مقدس بهائی ایجاد حیات روحانی  
و اخلاقی در بین افراد انسانی و تخلّق آنان بفضائل و  
کمالات عالییه انسانی و بعبارت دیگر ایجاد حیات  
بهائی میباشد. جهت وصول باین هدف مهم احکام و

تعالیم اخلاقی و روحانی و مدنی از طرف شارع مقدّس بهائی وضع و تشریح گشته که مقصد از وضع آنها اصلاح اخلاق اهل عالم و تزکیه نفوس و ارشاد افراد بشری و تأمین سعادت حقیقی آنان میباشد، منبع این تهذیب و تکمیل اخلاق فردی کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح و آثار مبارکه جمال قدم و تبیینات مرکز میثاق و حضرت ولی امر الله میباشد.

## ۲- هدف اجتماعی

هدف اجتماعی شریعت مقدّس بهائی ایجاد وحدت عالم انسانی در جامعه بشری میباشد و این تعلیم مبارک بزرگترین هدفی است که تاکنون بنا بمقتضای زمان و رشد و تکامل عالم انسانی بجامعه بشریت عرضه شده و غایت قصوائی است که بشر ستم دیده باید بسوی آن روان و دوان باشد. هرچند هدف اساسی و اجتماعی شریعت آسمانی بهائی وحدت عالم انسانی است و لکن دیانت بهائی وصول باین هدف عالی را بدون توجه بسایر اصول و مبادی روحانی و تعالیم و احکام فردی و اجتماعی و اخلاقی این ظهور مبارک محال و ممتنع میدانند و معتقد است که سایر اصول و احکام فردی و اجتماعی این نهضت روحانی جملگی حول این مقصد اعلیٰ طائفند و در حقیقت راه راجهت وصول باین هدف آماده و هموار میسازند. ما اهل بهاء معتقدیم که این هدف عظیم و مقدّس که بنا براراده الهیه و توأم با استقامتها و جانبازیهای مداوم بعالم انسانی عرضه شده بکمک سایر اصول و مبادی این شریعت آسمانی یگانه داروی شفابخش آلام و اسقام مزمئه دنیای کنونی و تنها راه مستقیمی است که میتواند بشر سرگردان و حیران را از غرقاب نیستی و بدبختی

نجات داده بساحل سعادت ورفاه هدایت نماید . آنچه با توضیحات فوق‌شایان توجه است آنست که شارع دیانت بهائی در عین حال که برای اصلاح جامعه کل بشری بوضع و تشریح اصول و احکامی مناسب و متین مبادرت فرموده و هدف اصلی و اساسی خود را وحدت عالم انسانی و اتحاد بین‌المللی قرار داده است افراد بشر را نیز منظور نظر داشته و برای اصلاح و تربیت افراد و تهذیب اخلاق آنان نیز بوضع احکام و قوانین متقنه مبادرت فرموده و اراده دارد که با افراد صالح و پاکدامن متخلق بفضائل و کمالات انسانی يك اجتماع مرفه و متحد و سعادت‌مند بوجود آورد اینست که هدف فردی دیانت بهائی یکی از بزرگترین عواملی است که وصول بمقصد اجتماعی این آئین نازنین را تسهیل مینماید .

### وحدت عالم انسانی

مقصد اصلی و مفهوم حقیقی وحدت عالم انسانی تا آنجا که از نصوص و آثار مبارکه استنباط میشود آنست که تمام افراد بشر نوع واحد و همگی بندگان خداوند یکتا میباشند و تفاوت مراتب و استعدادات و صور و اشکال و رنگ بهیچوجه نباید مانع از این شود که بکمال الفت و اتحاد با یکدیگر زندگانی نموده و در حقوق و حدود الهی و اجتماعی و فردی باهم مساوی و برابر گشته و بوحده نوع بشر معتقد گردند . زیرا اگر وجود انسانی را "جسم" و "روحا" مورد دقت و مطالعه قرار دهیم ملاحظه مینمائیم که "اولا" از جهت عناصر

مرکبه بدن و ترتیب ساختمان هیكل انسانی وحدت نوع بشر مسلم و محتوم است چه که عناصر و اجزاء تشکیل دهنده بدن انسان مانند خون و گوشت و اعصاب و استخوان و غیره بطوریکه علوم طبیعی و علم تشریح نشان میدهد در همه افراد بشر از هر طایفه و نژاد و ملت مشابه و یکسانست و از این لحاظ تمایزی بین انسانها موجود نمیشود. ثانیاً " از لحاظ روح نیز وحدت نوع بشر مسلم و محتوم است زیرا روح انسانی و دیعه الهی و قوه مجرده است محیط و موثر و حاکم بر بدن و مبدا و سرچشمه جمیع عواطف و حالات و حرکات انسانی بوده و این و دیعه الهی بهمه افراد انسانی عنایت شده و انوار فضل و رحمت و فیض و عنایت خدا و ندی بجمیع افراد بشر متجلی گردیده است نظیر اشعه آفتاب که بجمیع کائنات ارضیه بدون تفاوت مراتب میتابد و هر کدام بقدر استعداد و قابلیت خود از آن بهره مییابند. در باب اول سفر پیدایش تورات میفرماید " و خدا گفت آدم را بصورتمان و موافق شبیهمان میسازیم ۰۰۰ پس خدا آدم را بصورت خود آفرید ۰۰۰ " و در قرآن کریم نازل شده " و ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت " جمال مبارک نیز در کلمات مبارکه مکنونه عربی چنین میفرمایند قوله الا علی " یا ابن الوجودِ مَنَعْتَكَ بِیَادِی الْقُوَّةِ وَخَلَقْتُكَ بِأَمْلِ الْقُدْرَةِ وَأَوَدَعْتُ فِیْكَ جَوْهَرَ نُورِی فَاسْتَعِنِ بِهِ عَنِ کُلِّ شَیْءٍ لِأَنَّ صُنْعِی کَامِلٌ وَحُکْمِی نَافِذٌ "

از بیان احلای فوق چنین استنباط میشود که حق جل جلاله هر فرد انسانی را بدستهای قوت و قدرت خود خلق فرموده و در ذات و کینونت هر انسانی غنا و عزت و جوهر نور و محبت خویش را بود یعت نهاده و

آدمی را بصورت و مثال خود خلق فرموده است لذا تفاوت قوی و استعدادات و عواطف و کمالات و یا شدت و ضعف آنها و همچنین اختلاف در نژاد و جنس و ملت و مانع وحدت اصلیه حقیقیه نوع بشر نبوده و نیست و افراد بشر با دارا بودن صفات و کمالات و خصوصیات گوناگون ، هر يك مظهری از تجلیات متنوعه آن مانع قدیر میباشند .

اینك كه بدلائل فوق وحدت نوع بشر مسلم و معلوم گردید باید دانست كه نتیجه و ثمره این وحدت آنست كه عموم افراد بشر از هر طبقه و نژاد و مذهب و ملت كه باشند در حدود و حقوق فردی و شرعی و اجتماعی برابر و متساوی و در تمام شئون و مزایای زندگانی و اجتماعی يكسان میباشند . یعنی هیچ نژاد یا ملت و طائفه ای را رجحان و مزیتی بر دیگران نبوده كل بمنزله اوراق يك شجر و اثمار يك بوستانند .

حضرت عبد البهاء جل جلاله مبين تعاليم و مبادی این آئین نازنین در لوح مبارك لاهه چنین میفرمایند قوله العزيز: " از جمله تعالیم حضرت بهاء الله وحدت عالم انسانیست . جمیع بشر اغنام الهی و خدا شبان مهربان این شبان بجمیع اغنام مهربانست زیرا كل را خلق فرموده و پرورش داده و رزق و احسان میدهد و محافظه میفرماید شبهه نماند كه این شبان بجمیع اغنام مهربانست و اگر در بین این اغنام جاهلانی باشند باید تعلیم كرد و اگر اطفالی باشند باید تربیت نمود تا بیلوغ رسند و اگر بیماری باشد باید درمان نمود نه اینکه كره و عداوتی داشت باید مانند طبیب مهربان این بیمارهای نادانرا معالجه نمود " و نیز میفرمایند

" مقصد از جلوه حق و طلوع آفتاب حقیقت غلبه نور محبت الله است تا ظلمات شقاق و نفاق محو از آفاق گردد و وحدت روحانیه جلوه نماید . جمیع احباب حکم نفس واحده دارند و جمیع اسماء و صفات از شخص واحد چون این موهبت میسر گردد عالم ظلمانی نورانی گردد . "

علاوه بر وحدت نوع بشر که فوقاً توضیح گردید سایر مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی این ظهور مبارک را میتوان از اجزاء و ارکان و عوامل وصول بوحدت عالم انسانی دانست که بدون توجه به آنها تحقق این آمال در جامعه بشری میسر نخواهد بود .

نسخ برخی احکام شرائع قبلیه

چون در شریعت مقدّس بهائی وحدت عالم انسانی و مساوات حقوق بشر اعلان گردیده است لذا با توجه باین هدف عالی و مقدّس پاره ای از احکام و رسومی که در شرائع قبلیه موجود و معمول بوده و حاکی از تفوق و امتیاز برخی از طبقات بر دیگران و مغایر با اصل وحدت عالم انسانی و مساوات نوع بشر بوده کلاً ملغی و منسوخ گردیده است مانند حکم نجس بودن مشرکین و عدم معاشرت با کفار و جواز قتل آنان که در قران کریم بصراحت نازل شده و همچنین جزیه دادن اهل کتاب ، امر بمعروف و نهی از منکر و اعتراض اشخاص بیکدیگر در امور دینی و دنیوی ، مباح بودن خرید و فروش غلام و کنیز ، بوسیدن دست ، صعود بر منابر ، توبه از گناهان در نزد خلق ، وجود طبقه روحانی با امتیازات و اختیارات مخصوصه و امثال ذلك . در این آئین دلنشین جمیع افراد و طبقات در حقوق متبادله انسانی کاملاً متساوی و حتی در حقوق مدنی و

جزائی و احوال شخصیه هم تمایزی بین افراد بهائی و غیر بهائی و موحد و مشرک موجود و ملحوظ نبوده و نیست و در ظل مد نیت روحانی و جهانی بهائی جمیع افراد انسانی با لتساوی از حقوق و امتیازات زندگانی اجتماعی بهره مند و بر خوردار خواهند شد و این همان وحدت اصلیه حقیقه نوع بشر است که در ادوار سالفه بعلت فقدان وسائل و امکانات و مقتضیات جامه عمل بخود نپوشیده و در مرحله بشارت و آمل باقیمانده و در جمیع کتب و صحف الهیه موکول بدوره ظهور کلی الهی و فرا رسیدن یوم اللّه و یوم الملکوت گردیده است تا اینکه در این ظهور اعزّ امنع اعلی جمال اقدس ابهی بنا بمقتمای زمان و بر حسب مشیت نافذه محیطه الهی با نزول تعالیم و مبادی روحانی و اجتماعی نجات بخش خود این بشارت و وعود الهیه را متحقق و محتوم داشتند و عموم اهل عالم را بد خول در ظل سرا پرده وحدت و یکرنگی و ملکوت صلح دعوت فرمودند.

#### تاسیس وحدت عالم انسانی در ادوار سالفه امکان نداشته است

مطلب دیگری که در این مقام باید بدان اشاره شود اینست که وصول بمرحله وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی و مساوات نوع بشر در ادوار سالفه بعلت فقدان امکانات و مقتضیات زمان میسر نبوده است. فی المثل در ادوار سالفه ارتباط بین اقوام و ملل مختلفه عالم بعلت عدم وسائل ارتباطیه مقدور نبوده و ملل و جوامع از اوضاع زندگانی و نحوه تمدن یکدیگر اطلاعات کافی و صحیح نداشتند و بعلاوه قسمتی از نقاط کره ارض مجهول و غیر مکشوف بوده است. از لحاظ تکامل جوامع



بشری هم ملاحظه می‌گردد که در قرن هفتم میلادی یعنی در زمان ظهور پیغمبر اسلام که آخرین ظهور در سلسله ظهورات گذشته است جوامع بشری در مرحله ملوک الطوائفی و فتود الیسم بسر برده و هنوز به تأسیس حکومت ملی موفق نشده بودند و بشهادت تاریخ در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی حکومت‌های مستقل ملی در کشورهای اروپائی بوجود آمده و سپس اغلب ممالک جهان نیز تدریجاً "باین مرحله وارد گردیده اند و بدون شك در عصری که جوامع بشری فی‌المثل در مرحله ملوک الطوائفی میباشند طرح مسئله وحدت عالم انسانی و اتحاد بین‌المللی و حکومت جهانی مغایر با احتیاجات و مقتضیات زمان میباشد بخصوص که در اعصار ماضیه امتیازات مختلفه طبقاتی و دینی و ملی بشدت در جوامع بشری وجود داشته است بهمین جهت جمیع مظاهر مقدسه الهیه در هر دور و زمانی اولاً : "عالم انسانی را برای وصول بچنین مرحله‌ای تربیت و ارشاد نموده و تخم الفت و محبت را بحسب اقتضاء در قلوب افراد بشرکاشته‌اند و ثانیاً : وعده فرموده اند که در عهد پسین و ایام آخرین با ظهور مظهر کلی الهی و موعود جمیع ملل و امم شاهد آمال که همانا وحدت اصلیه حقیقیه نوع بشر باشد در انجمن بنی آدم جلوه خواهد نمود و جمیع اقوام و طوائف روی زمین در ظلّ خیمهء وحدت و اتحاد عمومی آن اعظم مرتب عالم انسانی داخل و مجتمع خواهند شد و در نهایت محبت و اتحاد و الفت و وداد با یکدیگر زندگانی خواهند نمود. جمال اقدس الهی که با اعتقاد ما اهل بهاء همان موعود کل امم و ملل میباشند بنا بر مشیت الهی در قرن نوزدهم میلادی چنین مدنیتی را تأسیس و وحدت

عالم انسانی و مساوات نوع بشر را اعلان فرمود.

عواملی که دنیا را آماده قبول این هدف عالی نموده است .

قبل از ظهور جمال اقدس ابهی و بخصوص از قرن هفد هم میلادی ببعده عوامل مهمه مختلفه ای عالم انسانی را برای قبول این هدف عظیم و عالی آماده و مهیا نموده بودند و وقتیکه حضرت بهاء اللّه جل اسمه الاعلی در قرن نوزدهم مسئله وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی و مساوات حقوق بشر را تأسیس و اعلان فرمودند عالم انسانی برای قبول این مسائل عالیّه آمادگی و قابلیت یافته بود و پس از تأسیس تمدن بهائی نیز نفس قیام جمال قدم و اثر نفوذ کلام آن مظهر الهی چنان استعدادی در عالم انسانی ایجاد نمود که با سرعت بیشتری بسوی هدف مقدّس پیش برود . عواملی که قبل از طلوع شمس حقیقت دنیا را برای قبول مبادی و تعالیم روحانی و عمومی این ظهور مبارک آماده و مهیا نمودند بنحو اختصار عبارتند از :

۱- عامل دیانت : بنا بر اراده الهی مظاهر مقدسه در اعصار سالفه به تربیت و ارشاد جوامع مختلفه بشری قیام فرموده اساس الفت و محبت و فضائل اخلاقی را بنا بمقتضای زمان بنیان نهادند و عالم انسانی را برای دخول بمرحله وحدت حقیقیه نوع بشر و اتحاد عمومی آماده و مهیا نموده و ورود چنین یوم عظیم و مبارکی را نیز بمومنین خود وعده فرمودند و پیروان جمیع ادیان منتظر فرا رسیدن چنین روز بزرگ و مقدّسی بودند .

۲- عامل علم و صنعت : پیشرفت علوم و معارف بشر را از قید پاره ای اوهام و خرافات رهائی داده در مسائل طبیعی بحقایق اشیاء دلالت و بکشف رموز و روابط ضروریّه

کائنات هدایت نموده همین پی بردن بحقایق اشیاء و روابط ضروریه آنها باعث شد که انسان بر طبیعت حکومت نماید و قوای عجیبه مانند برق و بخار و مانند آنها را کشف و مسخر کرده و همچنین مواد معدنی را بخد مت خود بگمارد و باختراعات و اکتشافات مختلفه نائل آید و باموری که انجام آنها قبلا امکان نداشت توفیق یابد. فی المثل با استناد از نیروی محرکه برق و بخار و با استمداد از اکتشافات عجیبه خود موفق شد که وسائل نقلیه سریع السیر بری و بحری و هوایی اختراع کند و بنقاط مجهول و دست نخورده کرهء ارض راه یابد و فاصله زمان و مکان را از میان بر دارد و بین جوامع و ملل مختلفه عالم ارتباط سریع و دائمی برقرار کند و بالاخره هر روز بکشف حقیقت علمی تازه ای از اسرار بیکران جهان هستی موفق گردد.

پیشرفت علوم و صنایع و وفور اختراعات و اکتشافات و استفاده از قوای مکنونه در طبیعت بخصوص در دو قرن نوزدهم و بیستم بدانجا رسید که اساس تمدن عالم انسانی را بیکباره دگرگون نموده مسائل و مشاکل تازه فلسفی و اجتماعی و اقتصادی را برای جامعه بشریت پیش آورد که حل آن مسائل و مشکلات با فلسفه و علوم قدیمه و با مقررات و قوانین مدهبی، اجتماعی و اقتصادی قرون ماضیه امکان نداشت.

۳- عامل اقتصادی و تجاری: پس از استفاده از نیروی محرکه برق و بخار و بعد از صنعتی شدن کشورهای اروپائی مسائل تازه اقتصادی و تجاری در جهان مطرح شد بدین معنی که ممالک صنعتی برای فروش کالاهای خود و حفظ منافع و گردش چرخهای اقتصادی کشور خویش سعی نمودند

کارهای تولیدی خود را در کشورهای غیر صنعتی بفروش رسانند و بازارهایی را بکالاهای خود اختصاص دهند و همین باعث شد که روابط مختلفه‌ای بین این کشورهای متمدن و صنعتی با ممالک زراعتی و غیر صنعتی بوجود آید و بتدریج مظاهر تمدن ماشینی و مدنیت جدید بساین کشورها نیز رسوخ نمایند و روابط مختلفه بین المللی بین اقوام و ملل عالم تدریجاً توسعه و تکامل پیدا کند و علم و صنعت بهمه نقاط عالم انتقال یابد.

۴- عامل اجتماعی: دنیای قرن نوزدهم بعلت ترقیات شگرف فکری در امور اجتماعی و علمی احساس مینمود که اداره جوامع بشری با مقسرات و قوانین قرون ماضیه امکان ندارد و توسعه روابط مختلفه ملل عالم با یکدیگر بدانجا کشیده که باید با قوانین و نظامات و تشکیلات مناسب تری با اداره جامعه انسانی اقدام شود و عموم افراد بشر از اصل آزادی و مساوات و سایر مزایای زندگانی اجتماعی بالسویه برخوردار باشند و بهمین جهت در دو قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی افکار و عقاید تازه سیاسی و اجتماعی بخصوص در قاره اروپا ظهور نموده و روز بروز بر تعداد نویسندگان و دانشمندی که طرفدار آزادی و مساوات حقوق بشر بودند افزوده میشد.

۵- عامل معارفی: توضیح آنکه پس از اختراع چاپ و رواج استفاده از آن کتب و رسالات متعدده در زمینه مسائل مختلفه منتشر و در دسترس عدهء بیشتری از طالبان علم و دانش قرار گرفت و این مسئله به بسط تمدن و پیشرفت علوم و توسعه و تنویر افکار کمک شایانی نمود. بخصوص در دو قرن هیجدهم و نوزدهم کتب مفیده ای در

زمینه مسائل فلسفی علمی و اجتماعی بوسیله متفکرین  
و دانشمندان جهان نگارش یافته و در دسترس عموم قرار  
گرفت که فوق العاده در تنویر افکار و رشد فکری مردم  
جهان مؤثر واقع شد.

بنا بر این ملاحظه میشود که ظهور جمال اقدس  
ابهی و طرح مسئله وحدت عالم انسانی و اتحاد  
بیالمللی مسبوق بمقدمات قبلی و منطبق با احتیاجات  
و مقتضیات زمان بوده است و آن اعظم مربی عالم انسانی  
بهرتر از هر فردی مشکلات و احتیاجات جامعه بشری را  
تشخیص داده و عموم اهل عالم را برای رهائی از مصائب  
و مسائل لاینحل موجوده بقبول و اجرای تعالیم و مبادی  
روحانی و عمومی خود دعوت فرموده اند.

وجود اقوام و نژاد های مختلف مانع تحقق وحدت عالم انسانی  
نیست.

برخی از دانشمندان وجود اقوام و ملل و نژاد های  
مختلف را با وجود تباینات و اختلافاتی که ظاهراً بین  
آنان موجود است منافی با حصول وحدت عالم انسانی دانسته  
و وصول به چنین مرحله ای را مستحیل پنداشته اند و لکن  
باعتماد ما اهل بهاء این اختلاف و تفاوتها کلاً "عَرَضِی  
و فرعی بر وجود نوع انسان است و افراد بشر با وجود همه  
این اختلافات ظاهری در انسانیت مشترک بوده و همه  
بندگان خداوند یکتا میباشند و همانطور که قبلاً"  
توضیح گشت "جسماً" و "روحاً" وحدت نوع آنان مسلم و  
محتوم است و باید از حدود و حقوق الهی و اجتماعی  
و فردی متساویاً بهره مند گردند و این اختلافات  
در رنگ پوست و شکل و قیافه و تفاوت در استعدادات

و مراتب ، مانع از حصول وحدت عالم انسانی نیست بلکه افراد بشر با تفاوت‌هایی که از لحاظ رنگ ، پوست و قیافه و شعور و استعدادات دارند مانند گل‌های رنگارنگ و مختلف‌الشکلی هستند که سبب زینت و طراوات گلستان وجود میباشند .

حضرت مولی الوری جل ثنائہ در لوح مبارک مستر ماکسول در این باره چنین میفرمایند قوله العزیز: " فی الحقیقه عالم انسانی یک خاندان و یک سلاسه است به حسب اختلاف مناطق بمرور دهور الوان مختلف شد در ممالک حاره از شدت تاثیر آفتاب بمرور اعقاب جنس اسود پیدا شد و در مناطق شمالی از شدت سرما و عدم تاثیر حرارت بمرور دهور جنس ابیض پیدا شد در منطقه متوسط اصغر و جنس اسمر و جنس احمر حاصل گشت اما فی الحقیقه نوع بشر یک جنس است چون جنس واحد است البته باید اتحاد و اتفاق حاصل گردد نه اختلاف و ابتعاد . سبحان الله حیوان با وجود آنکه اسیر طبیعت است و طبیعت بتمامه حاکم بر آن است باز اهمیتی بالوان نمیدهد مثلا ملاحظه مینمائی که کبوتران سیاه و سفید و زرد و آبی و الوان مختلفه با یکدیگر در کمال ائتلاف ابدا اهمیت بالوان نمیدهند و همچنین اغنام و بهائم با وجود اختلاف الوان در نهایت محبت و اتحادند ولی انسان عجیب است که الوان را مایه نزاع قرار داده و در میان سفید و سیاه نهایت بُعد و اختلاف است . چون بگلستان در آئیم ملاحظه نمائیم که این گل‌های رنگارنگ چقدر جلوه دارند اختلاف الوان زینت گلستان است اگر یک رنگ باشند جلوه ندارد زینت گلستان در این است که گل‌های رنگارنگ باشد

پس معلوم شد که اختلاف الوان زینت عالم انسانی است ۱۰"

### وحدت عالم انسانی جز بقوه الهیه حصول نیپذیرد.

اهل بهاء را با توجه بنصوص و آثار مبارکه اعتقاد بر آن است که تأسیس وحدت عالم انسان در جهان ترابی وصول باین مرحله از تکامل جوامع بشری جز در ظل کلمه اللّٰه و استمداد از نفثات روح القدس ممکن و میسر نخواهد بود و قوای سائره قادر بانجام این امر مهم نبوده و نمیباشند زیرا همگی محدود و مقید بوده و بمصالح و منافع عموم افراد بشر توجه ندارند. حضرت عبدالبهاء در این باره چنین میفرماید قوله عزبیانه: "آرزوی ما وحدت عالم انسانی است و مقصد ما صلح عمومی پس در مقصد و آرزو متحدیم و در عالم وجود مسائلی از این د و مسئله مهمتر نمیشود زیرا وحدت عالم انسانی سبب عزت نوع بشر و صلح عمومی سبب آسایش جمیع من علی الارض لهذا در این دو مقصد متحدیم و اعظم از این مقاصد نه ۰۰۰۰ ولی يك قوتی عظیمه لازم که این صلح را اجرا نماید و این حرب را منع کند و وحدت عالم انسانی را اعلان کند زیرا مجرد علم بشری کفایت نمیکند. ۰۰۰ لهذا ما محتاج يك قوه عظیم هستیم که سبب اجرای امیدها شود و این واضح است که بقوای مادیه این مقصد و آمال حاصل نمیشود اگر بگوئیم بقوه جنسیت حاصل میشود اجناس مختلفند اگر بگوئیم بقوه وطنیت میشود اوطان مختلف است اگر بگوئیم اتحاد و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی بقوه سیاسی میشود سیاسات ملوک مختلف است زیرا منافع دول و ملل مختلف است پس واضح شد که جمیع اینها مختلف و محدود است و ممکن نیست

جز بقوه معنویه و قوه روحانیه و فیوضات الهیه و نفثات روح القدس که در این قرن عظیم جلوه نموده جز باین ممکن نیست و الاّ این مقصد در حیّز قوه میماند بجیز فعل نخواهد آمد."

### طرق وصول باین هدف عالی و مقدس

غالباً " اتفاق میافتد که بهنگام مذاکره با متحریان حقیقت همینکه صحبت از مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی این ظهور مبارک و هدف عالی و مقدس این نهضت روحانی و جهانی بمیان نیاید از فرد بهائی سؤال میکنند که جامعه بهائی برای وصول باین اهداف بسیار مهم چه روش و طریقی دارد و راه وصول باین آمال کدام است.

اینک ما در این مقال سعی خواهیم نمود طرق وصول بوحدهت عالم انسانی در تمدن من علی الارض را از نظر دیانت مقدس بهائی با استناد به نصوص مبارک تو جینه نمائیم .

طریق اول - اهل بهاء را اعتقاد بر آنست که تعالیم و مبادی این ظهور مبارک و هدف عالی و مقدس آن بنا بر اراده و مشیت الهی و بوسیله جمال اقدس ابهی بعالم بشریت افاضه شده است و حضرت بهاء اللّٰه جل اسمه الاعلی مظهر کلی الهی و مبعوث من عند اللّٰه میباشد بنا بر این بزرگترین ضامن وصول جامعه بشری را بوحدهت عالم انسانی در تمدن بین المللی و بالاخره اهداف بهائی همانا قوه قدسیه الهیه و مشیت نافذه ربانیه میدانند . مطالعه تاریخ نهضتهای روحانی در ادوار ماضیه ما را بهتر متوجه این حقیقت مینماید که هر زمان مظهری



از مظاهر مقدسه بر امر الهی قیام نموده و بنشر تعالیم و حقایق روحانی پرداخته در نهایت مظلومیت مواجه با مخالفت ها و اعتراضات معاندین و دشمنان بسیار گردیده و موانع زیادی در راه وصول باهدف عالییه خود مشاهده فرموده است و لکن بالاخره علی رغم این مخالفتها تأییدات الهیه و اراده نافذه ربانیه همه موانع و مشکلات را محو و زائل نموده و انوار جانبخش آفتاب مظهر امر الهی آفاق افنده و عقول جم غفیری را روشن و درخشان نموده است و پس از چندی تعالیم و مبادی آسمانی او جاری و ساری گشته و پیروان و مومنین بحضرتش باهدف عالییه خود نائل و بتاسیس مدنیته جدید توفیق یافته اند و ما این سنت الهی و حقیقت تاریخی یعنی مظلومیت ظاهری مظاهر مقدسه و فتح و غلبه نهائی امر الهی را در نهضتهای روحانی یهود و مسیحیت و اسلام بکمال وضوح مشاهده مینمائیم . جمال اقدس ابهی نیز در نصوص و آثار مبارکه خود بصریح عبارت و بکمال اطمینان و قدرت وعده فرموده اند که اراده نافذه الهیه دافع موانع و مشکلات و بزرگترین ضامن فتح و ظفر نهائی این آئین نازنین بوده و بالاخره وقوع حوادث و انقلابات و اضطرابات جسمیه حتمیه که لازمه مدنیته ورشکسته و محکوم بزوال و مظاهر آنست و همچنین تحولات جامعه بشری منجر بتاسیس مدنیته روحانی و جهانی این ظهور آسمانی و سلطنت ظاهری حضرت بهاء الله خواهد شد و در مستقبل ایام ید قدرت الهی صاحبان قدرت و جلال و شوکت را مبعوث و بر نصرت امر الهی قائم خواهد نمود . جمال قدم جل اسمه الاعظم در لوح مبارک رئیس آئینده باشکوه این امر اعز اعلی را باین

بیانات عالیات پیشگوئی می فرماید قوله تعالی :  
" سوف یبعثُ اللهُ مِنَ الملوكِ مَنْ یعین اولیاءَہِ اِنَّہ  
على کُلِّ شیئی محیط و یُلقي فی القلوب حُبَّ اولیاءہ هذا  
حتم من لدن عزیز جمیل "۰

و نیز در سوره هیکل میفرماید قوله الا علی :  
" سوف یخرُجُ اللهُ مِنَ اکمامِ القُدرةِ اِیادِی القُوَّةِ  
والغلبہ و یبعثُ قوماً یُنصرونَ العُلامَ و یطہرنَ الارضَ  
عن دَنسِ کُلِّ مُشْرِکٍ مَردودٍ و یقومنَ علی الآمِرِ و یفتَحنَ  
البلادَ بِاسْمِ المُقْتَدِرِ القیومِ و یدخلنَ خِلالَ الدیارِ  
و یأخذُ رُعبہم کُلَّ العبادِ هذا مِن بطشِ اللہ اِنَّ بطشہ  
شَدیدٌ بالعدلِ اِنَّہ لَمحیطٌ عَلی مَن فی السمواتِ  
والارض ۰۰۰۰ " مضمون این بیانات مقدسه اعلی بفارسی  
چنین است ( خداوند بزودی مبعوث میفرماید از سلاطین  
کسی را که یاری کند اولیائش را و خدا بر هر چیزی محیط  
است و میاندازد در قلب ها محبت اولیاء خود را و این  
وعده ایست قطعی و محتوم از طرف خداوند عزیز جمیل)  
و نیز میفرماید ( بزودی خداوند از آستینهای قدرت  
دستهای قوت و غلبه را بیرون میآورد و مبعوث میکند  
قومی را که نصرت مینمایند این غلام الهی را و پاک  
میکنند زمین را از ناپاکی هر مشرک مردودی و قیام میکند  
بر امر الهی و میکشایند شهرها را باسم من که مقتدر  
و قیوم است و داخل میشوند در اطراف زمین و ترس آنان  
همه مردمان را فرا میگیرد این از شدت و غلبه الهی  
است زیرا که بمقتضای عدل شدت عمل و وصولت و  
غلبه او شدید است و البته خداوند بر کسانیکه در  
آسمانها و زمین هستند محیط است ) حضرت ولی  
مقدس امرالله نیز در توقیع منیع ۱۱۰ بدیع چنین

میفرمایند قوله العزیز " ۰۰۰ ای یاران جان نثار بیقین  
 مبین بدانید که در نتیجه وقایع خطیره جسمه که در پیش  
 است و انتصارات باهره که آثار اولیهاش در جامعه بهائی  
 حال نمایان گشته و در اثر تأییدات لاریبیه الهیه و  
 انقلابات جهان که مُتتَبِعاً مُتَزَايِدًا از پس پرده  
 قضا ظاهر و پدیدار میگردد امر عزیز الهی در عهد  
 آتیه عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر  
 ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدس است  
 مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که بانوار  
 ساطعه اش در این قرن پر انوار منور گشته طی نماید  
 و وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است کل  
 تحقق یابد. دور مجهولیت که اولین مرحله در نشو  
 و نمای جامعه اهل بهاست و مرحله ثانیه مظلومیت و  
 مقهوریت که در وقت حاضر در کشور ایران امر مبارک  
 جمال ابهی آنرا طی مینماید هر دو منقضی گردد و  
 دوره ثالث که مرحله انفصال شریعت الله از ادیان  
 منسوخه عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه  
 مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف  
 بحقوق مسلوبه اهل بهاء و مساوات پیروان امر جمال  
 ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار روسای جهان  
 و این استقلال مهمد سبیل از برای رسمیت آئین  
 الهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی  
 که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر  
 نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت بمرور ایام مبدل  
 و منجر بتأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطه زمینیه شارع  
 این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیه مآلاً بتأسیس  
 و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه

ظاهری و روحانی موءسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است منتهی گردد ۰۰۰۰"

بطور خلاصه امر عزیز و غالب الهی در دوره ما در زمانی قرار دارد که عالم انسانی مرحله پر زحمت و هیجان عنفوان جوانی را میگذارند تا بمرحله رشد و بلوغ خود برسد و بفرموده حضرت ولی مقدّس امرالله در توفیق منیع قد ظهیر یوم المیغاد: " تشنجات این دوره استحاله و اغتشاش در تاریخ عالم انسانیت از ضروریات اولیه و مبشر قرب وقوع حتمی آن اعظم قرون (آخر الزمان) است که در آن سفاهت و آشوب جنگ و جدال که از اول طلوع تاریخ بشر صفحات وقایع آنرا سیاه کرده بالاخره منتهی بعقل و درایت و آسایش و صلح ثابت و عمومی و دائمی خواهد گردید و در آن قرن اختلاف و انشقاق ابناء بشر جای خود را بصلح و آشتی عمومی و وحدت کامل عناصر مختلفه متشکله جامعه انسانی واگذار خواهد کرد ۰۰۰۰" (ترجمه)

در این دوره دو قوه عظیم یکی منفی و دیگری مثبت در حال کوشش و فعالیت میباشند تا عالم بشریت را از مرحله کنونی بمرحله رشد و بلوغ کامل سوق دهند و آنرا با آخرین حد تکامل خود که عبارت از تاسیس وحدت عالم انسانی است برسانند.

قوه اول که نفیاً و بطور غیر مستقیم در کوشش است عبارت از تمدن هالکه مادیّه کنونی و مظاهر آن و بالاخره بلای مبرم و دامنه داری است که نوع انسانی بسبب فراموشی از خدا و عدم اعتناء به اصول اخلاقی و تعالیم روحانی مظاهر الهیه بدان دچار شده و مآلاً و خقیماً

جاده را برای وصول به‌عالیترین هدف و غایت جامعۀ بشریت و مرحله بلوغ و کمال صاف و هموار مینماید.

وقوع انقلابات خطیره و حوادث و اضطرابات جسمه آینده که زائیده و محصول تمدن محکوم بزوال کنونی عالم است بالاخره مدنیت مادیه حالیه را به‌وادئ فنا و نیستی میکشاند تا مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه بر روی خرابه‌های آن بنا شده و عالم رنج‌دیده و بشر مصیبت کشیده را در ظل خیمه وحدت و یکرگی خود مجتمع گرداند.

قوه دوم که اثباتاً بطور مستقیم در حال ساختن و پرداختن مدنیتی نوین و جهانی است قوه قدسیه ساریه الهیه و فیوضات ربّانیّه است که بنا به اراده الهی و با تاسیس این آئین الهی و عمومی بوجود آمده است.

• ظهور این قوه در عالم انسانی چنان استعدادی ایجاد نموده که بتواند مراحل صباوت و کودکی و عنفوان جوانی را طی کند و خود را سریعاً بمرحله بلوغ و کمال و آخرین حد تکامل خویش در این کره خاکی برساند.

حضرت ولی مقدّس امر الله راجع به اثرات این قوه خلّاقه در توقیع منیع "قد ظهر یوم المیعاد" چنین میفرمایند

قولہ العزیز: "..... آن قوای خلّاقه که ظهور آن در سنه ستین بوجود آمد و سپس بفیوضات متتابعه قوه ملکوتی که در سنه التسع و سنه هشتاد برای نظم نوع بشر نازل شد تأیید گشت در عالم بشریت چنان استعدادی دمید که بتواند باین مرحله نهائی سیر تکاملی ترکیبی و عمومی خود نائل گردد.

• انجام این سیر کمال همواره باقرن ذهبی امر آنحضرت توأم شمرده خواهد شد....." (ترجمه)

ولکن برای وصول بمرحله وحدت عالم انسانی باید مراحل مختلفه‌ای طی شود تا بالاخره از خلال وقایع و

حوادث خطیره و انقلابات شدید که پیش بینی و درك جزئیات آن فعلا" برای ما مقدور نیست مدنیت روحانی و جهانی حضرت بهاء اللّٰه رشد و تکامل یابد و در عصر ذهبی دیانت بهائی بتاسیس و استقرار سلطه روحانی و ظاهری جمال اقدس ابهی در بسیط غربا منجر گردد.

طریق دوم - حضرت ولی محبوب و مقدس امرالله ارواح العشاق لعنا یا ته الفداء در لوح مبارك " قد ظهر یوم المعیاد " این موضوع را کاملا توجیه میفرمایند که بشر از ابتدای سکونت خود در روی کره زمین یک سیر تکامل اجتماعی را آغاز نموده که وحدت عالم انسانی آخرین مرحله این سیر تکامل بوده و وصول به آن برای جامعه انسانی ضروری و محتوم است .

با توجه باین مطلب اینک میگوئیم یکی از قوانین کلی و عمومی عالم وجود قانون حرکت و دگرگونی میباشد البته این حرکت بدون هدف و مقصد نبوده بلکه همواره در طریق تکامل انجام میگیرد . جامعه انسانی نیز از این قانون کلی مستثنی نیست . بشهادات تاریخ اجتماع انسانی در طول زمان همواره در طریق تکامل بوده و در جهت صعودی و تکاملی سیر و حرکت نموده است . بنا باقوال دانشمندان و مورخین ، بشر در زمانهای خیلی دور بطور بدوی و انفرادی بر روی کره خاکی زندگی مینموده است و پس از گذشت زمان و بر اساس میل غریزی و احتیاجی که بزندگی دسته جمعی داشته بتشکیل خانواده که اولین و مهم ترین واحد اجتماعی است ، اقدام نموده است .

در باره زمان تشکیل این اولین و مهمترین واحد اجتماعی و تغییرات و تبدیلات آن بعلا بعد زمان

و نبودن مدارك قطعی اطلاعات دقیقی در دست نداریم  
ولکن امروز هم در بین قبایل غیر متمدن ونیمه وحشی که  
در جزائر دور افتاده اقیانوس کبیر - استرالیا گینه جدید  
و افریقا زندگی میکنند میتوان مراحل ابتدائی تشکیل  
کانون خانواده را مشاهده کرد . بهر حال این مرحله را  
اجداد و نیاکان ما در طی هزاران سال پیموده و متدرجا  
قدم از آن فراتر نهاده بمرحله دیگری وارد شده اند .

مرحله ثانی در سیر تکامل جوامع بشری بسوی وحدت  
ایجاد يك واحد بزرگتری در اجتماع انسانی بنام قبیله  
و طائفه بوده است . پس از تشکیل واحد های خانواد ه  
احتیاج مقابله با حوادث مشکلات طبیعی و دفاع از خود  
در مقابل درندگان و نیز تمایل انسان بزندگی دسته جمعی  
و معاشرت با یکدیگر سبب شد که چند یا چندین خانواده  
بدور هم جمع شده و قبیله ای را تشکیل دهند و يك مرحله  
دیگری را بسوی وحدت بشر طی کند . طریقه انتخاب رئیس  
قبیله و وضع مقررات و نظامات و تعیین حدود و اختیارات  
افراد قبیله و یا اجرای مجازات در باره متخلفین و خلاصه  
طرز اداره این واحد اجتماعی خود بحثی مفصل و از حوصله  
این مقال خارج است .

مرحله سوم در این سیر تکاملی بوجود آمدن شهرهای  
متعدد از اجتماع خانواده ها و قبائل متعدده بوده است که  
بدین وسیله تدریجا شهرنشینی معمول و بعقیده علمای  
علم الاجتماع با بوجود آمدن شهرها و روابط مختلفه  
اجتماعی و انسانی ایجاد و بشر وارد اولین مرحله از  
تمدن گردیده است ( لفظ تمدن یا مدنیت اصولا از کلمه  
مدینه بمعنی شهر گرفته شده است در زبانهای

CIVILISATION

اروپائی نیز لغت سیویلیزاسیون

بر تمدن و مدنیت اطلاق شده که آنهم از کلمه سیتیویس  
Citivis بمعنی اهل شهر مشتق شده است .  
درحقیقت بمدد شهر نشینی و ایجاد روابط و مبادلات  
گونگون استعدادات افراد بشر برای تظاهرات خود میدان  
وسیعتر و مناسبتری یافته و بالنتیجه پیشرفت های  
مختلف فکری اجتماعی و اقتصادی نصیب جوامع انسانی  
گردیده و وجود شهرها اصولاً بهترین وسیله تقسیم کار  
و مبادله اطلاعات و همکاری و همفکری افراد بشر و  
پیشرفت جوامع مختلفه بوده است .

پس از عبور از مرحله شهر نشینی ، جوامع بشری  
بعلت بسط روابط تجاری و کثرت رفت و آمد بین شهرها  
وارد مرحله چهارم از سیر تکاملی خود یعنی مرحله وحدت  
ملی گردید و بتاسیس حکومت ملی اقدام نمود و آداب و رسوم  
قبیله ای به نظامات و قوانین مدنی و مملکتی مبدل گشت .  
بفرموده حضرت ولی مقدس امرالله در توقیع منیع " قد ظهر  
یوم المیعاد " شریعت مقدس اسلام هادی و راهنمای بشر  
در پیمودن این مرحله بوده است . زیرا در زمان ظهور  
پیغمبر اکرم مردم شبه جزیره عربستان از لحاظ اجتماعی  
در مرحله ملوک الطوائفی بسر برده و قبائل و طوائف متعدده  
متحاربه در آن سرزمین وجود داشتند و بین آنان نزاع  
و جدال دائمی بوده لذا آن مظهر الهی هدف اجتماع خود  
را ایجاد الفت و اتحاد بین طوائف مختلفه عربستان قرار  
دادند و با بیان مبارك " انما المومنون اخوة " همه  
مؤمنین را از هر قبیله و طایفه ای که بودند برادران  
یکدیگر بشمار آوردند . بنابر این وصول بمرحله اولیه وحدت  
را میتوان از خصایض مشخصه دوره شریعت مقدس اسلام  
دانست .



بدین ترتیب جوامع بشری در طول هزاران سال مراحل مختلفی را طی کرده و در قرن نوزدهم میلادی یعنی زمان ایجاد نهضت روحانی و بین‌المللی بهائی آخرین مراحل تکاملی وحدت ملی را پیموده و به تاسیس حکومت متعدد مستقله ملی نائل آمده و معنا " خود را آماده دخول بمرحله ای عالی تر و وسیعتر یعنی وحدت عالم انسانی و اتحاد بین‌المللی نموده بودند.

با توضیحات مذکوره اینک می‌گوئیم یکی از بهترین طرق وصول عالم انسانی به هدف اساسی و اجتماعی دیانت مقدس بهائی همانا سیر جبری جوامع بشری بسوی وحدت میباشد و اجتماعات بشری که مرحله وحدت ملی را طی نموده و به علت ترقیات سریع فکری و صنعتی و اجتماعی و بواسطه ظهور اختراعات و اکتشافات عجیبه و توسعه روابط مختلفه ملل با یکدیگر این مرحله برای رفع احتیاجات کنونی آن ناقص و از کار افتاده شده است چاره‌ای جز دخول به مرحله‌ای عالیتر و عمومی تر که وحدت عالم انسانی و اتحاد من‌علی الارض باشد ندارد و جمال اقدس ابهی مظهر کلی الهی در یک قرن پیش باین ضرورت توجه فرموده و با تاسیس تعالیم و مبادی روحانی و اجتماعی خود و با تعیین وحدت عالم انسانی و اتحاد بین‌المللی بعنوان هدف اصلی از ظهور حضرتش عالم را متوجه این احتیاج نمودند و ما امروز علائم این احتیاج شدید را برای العین می‌بینیم و بوضوح مشاهده میکنیم که عالم انسانی هیچ راهی برای رهائی از مشکلات لاینحل اجتماع خود ندارد مگر آنکه بمرحله نهائی سیر تکاملی خود یعنی وحدت عالم انسانی و اتحاد بین‌المللی وارد شود. بوجود آمدن نهضتها و انجمنها و جمعیتهای

مختلف بین‌المللی در دو قرن نوزدهم و بیستم برای وصول بمقاصد گوناگون عمومی و بین‌المللی و از همه مهمتر تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول و تبدیل آن بسازمان عظیم بین‌المللی بنام سازمان ملل متحد با تشکیلات و تاسیسات متعدده وابسته بآن و تنظیم و انتشار اعلامیه حقوق بشر بر اساس آزادی و مساوات عموم افراد انسانی و بالاخره طرفداری عمیق و جدی بسیاری از دانشمندان و متفکرین و سیاسیون عالم از فکر حکومت جهانی و اتحاد بین‌المللی و تامین صلح و امنیت عمومی و دائمی از طرق حکومت و قانون دنیائی همه مبین این حقیقت است که عالم بشریت باصول تکامل و ضرورت بسوی هدف اساسی این ظهور آسمانی یعنی وحدت عالم انسانی روان و دوان میباشد. جنبش‌ها و انجمنها و اتحادیه‌های بین‌المللی که در زمینه‌های مختلف در یک قرن اخیر از طرف ملل آزاد جهان بوجود آمده و تاسیس شده از حد احصاء خارج است فقط در این مقال متذکر میشویم که بنا بمندرجات اولین سالنامه‌ایکه بنام (زندگی بین‌المللی) در سال‌های ۹-۱۹۰۸ منتشر شده از سال ۱۸۴۰ تا ۱۹۰۱ هزار و هفتصد و هشتاد و هفت (۱۷۸۷) اجتماع بین‌المللی برپا شده که بعضی جنبه علمی و برخی جنبه عملی و حرفه‌ای و پاره‌ای ارزش اجتماعی یا نیکوکاری داشته است همین سالنامه در سال ۱۹۱۱ صورت ۳۰۰ فقره تشکیلات دائمی بین‌المللی را منتشر میکند. آیا تشکیل این انجمنها و اتحادیه‌ها که روز بروز بر کثرت و اهمیت آنها افزوده میشود مبین لزوم شدید تاسیس فوری یک مدنیّت عمومی و بین‌المللی در عالم انسانی که بر مبنای معنویّت و اخلاق استوار باشد نیست؟ حضرت ولی‌مقدس امرالله

در باره لزوم و محتوم بودن وصول جامعه بشری بوحدت عالم انسانی چنین میفرمایند قوله العزیز: " وحدت کافه نوع بشر مابه الامتیاز مرحله است که حال هیئت جامعه بشری بآن نزدیک میشود وحدت خانواده و قبیله و شهر و ملت متوالیاً مورد اقدام واقع و کاملاً تحقق پذیرفته است وحدت عالم غایت قصوائی است که بشر سرگردان برای نیل بآن تلاش مینماید. اکنون تشکیل وحدت ملی بپایان رسیده است و هرج و مرجی که ملالزم اختیارات مطلقه حکومت است بمنتهای درجه شدت میرسد. عالمیکه در حال رشد و بلوغ است باید از قید این بت وهم خود را رها کرده بوحدت و جامعیت روابط بشری معترف و بطور قطع نظمی ایجاد نماید که بوجه احسن بتواند این اصل اساسی حیاتش را مجسم سازد....." (ترجمه)

طریق سوم - طریق دیگری که برای وصول جامعه بشری به هدف اساسی و اجتماعی این ظهور مبارک وجود دارد همانا استمداد از سایر مبادی و تعالیم و احکام روحانی و اداری و اجتماعی و فردی این آئین سازنین میباشد و اهل بهاء را براهنمائی نصوص مبارکه اعتقاد بر آنست که وصول بمرحله وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی بدون توجه بسایر مبادی و تعالیم الهی و عمومی این نهضت روحانی و جهانی مانند احتیاج عالم بنفثات روح القدس - وحدت اساس ادیان - توافقی دین با علم و عقل - لزوم ترك تعصبات جاهلانه - وحدت لسان و خط - تعلیم و تربیت عمومی و اجباری و وحدت تربیت - تساوی حقوق زن و مرد - تعدیل معیشت عمومی و حل مشاغل اقتصادی و بالاخره صلح عمومی و لزوم

تأسیس محکمه کبرای بین‌المللی و بیت العدل اعظم الهی و همچنین تشکیلات منظم و بدیع بین‌المللی - ملی و محلی که برای اداره عالم در ظل تمدن بهائی پیش‌بینی شده است ممکن و میسر نخواهد بود. در حقیقت هدف اصلی و اساسی دیانت مقدس بهائی وحدت عالم انسانی است و سایر مبادی و تعالیم روحانی و اداری و اجتماعی این ظهور ملکوتی طائف حول این مقصد اعلی بوده و جزو ارکان آن بشمار میروند و راه را برای وصول باین مرحله عالی و نهائی هموار و آماده مینمایند. عبارت دیگر مبادی و تعالیم روحانی و اداری و اجتماعی و فردی این ظهور مبارک را میتوان به مثابه اعمده و ارکان و لوازم و مصالح کاخ رفیع البنیان مدنیت روحانی و جهانی شریعت مقدس بهائی دانست که بر فراز آن علم وحدت عالم انسانی در موج و اهتزاز است.

طریق چهارم - طریق دیگری که جامعه جهانی بهائی برای وصول به هدف عالی و مقدس خود دارد عبارت از کوششها و مجاهدتهای خالصانه جمهور مومنین و مومنان و بنندگان پر عشق و وفای جمال قدم در سراسر عالم میباشد. بشهادت تاریخ مشعشع امرالله از هماندم که مظهر الهی بر عرش ظهور مستقر شد و خیمه وحدت و یکرنگی را بر فراز همه امتها برافراشت گروهی شیفته و دلداده تعالیم و حقایق روحانیه و عالیه آن منجی امم شدند و بکمال میل و رضا در سبیل محبت آن محبوب بی‌همتا و برای استقرار صلح و اتحاد در انجمن عالم بمشهد قربانی وفدا شتافتند و بخون خود

آیات توحید نگاشتند و به حقانیت و اصالت و قهاریت این آئین نازنین و جامعیت مبادی سامیه اش شهادت دادند و جمعی دیگر بعشق آن معشوق حقیقی و با قدم استقامت کوهها و صحراها و شهرها را پیموده ندا یا مر بهاء در دادند و نفوس مستعد را بشریعه عز احدیه رهنمون گشتند و بسیف حکمت و بیان و دلیل و برهان مدائن قلوب را فتح نمودند و برخی نیز بانشار درهم و دینار و گذشتن از مال و منال و عزت و لذات دینوی بر نصرت امر عزیز الهی پرداختند .

امروز نیز که باراده نافذ الهیه و مجاهدات خستگی ناپذیر ستاینندگان اسم اعظم پرچم یا بهاء الاهی در قارات خمه عالم باهتزاز آمده جمعی دل داده و دلباخته ندای محبوب دل و جان را اجابت نموده و بنقاط و ممالک و جزائر بعیده و صحاری سوزان و مناطق سررسیر قطبی مهاجرت کرده و جم غفیری از پیروان ادیان و اقوام و ملل مختلفه عالم را بدخول در ظل ظلیل این آئین نازنین فرا خوانده اند و عده ای دیگر بخدمت در تشکیلات منظم محلی و ملی و بین المللی بهائی و تقویت و تحکیم اساس آن که طلعه ظهور و نظم بدیع جهان آرای الهی و از عوامل مهم و موثر استقرار وحدت عالم انسانی است قاثمنند و اکنون که جامعه جهانی بهائی در نیمه راه جهاد کبیر اکبر روحانی است تمام کوششها و مجاهدتهای جمهور اهل بها در سراسر دنیا مصروف آنست که تا پایان نقشه اهداف عالیه آن که بنا باراده مولای محبوب اهل بهاء تعیین و تهیه شده انجام پذیرد و پس از انقضای مدت نقشه بیت اعظم الهی که مرجعی مصون از خطا و واضح قوانین و شرایع غیر منصوصه و مآلاً یگانه ملجاء و پناه بشر رنج دیده

است در جهان مستقر شود و قدمی خطیر و مهم در راه وصول  
 بوحدهت عالم انسانی و اتحاد بین المللی برداشته شود .  
 بنابراین ملاحظه میشود که کوششها و مجاهدتهای  
 مجاهدین فی سبیل اللّٰه در زمینه های مختلف و فتوحات  
 و انتصاراتی که بدون وقفه نصیب بندگان آستان جمال  
 قدم و جامعه جهانی بهائی شده و میشود خود  
 بزرگترین و مهمترین وسیله برای وصول به هدف عالی و مقدّس  
 این آئین دلنشین یعنی وحدت عالم انسانی میباشد .

### هدف زندگی يك فرد بهائی

ما اهل بهاء بصرف فضل و عنایت جمال اقدس  
 ابهی در ظل شریعت بیضائی مستظلمیم که هدفش تأسیس  
 وحدت عالم انسانی و اتحاد من علی الارض میباشد و بخوبی  
 میدانیم که برای وصول باین هدف عالی و مقدّس چه بلایا  
 و رزایا و چه جانبازیها در طول يك قرن تحمل شده است  
 سینه مطهر طلعت اعلی هدف گلوله های اهل جفا گردید  
 و جمال مبارک مدت چهل سال در هر دمی ظلم و جفائی و  
 اذیت و بلائی دیده از شهری بشهری سرگون و مسجون  
 شده اند . ایام حیات مبارک مرکز میثاق امر بهاء  
 بعسرت و غربت و سرگونی و تحمل سپری گشته و حضرت  
 ولی مقدّس امر اللّٰه ۳۶ سال حیات مبارکش را فدا و  
 قربانی فرموده اند و همچنین جم غفیری دلداد و شیدائی  
 جمال و کمال معشوق حقیقی بکمال میل و رضا بمیدان قربانی  
 و فدا شتافته و در نهایت سرور و اشتیاق از سر مال و منال  
 برخاسته اند و در ره محبوب دل و جان خود قدم انقطاع  
 برداشته اند . جمیع این بلایا و رزایا و مجاهدتها  
 و فداکاریها و استقامتها در طول تاریخ یکصد ساله امر

اعز اعلاى جمال ابهى تحمل شده تا عالم انسانى به مرحله بلوغ و كمال رسد و بساط اوهام و تعصبات و اختلافات درهم پيچيده شود. مَنّا ثن مستور در قلوب محو و نابود گردد و عموم افراد بشر بر دين واحد و كلمه واحد اجتماع كنند و وحدت عالم انساني حصول پذيرد. بسيط غبرا آيتى از جنت ابهى شود و مصداق " واشرقت الارض بنور ربها " تحقق يابد. با توجه باين توضيحات اينك ميتوانيم قضاوت کرده و بگوئيم هدف يك فرد بهائى در اين جهان ترابى چيست؟ بدون شك فردى كه شيدائى جمال اقدس ابهى شده و طوق عبوديت و بندگى آستانش را طوعا بر گردن نهاده و خود را مستظل در ظل شريعت غراى حضرتش ميشناسد و وصول به هدف نهاى و مقصد على اين ظهور مبارك را يگانه وسيله نجاج و فلاح و سعادت اهل عالم ميداند هدفى جز خدمت و جديت و فداكارى در راه وصول باين مقصد اعلى نميتواند داشته باشد و در هر مقام و رتبه اى كه هست بايد بقدر وسع و استطاعت خود براى تحقق اين اعظم آمال پيشينيان كه سعادت اهل عالم بدان منوط است قولا و عملا جديت و فعاليت نموده و قسمتى از نيروى جسمى و روحى و منافع و مصالح شخصى خود را فدائى سعادت جامعه بشرى و ترويج وحدت عالم انسانى نمايد.

حضرت مولى الورى جل ثنائى در اين باره چنين ميفرمايند قوله العزيز: " ۰۰۰۰ مظاهر مقدسه الهيه بجهت ظهور وحدت عالم انسانى مبعوث شده اند و تحمل صد هزار مشقت و بلا نموده اند تا جمعى از بشر احزاب مختلفه در ظل كلمه الله مجتمع و متحد گشته و حدت عالم انسانى را در نهايت حلاوت و لطافت و ملاحظت در عرصه وجود جلوه دهند. پس بايد ياران الهى را آرزو

چنان باشد که عموم بشر را متحد و متفق نمایند تا از این صهبای طهور و کاس مزاجها کافور نصیب موفور برند ملل مختلفه را متحد نمایند و شعوب و قبائل متقابل را متحابه کنند ۰۰۰ یاران الهی از ملکوت ابهی موید و بجیوش هدایت کبری موفق ۰۰۰"

در این مقام قسمتی از نامه حرم مبارک روحیه خانسم را خطاب بچوانان عزیز بهائی نقل نموده و مقال را خاتمه میدهم و از ساحت قدس الهیه رجای تائید مینمائیم (ترجمه) "۰۰۰۰ چند روز قبل شخصی از حضرت ولی امرالله سؤال کرد از نظر فرد بهائی غرض از زندگی چیست هیکل مبارک جوابی را باو فرمودند برای من نیز نقل کرد فی الحقیقه قبل از شنیدن بیان مبارک از خود می پرسیدم غرض از حیات چیست ؟ آیا هیکل مبارک بآن شخص فرمودند که مقصد از زندگی در نزد ما معرفت الله است؟ آیا غرض تصفیه نفس است ؟ فی الحقیقه جوابی را که فرموده بودند هیچ بخاطرم نمیگذشت جواب این بود که مقصود از حیات در نظر بهائیان ترویج وحدت عالم انسانی است زیرا زندگی مانیز بسزندی جمیع افراد بشر وابسته و مربوط است بهائی در پی سعادت و نجات خود نیست بلکه خواهان سعادت و نجات عموم است مانباید نظربه خویش کرده بگوئیم " بخود مشغول باش و خود را نجات بده و مائمن و ملاذی برای آخرت خود بیندیش " ما باید بگوئیم که زمین بهشت برین شود و این نظر وعقیده بسیار بزرگ و جلیلی است . حضرت ولی امرالله سپس فرمودند که مقصود ما ایجاد مدنیت جهان آرائی است که باید بنوبه خود در اطوار و حالات افراد تاثیر کند ۰۰۰۰"



# صلاح جهانی در ظلّ تعالیم بهائی

بطوریکه میدانیم افراد بشر پس از اینکه به تشکیل اجتماعات مبادرت ورزیدند و روابط مختلفه با یکدیگر پیدا نمودند به تناسب زمان و مکان به تهیه قوانینی پرداختند تا روابط آنها را با یکدیگر تنظیم نماید . قبل از بوجود آمدن دولتها قانون و حقوق فقط روابط اشخاص و خانواده ها را با یکدیگر تنظیم مینمود ولیکن پس از ظاهر شدن دولتها قانون روابط مردم را در داخله و در مقابل دولت و بالعکس تنظیم نمود و این قوانین و مقررات راه تکامل پیمود و بالاخره پس از تشکیل دول و ملل مختلفه و ایجاد روابط فیما بین و توسعه و تزیید آن حقوق بین الملل بوجود آمد که روابط اقوام و ملل و دول مختلفه ، و بطور کلی روابط افراد بشر را نسبت بیکدیگر در هر کجاکه باشند تعیین مینماید .

پس از بوجود آمدن دولتها دوّمین سازمانی که برای تنظیم روابط ملتها بوجود آمد جامعه دول بود . جامعه دول ابتدا در اروپا پس از سقوط امپراطوری

روم و بعد از قرون وسطی بر پایه حقّ حاکمیت و استقلال  
دول بوجود آمد. سلاطینی که در قرون وسطی استقلال  
یافته بودند بتدریج پایه و اساس دولتهای جدید را  
گذاشتند و با سائر سلاطین و رؤسای کشورهای مجاور  
ارتباط حاصل کردند و با عقد قرار داد های صلح و اتحاد  
روابط خود را با یکدیگر تنظیم نمودند و بر داد و ستد  
تجاری بین خود پرداختند و کم کم سازمانی را که جامعه  
دول باشد بوجود آوردند که همه دول بطور مساوی  
و با حفظ استقلال در آن شرکت داشتند. در این زمان  
با اینکه روابط مختلفی بین کشورها برقرار میشود ولیکن  
سازمانی منظم و دائمی بوجود نیامده و از رؤسای  
نمایندگان کشورها جمعی تشکیل نگردیده بود

در سال ۱۶۴۸ در وستفالی رؤسای برخی از کشورها  
تشکیل کنگره ای دادند ولیکن این کنگره و کنفرانسهای  
که در طول قرن ۱۷ و ۱۸ تشکیل میشد جنبه موقتی  
داشت و فقط در پایان هر جنگی برای رسیدگی بمسائل  
مهم و مختلف بین المللی تشکیل میگردد.

مؤسسه دیگری که در گذشته موجب ارتباط و اتحاد  
دول میشد و امروز هم در حصول این مقصد مؤثر است  
سفارتخانه است، باین ترتیب که در قدیم بعد از هر  
جنگی کشورهای متخاصم اشخاصی را جهت مذاکره  
و انعقاد قرار داد صلح و جلوگیری از جنگ مجدداً مأمور  
میکرده اند. این مأموریتها جنبه موقتی داشته  
ولیکن از سال ۱۶۴۸ به بعد جنبه دائمی پیدا نموده  
است. از موقعیکه اعزام نماینده یا سفیر متقابلاً  
از طرف کشورها با حسن قبول تلقی گردید و مأموریت  
سفیر ایجاد ارتباط با دولت محل مأموریت خود و ارسال

گزارش بدولت متبوع خویش شد و جنبه دائمی پیدا کرد جامعه دول موجودیت یافت و این امر یکی از مهمترین عوامل ترقی حقوق بین الملل بوده است. ضمناً باید متذکر شد کنسولگریهایی که قبل از بوجود آمدن سفارتخانه برای رسیدگی بامور اقتصادی و تجاری و حفظ حقوق تجار خارجی در يك کشور بوجود آمدند بنوبه خود در ایجاد و بنیان نهادن سازمانهای بین المللی مؤثر بوده اند. در قرن نوزدهم اولین کنگره که برای مقاصد صلح جویانه منعقد گردید کنگره وین بود که در سال ۱۸۱۵ میلادی در پایتخت اتریش و با شرکت نمایندگان کلیه کشورهای اروپا تشکیل شد و پس از چندی نیز اتحاد مقدس با شرکت پنج دولت روسیه، اتریش، پروس، انگلیس و فرانسه تشکیل گردید و طبق آن دول فوق الذکر متعهد شدند که در مناسبات خود با یکدیگر اصل اخوت و برادری را که اساس تعالیم حضرت مسیح است مورد توجه قرار دهند و در صورت بروز اختلاف از طریق مسالمت آمیز در حل و فصل آن بکوشند.

از لحاظ قانونگذاری بین المللی تشکیل کنفرانسهای سال ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه را (که در لوح مبارک جواب جمعیت صلح لاهه مورد اشاره حضرت مولی الوری قرار گرفته است) میتوان شروع يك دوره جدید اجتماعی و روابط بین المللی تلقی نمود.

در کنفرانس ۱۸۹۹ لاهه ۲۶ دولت، و در کنفرانس ۱۹۰۷ آن ۴۴ دولت با حقوق مساوی شرکت کردند. مسائلی که در این کنفرانسها مطرح شد عبارت بود از: سازمان داوری بین المللی، تنظیم مقررات و قوانین و

رسوم جنگ بری و بحری ۰ در پایان کنفرانس ۱۹۰۷ قرار بر این شد که کنفرانس دیگر هفت سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۴ تشکیل شود ولی وسائلی که برای حفظ صلح پیش بینی شده بود مانند کمیسیون بین المللی ، میانجیگری و حکمیت موءثر واقع نگردید و جنگ بین المللی اول شروع شد .

پس از خاتمه جنگ بین الملل اول عده ای از دانشمندان و زمامداران از ایجاد يك سازمان مقتدر بین المللی قویا" دفاع کرده و بیان نمودند همانطور که روابط بین افراد باید تحت نظم و قانون در آید و از بروز اجبار و اعمال زور بین آنان جلوگیری شود در روابط بین ملل نیز باید این قاعده معمول گردد و مناسبات بین ملل مختلفه بوسیله قانون و مقررات تنظیم شود .

هر قدر روابط و مناسبات بین المللی بعلمت انقلاب صنعتی اروپا و تحولات سریع و عجیب اجتماعی که از قرن ۱۷ آغاز شده بود تزايد می یافت احتیاج ملل مختلفه بیکدیگر شدیدتر میشد و لزوم چنین تشکیل و سازمانی بیشتر محسوس میگردد . تا اینکه بالاخره این تلاشها در پایان جنگ بین الملل اول به تأسیس جامعه ملل منتهی گردید . هر چند جمعی از سیاسیون و متفکرین در اول قرن بیستم برای ایجاد صلح و حفظ آن ، بلزوم ایجاد يك سازمان بین المللی معتقد شدند ولیکن باید متذکر بود که جمال اقدس ابهی در قرن نوزدهم میلادی مسئله صلح عمومی و لزوم تأسیس محکمه کبرای بین المللی و حکومت جهانی را بنحوی کامل مطرح و سلاطین

و زمامداران عالم را با اجرای آن دعوت فرمودند ولیکن متأسفانه جامعه بشری که غرق دریای تعصبات مختلفه بود به ندای مظهر کلی الهی و نصایح پزشک دانی آسمانی اعتنائی ننمود تا اینکه در اوائل قرن بیستم حوادث و اتفاقات مختلفه بخصوص بروز جنگ جهانی اول افکار افراد بشر را تا حدودی متوجه این موضوع نمود و سیاسیون جهان را برای حصول این مقصود به تلاش و کوشش واداشت.

بهر حال همانطور که اشاره شد پس از جنگ جهانی اول نظریه تشکیل یک سازمان جهانی بوسیله عده‌ای از دانشمندان و سیاسیون اظهار گردید و منجر به ایجاد جامعه ملل سابق شد.

### جامعه ملل

پس از اینکه جنگ جهانی اول پایان یافت نمایندگان ملل داخل در جنگ برای انعقاد معاهده صلح در ورسای اجتماع نمودند چند نفر از نمایندگان مثل ویلسن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا ولرد رابرت سیسیل نماینده انگلستان و اسموت نماینده افریقای جنوبی تصمیم گرفتند برای جلوگیری از پیش آمدن جنگ مجدد موادی ضمیمه معاهده صلح کنند و عموم ملل جهان را بامضاء و محترم شمردن آن دعوت نمایند. ویلسن در ۱۴ ماده‌ایکه هنگام جنگ بطرفین پیشنهاد نموده بود در آخرین ماده آن عموم ملل دنیا را به تشکیل مجمعی عمومی که اختلاف بین ملل را قتیصله دهد دعوت کرده بود لذا کمیسیونی بریاست ویلسن برای مطالعه در این کار تشکیل شد. کمیسیون مزربور

گزارش خود را به هیات نمایندگان تقدیم نمود و نمایندگان هم قبل از تنظیم معاهده صلح آن گزارش را بعنوان قرارنامه مجمع اتفاق ملل در آوریل سال ۱۹۱۹ تصویب نمودند و آنرا در صدر معاهده ورسای قرار دادند. هدف جامعه ملل در مقدمه میثاق باین نحو تشریح شده است :

" دول متعاهد نظر پاینکه برای بسط و پیشرفت همکاری بین المللی و تأمین صلح و امنیت بین خود باید پاره‌ای از تعهدات را قبول کنند که متوسط جنگ نشوند و روابط بین المللی بطور آشکار و متینی بر اساس عدالت و شرافت برقرار گردد و مقررات حقوق بین المللی دستور حقیقی مناسبات دول شناخته شده و کاملاً " مرعی و محترم شمرده شود و عدالت حکمفرما باشد و جمیع تعهدات مذکوره در عهدنامه‌ها در روابط بین اقوامی که دارای اصول منظم میباشند بنهایت دقت رعایت گردد این اساسنامه را که جامعه ملل بموجب آن تأسیس میشود اختیار مینمایند. "

بنابراین، این هدف اساسی و اصلی جامعه ملل بسط همکاری بین ملل و تأمین صلح و امنیت جهانی بوده است. در ماده ۱۴ میثاق ملل نیز پیش بینی شده بود که شورای جامعه طرح تشکیل دادگاه بین المللی را تهیه نماید. مجمع اتفاق ملل با اینکه ابتداء در قلوب هواخواهان حقیقی صلح ایجاد امید و آرزوهای فراوان نسبت بآینده کرده بود لیکن پس از گذشت چند سال از عمر آن چون سیاست خود خواهانه دول بزرگ و استبداد غالب سیاسیون در حفظ اصول دیپلماسی و اغراض و تعصبات مختلفه و علل و عوامل دیگر هر آن

تیشه بریشه آن میزد کم کم از اعتبار و اهمیت افتاد  
بخصوص که سه دولت بزرگ آمریکا و روسیه و آلمان  
عضویت آنرا نپذیرفته بودند و بالاخره جنگ جهانی  
دوم با شدت و وسعت بیشتری شروع شد و بار دیگر  
زلزله بر ارکان مدنیّت جامعه بشری انداخت و جامعه  
ملل در حفظ صلح و جلوگیری از بروز جنگ بهیچوجه  
توفیقی نیافت. البته جامعه ملل در عمر کوتاه خود  
موفق به پاره‌ای خدمات و اقدامات قابل توجه اجتماعی،  
علمی و اقتصادی گردیده و پاره‌ای از اختلافات بین  
دول و ملل را حل و فصل نمود که برای رعایت اختصار  
از ذکر آنها خودداری میشود.

#### تحولاتیکه منتهی به پیدایش سازمان ملل متحد گردید.

شروع جنگ جهانی دوم، علیرغم تمام کوششی که  
از طرف جامعه ملل برای جلوگیری از آن بعمل آمد،  
موجب شد که جامعه ملل از بین برود و متلاشی شود.  
با وجود عدم موفقیت جامعه ملل اروپائی و ایالات  
متحده آمریکا بنابر احساس احتیاج شدید و مبرم، از  
اواسط جنگ جهانی دوم شروع به وضع اصول کلی برای  
ایجاد ارتباط بین کشورها و حل مسائل بین‌المللی  
نمودند. در اواسط جنگ، بین الملل دوم یعنی تابستان  
۱۹۴۱ زمامداران دولتهای انگلستان و آمریکا در یک  
کشتی در دریای اتلانتیک منشوری را امضا نمودند  
که مشهور به منشور اتلانتیک گردید که در ژانویه  
۱۹۴۲ عده‌ای از دول دیگر هم‌بدان ملحق شدند. در این  
منشور ذکر شده است که ملل دارای حقّ استقلال و حاکمیت  
هستند و آزادند هر نوع حکومتی را که مایلند

داشته باشند ولی در عین استقلال و حاکمیت برای حفظ نظم و امنیت عمومی باید هر یک آزادی و حقوق خود را محدود به حفظ آزادی و حقوق ملل دیگر نمایند و مقررات بین‌المللی را محترم شمارند و در وضع و تدوین قوانین و مقررات بین‌المللی کمال همکاری و مساعدت را مبذول دارند. چون اختلاف السنه نیز با وجود کثرت ارتباط و تماسهای بین ملل موجب زحمت و عدم تفهیم و تفهم کامل است احتیاج بقبول یک زبان بین‌المللی برای تسهیل مناسبات و روابط در دنیای امروز نیز وجهه همت و مورد نظر نمایندگان ملل در مجامع بین‌المللی قرار گرفت. بنابر احساس احتیاج، به وضع مقررات و قوانین بین‌المللی اقدام شد و تحت تاثیر عوامل مذکوره بود که در همان اوان جنگ طرح منشوری مشتمل بر اصول اساسی که مبنای مراودات بین‌الملل خواهد بود موسوم به "منشور ملل متحد" و طرحی برای تأسیس دیوان دادگستری بین‌المللی تهیه شد و بالاخره در تابستان سال ۱۹۴۴ نمایندگان چهار کشور شوروی، انگلستان، آمریکا و چین در "دمبارتن اکس" تشکیل جلسه داده و اولین تصمیم عملی را جهت تأسیس یک سازمان بین‌المللی اتخاذ نمودند. در مذاکرات جلسه مذکور تشکیل سازمان ملل متحد و منشوری برای طرز کار سازمان مزبور که شامل دوازده فصل بود پیشنهاد شد. در فوریه سال ۱۹۴۵ زمامداران انگلستان، آمریکا و شوروی در یالتا کنفرانسی تشکیل دادند و در پایان کنفرانس اعلامیه‌ای منتشر نمودند و در آن تصمیم خود را مبنی بر تشکیل یک سازمان بین‌المللی جهت تأمین صلح و امنیت جهانی



که شالوده آن در کنفرانس دِمبارتن اکس ریخته شده بود ابراز داشتند و بالاخره اعلام نمودند که در ۲۵ آپریل ۱۹۴۵ کنفرانس ملل متحد در سانفرانسیسکو جهت رسیدگی به طرح دِمبارتن اکس و تهیه و تدوین منشور یک سازمان بین‌المللی تشکیل میشود. سپس در کنفرانس سانفرانسیسکو که از نمایندگان ۵۰ دولت در ماه آوریل ۱۹۴۵ تشکیل گردید طرحهای مربوط به تشکیل یک سازمان بین‌المللی مورد مطالعه و قبول نمایندگان قرار گرفت و بموجب آن یک سازمان جهانی موسوم به " سازمان ملل متحد " United Nations که بعلاamt اختصاری U.N. مشخص میشود ایجاد گردید. منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی مشتمل بر ۱۷۱ ماده به تصویب مجلس شور ای ملی ایران نیز رسیده است. باین ترتیب سازمان ملل متحد و مؤسسات وابسته بآن پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمد و امور مربوط به جامعه ملل سابق و مؤسسات تابعه آن به سازمان ملل متحد منتقل و تحویل گردید.

### تاریخچه مختصر حکمیت و دادرسی بین‌المللی

در قرون وسطی که پایه قدرت و تشکیلات داشتند و در امور بین‌المللی و روابط بین دول دخالت میکردند تصمیماتی که از طرف پاپ برای حل اختلافات بین دول اتخاذ میشد مانند تصمیمات دادگاههای داخلی قابل اجرا بود. از قرن یازدهم تا چهاردهم پایهها بعنوان قدرت مافوق در امور کشورها دخالت میکردند و سلاطین نمیتوانستند از دعوت پاپ خودداری کنند.

پاپها بعقیده خود برای حفظ صلح و جلوگیری از ارتکاب گناه جنگ نامشروع از طرف سلاطین در امور کشورهای اروپائی مداخله مینمودند گاهی هم امراء و سلاطین خود تقاضا میکردند که پاپ داوری بین آنها را قبول نماید.

قدرت دیگری که علاوه بر پاپ در اختلافات حاصله بین دول اروپائی دخالت میکرد و این دخالت را حقّ خود میدانست امپراطوری آلمان بود. توضیح آنکه پس از سقوط امپراطوری روم دو امپراطوری در اروپا بوجود آمد. نخست امپراطوری مقدس که از سال ۸۰۰ تا ۹۱۱ میلادی طول کشید و دیگری امپراطوری آلمان یا امپراطوری سن ژرمنیک که در سال ۹۶۲ میلادی تأسیس گردید و ادعای جانشینی امپراطوری روم را داشت. این امپراطوری داوری بین اختلافات دول اروپائی را حقّ خود میدانست و میخواست که تمام اروپای غربی را زیر فرمان خود داشته باشد. از ابتدای قرن سیزدهم پاپها با قدرت امپراطوری آلمان مبارزه میکردند و حقّ حاکمیت بین دول را برای خود قائل بودند. بهر حال تا ابتدای قرن چهاردهم حقوق سلطنتی در اختیار امپراطوری بود ولیکن در قرن شانزدهم و هفدهم کم کم حکومت ملّی قدرت و استقلال یافتند و از اطاعت امپراطوری پاپ سرباز زدند و حقوق را بر مبنای انسانی و عقلانی بنا نمودند.

وضع امپراطوری اسلامی نیز در این دوره از تاریخ کم و بیش مانند کشورهای اروپائی بود و خلفا اختلافات بین کشورهای اسلامی را حل و فصل مینمودند. از تاریخ تشکیل کنگره صلح وستفالی سال ۱۶۴۸ دوره جدیدی در داوری و حکمیت بین المللی آغاز میشود زیرا از

قرن پانزدهم و شانزدهم ستاره نفوذ و قدرت پاپ و امپراطوری کم کم افول میکند تا آنجا که پس از کنگره وستفالی دیگر قدرت مافوقی بعنوان پاپ و امپراطوری شناخته نمیشود و بتدریج اروپای جدید بوجود میآید. در اواخر قرن هفدهم موضوع داوری و دادرسی اجباری از طرف مافوق از بین میرود و نحوه حل اختلافات بین دول بخود دلتها واگذار میشود ولی در قرن هیجدهم کم کم داوری بین المللی بصورت جدید توسعه پیدا میکند. در این قرن يك نوع حکمیت بین المللی بوجود میآید باین ترتیب که دول با موافقت یکدیگر موضوع اختلاف خود را به حکمیت يك سلطان واگذار میکردند. این نوع حکمیت را حکمیت اختیاری میگفتند. در اواخر قرن هیجدهم یک نوع دیگر از حکمیت بین المللی که با نوع مذکور در فوق تفاوت دارد معمول گردید باین ترتیب که برای اختلافات بین دو کشور از طرف آنها اشخاص مطلع و حقوقدان معین میشدند و تشکیل کمیسیونی میدادند و معمولاً "یک نفر از ملیت دیگر نیز در این کمیسیون شرکت مینمود تا اخذ رأی نهائی ممکن باشد. ترتیب حکمیت بوسیله کمیسیون مختلط کم کم در اروپا متداول شد و از آن مؤسسه دیگری بوجود آمد که عبارت از دیوان یا دادگاه حکمیت بود.

در سال ۱۸۹۹ به ابتکار نیکلای دوم تزار روسیه و دعوت ملکه هلند اولین کنفرانس صلح لاهه تشکیل گردید و موضوع حکمیت اجباری مورد علاقه و توجه کنفرانس قرار گرفت و پیشنهادات مختلفی راجع به نحوه تشکیل انتخابات قضات و سازمان آن بیان گردید و این پیشنهادات و نظرات بالاخره منجر به تشکیل دادگاه دائمی حکمیت

لايه گرديد ولي اين دادگاه بعلي از قبيل زياد بودن تعداد قضاة و حاضر نبودن هميشگي آنان جهت رسيدگي و اعمال نظرات و اغراض سياسي توفيق کامل در دادرسي بين المللي حاصل نمود مع الوصف اصلاح وضع اين دادگاه در کنفرانس ۱۹۰۷ مورد توجه قرار گرفت ، بخصوص دولت آمريکا براي اصلاح و تقويت آن کوشش فراوان نمود . پس از خاتمه جنگ جهاني اول و بوجود آمدن جامعه ملل تشکيل ديوان دائمي دادرسي بين المللي بموجب ماده ۱۴ ميثاق ملل پيش بيني شده بود و بالاخره کميته‌اي مرکب از ۱۰ نفر حقوقدان مأمور تهيه طرح آن شدند و تمام اشکالات گذشته را مورد توجه قرار دادند . پيشنهاد تشکيل ديوان دائمي داوري بين المللي بوسيله اين کميته بشوراي جامعه ملل تقديم و با جزئي اصلاح تصويب شد . راجع به اجباري شدن دادرسي بين المللي هم کوشش فراوان مبذول شد وليکن بعلت مخالفت دول به نتيجه نهاي نرسيد .

پس از پايان جنگ جهاني دوم در کنفرانس ديمبارتن اکس که نمايندگان دول بزرگ براي تشکيل يك سازمان بين المللي اجتماع نمودند پيش بيني شده بود که يك دادگاه بين المللي دادرسي تشکيل شود که ارکان قضائي سازمان ملل بوده و اساسنامه تنظيمي آن جزء لاينفک منشور ملل متحد باشد و تمام دول عضو سازمان عضويت آنرا قبول کنند . اين طرح بعداً " در کميته‌اي از حقوقدانان بدعوت دولت آمريکا در سال ۱۹۴۵ مورد مطالعه قرار گرفت و راجع به طرز انتخاب قضاة و صلاحيت اجباري دادگاه شور و مطالعه بعمل آمد و بعداً " اين مطالعات مورد توجه کنفرانس سانفرانسيسکو قرار گرفت

و بالاخره " دیوان دادگستری بین‌المللی " در ظل  
سازمان ملل متحد بوجود آمد.

### علل عدم موفقیت کامل جامعه ملل و سازمان ملل متحد

هرچند ایجاد و توسعه سازمانهای بین‌المللی  
حاکی از احتیاج شدیدی است که دنیای کنونی بوجود  
چنین سازمانهایی دارد و تا کنون هم نتایج مفیده از اینگونه  
سازمانها عاید جامعه بشری شده است ولی متأسفانه این  
حقیقت را باید قبول کرد که سازمانها و مؤسسات و  
مراجع بین‌المللی که تاکنون بوجود آمده هیچکدام  
نتوانسته‌اند بنحو شایسته بوظایف خود عمل کنند و  
آمال افراد صلح‌طلب را جامه عمل بپوشانند. این  
سازمانها بعلت وجود تعصبات مختلفه ملی، مذهبی،  
نژادی اقتصادی و فقدان وحدت نظر و وحدت وجدان بین  
نمایندگان ملل و سایر علل سیاسی دیگر موفق به رفع  
اختلافات بین‌دول و جلوگیری از جنگ نشده‌اند. کمتر  
اتفاق افتاده است که سازمان ملل متحد بتواند اراده خود  
را بدول عضو سازمان تحمیل و آنان را باجرااء تصمیمات  
خود ملزم سازد بلکه بکرات مشاهده شده که دولتها از اجرای  
تصمیماتی که برخلاف حق حاکمیت و یا منافع ملی آنها  
بوده خودداری نموده‌اند و از اعتبار و حیثیت سازمان  
ملل متحد کاسته‌اند و چون اقدامات سازمان تا کنون نتیجه  
عملی کاملی نداده برخی از محافل و مقامات در این  
آزمایش چند ساله بر این عقیده شده‌اند که وجود سازمان  
ملل متحد دارای فوائد کلی نبوده و حتی بعضی وجود  
و عدم آنرا یکسان دانسته‌اند. بدیهی است اگر سازمان  
ملل متحد موفق بانجام وظایف اساسیه خود نشده است

این عدم موفقیت را باید در علل و موانع موجود جستجو و در رفع آنها کوشش کرد و نباید بعلت وجود این موانع و مشکلات ضرورت وجود یک سازمان و تشکیلات مقتدر بین‌المللی را برای جهان کنونی انکار نمود. در این مقام پاره‌ای علل اساسی مربوط به عدم موفقیت کامل سازمانهای بین‌المللی را در استقرار و حفظ صلح جهانی بیان میداریم:

۱- عدم توافق آراء که برای اخذ تصمیمات بین‌المللی لازم است یکی از عوامل عمده عدم موفقیت سازمان ملل متحد بوده است.

۲- عدم وجود حسن تفاهم و وحدت نظر بین نمایندگان ملل و بخصوص وجود تعصبات مختلفه ملی و مذهبی و نژادی و اقتصادی و سیاسی یکی از بزرگترین علل عدم توفیق سازمان ملل متحد در ایجاد حسن تفاهم و رفع اختلافات بین ملل و حفظ امنیت جهانی میباشد.

۳- عدم تساوی حقوق دول و ملل عضو سازمان و دادن پاره‌ای امتیازات به دول قوی مانند داشتن صندلی دائمی و حقّ وتو در شورای امنیت که مغایر با اهداف و مقاصد بین‌المللی و صلح جویانه چنین سازمانی و مخالف روح منشور ملل متحد است.

۴- مهمتر از موانع و علل فوق‌الذکر نبودن یک قوه مجریه مقتدر و مستقل بین‌المللی است که پشتیبان و ضامن اجرای مقاصد و تصمیمات سازمان ملل متحد و آراء دیوان دادگستری باشد و همین امر موجب عدم موفقیت و فقدان قدرت واقعی سازمان ملل متحد است زیرا اگر تصمیمات سازمان ملل متحد بر خلاف حقّ حاکمیت بعضی از دول عضو باشد از اجرای آن خود داری مینمایند و تصمیمات سازمان

ملل اغلب جنبه توصیه و سفارش دارد نه حکم قانونی  
و لازم الاتباع .

۵- با اعتقاد اهل بهاء تحقق صلح عمومی و حقیقی بدون  
توجه به سایر مبادی روحانی و اصول اجتماعی دیانیت  
مقدس بهائی امکان پذیر نیست و لازمه آن وحدت نظر  
و وحدت وجدان عموم ملل و اقوام عالم و ترك تعصبات  
مختلفه و اعتقاد قلبی بر وحدت عالم انسانی و مساوات  
حقوق بشر و سایر مبادی روحانی این ظهور مبارک است  
که آنهم فقط با استمداد از نفثات روح القدس و نفوذ  
کلام مظهر کلی الهی میسر و مقدور است و حضرت  
مولی الوری در لوح مبارک لاهی با وضوح و صراحت  
کامل باین مسائل اشاره فرموده اند قوله المبین : " صلح  
عمومی امریست عظیم ولی وحدت وجدان لازم است که  
اساس این امر عظیم گردد تا اساس متین شود و بنیان  
رژین گردد " سپس اشاره میفرماید که تأسیس صلح  
عمومی و دائمی میسر نیست مگر با توجه به سایر  
مبادی و اصول روحانی و تعالیم اجتماعی شریعت بهائی  
قوله الاحلی : " ۰۰۰ تعالیم حضرت بهاء الله منحصر  
در تأسیس صلح عمومی میشود تعالیم کثیره بود که  
معاونت و تأیید صلح عمومی مینمود " بعد مرکز  
میثاق در همین لوح مبارک مبادی روحانی و تعالیم  
عمومی این ظهور مبارک را توجیه و چنین میفرماید :  
" ۰۰۰ این تعالیم متعدده که اساس اعظم سعادت عالم  
انسانی است و از سنوحت رحمانی باید منضم بمسئله  
صلح عمومی گردد و مزوج بآن شود تا آنکه نتیجه  
بخشد والا تنها مسئله صلح عمومی در عالم انسانی  
تحققش مشکل است " ۰۰۰

## صلح جهانی در ظلّ تعالیم بهائی ۲

خلاصهء تعلیم مبارک حضرت بهاء الله راجع به صلح عمومی و دائمی که اهمّ تعالیم دیانت مقدس بهائی است آنستکه سلاطین و زمامداران عالم انسانی و یا امنای بیت العدل اعظم الهی صلح عمومی را اعلان و بر طبق تعالیم و دستورات الهیه اجرا نمایند بنحویکه بین کلیه دول و ملل و احزاب عالم صلحی حقیقی و پایدار برقرار گشته مشکلات و مسائل بین المللی بکمال محبت و عدالت و از طریق شور و مشورت فیصله یابد و کلیه تجاوزات و مناقشات ملل و دول عالم در محکمه کبرای بین المللی که از نمایندگان عموم ملل تشکیل میگردد مورد رسیدگی قرار گرفته حکم قطعی و لازم الاجرا صادر گردد و اگر ملتی و یا سلطانی بر خلاف نظم و صلح بین المللی عملی نماید و یا تسلیم رأی محکمه کبرای بین المللی نشود عموم سلاطین و زمامداران جهان یا بعبارت بهتر قوه مجریه بین المللی بر منع و تنبیه و مجازات آن ملت و یا سلطان قیام و اقدام کند تا بدین ترتیب صلح بین ملل و امنیت جهانی همواره محفوظ و برقرار ماند و افراد بشر از مصائب و آلام منازعات و محاربات



بین ملل واقوام مستریح و در امان باشند • اینک قبل از بیان توضیحات مختصر در باره این تعلیم مهم و اساسی شمه ای از نصوص مبارکه جمال اقدس ابھی در باره صلح عمومی و تاسیس محکمه کبرای بین المللی زینت بخش این اوراق میشود قوله تعالی " ۰۰۰ اشراق دوم : خَمِيعَ را بصلح اکبر که سبب اعظم است از برای حفظ بشر امر نمودیم سلاطین آفاق باید باتفاق باین امر که سبب بزرگست از برای راحت و حفظ عالم تمسک فرمایند • " و در لوح مبارک دنیا میفرمایند : " ۰۰۰ اس اعظم که اداره خلق بآن مربوط و منوط آنکه اول باید وزراء بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه آزاد شود ۰۰۰۰ " و در لوح ابن ذئب نازل قوله الا علی : " از حق جل جلاله سائل و آمل که مشارق ثروت و اقتدار و مطالع عزت و اختیار یعنی ملوک ارض آید هُم الله را بر صلح اکبر تاکید فرماید اینست سبب اعظم از برای راحت امم • سلاطین آفاق وفقهم الله باید باین امر که سبب اعظم است از برای حفظ عالم تمسک فرمایند امید آنکه قیام نمایند بر آنچه که سبب آسایش عباد اسنت • باید مجلس بزرگی ترتیب دهند و حضرات ملوک و یا وزراء در آن مجلس حاضر شوند و حکم اتفاق و اتحاد را جاری فرمایند و از سلاح باصلاح توجه کنند و اگر سلطانی بر سلطانی برخیزد سلاطین دیگر بر منع او قیام نمایند در اینصورت عساکر و آلات و ادوات حرب لازم نه الاعلی قدر مقدور لحفظ یلا د هُم و اگر باین خیر اعظم فائز شوند اهل مملکت کل براحته و مسرت بامور خود مشغول گردند و نوحه و ندبه اکثری از عباد ساکن شود ۰۰۰۰۰۰ احسن و اولی آنکه در آن مجلس خود سلاطین عظام حاضر شوند و حکم فرمایند و هر یک از سلاطین که بر این امر و اجرای

آن قیام نماید او سید سلاطین است فی اللّٰه طوبی له و  
نعیما" له . . . . "

با توجه به نصوص مبارکه فوق و تبیینات مرکز میثاق  
و حضرت ولی امر اللّٰه ارواحنا لهما الفدا ملاحظه میشود که  
یکی از اساسی ترین و مهمترین تعالیم و مقاصد این ظههور  
مبارک تاسیس صلح اکبر یا صلح اعظم در انجمن بنی آدم  
و دعوت اهل عالم بخصوص زمامداران و سلاطین ارض به  
استقرار آن میباشد . اینک طرّقی که از مطالعه و تمعّن  
در آثار مبارکه برای استقرار صلح عمومی در ظل تعالیم  
بهائی استنباط میشود ذیلا " باستحضار خوانندگان  
ارجمند میرسد

#### طریقه اول : استمداد از فیوضات الهیه و مشیت ربانیّه

هر چند تاسیس وحدت عالم انسانی و صلح عمومی  
در جامعه بشری و استقرار ملکوت صلح و سلام در انجمن  
بنی آدم آرژوی هر انسان واقعی است ولیکن تحقق این امر  
جلیل محتاج به قوای عظیمه است تا موانع و مشکلات  
موجوده را مرتفع کند و عوامل و امکانات آنرا فراهم نماید  
و علم صلح و سلام را در قطب آفاق باهتزاز آورد . عوامل  
و قوای که امروز در عالم انسانی موجودند مانند عوامل  
و قوای سیاسی و اقتصادی ، دینی ، وطنی ، نژادی و  
طبقاتی هیچیک قدرت و توانائی تحقق این امر عظیم  
را ندارند زیرا همه آنها دارای اهداف و مقاصد مخدود  
و مشخص اند و نقطه نظر گاه آنها قوم و نژاد مخصوص ،  
ملت مخصوص ، پیروان دینانت مخصوص و یا طبقه مشخصی  
است و منافع و مصالح عموم اهل عالم را بدون توجه به نژاد  
و مذهب و ملیت و طبقه و جنس مورد نظر ندارد بعلاوه

اکثرا " فاقد جنبه های معنوی و روحانی . که اساسا س  
شریعت اللّٰه است میباشند .

باعتماد اهل بهاء تنها قوه ای که قادر به تأسیس  
صلح عمومی و وحدت عالم انسانی در جهان ترابی است  
فیوضات الهیه و مشیت نافذه ربانیه است که در این  
قرن نورانی بواسطه جمال اقدس ابهی مظهر کلی الهی  
جلوه و بروز نموده است . در این مقام قسمتی از یکی از  
خطابات مبارکه حضرت عبد البهاء را که مُبیین این مطلب  
است زینت بخش این اوراق مینماید قوله المبین  
" ..... آروزی ما وحدت عالم انسانی است و مقصد ما  
صلح عمومی پس در مقصد و آرزو متحدیم و در عالم وجود  
مسائلی از این دو مسئله مهمتر نمیشود زیرا وحدت عالم  
انسانی سبب عزت نوع بشر و صلح عمومی سبب آسایش  
جمیع من علی الارض لهذا در این دو مقصد متحدیم  
واعظم از این مقاصد نه ..... الیوم يك قوه عظیمه ای  
لازم تا این مقاصد جلیله مجری گردد شماها مید انید  
که امر صلح اکبر خیلی امر عظیمی است و جمیع قوای  
آفاق امروز ضد استقرار این امر ..... الیوم عظیمه  
لازم که این صلح را اجرا نماید و این حرب را منع کند  
و وحدت عالم انسانی را اعلان کند ..... لهذا ما  
محتاج يك قوه عظیمه هستیم که سبب اجرای امیدها  
شود و این واضح است که بقوای ماده این مقصد و آمال  
حاصل نمیشود اگر بگوئیم بقوه جنسیت حاصل میشود  
اجناس مختلفند اگر بگوئیم بقوه وطنیت میشود اوطان  
مختلف است و اگر بگوئیم اتحاد و وحدت عالم انسانی و  
صلح عمومی بقوه سیاسی میشود سیاسات ملوک مختلف  
است زیرا منافع دول و ملل مختلف است پس واضح شد

که جمیع اینها مختلف و محدود است و ممکن نیست جز بقره معنویه و قوه روحانیه و فیوضات الهیه و نفثات روح القدس که در این قرن عظیم جلوه نموده جز باین ممکن نیست و الاّ این مقصد در حیّز قوه میماند به حیّز فعل نخواهد آمد" و در لوح میرزا یسویجناب داد او میفرمایند: "..... زیرا صلح عمومی و تعاون و تعاضد بین نوع انسانی و وحدت و یگانگی بشری و مساوات و عدالت روحانی بدون دخول در ملکوت محال و ممتنع است."

نکته دیگر که باید متذکر بود آنست که حضرت بهاء الله نه تنها اصل مهم صلح اعظم را تأسیس و اهل عالم را با استقرار آن دعوت فرموده اند بلکه در آثار مبارکه بقرات و بکمال صراحت وعده فرموده اند که چون اصول و اهداف این ظهور مبارک و از جمله وحدت عالم انسانی و صلح اعظم من عند الله تاسیس شده لذا بزرگترین ضامن وصول جامعه بشری باین اهداف و آمال همانا مشیت نافذه غالبه الهیه میباشد. قوله تعالی و تقدّس :

"..... خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت" و ایضا " قل جاء الغلام لیحیی العالم ویتحد من علی الارض کلها سوف ینقلب ما اراد الله وتری الارض جنّة الابهی کذلک رقم من قلم الامر علی لوح قویم"

طریقه دوم : استمداد از مبادی روحانی و سایر تعالییم  
اجتماعی بهائی

دیانت بهائی وصول به صلح عمومی و دائمی را

بدون توجه به سایر اصول و مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی این آئین‌نازنین مانند لزوم دین‌واستفاه از نفثات روح القدس ، توافق علم و دین ، ترك تعصبات ، وحدت زبان و خط ، تعلیم و تربیت عمومی و اجباری و وحدت تربیت ، تساوی حقوق زن و مرد ، تعدیل معیشت عمومی و حل مشکلات اقتصادی و بخصوص وحدت عالم انسانی که محور تعالیم این ظهور مبارک است ممتنع و محال میداند و همانطور که قبلاً اشاره شد این تعالیم و اصول را لازمه تحقق و تأسیس صلح اعظم در انجمن بنی آدم محسوب میدارد . حضرت مولی‌الوری در لوح مبارک جواب جمعیت صلح لاهه میفرمایند قوله الجیل : " حال صلح عمومی امریست عظیم ولی وحدت وجدان لازمست که اساس این امر عظیم گردد تا اساس متین شود و بنیان‌رزمین گردد لهذا حضرت بهاء‌الله پنجاه سال پیش بیان صلح عمومی فرمود . . . . . تعالیم حضرت بهاء‌الله منحصر در تأسیس صلح عمومی نبود تعالیم کثیره بود که معاونت و تأیید صلح عمومی مینمود . . . . . " حضرت عبد‌البهاء در همین لوح مبارک اصول و مبادی روحانی و تعالیم اجتماعی جمال قدم را توضیح و تبیین و سپس میفرمایند قوله العزیز : " . . . . . این تعالیم متعدده که اساس اعظم سعادت عالم انسانیست و از سنوحت رحمانی باید منضم بمسئله صلح عمومی گردد و مزوج بآن شود تا اینکه نتیجه بخشد والا تنها مسئله صلح عمومی را در عالم انسانی تحققش مشکل است تعالیم حضرت بهاء‌الله چون ممتزج با صلح عمومی است لهذا بمنزله مائده ایست که از هر قسم اطعمه نفیسه در آن سفره حاضر هر نفسی مشتیهات خویش را در آن خوان نعمت بی پایان مییابد اگر مسئله منحصر در صلح عمومی باشد نتایج عظیمه چنانکه منظور و مقصود

است حصول نیابد . باید دایره صلح عمومی چنان ترتیب داده شود که جمیع فِرَقِ عالم و ادیان آرزوی خویش را در آن بیابند . . . . . " در لوحی که بافتخار جناب یوحنا داو دنازل میفرمایند : قوله المبين " . . . . . تعالیم قدیمه امروز کفایت ننماید هر دردی را درمان نگیرد هر زخمی را مرهم نشود آن تعالیم قدیمه سماوی—ه بسیار محبوب و مقبول است ولی عقول وافکار ترقی نموده احتیاج متعالیم کلیه است و آن تعالیم بهاء اللّٰه است که جامع جمیع تعالیم است . امروز هر نفسی اطلاع بر وصایا و نصایح بهاء اللّٰه یابد والواح کلمات و تجلیات و اشراقات و ظرارات و بشارات را بخواند ابدًا " از برای او شبهه نماند که این تعالیم رزق امروز عالم انسانی است و سبب حیات ابدی است . . . . . "

طریقه سوم : سیر تکامل و تحوّل محتوم جامعه بشری  
بسوی وحدت و تعالیم و اهداف دیانت بهائی

حضرت ولی عزیز امر اللّٰه در توقیع منیع " قد ظَهَرَ یوم المیعاد " این موضوع را توجیه و تبیین میفرمایند که بشر از ابتدای سکونت خود در کره ارض یک سیر تکامل اجتماعی را آغاز نموده که وحدت عالم انسانی و اتحاد من علی الارض آخرین مرحله این سیر تکامل اجتماعی بوده و وصول بآن امری محتوم و مقرر است . حضرت ولی امر اللّٰه در این توقیع منیع و سایر آثار مبارکه اصل وقانون عمومی و کلی حرکت و دگرگونی و سیر تکاملی را که در عالم وجود موجود است توجیه فرموده اند . بدیهی است این سیر و حرکت و تحوّل و تغییر بدون هدف و مقصد نبوده و همواره در جهت کمال انجام میگیرد . جامعه بشری نیز

از این قانون کلی مستثنی نیست و در طول تاریخ همواره در جهت تکامل سیر و حرکت نموده است. بنا باقی‌مانده محققین و مورخین بشر در زمانهای خیلی دور بطور بدوی و انفرادی بر روی کره زمین زندگی مینموده است و پس از گذشت زمان و به هدایت میل غریزی و احتیاجی که بزندگی دسته جمعی داشته و دارد به تشکیل خانواده که اولین و مهمترین واحد اجتماعی است اقدام نموده است. مرحله ثانی در سیر تکامل جوامع بشری بسوی وحدت ایجاد واحد بزرگتری بنام قبیله و طائفه و استقرار نظام قبیله‌ای بوده است پس از تشکیل واحدهای خانواده احتیاج بمقابله با حوادث و مشکلات طبیعی و مدافعه در مقابل حیوانات درنده و نیز تمایل فطری انسان بزندگی دسته جمعی سبب شد که چندین خانواده بدور هم جمع شده و قبیله‌ای تشکیل دهند و یک مرحله دیگر بسوی وحدت بشر را طی کنند.

مرحله سوم در این سیر تکاملی بوجود آمدن شهرهای متعدد از اجتماع خانواده‌ها و قبائل مختلفه بوده است که تدریجاً "شهرنشینی معمول و به عقیده علمای علم الاجتماع با بوجود آمدن شهرها روابط مختلفه اجتماعی ایجاد و تقسیم کار معمول و بشر وارد اولین مرحله تمدن واقعی شده است. عبارت دیگر شهرنشینی موجب وجود تمدن و توسعه و تکامل آن گردیده است و اصولاً لفظ تمدن یا مدنیت از کلمه مدینه بمعنای شهر گرفته شده و در زبانهای اروپائی هم از کلمه سیتیویس Citius که بمعنای اهل شهر میباشد مشتق شده است. در حقیقت در نتیجه شهرنشینی استعدادات افراد بشر تظاهرات بیشتری نموده و پیشرفت‌های فکری،

اجتماعی و اقتصادی نصیب جوامع انسانی گردیده، و وجود شهرها اصولاً وسیله مبادله اطلاعات و پیشرفت جوامع مختلفه بوده است.

پس از مرحله شهرنشینی جوامع بشری بعلمت بسط روابط تجاری و کثرت رفت و آمد بین شهرها وارد مرحله دیگری از سیر تکاملی خود یعنی مرحله وحدت ملی گردید و به تاسیس و تحکیم حکومت ملی اقدام نمود. و آداب و رسوم قبیله ای به قوانین و نظامات مدنی و ملی مبدل گشت. بشهادت حضرت ولی محبوب امرالله در توقیع منیع قد ظهر یوم المعیاد شریعت مقدس اسلام هادی و راهنمای بشریت در پیمودن این مرحله از تکامل بوده است. زیرا پیغمبر اکرم در زمانی ظهور فرمودند که مردم شبه جزیره عربستان از لحاظ اجتماعی در مرحله ملوک الطوائفی بسر برده و قبائل و طوائف متعدده متحاربه در آن سرزمین وجود داشتند. و لذا آن مظهر الهی وحدت و اتحاد و الفت و یکرنگی بین این طوائف مختلفه را هدف اصلی خود قرار دادند و با بیان مبارک " اتما المومنون اخوة " همه مومنین را از هر قبیله و طایفه ای که بودند برادران یکدیگر محسوب داشتند. در زمان طلوع شمس محمدی علاوه بر شبه جزیره عربستان نظام ملوک الطوائفی در اغلب نقاط جهان نیز مستقر بوده است. بنا بر این وصول بمرحله وحدت ملی و تاسیس حکومت ملی را میتوان از خصائص مشخصه دوره شریعت مقدس اسلام دانست.

بدین ترتیب جوامع بشری در طول هزاران سال مراحل مختلفه تکامل بسوی وحدت را طی نموده و در قرن نوزدهم میلادی یعنی در زمان طلوع شمس حقیقت آخرین مراحل تکاملی وحدت ملی را پیموده و به تاسیس حکومت



متعددده مستقله ملیه نائل آمده و خود را آماده دخول  
بمرحله‌ای عالی تر و وسیع تر یعنی اتحاد بین المللی  
و تأسیس حکومت متحده جهانی و صلح عمومی و رهائی  
از مشکلات و نارسائی حکومت ملی نموده است .

با توجه به توضیحات فوق اینک می‌گوئیم یکی از  
مهمترین طرق وصول دیانت بهائی به اهداف اجتماعی  
خود یعنی وحدت عالی انسانی و صلح عمومی و اتحاد  
من علی الارض همانا سیر و تحول جبری و اجتناب ناپذیر  
جامعه بشری بسوی وحدت میباشد و عالم انسانی که مرحله  
وحدت ملی را طی قرون گذشته طی نموده اکنون بعلت  
ترقیات عجیب فکری و صنعتی و اجتماعی و ظهور  
اختراعات و اکتشافات محیر العقول و توسعه بی سابقه  
روابط مختلفه بین المللی بوضوح مشاهده میکند که این  
وحدت ملی و سیستم حکومت ملی به تنهایی کافی برای  
رفع احتیاجات و حل مشکلات جامعه بشری نیست و بشریت  
چاره‌ای جز دخول بمرحله‌ای عالی تر و عمومی تر و  
وسیع تر که وحدت عالم انسانی و اتحاد من علی الارض و  
حکومت جهانی و صلح عمومی باشد ندارد .

جمال قدم جل ذکره الا عظم مظهر کلی الهی در یک  
قرن پیش این احتیاج غیر قابل اجتناب عالم انسانی را بوحی  
الهی پیش بینی فرموده و با اعلان مبادی روحانی و تعالیم  
اجتماعی بهائی و تعیین وحدت عالم انسانی و اتحاد بین  
المللی بعنوان هدف و مقصد اصلی از ظهور و نزول آیات  
خود ، عالم بشری را متوجه این احتیاج قطعی و محتوم  
فرمودند و ملوک و زمامداران عالم را به تمسک به صلح  
اکبر دعوت و دلالت نمودند . ما امروز از هر جهت آثار  
و علائم احتیاج شدید عالم انسانی را به اهداف و تعالیم

مبارکه دیانت مقدس بهائی برای العین می بینیم و بوضوح مشاهده میکنیم که عالم انسانی هیچ راهی برای رهایی از مشکلات لاینحل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود ندارد مگر آنکه بمرحله مقرر و محتوم سیر تکاملی خود یعنی وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی و صلح عمومی در ظل یک حکومت متحده جهانی وارد شود.

حضرت ولی عزیز امر الله در یکی از توقیعات منیعه خود بلسان انگلیسی دور نمای آینده جامعه بشری را ترسیم و در باره حتمی بودن وصول جامعه بمرحله وحدت و اتحاد بین المللی چنین میفرمایند قوله المبین (ترجمه): "وحدت کافه نوع بشر مابه الامتیاز مرحله ای است که حال هئیت جامعه بشری بآن نزدیک میشود. وحدت خانواده و قبیله و بشر و ملت متوالیا" مورد اقدام واقع و کاملاً تحقق پذیرفته است. وحدت عالم غایت قصوائی است که بشر سرگردان برای نیل بآن تلاش مینماید. اکنون تشکیل وحدت ملی به پایان رسیده است و هرج و مرجی که ملازم اختیارات مطلقه حکومت است بمنتهی درجه شدت میرسد عالمیکه در حال رشد و بلوغ است باید از قید این بت و هم خود را رها کرده بوحدهت و جامعیت روابط بشری معترف و بطور قطع نظمی ایجاد نماید که بوجه احسن بتواند این اصل اساسی حیات را مجسم سازد. وحدت نوع بشر چنانکه منظور نظر مبارک حضرت بهاء الله است مستلزم تاسیس یک انجمن عمومی عالم میباشد که در ظل آن تمامی ملل و نژادها و ادیان و طبقات کاملاً دائماً متحد گردند و استقلال ممالک اعضای آن و همچنین آزادی شخصی و حس ابتکار نفوسیکه این ممالک را تشکیل میدهند قطعاً محفوظ

مانند . این انجمن عمومی عالم تا حدی که ما میتوانیم تصور کنیم باید مرکب باشد از یک هیئت تقنینیه عمومی که اعضای آن بعنوان امنای نوع بشر کلیه منابع ثروت ملل متشکله را تحت اداره نهائی خود قرار داده و قوانینی که لازمه تنظیم حیات و رفع حوائج و تعدیل روابط ملل و اقوام است وضع نماید . یک هیئت تنفیذیه عمومی مستظهر بقوه ای بین المللی تصمیمات متخذه هیئت تقنینیه عمومی را اجرا و قوانین موضوعه آنرا تطبیق و وحدت اصلیه تمامی انجمن عمومی عالم را حفظ خواهد نمود . یک محکمه عمومی در کلیه مناقشاتیکه ممکن است بین عناصر مختلفه مرکبه این نظم عمومی رخ دهد قضاوت نموده و حکم لازم الاجرا و نهائی خویش را صادر خواهد کرد . یک دستگاه مخابره و ارتباط عمومی تأسیس خواهد شد که شامل تمامی کره ارض بوده و از موانع و قیودات ملی رهائی یافته با سرعتی حیرت انگیز و حسن انتظام بکار خواهد افتاد . یک عاصمه بین المللی بمنزله مرکز اعصاب مدنیّت عمومی و کانونی خواهد بود که قوای وحدت بخش حیات بسوی آن متوجه و اثرات جانبخشی از آن صادر میگردد . یک لسان بین المللی اختراع و یا از بین لسن موجوده انتخاب و در مدارس عالم علاوه بر لسان مادری تعلیم خواهد شد . یک خط عمومی و یک مطبوعات بین المللی ، یک مقیاس پول و وزن و اندازه متحد الشکل عمومی ارتباط و حسن تفاهم بین ملل و نژادهای بشری را سهل و ساده خواهد نمود . در چنین جامعه عمومی علم و دین یعنی دو قوی ترین عامل زندگانی باهم سازش و تشریک مساعی نموده و متوافقاً " نشو و نما مینمایند . مطبوعات و جرائد در ظل چنین نظمی در حالیکه میدان را از برای اظهار

نظریات و عقاید مختلفه ابناء بشر باز و آزاد خواهند گذاشت آلت مصالح و اغراض شخصی و خصوصی قرار نگرفته و از اعمال نفوذ دول و ملل متخاصمه رهایی خواهند یافت . منابع اقتصادی عالم تحت انتظام درآمده مواد خام آن استخراج و مورد استفاده کامل واقع شده و بازارهای آن تنظیم و توسعه خواهد یافت و توزیع محصولات آن منصفانه تعدیل خواهد شد . رقابت و خصومات و دسایس ملی موقوف و تعصب نژادی به دوستی و حسن تفاهم و تعاون بین نژادها تبدیل خواهد شد . علل منازعات دینیه همواره مرتفع و موانع و تقییدات اقتصادی بکلی برطرف و امتیازات مفرط بین طبقات منسوخ خواهد گردید . فقر و فاقه از یکطرف و تجمع فاحش اموال از طرف دیگر از بین خواهد رفت . مساعی عظیمیه ای که در راه جنگ اقتصادی و یا سیاسی بیهوده مصرف شده برای مقاصد تخصیص داده خواهد شد که متضمن توسعه دامنه اختراعات بشر و تکامل امور فنی و ازدیاد شمره مجهودات بشری و قلع و قمع بیماری و توسیع دایره تحقیقات علمی و تشریف سطح صحت عمومی و تهذیب و تلطیف فکر آدمی و استخراج منابع متروکه ، مجهوله ، ارضی و اطاله عمر انسانی و پیشرفت هر عامل دیگری که بتواند حیات عقلانی و اخلاقی و روحانی هیئت بشری را تقویت نماید باشد . یک نظم مبتنی بر اتحادیه عمومی که بر کره ارض حکمفرما باشد و منابعی را که وسعت آن فوق تصور است با سلطه مطلقه اداره کند و آمال شرق و غرب را ممزوج و مجسم نموده و از شر جنگ و مصائب آن رهایی یافته توجش را معطوف با استخراج جمیع منابع قوای مکنونه ممکن الحصول ارض نماید . نظمی که در آن قدرت خادم عدالت و حیات آن متکی به اعتداف

عمومی به یک خدا و تبعیت از یک ظهور مشترک گردد.  
اینست غایت قصوائی که عالم بشریت در تحت تاثیر قوای  
وحدت بخش حیات بسوی آن پیش میرود.

### طریقه چهارم : نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء اللّٰه

با مطالعه و تمعن در آیات و آثار نازله از قلم شارع  
قدیر در کتاب مستطاب اقدس و سوره هیکل و سوره الملوک  
و سایر الواح مبارکه و همچنین تبیینات حضرت مولی الوری  
و حضرت ولی عزیز امراللّه متوجه میشویم که در شریعت  
مقدس بهائی یک تشکیلات بدیع و منظم محلی و ملی  
و بین المللی بجهت اداره جامعه بشری پیش بینی شده  
که در معارف بهائی بنام " نظم بدیع جهان آرای حضرت  
بهاء الله " موسوم و موصوف میباشد. بفرموده حضرت ولی  
محبوب امراللّه ، حضرت رب اعلی به تاسیس این نظم  
بشارت داده اند و جمال قدم جل ذکرة الاعظم آنرا تاسیس  
فرموده اند و حضرت مولی الوری در آثار نازله و خطابات  
صادر و بخصوص در الواح مبارکه و مایا کیفیت تاسیس آنرا  
تشریح و تبیین فرموده اند و بالاخره حضرت شوقی افندی  
در توقیعات منیعه هدف و مقصد و جامعیت این صنع الهی  
را توضیح و ۳۶ سال از حیات مبارک و آسایش و راحت خود  
را بجهت تقویت و توسعه این نظم بی مثل و استقرار آن  
در عالم انسانی فدا نمودند . بهدایت نصوص مبارکه  
باید متذکر بود که این نظم بدیع بهیچوجه مشابه و مماثل  
با تاسیسات و تشکیلات ادیان سائره که مخلوق عقول  
ناقصه بشری است ، ویا انظمه احزاب و حکومتات مختلفه  
موجوده در جهان نیست بلکه نظمی است الهی و بی سابقه  
و نظیر که هر چند دارای پاره ای مزایا و عناصر سلیمه

انظمه سابقه است و لکن بشهادت حضرت ولی امرالله از عیوب اصلیه و فظریه آنها عاری و مبری است . باعتقاد اهل بهاء این نظم بدیع الهی یکی از مهمترین عوامل وصول جامعه بشری به مرحله وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و اتحاد من علی الارض و یکی از موه ثرترین وسائل ایجاد و حفظ صلح جهانی در ظل مدنیت بهائی میباشد و ما در این مقال بنحو اختصار مختصات و امتیازات این نظم بدیع جهانی را بیان و اثرات آنرا در تاسیس و حفظ صلح جهانی و دائمی بقدر مقدور تشریح مینمائیم .

از لحاظ تشکیلات بین المللی در دیانت مقدس بهائی اولاً " یک قوه تقنینیه بین المللی که در آثار بهائی بنام بیت العدل اعظم تسمیه شده پیش بینی گردیده است که بفرموده قلم اعلی ملهم بالهامات الهیه و مصون از خطا بوده و مامور وضع و تشریح و نسخ و تفسیر قوانین و نظامات غیر منصوصه است و اصول و قوانین کلی و عمومی را که در نصوص مبارکه موجود نیست بجهت اداره امور عالم وضع و تشریح مینماید . اعضای این مجلس مقننه بین المللی از طرف عموم افراد ملت بطور غیر مستقیم و سه درجه انتخاب میشوند و تحت هدایت و عصمت موهوبه الهیه به وضع قوانین غیر منصوصه مبادرت مینمایند . بعبارت دیگر این مجمع که در تاریخ انظمه عالم بی سابقه و نظیر است منتخب از طرف خلق است و موهید از جانب حق . اینک شمه ای از نصوص مبارکه در خصوص این مرجع منصوص و معصوم زینت بخش این مقال میشود : جمال قدم در کلمات مبارکه فردوسیہ میفرمایند قوله الا علی : " آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری

دارند انّه یلهممها یشاء و هو المذبر العلیم . " و در لوح اشراقات نازل قوله تعالی : " امور ملت معلق است برجال بیت عدل الهی ایشانند امناء اللّه بین عبادّه و مطالع الا مرفی بلاده . . . . چونکه هر روز را امری و هر حینی را حکمی مقتضی ، لذا امور بوزراء بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند . . . . " و در لوح دنیا از قلم اعلی نازل : " در اصول احکام که از قبل در کتاب اقدس و سایر الواح نازل امور راجع بسلاطین و روسای عادل و امنای بیت عدل شده و منصفین و متبصرین بعد از تفکر اشراق نیر عدل را به عین ظاهر و باطن در آنچه ذکر شده مشاهده نمایند . . . . "

با دقت و تمعن در نصوص و آثار مبارکه نکات ذیل در خصوص بیت العدل اعظم استنباط میشود :

۱- بفرموده قلم اعلی و حضرت عبدالبهاء بیست العدل اعظم ملهم بالهامات غیبیه الهیه بوده و مصدر کل خیر و مضمون از هر خطائی میباشد . حضرت عبدا لبهاء در یکی از الواح میفرمایند قوله الجلیل :

" . . . . و همچنین ملاحظه نشود که بیت عدل بفکر و رای خویش قراری دهند . استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تائید روح القدس قرار و احکام جاری نمایند زیرا در تحت و قایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهند اتّباعش فرض مسلم و واجب مُتَحَتَّم بر کل است ابداً " مَفَرّی از برای نفسی نه . . . . "

۲- بیت عدل اعظم واضع قوانین و نظامات غیر منصوصه یا بفرموده حضرت عبدالبهاء مرکز تشریح است یعنی قوانین غیر منصوصه و اصول و قواعد کلی و عمومی

بوسیله این مرجع الهی و جهانی وضع و تشریح خواهد شد و چون بیت عدل خود وضع قوانین غیر منصوصه مینماید قادر به نسخ و تغییر و اصلاح آن قوانین نیز تواند بود یعنی بفرموده حضرت عبد البها واضع بیت عدل است و ناسخ نیز بیت عدل و همین امر یعنی اختیار وضع و تشریح و نسخ و تغییر قوانین غیر منصوصه که از طرف شارع قدیر تعمداً " به بیت العدل اعظم واگذار شده موجب میشود که در ظل مد نیت روحانی بهائی همواره تطابق دیانت با مد نیت محفوظ ماند و از جمود و سکون دیانت خود داری شود و موافقت قوانین و احکام دیانت با احتیاجات و مقتضیات دائم التعمیر زمان بوسیله مرجعی منصوص و معصوم حفظ گردد و این مسئله یکی از حکمت های بالغه الهیه و از امتیازات این ظهور اعظم میباشد. حضرت عبد البهاء در این خصوص میفرماید: " ۰۰۰۰ چون دور مبارک اعظم ادوار الهیه است لهذا جمیع مراتب روحانیه و جسمانیه او در کمال قوت و سلطنت است لهذا مسائل کلیه که اساس شریعت است منصوص ولی متفرعات را جع به بیت عدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل بمقتضای آن اجرا مینماید. ۰۰۰۰"

۳- اعضای بیت العدل اعظم باید نفوس مومنه سلیمه فعاله و مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیر خواه جمیع نوع انسانی باشند .

۴- اعضای بیت العدل اعظم بفرموده حضرت ولی امر الله در وضع و تقنین قوانین عمومی مسئول نفوسیکه آنان را انتخاب نموده نبوده و نباید تحت تاثیر و نفوذ افکار و عقاید عامه قرار گیرند . بلکه موظفند در



اخذ هر تصمیمی و وضع هر قانونی در کمال توجه و دعا  
الهامات و تائیدات الهیه را مسئلت نمایند.

۵- تعداد اعضای بیت عدل و مدت استخدام آنان  
بقرار بیت عدل در مستقبل ایام واگذار شده است و لکن  
حد اقل اعضاء طبق نصوص مبارکه ۹ نفر است. حضرت  
عبدالبهاء میفرماید قوله العزیز: "۰۰۰ مدت استخدام  
اعضای بیت عدل باید بقرار بیت العدل در مستقبل  
ایام داده شود زیرا نص الهی غیر موجود و آنچه که  
منصوص نه بقرار بیت العدل باید تقرر یابد." "

۶- اعضای بیت عدل همگی از رجال هستند حضرت  
بهاء الله در لوح مبارک اشراقات میفرماید: " رجال  
بیت عدل الهی باید در لیالی و ایام بآنچه از افق سماء  
قلم اعلی در تربیت عباد و تعمیر بلاد و حفظ نفوس و  
عیانت ناموس اشراق نموده ناظر باشند." و حضرت  
عبدالبهاء در لوحی میفرماید: "۰۰۰ در شریعت الله  
نساء و رجال در جمیع حقوق متساویند مگر در بیت العدل  
عمومی زیرا رئیس و اعضای بیت العدل بنص کتاب  
رجالند." "

۷- انتخاب اعضای بیت عدل اعظم بر طبق السواح  
مبارکه و صایای حضرت عبدالبهاء و تبیینات حضرت ولی  
امرالله بطور غیر مستقیم و سه درجه میباشند. بدین  
ترتیب که اعضای بیوت عدل ملی یا خصوصی ممالک که  
از طرف نمایندگان جامعه به ترتیب دو درجه انتخاب  
شده اند اقدام به انتخاب اعضای بیت العدل اعظم از  
بین کلیه بهائیان واجد شرایط عالم مینمایند.

۸- بیت العدل اعظم و موءسات تابعه آن و بطور  
کلی تشکیلات بین المللی بهائی در یک پایتخت روحانی

و جهانی که بمنزله قلب عالم می باشد متمرکز خواهد شد که طبق تبیینات مرکز میثاق اراضی مقدسه لانس و آشیانه انبیاء و جوار روضه مقدسه مبارکه و مقام اعلی پایتخت این مدنیت روحانی و جهانی خواهد شد و اشعه ساطعه از آن مرکز روحانی و اداری موجد حیات و فعالیت و وحدت و روحانیت بجهت عموم اهل عالم خواهد بود حضرت ولی عزیز امرالله در توفیق منیع مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ که قبلاً اشاره شد میفرماید: "۰۰۰۰ یک عاصمه بین المللی بمنزله مرکز اعصاب مدینت عمومی و کانونی خواهد بود که قوای وحدت بخش حیات بسوی آن متوجه و اثرات جانبخشی از آن صادر میگردد" ۰۰۰۰ علاوه بر وحدت دیانت و حکومت و سیاست و پایتخت و وحدت زبان و خط طبق بیان حضرت ولی امرالله بایجاد یک دستگاه مخابرات و ارتباطات بین المللی و همچنین انتخاب واحد پول و اوزان و مقادیر و مقیاسهای متحد الشكل و نیز مطبوعات و نشریات بین المللی در ظل مدینت بهائی مبادرت خواهد شد تا باعث تسهیل روابط و حسن تفاهم بین ملل و اقوام مختلفه عالم گردد.

### محکمه کبرای بین المللی

دیگر از موءسسات بین المللی بهائی قوه قضائیه بین المللی است که در آثار و معارف بهائی بنام محکمه کبرای عمومی تسمیه شده است . این محکمه کبری مامور قضاوت و اظهار نظر در باره مناقشات و اختلافات حاصله بین ممالک و عناصر مختلفه مرکبه این نظم جهانی است که پس از بررسی و رسیدگی ، حکم قاطع نهائی خود را صادر خواهد نمود . در نصوص و آثار مبارکه در باره محکمه

کبرای عمومی و نحوه تشکیل و کیفیت انتخاب اعضای آن بیانات مبارکه ذیل زیارت میشود: حضرت بهاء الله در لوح اتحاد میفرمایند: " ای احزاب مختلفه باتحاد توجه نمائید و بنور اتفاق منور گردید لوجه الله در مقرری حاضر شوید و آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید تا جمیع عالم بانوار نیر اعظم فائز گردند و در يك مدینه وارد شوند و بريك سریر جالس این مظلوم از اول ایام الی حین مقصودی جز آنچه ذکر شد نداشتند و ندارد... " و حضرت عبد البهاء در لوح مبارک لاهای میفرمایند قوله العزیز: " حضرت بهاء الله میفرماید که باید هئیت محکمه کبری تشکیل شود زیرا جمعیت امم هر چند تشکیل شد ولی از عهده صلح عمومی بر نیامد اما محکمه کبری که حضرت بهاء الله بیان فرموده این وظیفه مقدسه رابنهایت قدرت و قوت ایفاء خواهد کرد و آن اینست که مجالس ملیه هر دولت و ملت یعنی پارلمانن اشخاصی از نخبه آن ملت که در جمیع قوانین حقوق بین دولی و بین ملل مطلع و در فنون متفنن و بسز احتیاجات ضروریه عالم انسانی در این ایام واقف دو شخص یا سه شخص انتخاب نمایند به حسب کثرت و قلت آن ملت . این اشخاص که از طرف مجلس ملی یعنی پارلمانن انتخاب شده اند مجلس اعیان نیز تصدیق نمایند و همچنین مجلس شیوخ و همچنین هیئت وزراء و همچنین رئیس جمهور یا امپراطور تا این اشخاص منتخب عموم آن ملت و دولت باشند از این اشخاص محکمه کبری تشکیل میشود و جمیع عالم بشر در آن مشترك زیرا هر يك از این نمایندگان عبارت از تمام آن ملت است چون این محکمه کبری در مسئله ای از مسائل بین المللی یا بالاتفاق یا بالا کثریه حکم فرماید

نه مدعی را بهانه ای ماند نه مدعی علیه را اعتراضی • هر گاه دولتی از دول یا ملل در اجرای تنفیذ حکم مبرم محکمه کبری تعطل و تراخی نماید عالم انسانی بر او قیام کند زیرا ظهیر این محکمه کبری جمیع دول و ملل عالمند •  
 دیگر از مؤسسات بین المللی در ظل مد نیت روحانی و جهانی بهائی قوه مجریه بین المللی یا هئیت تنفیذیه عمومی است که مأمور اجرا و تنفیذ قوانین موضوعه و تصمیمات متخذه و آراء صادره است و موظف است اگر دولتی از آراء صادره از محکمه کبری بین المللی و قوانین واحکام مقننه عمومی سرپیچی کند سلطه و اقتدار کامل و مقاومت ناپذیر خود را که مستظهر به حمایت کلیه دول عالم است اعمال نماید • بدیهی است کیفیت تأسیس و ایجاد این هئیت تنفیذیه بین المللی و مقررات و ضوابط مربوط بآن و شکل و خصوصیات این قوه به عهده بیت العدل اعظم در مستقبل ایام واگذار شده تا بهدایت نصوص مبارکه و الهامات غیبیه اخذ تصمیم نمایند • حضرت عبد البهاء در الواح مبارکه وصایا به این قوه تنفیذیه چنین اشاره میفرمایند قوله الجلیل : "••• این بیت عدل مصدر تشریعیست و حکومت قوه تنفیذ تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط و التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنت النعیم و بهشت برین شود •" و حضرت ولی عزیز امر الله در توقیع منیع مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ در باره این قوه تنفیذیه بین المللی چنین میفرمایند قوله المبین : "••••• یک هئیت تنفیذیه عمومی مستظهر به قوه ای بین المللی تصمیمات متخذه هیات تقنینیه عمومی عالم را حفظ خواهد نمود •••••"

## وجود اقوام و ملل مختلفه مانع از تاسیس صلح عمومی و اتحاد جهانی نیست

با تمام فوائد و منافعى که از تاسیس صلح عمومی و دائمی و حکومت و قانون بین المللی متصور است برخی از سیاسیون و نویسندگان اختلافات و تباینات موجوده بین اقوام و ملل مختلف عالم و تفاوت آداب و رسوم و تربیت را مانع از ایجاد صلح عمومی و حکومت جهانی دانسته و یکی از علل عدم موفقیت سازمانهای بین المللی را همین امر شمرده اند در حالیکه عدم موفقیت سازمانهای بین المللی در گذشته و حال بعطت این مسئله نبوده بلکه معلول نواقص و علل و جهات دیگر است که از حوصله این مقال خارج است. واقعیت و تجربیات خلاف عقیده اینگونه افراد را اثبات نموده و معلوم داشته است که اگر اقوام و ملل و نژادهاى مختلفه در ظل حکومت و سیاست و قانون واحدی اداره شوند و از مزایای آزادی و مساوات و سایر حقوق فردی و اجتماعی بالسیوه برخوردار گردند میتوانند بکمال صفا و صمیمیت بزندگانی و فعالیت و اشتراك مساعی ادامه دهند. فی المثل ملل مختلفه روس، بلغار، رومانی و عرب قرنهای برضد یکدیگر بوده و باهم نزاع داشتند ولی افراد همین ملل وقتی بامریکا مهاجرت نموده و ساکن شدند با کمال محبت و حسن تفاهم با یکدیگر زیست نموده و برای ترقی و سعادت موطن و مسکن خود یعنی آمریکا همکاری کردند زیرا در کشور آمریکا همه این افراد بدون توجه به نژاد، مذهب و ملیت در ظل یک حکومت و قانون قرار گرفتند. همزیستی آلمانها و فرانسویها در کشور کوچک سویس نمونه دیگری از جلیوه این حقیقت است. هر چند ملل عالم بعلت تفاوت اوضاع جغرافیائی و سوابق تاریخی و نژادی و

اختلاف زبان قهرا " دارای آداب و عادات و رسوم و فرهنگ متفاوت هستند اما مساوات حقوق و استفاده از آزادیهای بشری در ظلّ يك حکومت متحده جهانی منافاتی با این اختلافها و تباین های صوری و ظاهری ندارد . مهم اینست که استعدادها و سلیقه های متفاوت با همآهنگی که در ظل مدنیت جهانی پیدا میکند بکار افتند و با تنوعی که دارند مانند تنوع و تفاوت رنگ و بو و شکل ازهار و ریاحین گلستان عالم را بوجود خود بیآرینند . بعبارت دیگر هر ملت و قوم در حیات بین المللی مانند فرد در جامعه هرچه را فاقد است از دیگری تحصیل نماید و در مقابل هرچه را داراست بدیگری بدهد و یکنوع تعاون و تعاضد و همبستگی و اشتراك مساعی بین المللی بوجود آید . حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک لاهای در این خصوص چنین میفرمایند قوله المتین : " اگر معترضی اعتراض کند که طوائف و امم و شعوب و ملل عالم را آداب و رسوم و اذواق و طبایع و اخلاق مختلف و افکار و عقول و آراء متباین با وجود این چگونه وحدت حقیقی جلوه نماید و اتحاد تام بین بشر حاصل گردد گوئیم اختلاف بدو قسم است يك اختلاف سبب انعدام است و آن نظیر اختلاف ملل متنازعه و شعوب متباززه که یکدیگر را محو نمایند و خانمان براندازند و راحت و آسایش سلب کنند و خونخواری و درندگی آغاز نمایند و این مذموم است . اما اختلاف دیگر که عبارت از تنوع است آن عین کمال است و سبب ظهور موهبت الهی . ملاحظه نمائید گلهای حدائق هرچند مختلف النوع و متفاوت اللون و مختلف الصور و الاشکالند ولی چون از يك آب نوشند و از يك باد نشوونما نمایند و از حرارت و ضیاء يك شمس پرورش

نمایند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق  
 یکدیگر گردد. این اختلاف آداب و رسوم و افکار و آراء  
 و طبایع سبب زینت عالم انسانی است این ممدوح است و  
 همچنین این تنوع و اختلاف چون تفاوت و تنوع اجزاء  
 و اعضاء انسانست که سبب ظهور جمال و کمالست. چون  
 این اعضاء اجزای متنوعه در تحت نفوذ سلطان روحست و  
 روح در جمیع اجزاء و اعضاء سریان دارد. در عروق و شریان  
 حکمران است این اختلاف و تنوع موهبید اختلاف و محبت  
 است و این کثرت اعظم قوه وحدت. اگر حدیقه ای را گل  
 و ریاحین و شکوفه و اثمار و اوراق و اعصاب و اشجار از  
 یک نوع و یک لون و یک ترکیب باشد بهیچوجه لطافتی  
 و حلاوتی ندارد. ولیکن چون الوان و اوراق و ازهار و اثمار  
 گوناگون باشد هر یکی سبب تزئین و جلوه سایرین گردد  
 و حدیقه انیقه شود و در نهایت لطافت و طراوت و  
 حلاوت جلوه نماید. همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال  
 و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قنوه واحده  
 و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال  
 و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود. "

انتهی

## تحریر حقیقت

" اول تعلیم حضرت بهاء الله تحریر حقیقت است باید انسان تحریر حقیقت کند و از تقلید دست بکشد زیرا ملل عالم هر یک تقلیدی دارند و تقلید مختلف است و اختلاف تقلید سبب جنگ و جدال شده است و تا این تقلید باقی است وحدت عالم انسانی مستحیل است." (حضرت عبدالبهاء)

خوانندگان عزیز و گرامی یکی از مهمترین و اساسیترین تعلیم و مبادی این ظهور مبارک که در اکثر الواح و آثار نازل از قلم اعلی و کلک اطهر مرکز میثاق بآن اشاره شد لزوم تحریر حقیقت و ترک تقلید جاهلانه میباشد و بر طبق نصوص مبارکه فرد بهائی باید به تحقیق و تحریر در جمیع امور بخصوص مسائل و حقایق روحانی و دینی پرداخته بمدد عقل و ادراک خدا داد و بدون حب و بغض و تقلید و متابعت کورکورانه از دیگران یا ابا و اجساد خویش به کشف حقیقت پردازد و خود را به ظرایف صفات و شرایط محقق و متحریر حقیقی مزین دارد در این مقال مطالب مربوط به این تعلیم اساسی را با استناد به نصوص



و آثار مبارکه ضمن هفت مبحث مورد بحث و مطالعه قرار داده و امیدوار است مورد توجه و استفاده قارئین محترم قرار گیرد.

### اول - معنی لغوی تقلید و تحرّی حقیقت

الف - تقلید - اصطلاحاً پیروی کردن از کسی است بدون تأمل و تفکر.

ب - تحرّی - بمعنای قصد کردن یا طلب کردن و تجسس نمودن چیزی و یا مطلبی است که اولی و آحق باشد.

ج - حقیقت - حق و حقیقت ضد باطل و وهم و مجاز است و حقیقت هر شیئی عبارت از ذات و کنه یا ماهیت آن شیئی است که بصفات و خواص آن شناخته میشود و الاّ ذات شیئی مجهول است . گاهی حقیقت در مقابل موهوم نیز استعمال میگردد . در الواح مبارکه نازل از کلل اطهر حضرت عبدا لبهاء در باره معنی حقیقت و تعریف آن این کلمات درّیات نازل شده قوله العزیز :

" حقیقت وحدت عالم انسانی است ، حقیقت محبت بین بشر است ، حقیقت اعلان عدالت است ، حقیقت هدایت الله است ، حقیقت فضائل عالم انسانی است ، انبیای الهی جمیعاً منادی حقیقت بودند . . . . " و نیز میفرمایند :

" حقیقت شریعت الله است ، حقیقت هدایت الله است ، حقیقت محبت الله است ، حقیقت فیوضات الله است ، حقیقت فضائل عالم انسانی است ، حقیقت نفثات روح القدس است . . . "

د - تحرّی حقیقت - مقصود از تحرّی حقیقت در هر موضوع یعنی طلب و تفحص و قصد نمودن حقیقت آن موضوع است خواه موضوع مربوط به محسوسات و جسمانیات و موجودات عالم مادی و کشف روابط ضروریه بین آنان باشد

و یا مربوط به معقولات و روحانیات و حقایق دینی و اعتقادی.

### دوم - طریق تقلید و طریق تحقیق

عقاید و مسائل به دو طریق وارد ذهن و فکر انسان میشوند یا به طریق تقلید و یا از راه تحری و تحقیق. وقتی نظری به عالم افکار و عقاید و مسالك می افکنیم ملاحظه مینمائیم که افکار و عقاید روحانی و اجتماعی و فلسفی اقوام و ملل متنوعه در نهایت اختلاف و تعارض است و حال آنکه عقلا اگر طرق و مسالك مختلفه مبتنی بر یک رشته حقایق معقوله منطقی بود لازم میآمد که همگی یکسان و موافق یکدیگر باشند زیرا در هر مورد و موضوع حقیقت واقع یکی است و تعدد ندارد. پس این اختلاف و تباین ناشی از این است که صاحبان افکار و عقاید مختلفه از طریق صواب منحرف شده و از تحری و تحقیق چشم پوشیده راه تعصب و تقلید پیش گرفته اند و همواره اختلافات ناشی از همین روش تقلید و متابعت کور کورانسه افراد در مسائل و امور مییابد به قول شاعر شیرین سخن شیراز حافظ علیه الرحمه :

جنگد هفتاد و دو ملت همه را عذربنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

نکته دیگری که در مطالعه و سیر در عالم عقاید و آراء بدان متوجه میشویم اینست که عقاید مختلفه بطور کلی و یا عقاید و افکار هر فردی از افراد بشر همواره دستخوش تغییر و تحول و دگرگونی و تبدل است و افراد انسانی یا ملل عالم همواره در نتیجه علل و عوامل مختلفه از دینی به دین دیگر و از مرام و مسلکی به مرام و مسلک دیگر

منسلک و معتقد میگردند و این دلیل بر آنست که: این عقاید ذاتی و فطری انسان نبوده و لذا قابل تغییر و ترقی و تکامل میباشند. اما این تغییر و تبدیل ممکن است به دو طریق صورت گیرد یا از طریق تقلید و یا از طریق تحقیق یعنی انسان ممکن است عقاید اولیه و سپس ثانویه خود را در اثر تقلید تحصیل کند چنانچه اکثری از مردم در این طریق سالکند و حدیث معروف اسلامی نیز مؤید این قول است که میفرماید: " کل مولود یولد علی الفطرة ثم أبواه یهودانه أو یمجسانه أو یمنصرانه ۰۰۰ " ( یعنی هر مولودی بر فطرت یعنی طبع سلیم و معرفت جو متولد میشود ولی بواسطه تقلید از پدر و مادر و تحت تاثیر محیط و جامعه یهودی و یا مجوسی و یا نصرانی میشود. ) اما طریق دوم طریق تحری و تحقیق است که دارای ارزش و مقام بوده و آدمی را به حقیقت واقع سوق میدهد و اطمینان خاطر میبخشد و باعث ظهور و بروز کمالات و فضائل انسانیه میشود و اگر همه افراد عقاید و افکار خود را از این طریق تحصیل نمایند و دست از تقالید جاهلانه و تبعیت کورکورانه بردارند شکی نیست که وحدت عقول و افکار و عقاید و وجدان در انجمن نوع انسان چهره خواهد گشود و اختلافات موجوده که ناشی از تقلید و تعصب و سوء تفاهمات است رفع خواهد شد. هر چند ما اهل بهاء معتقدیم که آدمی باید در جمیع مسائل و مواضع به حبل تحری و تحقیق متمسک شود و لکن در رتبه اولی اهمیت و ارزش تحری حقیقت متوجه مسائل و حقایقی که سعادت و آسایش جسمانی و روحانی و رستگاری دنیوی و اخروی ما منوط و مربوط به آنست میباشند و آن عبارت از تحری و مجاهدت در سبیل عرفان الهی و مظاهر مقدسه

و مربیان روحانی عالم انسانی در هر دور و زمان است زیرا آدمی تا به مبداء و منتهای خود و حکمت خلقت و وظیفه خویش در این تنگنای عالم مادی و علت و کیفیت تحلیل و انتقال به عوالم بعد و چگونگی سیر و تکامل خود در عوالم لایتناهای الهی پی نبرد در عرصه افکار و عقاید متنوعه مختلفه سرگردان میشود و در میدان عمل به تکالیف خود حیران میماند و پی بردن باین حقایق برای افراد بشر جز از طریق شناسائی مظاهر مقدسه الهیه و تحری در اساس ادیان الهیه و تحقیق در علم و حکمت به انسدازیده استعداد و طاقت او میسور و ممکن نخواهد بود .

### سوم - وجوب تحری حقیقت و مضار تقلید و دلائل آن

اول - وقتی که کیفیت خلقت انسان را مطالعته میکنیم متوجه میگردیم که خداوند متعال علاوه بر قوای جسمانی یک سلسله قوا و استعدادات روحانی و عقلانی نیز در انسان بود یعت نهاده است و همان طور که هیچ یک از قوا و حواس جسمانی عبث و بیپوده خلق نشده بلکه برای ادامه حیات آدمی لازم و ضروری هستند قوا و استعدادات روحانی و عقلانی نیز که بصراف فضل به انسان عنایت شده بنا به حکمتهای بالغه الهیه به جهت منظوری معین بوده است که عبارت از کشف حقائق و طبایع اشیاء و پی بردن به مسائل عالیه معقوله بوسیله تحری و تجسس و تفکر و بالاخره وضول به مقام انسانیت میباشد اگر قرار میبود که انسان عنان افکار و عقاید خود را بدست دیگران سپارد و مطیع و منقاد آنان شود و راه تحری و جستجو نیپوید و یا صرفا چون حیوانات فرمان غریزه

را گردن نهد البته به قوای کاشفه و نیروی ابتداء و اختراع احتیاجی نبود ولی هر نفسی در وجود خود وجود قوا و نیروهای عقلی و روحی و فکری را درک می کند که کاشف حقائق اشیاء و مُدرک مسائل معقوله است . پس حال که موهبت الهی شامل حال بشر شده و مثل اعلاّی خلقت گشته و دارای چنین قوا و استعداداتی گردیده است باید که از آنها استفاده نماید والا کفران مواهب الهی را نموده و راه تنزل و انحطاط را پیموده است .

دوم - دارا بودن عقل و شعور و اختیار و اراده یک سلسله وظائف و تکالیف روحانی و اخلاقی و اجتماعی و فردی را بر انسان تحمیل نموده و او را به جستجو و تحقیق راجع به مسائل و حقایق عالم وجود وادار مینماید و نفس مسئولیت انسان در انجام تکالیف متنوعه لزوم تحری و تجسس رادر جمیع امور ایجاب میکند .

سوم - عدم تحری و تحقیق ، و تمسک به تقالید جاهلانه و تبعیت کورکورانه باعث انحطاط فکر و روح انسان میشود و شخصیت انسانی را تزلزل میدهد و عنان اختیار و افکار آدمی را بدست دیگران میسپارد .

چهارم - چون در علل و عوامل ترقی و تعالی و تقهقر و تدنی افراد یا ملل و اقوام عالم در طول تاریخ دقت نمائیم ملاحظه میکنیم نفوس و مللی که از قسواّی روحانیه و استعدادات خداداد حداکثر استفاده رانموده و این قوا را در راه کشف حقایق و روابط موجود در جهان هستی بکار برده اند به توفیقات عجیبه در زمین ه اختراعات و اکتشافات و تاسیس مدنیت و هدایت افکار و تأمین رفاه و سعادت عمومی نائل آمده اند بالعکس نفوس و مللی که به ماء کثیف تقلید قانع شده و

خویشرا از فیض دریای تحرّی و تجسّس و بکار بردن قوا و استعدادات موهوعه محروم نموده اند دچار انحطاط و تفهقر شده و بالاخره رهسپار دیار نیستی و فراموشی گردیده اند.

پنجم - چون در علل و بواعث اختلافات و منازعات بین ملل و پیروان ادیان و ممالک مختلفه و علت تمدنی و انحطاط آنها دقت کنیم ملاحظه مینمائیم که مسئله تقلید و تبعیت کورکورانه از پیشوایان و روء سای مذهبی و عدم تحرّی و تحقیق در مسائل روحانی و اعتقادی یکی از بزرگترین علل این اختلافات بوده است زیرا تقلید مختلف و متباین است و لذا ارباب تقلید همواره در اختلاف و نزاع بوده و میباشند حضرت عبدا لبهاء در این باره میفرماید -  
قوله العزیز: " ملاحظه نمائید حضرات یهود منتظر ظهور حضرت مسیح بودند و به جان و دل آرزو میکردند اما چون غرق در تعالید بودند چون حضرت مسیح ظاهر شد ایمان نیاوردند عاقبت بر صلب آن حضرت قیام نمودند از اینجا معلوم میشود که پیروی تقلید کردند زیرا اگر تحرّی حقیقت میکردند البته به حضرت مسیح ایمان میآوردند. این تقلید عالم انسانی را ظلمانی کرده، این تقلید سبب حرب و قتال شده، این تقلید سبب بغض و عداوت گشته پس باید تحرّی حقیقت کنیم تا از جمیع مشقات خلاص شویم و بصیرت روشن شود و مملکوت الهی راه یابیم ۰۰۰"

ششم - اگر بعلل اختلافات و مناقشات بین پیشوایان ادیان و علمای مختلفه و مکتشفین و بالاخره تفرقه و نزاع بین دین و علم بخصوص در طول قرون وسطی دقت کنیم ملاحظه مینمائیم که بزرگترین علت آن عدم

توجه روء ساي مذهبي به مسئله تحقيق و تحري نسبت به حقايق روحاني مندرجه در کتب مقدسه و توجه صرف به ظواهر الفاظ بوده است و اين امر باعث شده که بخصوص در طی قرون وسطی و اندکی پس از آن هر اکتشاف و نظريه ای که با ظاهر مندرجات کتب مقدسه وفق نمیداده مورد اعتراض و انکار روء ساي مذهبی واقع شده و صاحب آن اکتشاف و نظريه تکفیر و به حبس و حرق و اعدام محکوم گردیده است .

هفتم - از نظر روحانی و دینی نیز باید توجه داشت که صرف نظر از دانشمندان و فلاسفه جهان که همواره انسان را به تفکر و تحری و تجسس نسبت به کلیه مسائل و حقائق عالم هستی دلالت نموده اند مظاهر مقدسه الهیه یعنی بزرگترین مربیان روحانی و اخلاقی عالم انسانی نیز در هر عصر و زمان به تاکید و تصریح پیروان خود را از تقلید جاهلانه نهی و تبعیت کورکورانه را قدح و ذم نموده و آنان را به تحقیق و مجاهده در راه کشف مسائل و حقائق تشویق و ترغیب نموده اند و ما در مبحث بعدی این مطلب را با استناد به آیات کتب مقدسه قبل مورد مطالعه بیشتر قرار خواهیم داد .

#### چهارم اهمیت تحری حقیقت در ادیان سالفه

در جمیع کتب سماویه و ادیان الهیه پیروان مظاهر مقدسه به تحری حقیقت و ترک تقلید مامور شده اند در خلال آیات و مطالب کتب و صحف مقدسه ادیان سالفه تأکیدات اکیده در خصوص و جوب تحری و مجاهده و احتراز از تقلید وارد شده که محض نمونه به نقل شمّه ای از آنها اکتفا میشود .

۱- در دیانت یهود - در کتاب ارمیای نبی باب ۶ آیه ۱۶ " خداوند چنین میگوید بر طریقه ها بایستید ملاحظه نمائید و در باره طریقه های قدیم سوال نمائید که طریقی نیکو کدام است تا در آن سلوک نموده برای جان خود راحت بیابید." و در باب هشتم امثال سلیمان مذکور: " همه سخنان دهانم بر حق است و در آنها هیچ چیز کج یا معوج نیست تمامی آنها نزد مرد فهیم واضح است و نزد یابندگان معرفت مستقیم است ۰۰۰ هر که مرا به جد و جهد بطلبد مرا خواهد یافت ۰۰۰"

۲- در دیانت زردشت - در اوستا میفرمایند: " ای نیکوان به گوش خود بشنوید و به منش پاکیزه به بینید و سپس هر مرد و زن از بهر خود راه بگزینید." (نقل از کتاب آئینه آئین مزدیسنی)

و نیز در اوستا گاتهای زردتشت در یسنا ۳۰ میفرماید: " سخنان مهین گوش فرادهید و با اندیشه روشن بنگرید میان این دو آئین دروغ و راستی خود تمیز دهید پیش از آنکه روز واپسین فرارسد هرکس بشخصه دین خود اختیار کند بشود که در سر انجام کامروا گردیم."

۳- در دیانت مسیح - در انجیل متی باب ۷ آیه ۷ میفرماید: " سوال کنید که بشما داده خواهد شد بطلبید که خواهید یافت بکوبید که برای شما باز کرد خواهد شد زیرا هر که سوءالن کند بیابد و کسی که بطلبد دریافت کند و هر که بکوبد برای او گشاده خواهد شد و کدام آدمی است از شما که پسرش نانی از او خواهد و سنگی باو دهد یا اگر ماهی خواهد ماری بدو بخشد." و در باب سوم انجیل یوحنا آیه ۵ میفرماید: " اگر کسی تولد تازه نشود در ملکوت الهی داخل نگردد." و البته



منظور از تولد تازه تولد از عالم طبیعت و ترک اوهام و تقلید و عادات مذمومه گذشته و تحری حقیقت است و نیز در رساله اول پولس به تسالونیکیان باب پنجم میگوید: " روح را اطفاء مکنید نبوتها را خوار شمارید همه چیز را تحقیق کنید و بآنچه نیکوست متمسک باشید."

۴- در دیانت اسلام - در شریعت مقدس اسلام نیز تاکیدات اکیده در خصوص اهمیت تحری حقیقت و تحقیق و مجاهدت شده و در قرآن کریم و فرقان عظیم آیات کثیره مبنی بر مذمت تقلید از آراء و افکار آباء و اجداد و یا پیشوایان و بزرگان قوم و وجوب تعقل و تفکر و تحری نازل شده و در این سفر کریم پیغمبر اکرم اکثرا مردمان را به خطاب " افلا تعلقون افلا تفکرون " و امثالها مخاطب فرموده و مقلدین را به کوران و کران و گنگان و بهائم توصیف و لسان به شکوه و شکایت از دست آنان گشوده اند چنانکه در سوره بقره آیه ۱۶۹ در مذمت تقلید نازل: " وَ اِذَا قِيلَ لَهُمْ اَتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا الْقَيْنَا عَلَيْهِ اَبَا نَا اَوْ لَوْ كَانْ اَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ " یعنی ( و وقتی گفته میشود به کفار پیروی کنید آنچه را که از جانب پروردگار نازل شده گویند پیروی میکنیم روش و کیش پدران خود را در حالی که پدران آنها تعقل و تفکر ننموده و بحق و راستی راه نیافته اند.)

و در سوره الانفال آیه ۲۲ میفرماید: " اِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّٰهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الْاَدْنَى لَا يَعْقلُونَ " یعنی ( پست - ترین چهار پایان و جنبدگان نزد خدا کران و گنگانی هستند که تعقل و تفکر نمیکنند.) و نیز در سوره

فرقان آیه ۴۵ میفرماید: " ام تحسب ان اکثر هم یسمعون او یعقلون انهم الا کالانعام بل هم اضل سبیلاً " یعنی ( آیا گمان میکنی که اکثر مردم میشوند و تعقل میکنند و حال آنکه نیستند آنها مگر مانند چهار پایان بلکه پست تر از آنها ) و در تشویق و تحریص به تحری و تحقیق آیات بسیاری در این کتاب مجید نازل شده است از جمله در سوره عنکبوت آیه ۶۹ میفرماید: " وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِ لَهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ كَمَعَ الْمُحْسِنِينَ " یعنی ( کسانی که در راه ما کوشش و مجاهده میکنند البته آنها را به راه خود هدایت خواهیم کرد زیرا خداوند با نیکوکاران است ) و نیز در سوره النجم آیه ۳۸ الی ۴۰ نازل قوله تعالی: " اَلَا تَزِرُ وَرَءَکَ اُخْرٰی وَاَنْ لِّیْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰی وَاِنَّ سَعٰیہٗ سَوْفَ یُرٰی " یعنی ( هیچکس بار دیگری را تحمل نمیکند و اینکه نیست برای انسان مگر آنچه که بسعی و کوشش بدست آورد و بدرستی که نتیجه سعی و کوشش او زود دیده میشود ) و در سوره حجرات آیه ۶ میفرماید: " یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِن جَاءَکُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَتَبٰیئُوْا " یعنی ( ای کسانی که ایمان آورده اید اگر شخص بدکاری برای شما خبری آورد تجسس و تحقیق کنید ) و نیز میفرماید (سوره النحل آیه ۴۶): " فَاَسْئَلُوْا اَهْلَ الذِّکْرِ اِن کُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ " با توجه به آیات و تعالیم مبارکه فوق روشن و معلوم گردد بید که مظاهر مقدسه الهیه همواره پیروان خود را به تحری و تحقیق نسبت به کلیه مسائل بخصوص اصول دین و حقایق روحانیه تشویق فرموده اند و همین تعالیم و تاکیدات مظاهر مقدسه باعث شده که با ظهور هر یک از ادیان الهیه تحولی در عالم عقول و افکار و دنیای علم و دانش

بوجود آید و پیروان ادیان مختلفه بخصوص در قرون اولیه هر يك از ظهورات مقدسه سرآمد داناپان امم گردند و پیشرفتهای شایان توجهی را نصیب عالم علم و حکمت نمایند ولکن با کمال تاأسف امروز مشاهده میشود که پیروان جمیع ادیان دستورات و تعالیم سماویه را بدست فراموشی سپرده اند و از تحری و تحقیق و جستجوی حقیقت چشم پوشیده و در دریای تقالید و اوهام و خرافات مستغرق گشته اند و همین غفلت و فراموشی از تعالیم الهیه سبب انحطاط شدید فکری و اخلاقی و علت بروز مشکلات گوناگون و لاینحل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه انسانی گردیده است. حضرت مولی الوری میفرماید: قولہ الجلیل! "۰۰۰ ظلمت تقالید عالمرا احاطه کرده متابعیت تقالید طریق الهی را گم کرده و نور حقیقت را مخفی نموده! اگر این امم مختلفه تحری حقیقت کنند لابد بر این است که به حقیقت پی برند و چون حقیقت را یافتند جمیع ملل يك ملت گردند و اما مادام متمسک به تقالیدند و از حقیقت محروم و این تقالید مختلف است لهذا نزاع و جدال در میان است بغض و عداوت بین ملل شدید است" ۰۰۰۰

### پنجم - اهمیت تحری حقیقت در این ظهور مبارک

دیانت مقدس بهائی جمیع اهل عالم را به تحری حقیقت و ترک تقالید جاهلانه دعوت نموده و این موضوع را یکی از اساسی ترین مبادی و تعالیم روحانی و دینی این ظهور مبارک قرار داده است و میتوان ادعا نمود که در هیچیک از ادیان ماضیه تا این اندازه در این باره تأکید و تصریح نشده است. اهمیت این مساله در این ظهور

ملکوتی بقدری است که تقلید در امور فرعی و جزئی دینی هم ممنوع شده و اصولاً در دیانت بهائی طبقه روحانی و پیشوای مذهبی که محل رجوع و مرجع تقلید و متابعت مؤمنین باشند وجود ندارد بلکه هر فردی شخصاً و مستقلاً و با عقل و ادراک خدا داد خود مأمور تحری و تحقیق نسبت به حقایق و مسائل شده است . در شریعت مقدس اسلام تقلید در امور فرعی دینی برای افرادی که قدرت و استطاعت و قوف بر احکام الهیه و نحوه اجرای آنرا ندارند مجاز است چنانکه در حدیث مشهور اسلامی مذکور است : " وَ أَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِئاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالِفاً لِهَوَاهِ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلاً فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ " یعنی ( اما فقیه و مجتهد کسی است که نگهدار نفس خود و حافظ دین خود باشد و با هوای نفس خویش مخالفت کند و مطیع امر مولای خود باشد پس بر عوام است که از چنین کسی تقلید کنند ) و لیکن در این دور مبارک چنانکه اشاره شد تقلید در امور فرعی هم جایز نیست . اینک جهت تکمیل و تأیید مطلب به ذکر شمه‌ای از نصوص مبارکه مبادرت میورزد . جمال قدم جل اسمہ الاعظم میفرمایند قوله تعالی : " انسان چون به مقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوکلاً علی اللہ و مُقَدِّساً عَنِ الْحُبِّ وَ التَّبَغُّضِ در امریکه عباد به آن متمسک اند تفکر کند و به سمع و بصر خود بشنود و به بیند چه اگر به بصر غیر ملاحظه نماید از مشاهده تجلیات انوار نیر عرفان الهی محروم ماند احزاب مختلفه در عالم موجود و هر حزبی خود را حق دانسته و میداند بقوله تعالی " كُلُّ حِزْبٍ بِمَالِدَيْهِمْ فَرِحُونَ " و نیز از قلم اعلی این کلمات علیا نازل : " همچنین کل

عباد بنفسه مأثور به عرفان آن شمس احدیه بوده اند دیگر در این مقام رد و اعتراض و یا توجه و اقبال عباد برای احدی دلیل و حجت نبوده و نخواهد بود<sup>۱۰۰۰</sup> و حضرت عبد البهاء میفرمایند: " بناید انسان تحری حقیقت کند و از تقلید دست بکشد زیرا ملل عالم هر یک تقلیدی دارند و تقلید مختلف است تقلید سبب جنگ و جدال شده است و تا این تقلید باقی است وحدت عالم انسانی مستحیل است پس باید تحری حقیقت نمود تا بنور حقیقت این ظلمات زائل شود زیرا حقیقت حقیقت واحده است تعدد و تجزی قبول نکند<sup>۱۰۰۰</sup> و نیز میفرمایند قوله العزیز: " باید انسان طالب حقیقت باشد آن حقیقت را در هر ذات مقدسی یابد واله وحیران گردد و منجذب فیض یزدان شود مانند پروانه عاشق نور باشد در هر زجاجی بر افروزد و بمثابه بلبل مفتون گل باشد در هر گلشنی بروید و اگر آفتاب از مغرب طالع شود آفتاب است نباید محتجب به مشرق شد و غرب را محل افول و غروب شمرد و همچنین باید تحری فیوضات الهیه و تجسس اشراقات رحمانیه کرد<sup>۱۰۰۰۰</sup> و ایضا میفرمایند: " ۰۰۰ باید تحری حقیقت نمایند این قرن قرن حقیقت است نه قصص و روایات<sup>۱۰۰۰</sup> "

با توجه به بیانات مقدسه متعالیه و نصوص مبارکه‌ای که در این خصوص از قلم شارع اعظم و مبین تعالیم و مبادی حضرتش در اکثر الواح نازل شده مقام و اهمیت تحری و تحقیق در این ظهور امنع صمدانی معلوم میگردد.

ششم - کیفیت تحری حقیقت و شرایط و صفات شخص محقق

بطوریکه میدانیم مطالعه و تحقیق در باره هر يك از رشته های علوم متد و روشی مخصوص بخود دارد. چنانکه فی المثل مطالعه و تحقیق در ریاضیات و فلکیات و علوم طبیعی و روانشناسی و تاریخ و علم الاجتماع هر کدام روش و طریقه مخصوصی داشته و موضوع تحقیق و مطالعه آنها نیز با یکدیگر فرق دارد که بحث در این باره از حوصله این مقال خارج و مربوط به مطالعه روشهای علوم است. تحرّی و تحقیق در مسائل و حقایق عالییه روحانیه نیز دارای طریقه مخصوص و شرایط معین و معلومی است که مظاهر مقدسه الهیه در هر دور و زمان به فراخور حال مردمان آنرا توجیه و بیان فرموده و صفات شخص محقق و مجاهد را معین داشته اند بطور کلی باید دانست همانطور که برای تحرّی و تجسس در مسائل محسوسه قوای حسّاسه و مُدرکه خود را بکار می اندازیم و بکمال آنها و بمدد عقل و شعور و استعدادات خدا داد به حقایق اشیاء راه مییابیم و همانطور که اگر قوای حسّاسه مریض و علییل باشد نمیتواند درک محسوسات نماید بهمین نحو در درک و فهم حقایق معقوله و مبادی روحانیه و مسائل معنوییه نیز باید ابتدا عقل و فکر و روح و قلب را پاک و آماده نموده و از علل و عوارض و امراض و اسقام مختلفه مانند تقلید و تعصب و ریا و تکبر و خود خواهی و غرور و اوهام و خرافات و اغراض نفسانیه و حسادت و بی انصافی رهائی داد و با خلوص و انقطاع کامل و طلب و جهد کافی و با قلبی متوجه و متضرع و با اعمالی مقرون به تقوی و پرهیز گاری و بکمال توکل و تفویض در مقام تحرّی حقیقت برآمد و در نهایت امید واری و طلب و استقامت تحقیق و تحرّی را ادامه داد تا به مقصد و اصل آمد و

نیز باید دانست که در طریق درک حقایق و دقایق روحانیه تا قوه نافذ محیطه روح القدس و امدادات غیبیه الهیه مجیر و ظهیر نگردد کشف حقایق و اسرار میسور نخواهد شد و این تائیدات الهیه را باید با ضمیر پاک و قلب متضرع و بوسیله دعا و مناجات و مجاهده شامل حال گردانید. اینک شمه‌ای از تعالیم و دستورات کتب مقدسه الهیه در ادوار سالفه و نصوص و آثار نازله در این ظهور مبارک در خصوص کیفیت تحقیق و صفات و شرایط شخص محقق و مجاهد در این مقام نقل میشود:

۱- در دیانت یهود - در باب ۲۹ ارمیا آیه ۱۲ میفرماید: " و مرا خواهید خواند و آمده نزد من تضرع خواهید کرد و من شما را اجابت خواهم نمود و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل جستجو نمائید مرا خواهید یافت " و در باب ۱۲ دانیال آیه ۱۰ میفرماید: " بسیاری ظاهر و سفید و مصقی خواهند گردید و شیران شرارت خواهند ورزید و هیچکدام از شیران نخواهند فهمید لیکن حکیمان خواهند فهمید ".

۲- در دیانت مسیح - در باب ۱۱ انجیل لوقا آیه ۵۲ میفرماید: " وای بر شما ای فقها زیرا کلید معرفت را بر داشته اید که خود داخل نمیشوید و داخل شوندگان را هم مانع میشوید " و این آیه راجع به علمای سوء و لزوم اجتناب و عدم تقلید از آنهاست و همچنین در باب سوم انجیل یوحنا آیه ۳ میفرماید: " اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نتواند دید " و البته منظور از تولد جدید تولد از عالم طبیعت و انسلاخ از اوهام و خرافات و پاک نمودن عقل و ضمیر از حبّ و بغض و کینه و تعصّب از جمیع آلودگیها است .

۳ - در دیانت اسلام - در آیه اول سوره بقره میفرماید: " أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ " (یعنی - این کتاب بدون شك و ریب بوده هادی و راهنمای پرهیزکاران است ۰) بالعکس در این کتاب مجید کسانی که از تقوی و پرهیزکاری و صفای قلب و انصاف محروم هستند به کوران و کران و گنگان و بهائم بلکه پست تر از آنان موصوف گردیده و ایشان را محروم از مواهب الهیه دانسته اند ۰ در سوره بقره آیه ۲۸۲ نیز نازل شده قوله تعالی: " وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمِكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ يَكُلُّ شَيْئًا عَلِيمٌ " (یعنی - تقوا پیشه کنید و خداوند بشما یاد خواهد داد و او بهمه امور دانا است ۰) و در سوره الانعام آیه ۱۰۴ میفرماید: " قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٌ " (یعنی - از طرف خداوند بآنها بصیرت و بینائی داده شده پس هر کس به بیند یعنی تعقل و تحری کند به نفع خود اوست و کسی که کور ماند یعنی کور کورانه تقلید کند بر ضرر اوست و ما بر شما نگهبان نیستیم ۰)

و در سوره یونس آیه ۳۶ میفرماید: " وَ مَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا... " (یعنی - اکثر این مردم متابعت نمی کنند مگر خیال و گمان را در حالی که ظن و گمان بی نیاز نمیکند کسی را از حق و او را به معرفت و یقین نمیرساند ۰) و حدیث معروف اسلامی: " تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً " نیز اشاره به اهمیت تفکر و تعقل و عدم متابعت و تقلید در درک و فهم مسائل و حقایق است ۰ علاوه بر آیات مبارکه ای که فوقا نقل گردید در قران کریم آیات دیگری نیز در این



خصوص نازل گردیده و دوستان عزیز می که مایل به مطالعه بیشتر باشند میتوانند به این کتاب مجید به خصوص سوره الاعراف و سوره حج و سوره بنی اسرائیل مراجعه فرمایند. ضمناً باید دانست که از لسان عرفا نیز برای وصول به حقیقت و طی طریق کمال مراحل و مراتب متعدده مذکور و شرایط مجاهد و صفات شخص طالب و مجاهد بیان گردیده و جمال اقدس ابهی در رساله هفت وادی که در ایام اقامت طلعت عظمت در بغداد به افتخار شیخ محیی الدین قاضی خانقین نازل گردیده مراحل هفت گانه تحری و تحقیق و سیر و سلوک و طی طریق کمال را با بیانی شیرین و عباراتی دلنشین توجیه و تشریح فرموده اند.

۴- در دیانت مقدس بهائی - آثار و بیانات مقدسه متعالیه راجع به کیفیت و شرایط تحری و مجاهده در این ظهور مبارک بسیار است و برای شخص محقق و متحری صفات و شرایط متعدده در متون الواح و نصوص مبارکه مذکور گشته و تاکیداتی بیشتر از ادیان سالفه در خصوص لزوم تخلّق شخص محقق و مجاهد به آن صفات و کمالات وارد گشته است. آنچه از زیارت نصوص و آثار مبارکه استنباط میشود اینست که طالب صادق باید قلب و روح خود را پاک و منزّه کند و تقوی و تقدیس را پیشه خود سازد و انصاف را شعار خویش قرار دهد و با کمال مجاهده و انقطاع و خلوص و استقامت و توکل و توجه بدرگاه حق خواستار وصول به حقیقت باشد و در طی این طریق از فیوضات و امدادات روح القدس استمداد جوید و نیز باید از تعصب و تقلید و ریا و خود بینی و تمایلات نفسانی و وساوس شیطنانی خود را عاری و بری نماید و به علم و دانش ظاهری و یا مال و منال دنیوی مغرور و سرگرم نشود. اینک شمه ای از آثار

و نصوص مقدسه نازل از قلم اعلی و كلك اطهر مركز  
میثاق در این باره نقل میشود :

### تقوی و تنزیه و صفای قلب و انقطاع و انصاف

جمال قدم جل اسمه الا عظم در کتاب مستطاب ایقان  
میفرمایند قوله الجمیل : " ۰۰۰۰ ولیکن ای برادر من شخص  
مجاهد که اراده نمود قدم طلب و سلوک در سبیل معرفت سلطان  
قدم گذارد باید در بدایت امر قلب را که محل ظهور و بروز  
تجلی اسرار غیبی الهی است از جمیع غبارات تیره علوم  
اكتسابی و اشارات مظاهر شیطانی پاك و منزّه فرماید و صدر  
را که سریر ورود و جلوس محبت محبوب ازلی است لطیف و  
نظیف نماید و همچنین دل را از علاقه آب و گل یعنی از جمیع  
نقوش شبحیه و صور ظلیه مقدس گرداند بقسمی که آثار حب  
و بغض در قلب نماند که مبدا آن حبّ او را به جهتی بی دلیل  
میل دهد و یا بغض او را از جهتی منع نماید " ۰۰۰۰ و در  
مقامی دیگر میفرمایند : " ۰۰۰ زینهار قلب را که ودیعه  
جمال مختار است به آرایش کلمات فجار و شبهات اشرار  
میآلائید " ۰۰۰ و در رساله مبارکه هفت وادی میفرمایند :  
" ۰۰۰۰ ای برادر من قلب لطیف بمنزله آئینه است آنرا به  
صیقل حبّ و انقطاع از ما سوی اللّٰه پاك کن تا آفتاب حقیقی  
در آن جلوه نماید و صبح ازل طالع شود " ۰۰۰  
و در مقامی دیگر میفرماید قوله الا اعلی : " ۰۰۰ تقوای  
خالص پیشه کن و به دبستان علم الهی وارد شو اتقوا اللّٰه  
یعلمکم اللّٰه " و در لوح جناب حاجی آخوند ایادی راجع به  
انصاف و طلب میفرمایند : " ۰۰۰ دو جناح لازم یکی انصاف  
و دیگر طلب باین دو میتوان بافق اعلی فائز شد ۰۰۰ انسان  
اگر به حب انصاف متمسک شود از هیچ امری محتجب  
نمماند " ۰۰۰۰

در ابتدای کتاب مستطاب ایقان این کلمات احلی از قلم اعلی نازل: "۰۰۰ سالکین سبیل ایمان و طالبین کساوس ایقان باید نفوس خود را از جمیع شوء و نات عرضیه پاک و مقدس نمایند یعنی گوش را از استماع اقوال و قلب را از ظنونات متعلقه به سبحات جلال و روح را از تعلق به اسباب ظاهره و چشم را از ملاحظه کلمات فانیه و متوکلین علی الله و متوسلین الیه سالک شوند تا آنکه قابل تجلیات اشراقات شمس علم و عرفان الهی و محل ظهورات فیوضات غیب نامتناهی گردند ۰۰۰"

و در رساله هفت وادی نازل: "۰۰۰ ای برادر من در ایمن مراتب از روی تحقیق سیر نمانه از روی تقلید و سالک را دور باش کلمات منع نکند و هیمنه اشارات سد ننماید ۰۰۰" و در لوح علی محمد سراج میفرماید: "قوله تبارک و تعالی: "۰۰۰ الیوم بر هر نفسی من عند الله فرض شده که به چشم و گوش و فواید خود در امر او ملاحظه نماید و تفکر کند تا از بدایع مرحمت رحمن و فیوضات حضرت سبحان باشراقات شمس معانی مستنیر و فائز شود ۰۰۰:"

و حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ راجع به شرایط تحقیق میفرماید قوله العزیز: "۰۰۰ چون این مقام تحری حقیقت است و جستجوی واقع مقامی است که تشنه جان سوخته آرزوی آب حیات نماید و ماهی مضطرب بد ریا رسد مریض طبیب حقیقی جوید و به شفای الهی فائز شود قافله گمگشته براه حق پی برد و کشتی سرگشته و حیران به ساحل نجات رسد لهذا طالب باید متّصف بچند صفات باشد اول باید که منصف باشد و منقطع از ما سوی الله و قلبش بکلی بافق اعلی توجه کند و از اسیری نفس و هوی نجات یابد زیرا

اینها همه مانع است و از این گذشته تحمل هر بلائی لازم است و باید در نهایت تنزیه و تقدیس باشد و از حب و بغض جمیع ملل عالم بگذرد چه که یحتمل حبش به جہتی مانع از تحقیق جہت دیگر شود و همچنین بغض بجہتی شاید مانع از کشف حقیقت آن شود این مقام طلب اسست طالب باید باین اخلاق و اطوار باشد و تا باین مقام نیاید ممکن نیست که به شمس حقیقت پی برد..."

احتراز از ریا و خود بینی و حسد واجتناب از نمایلاتنفسانی

جمال قدم در کلمات مبارکه مکنونه میفرمایند  
قوله تعالی: "ای پسران ارض برآستی بدانید قلبی که در آن شائبه حسد باقی باشد البته به جبروت باقی من در نیاید و از ملکوت تقدیس من روائح قدس نشنود..." و ایضا "میفرمایند: "... بعضی از ز نفوس ضعیفه چون اراضی معرفت را بجدار نفس و هوی و حجاب غفلت و عمی حایل نموده اند لهذا از اشراق شمس معانی و اسرار محبوب لایزالی محجوب ماندند و از جواهر حکمت دین مبین سید المرسلین دور مانده اند و از حرم جمال محروم شدند و از کعبه جلال مهجور..."

عدم توجه به مال و منال دینوی و مغرور نشدن به علوم اکتسابی

قلم اعلی در کلمات مبارکه مکنونه به این بیانات احلی ناطق: "ای مغروران به اموال فانیه بدانید که غنا سدی است محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق هرگز غنی بر مقر قرب وارد نشود و به مدینه رضا و تسلیم در نیاید مگر قلیلی... و در کتاب مستطاب ایقان راجع به مغرور شدن علماء به مقام و ریاست و علوم اکتسابی و جلوگیری از اقبال مردمان در هر دور و زمان چنین میفرمایند:

"۰۰۰ و در همه اوقات سبب سدّ عباد و منع ایشان از شاطی بحر احدیه علمای عصر بوده اند که زمام آن مردم در کف کفایت ایشان بود و ایشان هم بعضی نظر بسّه حُب ریاست و بعضی از عدم علم و معرفت ناس را منع مینمودند چنانچه همه انبیاء باذن و اجازه علمای عصر سلسبیل شهادت نوشیدند و باعلی افق عزت پروا ز نمودند "۰۰۰۰" و ایضا " میفرمایند: "۰۰۰ علم به دو قسم منقسم است علم الهی و شیطانی. آن از الهامات سلطان حقیقی ظاهر، و این از تخیلات انفسِ ظلمانی باهر معلّم آن حضرت باری، و معلّم این وسوس شیطانی. بیان آن: اتقوالله یعلمکم الله، و بیان این: العلمُ حجابُ الاکبر. اثمار آن شجر: صبر و شوق و عرفان و محبت، و اثمار این شجر: کبر و غرور و نخوت "۰۰۰"

مجاهده و طلب و مداومت و استقامت

جمال قدم در رساله هفت وادی میفرمایند: "۰۰۰۰ اول وادی طلب است مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر بی صبر بجائی نرسد و به مقصود واصل نشود و بایستد هرگز افسرده نگردد اگر صد هزار سال سعی کند و جمال دوست نبیند پژمرده نشود زیرا مجاهدین کعبه فینا بسّه بشارت لهد ینهم سبلنا مسرورند "۰۰۰" و در خصوص لزوم استقامت میفرمایند: "۰۰۰ استقامت شرط راه است و دلیل ورود بارگاه "۰۰۰"

#### هفتم - اثرات و نتایج تحری حقیقت

جمال قدم در کتاب مستطاب ایقان پس از بیان شرایط تحری و تحقیق راجع به ثمرات و اثرات آن چنین میفرمایند: "۰۰۰ و بعد از تحقق این مقامات برای

سالك فارغ و طالب صادق لفظ مجاهد در باره او صادق  
 میآید..... و چون سراج طلب و مجاهده و ذوق و شیوق و  
 عشق و وله و جذب و حُب در قلب روشن شد و نسیم محبت  
 از شطر احدیه وزید ظلمت ضلالت شك و ریب زائل شود  
 و انوار علم و یقین همه ارکان وجود را احاطه نماید در آن  
 حین بشیر معنوی بشارت روحانی از مدینه الهی چون  
 صبح صادق طالع شود و قلب و نفس و روح را بصور معرفت  
 از نوم غفلت بیدار نماید و عنایات و تائیدات روح القدس  
 صمدانی حیات تازه جدید مبذول دارد بقسمی که خود را  
 صاحب چشم جدید و گوش بدیع و قلب و فوآد تـــــــازه  
 میبیند....."

در خاتمه باید متذکر شد که پس از تحری و مجاهده  
 و وصول به حقیقت وظیفه واصل اطاعت و انقیاد صرف از  
 اوامر و نواهی حق جل جلاله است زیرا ثمره عرفان و وصول  
 به حقیقت اطاعت کامل و بدون قید و شرط است والا عرفان  
 و شناسائی اگر توأم با عمل و اطاعت نشود موجب سعادت  
 و رستگاری نخواهد بود .

انتهی

# دین باید سبب الفت و محبت باشد

## اول - تعریف و معنی محبت

محبت والفت به معنای دوست داشتن و علاقه و میل قلبی انسان بکسی یا به چیزی است و این محبت شقوق و مظاهر مختلفه پیدا میکند مانند محبت انسان به نفس خود یا حب ذات محبت انسان به خانواده خود محبت انسان به اقوام یا طائفه یا قبیله یا همشهریها و یا ملت و هم میهنان خویش و باخره محبت انسان نسبت بجمیع اهل عالم و کافه موجودات و کائنات عالم هستی که عالیترین مظهر و مرحله محبت متعدد و هدف دیانت مقدس بهائی است .

## دوم - خداوند عالمیان منبع محبت و رحمت است

حقیقت الوهیت منبع فضل و عنایت و لطف و محبت است و این محبت حق نسبت بعالم خلق و جهان هستی. علت ایجاد و پیدایش کائنات و سبب وجود ارتباط و تعاون در بین آنها میباشد بطوریکه در تحت تاثیر فیض الهی و محبت خداوندی در بین جمیع کائنات و موجودات عالم وجود حالت تعاون و تعاضد و محبت و تجاذب موجود است

و اگر لحظه‌ای این همکاری و تعاون و تاثیر و تاثر در روابط ضروریه در بین موجودات عالم هستی قطع شود هیچ کاشنی قادر به ادامه حیات نخواهد بود و دستگاه عالم وجود دچار اختلال و محکوم به اضمحلال خواهد شد. حضرت عبد البهاء جل ثنائیه در این باره چنین میفرمایند: "..... چون در کائنات ملاحظه کنیم چه کلی چه جزئی جمیع را مرتباً بیکدیگر میبینیم و این ارتباط منبعت از صلح است و این صلح منبعت از این ارتباط."

اگر چنین ارتباطی بین کائنات نبود عبارت اخیری اگر صلح بین کائنات نبود عالم وجود بقا نداشت این کائنات موجوده حیاتش منوط بصلح و محبت "..... و نیز میفرمایند قوله الجمیل: "حقیقت الوهیت بر جمیع کائنات بمحبت طلوع نموده زیرا محبت اعظم فیض الهی است مصدر ایجاد محبت است اگر محبت الهی نبود هیچ کاشنی بساحت وجود قدم نمینهاد و از فیض الهی است که در میان جمیع کائنات محبت والفت است "..... بنابر این میتوان گفت که اساس خلقت و بقای عالم هستی بر پایه محبت و تعاون که از حقیقت الوهیت سرچشمه گرفته استوار و برقرار است. مطلب دیگر آنکه مظاهر مقدسه الهیه نیز که مرایای تمام نمای صفات و کمالات الهیه اند جملگی منبعی سرشار از عشق و محبت نسبت به کائنات عالم وجود و بالاخص افراد بشر بوده اند بطوریکه جذبه های این عشق و محبت باعث شده که آن نفوس مبارکه سعادت و آسایش و حیات و آرامش خود را فدای رفاه و رستگاری افراد بشر نمایند و برای ترقی و تعالی روح انسانی و وصول او بکمالات و فضائل عالییه اخلاقی و نجات از رزائل تحمل هر بلا و مصیبتی را بفرمایند عده ای رانیز که تحت تاثیر کلام نافذ و روح عالی انسان



قرار گرفته اند بقربانگاه عشق و جانفشانی در راه اهداف خود بکشانند چنانچه تاریخ نهضت های روحانی همه از فداکاریها و از خود گذشتگی های مظاهر حق و پیروان شیدائی آنان در راه سعادت و نجات افراد انسان حکایت مینماید.

سوم - اطاعت از تعالیم الهیه و محبت با افراد انسان نشانه عشق و محبت به خداوند است

اطاعت و پیروی از تعالیم و اوامر الهیه بزرگترین نشانه ایمان و عشق به خدا است زیرا لازمه محبت و عشق به خداوند آنست که آدمی اوامر و دستورات او را بکمال میل و رضا بموقع اجرا گذارد و در جمیع احوال رضای او را طالب شود زیرا عاشق صادق جز رضای معشوق مقصودی و بغیر از خشنودی معبود منظوری ندارد همچنین از آنجا که جمیع کائنات و مصنوعات جهان هستی آیت الهی و نشانه قدرت حقند لذا عاشق حق نسبت به جمیع مخلوقات خدا نیز عشق میورزد و قلباً " بدانها محبت دارد بخصوص نسبت با افراد انسان که صورت و مثال الهی عالیترین آیت عظمت و قدرت حق جل جلاله میباشد زیرا کسب رضای خلق که مورد لطف و محبت خالقند موجب خشنودی و رضای حق خواهد شد. جمال مبارک در کلمات مبارکه مکنونه میفرمایند: "۰۰۰ ای دوستان من در سبیل رضای دوست مشی نمایید و رضای او در خلق او بوده و خواهد بود. ۰۰۰"

چهارم - خداوند انسان را بجهت محبت بیکدیگر خلق کرده و مظاهر الهیه جمیعاً " برای ایجاد محبت بین بشر ظاهر شده اند.

علاوه بر محبتی که خداوند عالمیان نسبت به جمیع موجودات جهان هستی دارد، موجودات عالم وجود نیز نسبت به یکدیگر محبت و ارتباط دارند و به تعاون و تعاضد و همکاری یکدیگر نیازمند و این نیاز و احتیاج در مورد افراد انسان شدیدتر و بیشتر است زیرا آدمی فطرتاً موجودی اجتماعی خلق شده و ناگزیر از زندگی در اجتماع است. زندگی اجتماعی بخودی خود یک سلسله روابط و همکاریها را بین افراد جامعه ایجاد میکند مانند روابط خانوادگی و روابط اجتماعی و اقتصادی و غیره. بدون شک اگر در اجتماع افراد آن نسبت به یکدیگر الفت و محبت داشته و در جمیع امور و روابط فیما بین اصل تعاون و همکاری را مرعی دارند بهتر و بیشتر میتوانند از مزایای زندگی اجتماعی بهره مند گردند و به حل مشکلات خود توفیق یابند. متأسفانه در مطالعه تاریخ تمدن بشر مشاهده میکنیم که همواره خوی حیوانی و شیطانی سبب شده که بین افراد بشر جدال و نزاع درگیرد و آن محبت و الفت حقیقی که مورد رضای حق است دستخوش اغراض شخصی و گرفتار جنبه های شیطانی افراد انسانی گردد. مظاهر مقدسه الهیه در هر عهد و عصری سعی نموده اند که صفات روحانی و رحمانی انسانرا بر جنبه های حیوانی او غلبه دهند و افراد بشر را به صلح و صفا و محبت و وفاداری دعوت نمایند و برای ایجاد نظم و عدالت در اجتماع و محبت و ائتلاف در قلوب افراد نسبت به یکدیگر تحمل زحمات و مشقات را تحمیل فرمایند و حتی جان فدا کنند. جمال قدم جل اسمه الاعظم در این باره میفرماید: "قلم اعلی میفرماید ای دوستان حق! مقصود از حمل زبایای متواتره و بلائیای متتابعه آنکه نفوس موقنه بالله با کمال اتحاد

با یکدیگر سلوک نمایند بسانی که اختلاف و اثنینیت و غیریت از ما بین محو شود الا در حدودات مخصوصه که در کتب الهیه نازل شده ۰۰۰" و در کتاب عهدی نازل قوله تعالی: "۰۰۰۰ ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نمائید ۰۰۰" و همچنین در لوح مبارک اشراقات باین کلمات علیا ناطق: " اشراق نهم دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آنرا علت اختلاف و نفاق نکنید ۰۰۰" در قرآن کریم در سوره بقره نیز پیغمبر اکرم صومع منین را به صلح و صفا دعوت میفرماید قوله تعالی: " یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة " و در انجیل مقدس نیز که اساس آن بر محبت نهاده شده در انجیل متی چنین نازل، "۰۰۰ بشنوای اسرائیل اول آنکه خدای ما خدای واحد یکتا است در ثانی همسایه خویش را چون نفس خویش محبت نما " هر چند مظاهر مقدسه الهیه برای ایجاد الفت و اتحاد و تأسیس کمالات و فضائل روحانیه در بین افراد بشر از جمیع لذات دنیا و سعادت خود چشم پوشیدند ولیکن متاسفانه بمرور زمان آسمان ادیان الهیه را ابرهای تیره اوهام و خرافات و کینه ها و تعصبات و بدعتها و سوء تفاهمات فرا گرفته و مقصود اصلی ادیان الهی بدست فراموشی سپرده شده • باید توجه داشت که ادیان و شرایع عادی در هر دور و زمانی وظیفه و مقصد خود را بنحو کمال بانجام رسانده و بایجاد نظم و عدالت و الفت و محبت بین جمعی غیر از افراد انسانی نائل آمده اند و لکن بمحض اینکه پیروان ادیان اصول و اساس تعالیم الهی را بدست فراموشی سپرده و در دریای اوهام و خرافات و تقالید و

تعصبات غرق شده و باغراض و منافع شخصیه توجه نموده اند دچار انحطاط و تقهقر و بالاخره تمدنی و اضمحلال گردیده اند . حضرت مولی الوری در یکی از خطابات مبارکه در این باره چنین میفرماید : " ادیان موجوده اساسشان اساس واحد بوده و آن اساس حقیقت است و سبب الفت و محبت بشر و علت ترقی نوع انسان لکن بعد از هریک از مظاهر الهیه کم کم آن نور حقیقت پنهان شد ظلمات تقلید بمیان آمد عالم بشر گرفتار آن ظلمات گشت روز بروز عدوات شدید شد تا بدرجهای رسید که هر ملتی دشمن ملت دیگر شد بشأنیکه اگر مواعظ سیاسی نبود همدیگر را بکلی معدوم و مضمحل میکردند حالا دیگر بس است باید تحری حقیقت کنیم از اینسن اوهام بگذریم ۰۰۰"

#### پنجم - دین باید سبب الفت و محبت باشد

بطوریکه قبلا اشاره شد هدف مظاهر مقدسه الهیه در هر دوری ایجاد الفت و اتحاد و محبت و ارتباط بین افراد بشر بوسیله نشر تعالیم و اصول روحانی و نصایح و مواعظ اخلاقی بوده است . در این دور بدیع و عصر مجید نیز که فخر قرون و اعصار است و شمس حقیقت برای ایجاد الفت و اتحاد عمومی و رفع اختلافات و تعصبات موجوده عالم انسانی نقاب از چهره بر گرفته یکی از اصول اساسی و مبادی روحانی این ظهور امنع اعز صمدانی اینست که دین باید سبب الفت و محبت باشد و اگر دیانت باعث ایجاد نزاع و جدال و اختلاف و انشقاق گردد نقض غرض شده و بفرموده مرکز میثاق بی دینی از آن بهتر خواهد بود قوله المبین : " ۰۰۰۰ دیگر از تعالیم حضرت بهاء اللّٰه

اینست که دین باید سبب الفت و محبت باشد اگر سبب بغض و عداوت شود بیدینی بهتر است زیرا دین علاج امراض انسانی است اگر علاج سبب مرض گردد البته ترك آن اولی است اگر دین سبب عداوت گردد عین شر است لهذا عدمش بهتر از وجود ۰۰۰۰" آنچه که پس از مطالعه تاریخ نهضت های روحانی روشن میشود اینست که هیچ قدرتی در عالم بمثابه نفثات روح القدس و قوه نافذه دیانت نتوانسته است در قلوب افراد انسانی نسبت بیکدیگر الفت و محبت اندازد و زنگ کینه و بغضاء را از صفحات قلوب افراد بشر بزدايد و در بین قبائل و ملل مختلفه متباغضه ایجاد تعاون و همکاری نماید و ما اهل بهاء را اعتقاد بر اینست که در عصر حاضر نیز که عالم انسانی بیش از هر زمان به تعاون و تعاضد و تفاهم صمیمانه بین جمیع دول و ملل عالم نیازمند است و جز بوسیله الفت و محبت عمومی و ارتباط و اتحاد بین المللی و آسایش و سعادت حقیقی بجهت افراد بشری میسر نیست هیچ قوه ای قادر نخواهد بود که این اختلافات موجوده را به ائتلاف تبدیل کند ارتباط و الفت واقعی در قلوب افراد نسبت به یکدیگر بوجود آورد و افق عالم را از ابرهای متراکم اوها م و خرافات و تعصبات و سوء تفاهمات پاک و منزه نماید مگر قوه قدسیه نافذه الهیه در اطاعت و پیروی از تعالیم و دستورات نجاتبخش جمال قدم که اعظم مربی عالم انسانی در این قرن نورانی میباشد .

حضرت عبد البهاء در اینبار همیفرمایند قوله العزیز :  
 "۰۰۰۰ دین نه تنها سبب محبت است بلکه اعظم قوتی است که در عالم وجود برای الفت و محبت متصور است قوای سائره و سیاسیة نمیتواند از عهده این اتحاد برآید نمیتواند

ارتباط بین قلوب دهد هکذا علم و معارف نمیتواند اینطور محبت بین قلوب بیندازد آن قوه قوه دین است که ریشه عداوت و بغضاء را از بین بشر بر میاندازد بتاریخ رجوع و ملاحظه کنید که دین چگونه سبت الفت و محبت شده ۰۰۰"

### ششم - توسیع دایره الفت و محبت در این ظهور مبارک

از آنجا که دیانت مقدس بهائی شریعتی عمومی و بین المللی است و برای سعادت و آسایش همه اهل عالم بجهت ایجاد محبت عمومی و اتحاد من علی الارض ظاهر شده لذا با توجه باین هدف عالی و دنیائی مسئله الفت و محبت نیز در این ظهور مبارک تعمیم کلی یافته و فرد بهائی موظف است بهمه اهل عالم بدون توجه بمذهب و مراسم و نژاد و ملیت و طبقه جنس به کمال خلوص و صمیمیت محبت نماید و همه را " بار یکدار و برگ یک شاخسار " بداند و فرقی بین نژادها و اجناس و طبقات و ملت های مختلفه نگذارد و همواره باین بیان احلای جمال اقدس ابهی توجه داشته باشد که میفرماید "عالم یکوطن و من علی الارض اهل آن " حضرت مولی الوری در یکی از الواح در این باره چنین میفرمایند قوله الجیل " در هر دوری امر بالفت بود و حکم به محبت ولی محصور در دائره یاران موافق بود نه با دشمنان مخالف اما الحمد لله که در این دور بدیع اوامر الهیه محدود به حدی نه و محصور در طائفه نیست جمیع یاران را بالفت و محبت و رعایت و عنایت و مهربانی بجمیع امم امر میفرماید ۰۰۰۰۰ مقصود اینست که باید با کل حتی دشمنان به نهایت روح و ریحان مُحَبِّ و مهربان بود " انتهى

## هفتم - وسائل و عوامل تأسیس الفت و محبت عمومی در دیانت بهائی

از آنجا که هدف اساسی دیانت مقدس بهائی ایجاد الفت و اتحاد عمومی بین افراد انسانی و رفع اختلافات و منازعات موجوده در جامعه بشری است لذا شارع مقدس این ظهور برای تحقق این هدف قوانین جدیدی وضع و بعضی احکام و تعالیم شرایع قبلیه را که مخالف و مبین این هدف واصل اساسی است نسخ فرموده است قوله تعالی و تقدس : " ۰۰۰ فضل این ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت فرمودیم نعیماً للعاملین " .

بر طبق بیان مبارک فوق کلیه تعالیم و قوانین فردی و اجتماعی این ظهور منیع طائف حول اصل محبت و اتحاد و الفت و وداد عمومی است اینک در این مقال برخی از احکام و تعالیم این ظهور اعلی را که علت سد ابواب اختلاف و جدائی و موجب بروز الفت و محبت عمومی در جامعه انسانی است بیان میداریم :

۱- تنصیص مرجع و مرکز کل امور :

وقتیکه تاریخ ادیان و شرایع مقدسه قبلیه را مطالعه و به علل و بواعث اختلافات و مناقشاتی که بین پیروان یک دیانت بوقوع پیوسته دقت نمائیم مشاهده میکنیم که یکی از مهمترین علل بروز اختلاف و انشقاق و انقسام در شرایع ماضیه همانا مسئله عدم تنصیص و تصریح بمقام ولایت و مرجعیت و مبین آیات بوده است فی المثل در شریعت مقدس اسلام همین عدم تصریح و تنصیص بمقام وصایت و تبیین آیات باعث شد که بمحض رحلت پیغمبر اکرم

آسمان دیانت اسلام را ابرهای تیره اختلافات و مناقشات  
 فرا گیرد و بالاخره باب انقسام و انشعاب و تفرقه و تجزی در  
 آن شریعت سمحاء مفتوح شود و حقایق و تعالیم آسمانی  
 آن مظهر الهی دستخوش اغراض و مقاصد فاسده افراد  
 مختلفه گردد. فتاوی و اظهار نظرهای شخصی حقایق  
 آن دین مبین را بمرور از انظار مخفی و مستور دارد. هم  
 چنین در شریعت مقدس مسیح نیز عدم وجود مرکز  
 منصوص پس از چندی موجب بروز اختلاف و انقسام در آن  
 دیانت و مورث پیدایش مذاهب و فرق مختلفه مسیحی گردید.  
 اما در این ظهور اعزّ امنع صمدانی این علت و اختلاف  
 و انشقاق مفقود و باب اظهار نظرهای فردی و فتاوی  
 شخصی بالکلیه مسدود گردیده است زیرا جمال اقدس  
 ابهی در کتاب مستطاب اقدس و کتاب مبارک عهدی و  
 سایر الواح مبارکه بصریح عبارات مبین آیات و مرجع و  
 مقتضای اهل بهاء را بعد از صعود حضرتش تعیین و  
 تنصیص فرموده و سد ابواب اختلاف را نموده اند  
 قوله تعالی فی کتاب الاقدس، "۰۰۰ اِرْجِعُوا مَا لَا عَرَفْتُمْوه  
 مِنْ الْكِتَابِ اِلَى الْفَرْعِ الْمُنْشَعِبِ مِنْ هَذَا الْاَصْلِ الْقَدِيمِ"  
 و در کتاب عهدی تاکیداً امانزل من قبل میفرمایند :  
 " وصیت الله انکه باید اغصان و افنان و منتسبین طرأبه  
 غصن اعظم ناظر باشند اُنظروا ما اَنْزَلْنَاهُ فِي الْكِتَابِ  
 الْاَقْدَسِ اِذَا غِيْضَ بَحْرِ الْوَصَالِ وَقُضِيَ كِتَابُ الْمَبْدَا فِي الْمَالِ  
 تَوَجَّهْوا اِلَى مَنْ ارَادَهُ اللهُ الَّذِي اَنْشَعَبَ مِنْ هَذَا الْاَصْلِ  
 الْقَدِيمِ . مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده  
 كَذَلِكَ اَظْهَرْنَا اِلَّا مَرْقُضًا مِنْ عِنْدِنَا وَاِنَّا الْقَضَالَ الْكَرِيمِ"  
 و همین تنصیص تصریح موجب شد که هیکل شریعت الله  
 از انشقاق و انقسام محفوظ مانده و جز عده معدودی



سست عنصر پیمان شکن جمهور اهل بهاء پس از صعود آن  
منجی عالم و موعود امم اوامر و دستورات مرکز میثاق را  
مطیع و منقاد گشتند و تبیینات حضرتش را عین صواب  
دانستند.

حضرت عبدا. لبهاء نیز در ایام حیات مبارک خود  
الواح مبارکه وصایا را بخط خویش مرقوم و کتبا و صریحا  
تکلیف اهل بهاء را پس از صعود معین و معلوم داشتند و  
به صریح عبارت نوه ارشد خود حضرت شوقی افندی را  
بولایت امرالله و مرجعیت اهل بهاء تعیین و حق تبیین  
آیات را بحضرتش محول داشتند و بدین وسیله بکمال  
اصرار و تاکید انظار عموم اهل بهاء را به مرجعی منصوص  
و معصوم متوجه فرمودند. پس از صعود حضرت ولی  
مقدس امرالله نیز تا آخر دور بهائی بیت العدل  
اعظم الهی که مرجعی مصون از خطا و مصدر کل خیر  
و دارای عصمت موهوبی است و حق وضع و تشریح قوانین  
و نظامات غیرمنصوصه و حل و رفع مشکلات و اختلافات  
جامعه بآن محول است با اختیارات و قدرتی که از  
جانب شارع و موءسس دیانت بهائی بدو عنایت  
شده از بروز اختلاف و انقسام در جامعه ستاینندگان  
اسم اعظم جلوگیری نموده و با حدی اجازه اجتهاد و  
اظهار نظر شخصی و اعمال نظریات فردی و یا تفسیر  
و تأویل آیات الهی را نخواهد داد. آنچه مهم و درخور  
عنایت است این است که بیت عدل اعظم در تحت حفاظت  
و صیانت جمال ابهی و حراست و عنایت طلعت اعلی  
ارواحنالهما الفداست لذا آنچه در آن مجمع بین المللی  
باتفاق و یا باکثریت آراء تصویب و تأیید گردد من  
عندالله بوده و مانند نص معتبر است و بفرموده

حضرت مولی الوری هرکس با آن مخالفت نماید مخالفت با امرالله و اراده الهی نموده و تفریق و تشتت جمع اهل بهاء را باعث شده و نقیمت و سخط الهی از برای خود خریدار گشته است . قلم اعلی در کلمات مبارکه فردوسیة در خصوص عظمت مقام بیت عدل چنین میفرمایند قوله تعالی : " آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند انه یلهمهم مایشاء وَ هُوَ الْمُدَبِّرُ الْعَلِیْمُ ۰۰۰ " و در لوح اشراقات باین کلمات علیا ناطق : " امور ملت معلق است برجال بیت عدل الهی ایشانند امناء الله بین عبادہ و مطالع الامر فی بلاده ۰۰۰ چونکه هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی لذا امور بوزراء بیت عدل راجع تا آنچه را مصلحت وقت دانند معمول دارند ۰۰۰۰۰ " و حضرت مولی الوری در یکی از الواح مبارکه چنین میفرمایند قوله العزیز : " ۰۰۰۰ و همچنین ملاحظه نشود که بیت عدل بفکر و رای خویش قراری دهند استغفرالله بیت العدل اعظم بالهام و تائید روح القدس قرار و احکام جاری نمایند زیرا در تحت و قایت و حمایت و ضیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهند اتبّاعش فرض مسلم و واجب متحتّم بر کل است ابدا " مفری از برای نفسی نه ۰۰۰ "

۲- نهی از تاویل و تفسیر آیات و کلمات الهی

در ادیان سالفه عدم تنصیص مبین آیات باعث شد که آیات و کلمات مظهر الهی دستخوش تاویلات و تفسیرات بارده افراد متعدده گردد باب اظهار نظرهای فردی و فتاوی شخصی مفتوح شود و همین امر موجب بروز اختلافات عظیمه و انشعابات عدیده شود اما در این ظهور

منیع بر احدی از افراد و مقامات اجازه تاویل و تفسیر آیات الهی داده نشده است و این حقّ بمقام و مرجع معلوم و منصوص عنایت گردیده است بدین ترتیب که حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق و حضرت ولی مقدّس امرالله ارواحنا لهما الفدا مدت قریب به ۶۵ سال به تبیین و تشریح آیات و احکام نازلّه از قلم شارع قدیر مبادرت جسته و پس از صعود ولی منصوص امرالله و در مستقبل ایام نیز بیت عدل اعظم الهی تا آخر دور بهائی مامور وضع و تشریح نظامات و قوانین غیر منصوصه و حل و رفع اختلافات و مشکلات حاصله بوده و کسی راحق اظهار نظر و اجتهاد نخواهد بود جمال قدم جلت عظمت در کتاب مستطاب اقدس در حقّ نفوسی که اراده تاویل آیات الهیه را نمایند چنین میفرمایند قوله تعالی: "۱۰۰۰ انّ الذی یأولّ ما نزل من سماء الوحی و یخرجه عن الظاهراته ممّن حرّف کلمة الله العلیا و کان من الخاسرین فی کتاب مبین ۰۰۰" (یعنی کسیکه تاویل کند آنچه را که از آسمان وحی نازل شده و آیات الهی را از معنای ظاهرش خارج نماید او از کسانی است که کلمات الهی را تحریف کرده و در کتاب الهی از زمره زیانکاران محسوب است ۰) و نیز میفرمایند قوله الجلیل: " کلمات الهیه را تاویل نکنید و از ظاهر آن محجوب ممانید چه که احدی بر تاویل مطلع نه الا الله و نفوسی که از ظاهر کلمات غافلند و مدعی عرفان معانی باطنیه قسم باسم اعظم که آن نفوس کاذب بوده و خواهند بود طوبی از برای نفوسیکه ظاهر را عامل و باطن را آملند." و حضرت عبدالبهاء میفرمایند قوله العزیز: " از جمله وصایای حتمیه و نصایح صریحه اسم اعظم این است که ابواب تاویل

را مسدود نمائید بصریح کتاب یعنی بمعنی لغوی مصطلح  
قوم تمسک جوئیید ۰۰۰۰"

۳- عدم اعتبار روایات و اخبار منقوله: یکی از مهمترین  
علل اختلاف و تشعب و تفرقه و تشتت در شریعت مقدس اسلام  
تمسک و اعتناء به اخبار و احادیث مرویه از پیغمبر اکرم  
وائمه اطهار بوده است و این امر و بخصوص جعل و انتشار  
احادیث و روایات غیر صحیحه در طول تاریخ موجب بروز  
فتنه ها و اختلافات و بالاخره ایجاد مذاهب و فرقه عدیده  
در عالم اسلام گردیده است لذا در دیانت مقدس بهائی  
اخبار و روایات شفاهی اعتباری نداشته و آنچه معتبر و  
قابل اعتماد و اعتنا است نصوص و آیات الهیه است و این  
مسئله یکی از مهمترین وسائل جلوگیری از بروز اختلاف  
نظر و انشعاب در جمع اهل بهاء میباشد. قلم اعلی در  
کتاب مستطاب اقدس به این کلمات عالیات ناطق: " اِذَا  
اِخْتَلَفْتُمْ فِيْ اَمْرِ فَارْجِعُوْهُ اِلَى اللّٰهِ مَا دَامَتِ الشَّمْسُ مُشْرِقَةً  
مِّنْ اَفْقٍ هَذِهِ السَّمَاءِ وَاِذَا غَرَبَتْ اِرْجِعُوْا اِلَى مَا نَزَّلَ مِنْ عِنْدِهِ  
اِنَّهٗ لِيَكْفِي الْعَالَمِيْنَ ۰۰۰ " (یعنی: زمانیکه در مسئله‌ای  
اختلاف نمودید رجوع دهید آنرا بمظهر امر الهی تا  
زمانیکه شمس ظهور الهی از افق آسمان وجود من طالع  
است و زمانیکه غروب و صعود واقع شد بآنچه که از نزد  
او نازل شده رجوع نمائید زیرا که آن عالمیان را کفایت  
میکند ۰) و حضرت عبدا لبهاء در یکی از الواح میفرمایند:  
" ۰۰۰ نصوص معمول بهاء است و بس ۰۰۰ "

۴- در این ظهور امنع اعز صمدانی، که هدفش ایجاد صلح  
عمومی و اتحاد بین المللی است و اساسش بر الفت و محبت  
صرفه حقیقیه و تحری حقیقت نهاده شده، حکم جهاد بکمال  
صراحت از طرف شارع مقدس بهائی نسخ شده و اهل بهاء

ما مَور بالفت و محبت با جمیع اهل عالم گشته اند .  
 جمال مبارك در لوح بشارات میفرماید قوله الا علی " یا  
 اهل ارض بشارت اول که از امّ الكتاب در این ظهور اعظم  
 به جمیع اهل عالم عنایت شده محو حکم جهاد است از  
 کتاب . تعالی الکریم ذوالفضل العظیم ."

فرد بهائی بر طبق نصایح و وصایای قلم اعلی ما مَور  
 است که به عوض جهاد و حرب دینی و ترویج و اثبات عقاید  
 خود بوسیله جنگ و ستیز ، مدائن قلوب را با سیف حکمت  
 و بیان و حجّت و برهان و همچنین بکلمات لینه و اخلاق  
 و صفات حسنه و محبت و الفت صرفه فتح کند . اینست که در  
 لوح سلطان ایران از قلم رحمن در معنی نصرت امر الهی  
 این کلمات دریّات نازل قوله تعالی : " پس نصرت  
 الیوم اعتراض بر احدی و مجادله با نفسی نبوده و نخواهد  
 بود بلکه محبوب آنست که مدائن قلوب که در تصرف جنود  
 نفس و هوی است بسیف بیان و حکمت و تبیان مفتوح شود  
 لذا هر نفسی که اراده نصرت نماید باید اول بسیف معانی  
 و بیان مدینه قلب خود را تصرف نماید و از ذکر ما سوی  
 اللّه محفوظ دارد و بعد بمدائن قلوب توجه کند . اینست  
 مقصود از نصرت . ابا " فساد محبوب حقّ نبوده و نیست ."  
 و حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح میفرماید قوله الجمیل  
 " ای احبای الهی ، الحمد لله امر الهی در دور بهائی  
 روحانیت محضه است . تعلق بعالم جسمانی ندارد . نه جنگ  
 و جدال است نه ننگ و وبال ، نه نزاع با امم است و نه  
 پرخاش با قبائل و ملل ، جیشش محبت اللّه است و  
 عیشش صهبا معرفت اللّه ، جنگش بیان حقیقت است  
 و جهادش با نفس اماره بد طینت . . . . مظلومیت کبری  
 غالبیت است و محویت و فنا عزت ابدیه . . . ."

۵ - معاشرت با پیروان جمیع ادیان بروح و ریحان در دیانت مقدّس بهائی که ظهور رحمت کبری و عنایت عظمی است اهل بهاء بر طبق نصایح و تعالیم قلم اعلی مأمور به معاشرت و مجالست با جمیع احزاب و ملل و موظف به ابراز محبت نسبت بهمه اهل عالم بدون توجه به نژاد و مذهب و ملیّت و جنس و طبقه میباشند . زیرا دیانت عمومی بهائی بوحثت اساس ادیان و وحدت مظاهر مقدسه الهیه معتقد است و پیروان جمیع ادیان را بندگان خداوند عالمیان میدانند و بهممه آنان بنظر محبت و احترام مینگرد . لذا ستاینندگان اسم اعظم که از عذب فرات تعالیم و مواعظ قلم اعلی سیراب گشته و در سراپرده وحدت و یکرنگی مظهر کلی الهی داخل شده اند پیروان سایر ادیان را بعلت تفاوت عقیده و مرام تکفیر و تحقیر نمیکند و آتش اختلاف وجدائی را دامن نمیزنند بلکه بکمال روح و ریحان با اهل کلیه ادیان و مذاهب معاشرت و آمیزش مینمایند و همواره باین بیان احلای جمال اقدس ابهی گوش هوش فرا داده اند که در لوح طرازات میفرمایند قوله تعالی و تقدس:

" طراز دوم معاشرت با ادیان است بروح و ریحان و اظهار ما اتی به مکّم الطور و انصاف در امور . اصحاب صفا و وفا باید با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمایند چه که معاشرت سبب اتحاد و اتفاق بوده و هست و اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم است طوبی از برای نفوسی که به حیل شفقت و رأفت متمسکند و از ضغینه و بغضاء فارغ و آزاد . . . " و نیز در لوح بشارات نازل قوله الاعلی : " . . . بشارت دوم اذن داده شد احزاب عالم بایکدیگر بروح و ریحان معاشرت نمایند عاشر و ای قوم مع الادیان بالروح و الريحان کذلک اشرق نیر الاذن

والارادة من أفيق سماء أمر الله رب العالمين ۰۰۰"

همچنین در این ظهور امنع اقدس حکم نجاست از افراد و اشیاء برداشته شده و بهائی هیچیک از افراد بشر را نجس نمی‌شمرد و همه را صورت و مثال الهی و مورد لطف و عنایت حضرت باری میدانند قوله تعالی فی کتابه الاقدس: "و كَذَلِكَ رَفَعَ اللَّهُ حُكْمَ دُونِ الطَّهَارَةِ عَنْ كُلِّ الْأَشْيَاءِ وَعَنْ مَلِيلٍ أُخْرَى مُوهَبَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّهُ كَهُوَ الْغَفُورُ الْكَرِيمُ ۰۰۰"

یعنی: و همچنین خداوند حکم عدم طهارت را از تمام اشیاء عالم و سایر ملل رفع فرموده و این موهبتی است از جانب خداوند زیرا که او غفور و کریم است.

۶- طرد طرفین اهل اختلاف و نهی از نزاع و جدال

از آنجا که هدف و مقصد ظهور کلی الهی در این دور مبارک ایجاد الفت و محبت عمومی است لذا اگر دو فرد بهائی در مسأله‌ای از مسائل دینی و یا در معنی و مفهوم آیه‌ای از آیات الهی اختلاف نظر داشته باشند مادام که بکمال محبت و صفا به بحث و مذاکره پرداخته و کشف حقیقت نمایند مقبول است، و لکن اگر این بحث و مذاکره منجر به مجادله و مناقشه و ایجاد کدورت و اختلاف شود مقبول حق نبوده بلکه طرفین اختلاف مردود درگاه الهی و محروم از رحمت حضرتش خواهند بود.

در لوح جمال طلعت بی مثال باین کلمات علیاً

ناطق: "حق شاهد و گواه است که صُری از برای امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت بین احباب نبوده و نیست." و حضرت عبدالبهاء در لوح ثابت مراغه‌ای می‌فرماید: "۰۰۰۰ جدال و نزاع بکلی ممنوع حتی بصریح نص الهی طرفین محروم ۰۰۰"

۷- نهی از اعتراض و استکبار و سب و لعن نسبت بیکدیگر.

چون دیانت مقدّس بهائی بمساوات حقوق بشر معتقد است و همه افراد بشر را بندگان خداوند یکتا میدانند لذا در این ظهور مبارک حقّ امر بمعروف و نهی از منکر از افراد اخذ شده و احدی حقّ اعتراض یا افتخار و استکبار بر دیگری را ندارد فقط محافل مقدّسه روحانیه و در مستقبل ایام بیوت عدل که اجتماع نمایندگان منتخب جامعه است میتوانند هر گاه از فردی عملی بر خلاف مصالح امراللّه و مغایر شعائر دین اللّه مشاهده نمودند به نصیحت و انداز پردازند . قلم اعلی در امّ الكتاب این دوز مبارک باین کلمات ناطق : " لَا يِعْتَرِضُ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ " و نیز میفرمایند : " لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَفْتَخِرَ عَلَى أَحَدٍ كُلُّ أَرْقَاءٍ لَهُ وَآدِلَاءٌ عَلَىٰ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... "

یعنی : کسی را حق افتخار بر دیگری نیست همه بندگان خداوند یگانه اند و گواهانی هستند بر اینکه خدائی جز او نیست .

و در کتاب مبارک عهدی نازل قوله الجبیل : " از لعن و طعن و مایتکدر به انسان اجتناب نمائید . " و در لوح بشارات این کلمات دُرّیات نازل : " یا اهل بهاء شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید لسان را به سب و لعن احدی میآلائید . " و در لوح خلیل میفرمایند : " ای خلیل در جمیع الواح شداد که ذکر ایام شداد در او شده کل عباد را بنصایح مشفقانه نصیحت نمودیم که احدی متعزّض احدی نشود و نفسی با نفسی مجادله ننماید . " .

۸- اهمیت صبر و تحمل در بلا یا و عدم مقابله بمثل .  
صبر و بردباری در مقابل بلا یا و مصائب در حیات روحانی بهائی بغایت ممدوح بوده و جمال قدم آنرا یکی از علائم محبت و ایمان موء من حقیقی نسبت بمولا و محبوب



خود دانسته اند چنانکه در کلمات مبارکه مکنونه میفرمایند:  
 " یا ابن الانسان لکلّ شیئی علامة و علامة الحُبّ الصبر  
 فی قضائی و الا صطبار فی بلائی " (یعنی: ای پسر  
 انسان از برای هر چیزی علامتی است و نشانه محبت بمن  
 همانا بردباری در قضای من و شکیبائی در بلائی و ارده از  
 جانب من است ۰)

در این ظهور مبارک تحمل بلایا و رزایا وسیله قوت  
 روح و تزکیه نفس و صفای قلب دانسته شده و فرد بهائی  
 بلایا و قضایای الهی را شاکر و حامد بوده و آنرا حاکی  
 از حکمت و زحمت حقّ تعالی میدانند و هیچگاه لسان به  
 شکوه و شکایت نمیگشاید .

لسان عظمت در لوح شکر شکن در باره اثرات بسلا  
 میفرماید: " ما به دعا بلا را طالبیم تا در هواهای قدس  
 روح پرواز کنیم و در سایه های شجرانس آشیان سازیم " .  
 و در کلمات مقدسه مکنونه میفرمایند: " بلائی عنایتی  
 ظاهره نار و نِقْمَة و باطنه نُور و رَحْمَة " .

همچنین در این آئین نازنین انتقامجویی و مقابله  
 بمثل که ایجاد نفاق و نزاع مینماید مذموم بوده و  
 اهل بهاء در مقابل ظلم و جفا مأثور به مهر و وفا و  
 محبت و صفا میباشند و هرگاه مورد ظلم و طغیان ارباب  
 جور و عدوان قرار گیرند موظفند باولییای امور مملکتی  
 مراجعه نموده و استمداد جویند و در صورت اهمال و  
 قصور آنان ، امور خود را به رب غیور و منتقم حقیقی  
 تفویض نمایند . جمال ابهی در این خصوص میفرماید قوله  
 تعالی: " و اذا عوقبتم فعلیکم بولاة الامور و مسلاذ  
 الجمهور و ان اهلتم قوضوا الامور الی الرب الغیور  
 هذه سمة المخلصین و صفة الموقنین " ( یعنی -

زمانیکه مورد اذیت و آزار قرار گرفتید به اولیای امور که ملجاء و پناه مردمانند رجوع کنید و اگر اهمال کردند امور خود را به پروردگار غیور واگذارید اینست نشانه مخلصین و صفت موقنین (۰)

در طول تاریخ مشعشع و درخشان امرالله بسیار بوده اند نفوس مبارکی که در راه عشق و محبت محبوب حقیقی بکمال میل و رضا تحمل مصیبت و بلا نموده و در نهایت سرور و شادمانی بمیدانگاه فدا و قربانی شتافته اند و یا بهنگام ظهور اذیت و آزار ارباب ظلم و عدوان امور خود را بخداوند علیم و منتقم قدیر واگذار کرده و در نهایت متانت و سعه صدر بعفو و اغماض معامله نموده اند و همواره باین بیان مبارك حضرت مولی الوری توجه داشته اند که میفرمایند قوله العزیز: " ۰۰۰ باید بهائیان رحمت عالمیان باشند و خیرخواه جهانیان . اگر در هر دم هدف هزار سهم گردند شکوه ننمایند، آزرده نشوند، شکرانه کنند که الحمدالله تیر خوردند و شهد و شیر دادند . ضربت دیدند ، رحمت نمودند . معرض نقت شدند ، خوان نعمت گستردند . طعن و لعن شنیدند ، مدح و ستایش نمودند . اینست وصایای جمال ابهی روحی لاحباء الفدا هنیئاً لمن عمل بهذه الوصایا التي تتنورها الافاق ۰۰۰"

" اشراق نهم : دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آنها علت اختلاف و نفاق مکنید . سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نبیر اتحاد ، دین الهی و شریعه ربانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی ۰"

## وحدت لسان و خط

از آن زمان که افراد بشری به حکم غریزه و احتیاج از حالت انفراد با اجتماع گرائیدند و به تشکیل جماعات مبادرت ورزیدند این احتیاج را احساس نمودند که برای تسلی خاطر و رفع غم و اندوه و برآوردن نیازمندیهای یکدیگر و ایجاد تعاون و همکاری بین خویش باید ما فی الضمیر خود را بنحوی به همدیگر تفهیم نمایند وسیله‌ای که برای رفع این احتیاج و تفهیم و تفهم بین افراد بشر بکار رفته و هم‌اکنون نیز بشکل تکامل یافته‌ای بکار می‌رود زبان نام دارد بعبارت دیگر زبان یعنی وسیله‌ای که مردمان افکار و مقاصدشان را بتوسط آن بیکدیگر می‌فهمانند و با مال و خواسته‌های همدیگر پی می‌برند این وسیله در ابتدا بسیار ساده و ناقص و محدود بوده و بمرور زمان و در اثر تحولات گوناگون راه تکامل و وسعت پیموده و بصورت زبانهای متنوع امروزی درآمده است. مطالعه در تاریخ تمدن ملل عالم این حقیقت را آشکار می‌سازد که توسعه و تکامل زبان در بین اقوام و ملل مختلفه

با پیشرفت مدّ نیت آنان رابطه مستقیم داشته است .  
چگونگی پیدایش زبان - تحقیق درباره اصل و  
ریشه زبانها و چگونگی پیدایش زبان اصولا خالی از اشکال  
نیست برخی از دانشمندان و متفکرین زبان را الهام  
آسمانی میدانند بر طبق این عقیده که از معتقدات  
پیروان ادیان در مورد خلقت عالم و آدم سرچشمه  
گرفته نخستین فردی که از نوع انسان بظهور رسیده  
و پدر همه افراد بشر است دارای مقام نبوت و پیغمبری  
بوده و مورد وحی و الهام خداوندی قرار داشته و در  
نتیجه الفاظ و لغات از طریق وحی و الهام بر او  
نازل شده و سپس بوسیله اول آدم ملهم زبان مذکور  
به دیگران آموخته شده است .

بعضی دیگر از متتبعین پیدایش زبانرا نتیجه  
قرارداد افراد بشر پنداشته و عده ای دیگر نیز آنرا  
ناشی از غریزه ای مخصوص دانسته اند ولیکن هیچیک از  
این نظریات و فرضیه ها بر دلایل محکم و غیر قابل  
انکار علمی و تاریخی متکی نبوده و دارای قطعیت  
نمیباشند . برخی از دانشمندان معتقدند که برای  
تحقیق در چگونگی پیدایش زبان بمطالعه زبانهای  
قدیم و زبان اقوام غیر متمدن و بدوی و نیز به بررسی  
زبان کودکان باید پرداخت تا شاید بکمک این سه  
طریق و بخصوص بیاری پاره ای اصول مسلم روانشناسی  
بتوان بطور تقریب راجع به چگونگی پیدایش زبان  
تحقیق و اظهار نظر کرد .

بررسیها و مطالعات روانشناسی که تا کنون بعمل  
آمده معلوم داشته است که انسان احساسات و عواطف  
و حالات نفسانی خود را بوسیله علائم و آثار ظاهری

و برخی اعمال بدنی آشکار و اظهار میدارد و این آثار و علائم غیر ارادی و ظاهری را غالباً اشارات مخصوص و رفتار و گفتار آدمی تکمیل میکنند.

مثلاً خشم و غصب یا غم و اندوه و یا سرور و شادی که از عواطف و احساسات درونی انسان است با علائم ظاهری که گاهی با اشارات و رفتار و گفتار مخصوصه توأم است ظاهر میشوند. علائم و آثار و حرکات غیر ارادی مانند پریدگی رنگ سرخی چهره گرفتگی قیافه و مانند آنها، که ترجمان حالات نفسانی انسان میباشند زبان طبیعی خوانده میشوند و حرکات و رفتاری که از روی قصد و نیت و بمنظور فهماندن احساسات و عواطف درونی ظاهر میگردد از گریه طفل تا الفاظ و جملاتی که بزرگسالان برای بیان مافی الضمیر خود بکار میبرند همگی اصطلاحاً "زبان وضعی نامیده میشوند.

بنابر این بشر در ابتداء حالات نفسانی و عواطف درونی خود را بزبان طبیعی یعنی با علائم و آثار ظاهری مانند فریاد و فغان و تقلید از سایر صدا های طبیعی و با استفاده از حرکات مخصوصه اعضاء مختلفه بدن آغاز نموده است. تقلید از صداهای طبیعت با تغییرات جزئی مانند تقلید از صدای رعد و شیهه اسب و چهچه بلبل و زوزه شغال و زمزمه جویبار و مانند آنها از يك طرف و حرکات سر و گردن و اشارات دست و پا و چشم از طرف دیگر بر وسعت دامنه این زبان ابتدائی و طبیعی افزوده است بدیهی است این زبان طبیعی و ناقص فقط احساسات و عواطف بسیار ساده و ابتدائی انسان و کودک خردسال را میتوانسته است تفهیم نماید. علمای روانشناس میگویند علاوه بر این برخی از الفاظ

و اصوات هم‌گاهی بر حسب تصادف و اتفاق بر زبان یکی از افراد رانده شده و کم‌کم متداول و معمول گردیده و بر شیئی معین یا معنائی مشخص اطلاق گردیده است. مثلاً " لفظ دریا، زمین یا درخت ممکن است برای اولین بار از دهان انسانی درآمده و سپس بتدریج معمول شده باشد لذا میتوان گفت که زبان وضعی بطریق مذکوره و متدرجاً از زبان طبیعی سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از مراحل فریناد و فغان و تقلید از اصوات طبیعت بمرحلهء تلفظ رسیده و در طی قرون و اعصار متمادی دستخوش تغییرات و تحولات گوناگون شده و بالاخره بصورت زبانهای که امروز متداول و رایج بین اقوام و ملل مختلفه عالم میباشد درآمده است. در باره این تحولات و تغییرات و تنوع زبانها و لهجه‌ها تحقیقات و مطالعات فراوان انجام گرفته و علوم مختلفه‌ای مانند زبان‌شناسی و تاریخ زبان و علم اشتقاق لغت و غیره که از موضوع بحث فعلی ما خارج میباشد بوجود آمده است.

ممکن است گفته شود که اگر زبان وضعی منشعب از زبان طبیعی است پس چرا اینهمه زبانهای گوناگون در بین اقوام و ملل عالم رایج و متداول شده است؟ علمای روانشناس در جواب این‌چرا میگویند که چون دستگاه صوتی افراد انسان قادر به تقلید کامل و یکسان از اصوات طبیعی نمیباشد لذا نحوه تقلید از صداهای طبیعی در بین تمام افراد و جماعات همانند نبوده و بالنتیجه تفاوت زبانها و لهجه‌ها پدیدار گردیده است بخصوص که تشتمت و پراکندگی ملل و اقوام مختلفه و فقدان وسائل ارتباطیه بین آنها در

ازمنه سالفه مانع انتقال زبانها و لهجه ها از قومی  
بقوم دیگر بوده است وجود الفاظ و لغات مشابه در  
زبانهای موجوده نیز شاهد صحت این مطلب میباشد  
بعلاوه همانطور که بیان شد بسیاری از لغات و کلمات  
در میان گروهی از افراد بشر بطور تصادف و اتفاق بوجود  
آمده و سپس متداول و معمول گردیده و در طول زمان  
دستخوش تغییرات و تحولات شده و گاهی هم با  
سایر الفاظ ترکیب یافته و یا بمعنی مجازی بکار رفته  
است . وجود مشابهت و قرابت بین زبانهای اقوامیکه  
از حیث نژاد و محیط جغرافیائی و طرز فکر و فرهنگ  
باهم نزدیکی دارند دلیل صدق این مطلب است .

باید دانست که هر قدر تمدن قوم و ملتیی  
وسعت و تکامل یابد مفاهیم تازه ای بوجود میآورد که  
برای بیان و توجیه آنها به لغات و کلمات جدیده احتیاج  
پدید میآید از طرف دیگر بیان معانی مجرد و حقایق  
معقوله نیاز بالفاظی دارند که نمیتوان الفاظ را از  
صداهاى طبیعت اخذ و تقلید نمود لذا در زبانهاى  
مختلفه موجوداتی را که دارای صفات و خصوصیات مشترک  
هستند جمع نموده و لفظ مخصوصی را بر همه آنها اطلاق  
کرده اند مانند الفاظ جماد نبات حیوان انسان درخت  
گل و مانند آنها که بر موجودات و اشیاء متعدده کنه  
دارای صفات مشترک هستند اطلاق میشود همچنین برای  
بیان حقایق معقوله غیر محسوسه الفاظ و لغاتی را  
استعمال نموده اند مانند عقل، هوش، عاطفه، غم، شادی  
و مانند آنها .

مطلب دیگری که در مورد زبانها باید بیان شود  
آنست که بسیاری از زبانهای قدیمی بوده اند که اکنون از

بین رفته و از برخی فقط آثاری بجای مانده است مع الوصف تعداد زبانها و لهجه های موجود و متداول در جهان بحدی زیاد است که شمارش آنها مشکل و در مورد لهجه ها تقریبا محال است از جمله زبانهای قدیمی جهان خانواده زبانهای است که آنها را سامی یا سیمیتک Semetic مینامند این خانواده زبان به سه شعبه مهم تقسیم میشود که عبارت از آرامی - عبری و عربی میباشد. زبان آرامی در بین النهرین و شام و بابل معمول بوده و به سریانی و کلدی منقسم میشود. زبان عبری یس کنعانی که در فلسطین متداول بود و زبان عبری امروزی مشتق از همان است که بمرور زمان تغییراتی در آن راه یافته است. سوم زبان عربی که آن نیز دو جزء داشته و دارد یکی عربی و دیگری حبشی و این زبان در ابتداء منحصر به عربستان و حبشه بوده و لکن در ظل تمدن اسلام بسایر اقالیم و نقاط جهان نفوذ کرده است. زبانهای سامی همه از يك اصلند که خود از میان رفته است.

دیگر از زبانهای مهم و قدیمی جهان خانواده زبانهای آریائی یا هند و اروپائی است که بیشتر زبانهای اروپائی مشتق از آن میباشد. توضیح آنکه يك زبان بسیار قدیمی ایرانی وجود داشته که زبان همه طوائف اصلی نژاد آریائی بوده و با استفاده از علم اشتقاق زبانهای چنین معلوم گردیده که سه شاخه مهم از زبان مذکور جدا شده است. يك شاخه عبارت از زبانها سانسکریت و سنگالی است. شاخه دوم اصل و مایه زبانهای اوستا و پهلوی و پارسی است. شاخه سوم اصل و ریشه زبانهای صلت و یونانی و لاتین میباشد.



چگونگی پیدایش خط - سابقا گفتیم که دانشمندان زبان را به زبان طبیعی و وضعی تقسیم نموده و زبان وضعی را از زبان طبیعی مشتق دانسته اند علاوه بر این تقسیم بندی متخصصین در علم زبان از جهتی دیگر زبان را بر دو نوع دانسته اند یکی زبان گفت و شنید و دیگری زبان نوشتن \*

زبان گفت و شنید که ما آنرا از راه گوش میشنویم و میفهمیم چنانچه بیان شد ترکیب میشود از صداهای مختلفه اعم از طبیعی یا قراردادی که از دهان انسان بکلمه زبان و گلو و دندان و لب بیرون میآید و این زبان اولی و اصلی است \*

زبان نوشتن یا خط که ما آنرا از راه چشم میبینیم و میخوانیم و میفهمیم در ابتداء علاماتی بوده است که برای يك شیئی یا يك معنی و مفهوم معین وضع نموده بودند مثلا اگر میخواسته اند درخت بنویسند در ابتداء شكل درخت میکشیدند و این مرحله یعنی خط تصویری تا عصر حجر جدید هم وجود داشته است بعد از این مرحله ترقی و تکامل در این نوع خط بوجود آمده کم کم شکلها و علامات را کوچکتر و مختصر تر کردند و بالاخره این طریقه منجر به پیدایش الفباء گردیده در میان طوائف مختلفه معمول شده است بدین طریق که برای هر آواز و صدائی که از دهان بیرون میآید علامتی مخصوص قرار دادند و کم کم هر يك از طوائف يك نوع الفبائی را طرح و برای خود اختیار نمودند بعضی را عقیده بر آنستکه زبان تصویر و نوشتنی از حیث زمان بر لسان گفت و شنید مقدم بوده است زیرا انسان ابتدائی میتوانسته است بر دیوار غار مسکونی خود

تصویری را رسم کند و نشان دهد که بکدام سمت رفته و یا بگرفتن چه شکاری موفق گردیده و یا چه عملی را انجام داده است . بهر حال برخی از خطوط مهم قدیم که معروف میباشند عبارتند از هیروگلیفی، مصری، قبطی، میخی، سومریان، اوستائی، پهلوی، فنیقی، یونانی، کلدانی، سریانی، گرجی، دری، حبشی و بالاخره سانسکریت از این خطوط بعدا و بتدریج خطوط عبری، کوفی، عربی و همچنین لاتین و بالاخره کلیه خطوط از و پائی تشکیل و ترکیب یافته است . باید دانست که اختراع الفباء و خط یکی از مهمترین عوامل ترقی و توسعه تمدن بشری بوده است زیرا بدان وسیله افکار و اعتقادات و قوانین و جریان حوادث و وقایع مهم تاریخیه و بعبارت دیگر تلاشها و کوششها و تجربیات نسلهای گذشته جمع آوری و تدوین شده و مورد استفاده آیندگان قرار گرفته است بعلاوه با استفاده از خط افکار عالیه و تعالیم سامیه اهل علم و معرفت و رهبران بزرگ اخلاقی و اجتماعی بعد از مرگ آنان نیز دوام و بقا یافته و راهنمای نسلهای بعدی گردیده است .

بهمین جهت است که ظهور خط در میان هر قومی ابتدای دوره تاریخی و خاتمه اعصار ماقبل تاریخ آن قوم میباشد .

مطلب دیگر اینکه کثرت و تنوع زبانهای موجوده عالم اقوام و ملل مختلفه جهان را از دیر زمانی بر آن داشته که آثار مفیده علمی و فلسفی و اجتماعی زبانهای دیگر را بزبان ملی خود ترجمه نمایند و مورد استفاده قرار دهند چنانکه کتب فلسفی یونان قدیم

در دورهء سلطنت خلفای اسلامی بخصوص در زمان مأمون خلیفه عباسی بعربی ترجمه و مورد استفاده دانشمندان اسلامی قرار گرفت و بعدا ممالك اروپائی نیز دست بکار ترجمه آثار فلاسفه و متفکرین یونان باستان شدند و با استفاده از افکار متفکرین و نوابغ بزرگ یونان و بمدد مجاهدات و زحمات فراوان خود موفق بایجاد علم و فلسفه جدید و تحولات شگرف و بی سابقه در عالم علم و اندیشه شدند. ترجمه کتب به زبانهای مختلفه بخصوص در دو قرن نوزدهم و بیستم بعلت توسعه دائم التزاید روابط مختلفه اقوام و ملل با یکدیگر اهمیت فراوانی کسب نموده است با این تفاوت که در این دو قرن اخیر بعکس قرون گذشته غالبا آثار فلاسفه و متفکرین و علمای اروپائی بزبانهای شرقی ترجمه میگردد و هنوز هم ترجمهء آثار نویسندگان غربی بالسنهء شرقی ادامه دارد ولیکن اکنون باید این حقیقت را قبول نمود که توسعه روزافزون روابط و مناسبات متنوعه اقوام و ملل عالم بدانجا کشیده که باید هر چه زودتر یا زبان و خط عمومی و بین المللی انتخاب و یا اختراع شود و در تمام عالم و بین جمیع ملل جهان معمول شود و از توسل به ترجمه کتب و رسالات بزبانهای متعدده که سبب اتلاف وقت و نیرو و ثروت افراد بشر است اجتناب گردد و این همان تعلیم مهم و مبارکی است که حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی اعظم مربی عالم انسانی در یک قرن پیش لزوم و اهمیّت آنرا در آثار و تعالیم مقدّسه خود بیان فرموده و اهل عالم را به ایجاد یک خط و زبان بین المللی علاوه بر زبان مادری هر قوم و ملتی دعوت نموده اند

و ما انشاء الله در قسمتهای بعدی این مقاله با شما  
خوانندگان عزیز در باره این تعلیم مبارك مطالبی را  
در میان خواهیم گذاشت.

پایان قسمت اول

## وحدت لسان و خط ۲

"از جمله اوامر حضرت بهاء الله اینست که باید  
جميع ملّت از اهل معارف و علوم اتفاق کرده يك لسانی  
انتخاب یا ایجاد نمایند و آن لسان عمومی باشد."  
( حضرت عبد البهاء )

وحدت لسان و خط یکی از تعالیم اساسیه این ظهور

مبارک

یکی از تعالیم و مبادی اساسی و اجتماعی این ظهور  
اکمل و جهانی تعلیم وحدت لسان و خط میباشد و اهل بهاء  
را براهنمائی نصوص و آثار مبارکه اعتقاد بر آنست که اجرای  
این حکم و تعلیم مبارک در عالم بشری یکی از مهمترین  
عوامل وصول به هدف اساسی و نهائی این ظهور مبارک یعنی  
وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی و صلح جهانی  
و محبت عمومی میباشد. زیرا وحدت لسان سبب میشود  
که عموم اهل عالم در نهایت راحتی و سهولت به سیر و سفر  
در اقطار و اکناف عالم مبادرت ورزیده بکمال محبت و و داد  
باب روابط مختلفه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، علمی و

هنری را با یکدیگر مفتوح نمایند و از خرمن معارف عمومی بهره مند شوند و از صرف اوقات گرانبهای خود بجهت ترجمه کتب و مقالات و اوراق و لوایح و مکاتبات تجاری و اسناد سیاسی اجتناب کنند . شکی نیست که هر قدر روابط مختلفه جوامع بشری بایکدیگر فزونی یابد لزوم ایجاد يك خط و زبان واحد بین المللی محسوستر میگردد چنانکه پس از تأسیس این مسئله از طرف شارع مقدّس بهائی برخی از متفکرین و خیرخواهان عالم انسانی در دو قرن نوزدهم و بیستم این احتیاج شدید را احساس و باختراع زبانهای بین المللی اقدام نمودند و در حال حاضر نیز همانطور که موضوع تأسیس حکومت جهانی افکار جهانیان بخصوص عده ای از متفکرین و دانشمندان و سیاسیون را بخود مشغول داشته است مسئله انتخاب یا اختراع و رواج يك زبان بین المللی نیز بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم و اعلان منشور ملل متحد مورد توجه متفکرین و مصلحین عالم قرار گرفته است تا آنجا که برخی از آنان اظهار نظر کرده و میگویند امروز دیگر موقع آن نیست که راجع باهمیت و لزوم يك زبان بین المللی بحث نمائیم چه این بحث کهنه شده و به نتیجه رسیده است بلکه وقت آنست در باره زبانی که بتواند جنبه بین المللی پیدا کند بحث و مذاکره کنیم . اینک شمه ای از نصوص و آیات مبارکه جمال اقدس ابهی و تبیینات مرکز میثاق را در خصوص لزوم و اهمیت ایجاد يك خط و زبان بین المللی زینت بخش این اوراق مینمائیم :

جمال قدم جل اسمه الاعظم در کتاب مستطاب اقدس

ام الكتاب دور مقدّس بهائی چنین میفرمایند قوله الاعلیٰ  
 "يا أهل المجالس فی البلادِ اختاروا لغةً من اللغاتِ لیتكلّمَ  
 بها من علی الارضِ وکذلک من الخطوطِ انّ الله یبینُ

لَكُمْ مَا يَنْفَعُكُمْ وَيُغْنِيَكُمْ عَنْ دُونِكُمْ إِنَّهُ لَهُ الْفَضْلُ  
 الْخَبِيرُ هَذَا سَبَبُ الْإِتِّحَادِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَالْعَلَّةُ  
 الْكُبْرَى لِلِاتِّفَاقِ وَالتَّمَدُّنِ لَوَأَنْتُمْ تَشْعُرُونَ " مضمون  
 این آیات مبارکه بفارسی چنین است " ای کسانی که در  
 مجالس مقننه ممالک عالم عضویت دارید لسانی را از بین  
 السنه موجوده اختیار و انتخاب کنید تا اینکه بآن زبان  
 تمام اهل عالم تکلم کنند و همچنین از خطوط موجوده نیز  
 خطی را انتخاب نمایید. خداوند بیان میکند از برای  
 شما آنچه را که نفع میرساند و بی نیاز میکند شما را از  
 دیگران زیرا که او صاحب فضل و دانائی است. وحدت  
 لسان و خط سبب اتحاد عالم است اگر شما از دانایان هستید  
 و علت کبری از برای اتفاق و ترقی مدنیست است اگر شما  
 دارای فهم و ادراک میباشید. "

و نیز در لوح مبارک بشارات نازل قوله تعالی  
 " بشارت سوم تعلیم السن مختلفه است. از قبل از قلم  
 اعلی این حکم جاری حضرات ملوک ایدهم الله و یا وزیرای  
 ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان  
 جدیدی مقرر دارند و در مدارس عالم اطفال را بآن  
 تعلیم دهند و همچنین خط در این صورت ارض قطعه واحده  
 مشاهده شود. " و در کلمات مبارکه فردوسیة باین کلمات و  
 آیات ناطق قوله الجلیل: " ۰۰۰ از قبل فرمودیم تکلم  
 بدو لسان مقدر باشد و باید جهد شود تا بیکی منتهی  
 گردد و همچنین خطوط عالم تا عمرهای مردم در تحصیل  
 السن مختلفه ضایع نشود و باطل نگردد و جمیع ارض مدینه  
 واحده و قطعه واحده مشاهده شود: " و نیز در لوح  
 مقدس اشراقات این کلمات از مصدر قلم اعلی نازل قوله  
 العلیم: " اشراق ششم اتحاد و اتفاق عباد است لازال

باتفاق آفاق عالم بنور امر منور و سبب اعظم دانستن خط و گفتار یکدیگر است . از قبل در الواح امر نمودیم امنای بیت عدل يك لسان از السن موجوده و یا لسان بدیع و يك خط از خطوط اختیار نمایند و در مدارس عالم اطفالرا بآن تعلیم دهند تا عالم يك وطن و يك قطعه مشاهده شود ."

حضرت عبدالبهاء مبین آیات و تعالیم مبارکه این امر اعز اعلی نیز در لوح مبارک لاهه چنین میفرمایند قوله العزيز " ۰۰۰ " و از جمله تعالیم حضرت بهاء اللّه ایجاد لسان واحد است که تعمیم بین بشر گردد . پنجاه سال پیش این تعلیم از قلم حضرت بهاء اللّه صادر شد تا این لسان عمومی سبب از الهه سوء تفاهم بین جمیع گردد . " ۰۰۰ " و نیز میفرمایند قوله المبین " ۰۰۰ " بهتر اینست يك لسان ایجاد و یا انتخاب شود تا آنکه لسان عمومی باشد در این صورت انسان بدو لسان محتاج است یکی لسان وطنی یکی لسان عمومی بلسان وطنی خودش باقوم خود گفتگو نماید اما بلسان عمومی با جمیع عالم محاوره نماید و محتاج لسان ثالث نمیباشد . " ۰۰۰ " و نیز ضمن نطق مبارک در آمریکا چنین میفرمایند : " ۰۰۰ " سبعا وحدت لسان لازمست که لسانی ایجاد نمایند که جمیع بشر تحصیل آن لسان نمایند پس هر نفسی محتاج دو لسان است یکی خصوصی یکی عمومی تا جمیع بشر زبان یکدیگر بدانند و باین سبب سوء تفاهم بین ملل زائل شود زیرا جمیع يك خدا را میپرستند . کل بندگان يك خداوندند سوء تفاهم سبب این اختلافاتست چون زبان یکدیگر را بدانند سوء تفاهم نماند جمیع باهم الفت و محبت نمایند شرق و غرب اتحاد و انفاق کنند . " (۱)

۱- پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط



## کیفیت بوجود آوردن لسان و خط بین المللی

تا آنجا که از نصوص و آثار مبارکه که فوقاً نقل شد استنباط میشود جمال قدم جل اسمہ الاعظم برای عموم اهل عالم تکلم بدو زبان را مقرر فرموده اند یکی زبان مادری و قومی، دیگری یک لسان عمومی و جهانی • بدین معنی که در هر کشور و مرز و بومی اطفال آن مملکت و اقلیم علاوه بر فراگرفتن زبان مادری و ملی خود باید از صغر سن یک زبان عمومی را نیز فرا گیرند تا بهنگام مرادده و ارتباط با افراد سایر ملل و جوامع دچار عسرت و ناراحتی نگردند و نیز امر فرمودند که باید سعی شود تا بالاخره کلیه السنه و خطوط عالم به یک زبان و خط واحد مبدل گردند تا در نتیجه کره ارض قطعهء واحد و عموم افراد بشر یک خاندان مشاهده شوند و تحقق این امر مصداق صفینای نبی است که وقوع آنرا در ایام ظهور مظهر کلی الهی نبوت فرموده است چنانچه در باب ۳ آیه ۹ کتاب خود می گوید: "در آن زمان زبان پساك بامتها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه را بخوانند و بیک دل او را عبادت نمایند." •

اما طریق انتخاب و ایجاد لسان و خط عمومی آنطور که از متون آثار و نصوص مبارکه و تبیینات مرکز میثاق استنباط میشود چنین است که باید ملوک و سلاطین عالم ییا وزراء و زمامداران جهان و یا امنای بیت عدل بر اجرا و تنفیذ این حکم محکم الهی اقدام کنند بدین ترتیب که ملل و دول عالم نمایندگان تام الاختیار را از متخصصین و متفنین در علم زبان انتخاب نمایند که آن افراد هم نماینده ملت و هم نماینده دولت متبوعه خود باشند و این نمایندگان منتخب و تام الاختیار در محلی اجتماع نموده بکمال دقت

و بی نظری و بدون تعصب شور و مذاکره و سپس يك لسان از السنه موجودهء عالم را از لحاظ وسعت و فصاحت و قواعد دستوری و سهولت تعبیر از سایر زبانها کاملتر و لیاقت و مناسبت بین المللی شدن را دارد انتخاب کنند و یا آنکه زبانی جدید و آسان اختراع نمایند و آن زبان را کلیه نمایندگان مجتمعه و سپس آکادمیهای زبان و تمام ملل و دول عالم تصویب کنند و بعدا از روی کمال میل و رضا در جمیع نقاط کره ارض معمول و تدریس گردد.

بدیهی است اگر يك لسان بین المللی بوسیله نمایندگان صلاحیتدار و تام الاختیار کلیه ملل عالم انتخاب و یا اختراع شود بدون ناراحتی و مقاومت مورد قبول همه جوامع بشری قرار گرفته بسهولت مجری و متداول میگردد.

برخی را عقیده بر آنست زبانی باید بین المللی اعلان شود که بیشتر از زبانهای دیگر در جهان رواج داشته و عده زیادتری بدان تکلم کنند ولیکن بدیهی است که این شرط برای عمومی شدن زبانی کافی نمیشود زیرا يك زبان بین المللی علاوه بر این شرط باید محسنات و خصوصیات مهم دیگری مانند آسانی تعبیر و وسعت دامنهء لغات و سهولت فراگرفتن و جامع بودن قواعد دستوری را نیز دارا باشد. بعلاوه باید عموم اهل عالم به عمومی شدن آن زبان رضایت دهند و این امر را میتوان یکی از مهمترین مشکلات ایجاد يك لسان و خط بین المللی در دنیای کنونی دانست که بر طبق تعالیم بهائی به بهترین وجهی رفع شده است.

اینک شمه‌ای از تبیینات مرکز میثاق امر بهاء در باره نحوه ایجاد لسان و خط عمومی در این مقام نقل میشود.

در ضمن یکی از خطابات مبارک در آمریکا چنین میفرمایند قوله جل ثنائه (۱) " تعلیم نهم حضرت بهاء الله وحدت لسان است يك لسانی ایجاد شود و آنرا آکادمیهای عالم قبول نمایند " یعنی يك کنگره بین المللی مخصوص تشکیل دهند و از هر ملتی نمایندگان و وکلاء دانا در آن جمع و حاضر گردد و صحبت و مشورت نمایند و رسماً آن لسان را قبول کنند و بعد از آن در جمیع مدارس عالم تعلیم اطفال کنند تا هر انسان دو لسان داشته باشد يك لسان عمومی و يك لسان وطنی تا جمیع عالم يك وطن و يك لسان گردد زیرا این لسان عموم از جمله اسباب اتحاد عالم انسانیست " و همچنین در یکی دیگر از خطابات مبارکه میفرمایند قوله الجمیل (۲) " ۰۰۰ بعد از مدتی مدید ه شخصی پیدا شد این لسان اسپرانتو را ایجاد کنند فی الحقیقه زحمت کشیده خوب ایجاد کرده لیکن بجهت آنکه تأمین و ترویج آن لسان لازمست لهذا عموم ملّت از ارباب معارف باید يك مجلس عمومی تشکیل دهند هر ملتی نفسی را انتخاب نماید اینها انجمنی بیارایند و معاونت آن شخص بکنند و لسان را از هر جهت اکمال نمایند تا آن لسان انتشار حاصل نماید و لسان منتخب عموم ملل عالم شود و بر ملتی تعمیم آن گران نباشد زیرا حال بر بعضی گران و مشکل است میگویند این لسان را ما ایجاد نکرده ایم روس ایجاد کرده است لهذا تعلق قلب چندان ندارند اما اگر همچو انجمنی تشکیل شود جمیع اعضا تصدیق کرده اتمام و اکمال نمایند آنوقت جمیع ملل بنهایت سرور قبول مینمایند و تا آن لسان ترویج نشود راحت و آسایش آنطور که باید و شاید برای

۱ و ۲ - پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط

بشر حاصل نمیشود..."

انتهی

جناب استانود کاب نویسنده بهائی آمریکائی در رساله‌ای تحت عنوان "وحدت ملل در قرن ۲۱" که آنرا در ظل تمدن روحانی و جهانی بهائی يك امر واقع شده‌ای تصور نموده راجع بوحدت لسان وخط و فواید و تأثیرات آن چنین مینویسد: "وحدت عمومی که در ظل تعالیم حضرت بهاء اللّٰه تأسیس یافته اکنون بوسیله يك زبان بین‌المللی که از طرف عموم ملل و دول انتخاب و در مدارس عالم تدریس شده تحقق یافته است • بدیهی است انتخاب این زبان مستلزم ترك لسان خصوصی ملّی نبوده بلکه وسیله مهمی جهت توسعه روابط بین‌المللی از لحاظ تجارت مسافرت و معارف عمومی گردیده است •

کتاب مهمه بدو لسان خصوصی و بین‌المللی طبع و نشر گردیده است • مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی از زبان جدید استفاده می‌نمایند و از فواید حتمیه این زبان آنست که روح اخوت و دوستی در جهان بسط و تقویت مییابد • اهمیت وحدت لسان در توسعه و تشیید روابط ملّی پیوسته مورد تصدیق ملل متمدنی جهان بوده بهمین قیاس اجرای این اصل یعنی اختیار يك لسان عمومی در تأمین روابط بین‌المللی موءثر میباشند • معارف عمومی اثرات نیکوی خود را در سراسر جهان منتشر ساخته پراگرامهای مختلفه تحمیلی مدارس عالم تحت اسلوب مشترك و واحدی در آمده و بسوی منظور فرهنگی واحدی متوجه است این وحدت فرهنگی بنفسه عامل مؤثری در ایجاد افکار و احساسات عمومی محسوب میگردد و با کمک این لسان عمومی طالبین دانش و معارف بسهولت

میتوانند بممالك مختلفه جهان مسافرت نموده  
در مدارس ومجامع علمی و ادبی حضور یافته کسب  
معلومات نمایند... "

پایان قسمت دوم

## وحدت لسان و خط ۳

اثرات و نتایج ایجاد لسان و خط بین المللی  
۱- وحدت لسان و خط سبب حصول الفت و محبت عمومی

است .

جمال قدم جل اسمه الاعظم در کتاب مستطاب اقدس  
و سایر آثار مبارکه وحدت لسان و خط را سبب اتحاد  
و اتفاق و علت ایجاد محبت و وداد بین افراد بشر  
دانسته اند چه ناگفته پیدا است که هر قدر اقوام و ملل  
مختلفه عالم بیشتر بتوانند با یکدیگر خلطه و آمیزش  
نموده و مقاصد و مسائل و آمال همدیگر را بهتر درک  
نمایند بهمان اندازه اساس الفت و محبت فیما بین  
آنان محکمتر و استوارتر خواهد شد و بدون شك وحدت  
لسان و خط میتواند یکی از مهمترین عوامل ایجاد  
الفت و اتحاد بین اقوام و جوامع مختلفه و رفع سوء تفاهات  
و اختلافات موجود باشد .

حضرت عبدالبهاء جل ثنائه در ضمن خطابه مبارک  
در ادنبورگ اسکاتلند در مجلس اسپرانتیست ها  
چنین میفرمایند قوله عز بیانه: "..... هرچه سبب  
اتحاد است خوبست و نافع و اعظم وسیله وحدت لسانست

که عالم انسانی را عالم واحد کند سوء تفاهم ادیبان را  
زائل نماید. شرق و غرب را دست در آغوش یکدیگر کند  
وحدت لسان اوطان بعیده را وطن واحد نماید و قطعات  
خمس را قطعۀ واحدہ زیرا لسان یکدیگر را میدانند  
و این سبب میشود که نادانی از میان میرود هر طفلی باین  
سبب تحصیل علوم میکند و محتاج بدو لسان و بس یکی  
لسان وطنی یکی لسان عمومی .

یمنکن بجائی رسد که بلسان وطنی هم احتیاج نماند  
دیگر چه موهبتی اعظم از اینست و چه راحتی بسرایی  
انسان بهتر از این، عالم انسانی جنت میشود. "و  
همچنین میفرمایند "اعظم مشروع این قرن وحدت  
عالم انسانی است و همچنین وحدت لسان سبب الفت بین  
قلوب است سبب حصول اتحاد است سبب زوال سوء تفاهم  
است سبب ظهور حقیقت است و سبب محبت جمیع بشر  
است و سبب تفهیم و تفهم است که اهم امور در عالم  
انسانی است هر فردی از افراد بشر بجهت وحدت لسان  
می تواند بر افکار عموم بشر اطلاع یابد بسبب وحدت  
لسان انسان میتواند باسرار قرون ماضیه مطلع شود  
و بکمال سهولت تحصیل علوم و فنون موجوده کند" (۱)  
باید توجه داشت که وحدت لسان در ازمنه سالفه  
نیز اعظم وسیله ایجاد الفت و اتحاد بین اقوام و ملل  
مختلفه و از جمله عوامل مهمه تمدن هر قوم و ملتی  
بوده است بطوریکه غالباً اختلافات و تعصبات مذهبی  
نژادی و ملّی در تحت تأثیر و حکومت یک لسان واحد  
زائل گردیده و ملّت های مختلفه متباغضه حکم واحد  
یافته اند . حضرت عبدالبهاء در باره اثرات و ثمرات  
۱- پیام ملکوت رساله وحدت لسان و خط .

وحدت لسان در ادوار سالفه چنین میفرمایند قوله الجلیل: "۰۰۰ در زمان گذشته ملاحظه میکنیم وحدت زبان چقدر سبب الفت و وحدت شد هزار و سیصد سال پیش قبطیان سریانیان آشوریان ملل مختلفه بودند در شدت نزاع وجدال بعد چون مجبور بتکلم لسان عرب شدند وحدت لسان سبب شد که حال جمیع عربند و یک ملت شده‌اند با اینکه اهل مصر قبط و اهل سوریه سریان و اهل بغداد کلدان و اهل موصل آشور بودند، لکن وحدت لسان جمیع آنها را یک ملت نموده باهم مرتبط کرد ارتباطی که ابدًا فصل ندارد و همچنین در سوریه مذاهب مختلفه مثل کاتولیک ارتودکس درزی شیعه سنی نصیری هستند ولی سبب وحدت لسان مثل یک ملتند از هر یک سئوال کنی گوید من عربم و حال آنکه بعضی رومانیند بعضی عبرانی و بعضی سریانی و بعضی یونانی اما لسان واحد آنها را جمع کرد پس وحدت لسان بسیار سبب الفت میشود بعکس از اختلاف لسان در اروپا یکی را آلمان یکی را انگلیس یکی فرانسه میگویند اگر وحدت لسان بود البته الفت حاصل میشد بلکه یک ملت بودند چنانچه در شرق ملل مختلفه‌ای که لسان واحد دارند حکم یک ملت پیدا کردند....." (۱)

## ۲- وحدت لسان و خط بهترین وسیله تفهیم و تفهم

و بسط علوم و معارف است .

چون بتاریخ مراجعه کنیم ملاحظه مینمائیم که یکی از عوامل مزاحمت و اختلاف و سوء تفاهم و عدم الفت و حسن ارتباط بین اقوام و طوائف و ملل مختلفه جهان ۱- پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط



همانا اختلاف و وجود تعصب لسانی بوده است زیرا اگر بین دونفر یا دو قوم و ملت تباین در زبان وجود داشته باشد تفهیم و تفهّم و بیان مقاصد و تبادل نظر و توافق فکر و استفاده از علوم و معارف یکدیگر بسهولت حصول نمی پذیرد بلکه غالباً سوء تفاهم و منافرت بظهور میرسد و کینه و دشمنی بروز می کند .

داستانهائی راجع بمنازعه و مشاجره بین افرادی که دارای فکر و هدف واحد و یا طالب شیئی واحدی بوده اند و لیکن بعلمت اختلاف زبان نمیتوانسته اند مقصود و منظور خود را یکدیگر تفهیم نمایند مشهور و در کتب اقوام مختلفه و آثار شعرا و نویسندگان مذکور است و حضرت عبد البهاء یکی از آن حکایات را چنین بیان فرموده اند قوله الاحلی : " ۰۰۰ حکایت کنند که دونفر بودند که لسان یکدیگر را نمیدانستند یکی بیمار شد دیگری بعیادت او رفت رفیق از مریض پرسید باشاره که چطوری؟ جواب داد مُردم ، ولی رفیق چنین فهمید که میگوید بهترم گفت الحمد لله . باز باشاره پرسید چه خوردی ؟ جواب داد زهر گفت شفای عاجل است . باز پرسید حکیم تو کیست ؟ جواب داد عزرائیل گفت قدمش مبارك است شخص ثالث که زبان هر دو را میدانست برفیق گفت میدانی چه جواب میدهی گفت چون من چنین گمان کردم که میگوید بهترم گفتم الحمد لله میگوید فلان دوا خوردم گفتم شفای عاجل است میگوید حکیم من فلانکس است لهذا گفتم قدمش مبارك است بعد چون فهمید بعکس جواب داده خیلی محزون شد و این حکایت در نوع دیگر مثنوی بیان میکند مقصود یکی است خلاصه هیچ چیز بهتر از تفهیم و تفهّم نیست و هیچ چیز از عدم

تفہیم و تفہم بدتر نہ ہر کس گیر کردہ میدانند چگونه انسان متحیر میماند هیچ نمیداند چه بکند از ہر چیز باز میماند اما چون وحدت لسان حاصل شود ہمہ مشکلات حل گردد... (۱)

بنابراین باید اذعان کرد کہ وحدت لسان و خط یکی از بزرگترین عوامل ایجاد الفت واتحاد و تفہیم و تفہم و بسط علوم و معارف بین اقوام و ملل مختلفہ عالم میباشد حضرت عبد البہاء در ضمن نطق مبارک در مجلس اسپرانتیست های پاریس چنین میفرماید:

"... در عالم انسانی دو قضیہ است عمومی و خصوصی ہر امری عمومی فوائدش بینہایت است و ہر امری خصوصی فوائدش محدود... لہذا میتوانیم بگوئیم لسان عمومی امریست مہم زیرا سوء تفہم را از بین ملل زائل نماید قلوب عموم را بہم ارتباط دہد و سبب شود کہ ہر فردی مطلع بر افکار عمومی شود در عالم انسانی تفہیم و تفہم کہ از اعظم فضائل عالم بشری است مشروط بوحدت لسان معلم و متعلم است پس چون لسان عمومی حاصل شود تعلیم و تعلم سهل و آسان گردد..." و نیز میفرمایند

"... تفہیم و تفہم منوط بلسان واحد است باید تلمیذ و معلم وحدت لسان داشتہ باشند تا تفہیم و تفہم حاصل شود چہ کہ در عالم انسان امری اعظم از تفہیم و تفہم نیست تربیت صحیح منوط بہ تفہیم و تفہم است تعلیم علوم منوط باین است و این است سبب تحصیل معارف عمومی و باین سبب انسان از ہر امری واقف شود پس اگر وحدت لسان باشد جمیع افراد بشر باسانی یکدیگر را تفہیم نمایند..." (۲)

۱-۲۔ پیام ملکوت - رسالہ وحدت لسان و خط - مبادی روحانی

با توجه به بیانات مبارکه فوق و اهمیت وحدت  
 لسان و خط در این ظهور مبارک باید دانست در دنیای  
 امروز که روابط نزدیک علمی فرهنگی اجتماعی اقتصادی  
 و هنری بین اقوام و ملل مختلفه عالم بوجود آمده است  
 اختلاف زبان و خط یکی از مهمترین موانع استفاده و  
 استفاضه جوامع و ملل از علوم و صنایع بدایع و ادبیات  
 یکدیگر و بسط و توسعه معارف عمومی میباشد و همواره  
 قسمتی از وقت و نیرو و ثروت افراد باید صرف فراگرفتن  
 السنه مختلفه گردد تا بتوانند در نهایت صعوبت  
 احتیاجات خود را رفع نموده از خرمن دانش و معارف ملل  
 سایر خوشه چینی کنند در حالیکه وحدت لسان رافع  
 همه این مشکلات و موانع میباشد. جمال اقدس ابهی  
 جل اسمه الاعلی در یکی از الواح مبارکه در این باره  
 چنین میفرماید: "قولہ تعالی: "۰۰۰ ملاحظه میشود  
 اکثری از ما از تشمت لغات اهل عالم از مخالطه و معاشرت  
 و کسب معارف و حکمت یکدیگر محرومند لذا محض فضل  
 وجود کل ما امور شده اند باینکه لغتی از لغات را اختیار  
 نمایند چه جدیداً اختراع و چه از لغات موجوده ارض و کل  
 بآن متکلم شوند در این صورت ارض مدینه واحده ملاحظه  
 شود زیرا که کل از لسان یکدیگر مطلع میشوند  
 و مقصود یکدیگر را ادراک مینمایند این است سبب  
 ارتقای عالم و ارتفاع آن و اگر نفسی از وطن خود هجرت  
 نماید و بهر یک از مدن وارد شود مثل آنست که در محل  
 خود وارد شده تمسکوا به یا اهل المجالس والمؤدن  
 اگر نفسی فی الجمله تفکر کند ادراک مینماید که آنچه  
 از سماء مشیت الهیه نازل شده محض فضل بوده و خیر  
 آن بکل راجع است ۰۰۰" (۱)

۱- مجموعه الواح مبارکه

و حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق ضمن یکی از خطابات مبارکه چنین میفرمایند: "۰۰۰ بسبب اختلاف لسان اهل شرق عموماً از معلومات اهل غرب و اهل غرب از معلومات اهل شرق بی‌خبرند اما بواسطه لسان عمومی شرق افاضه از غرب نماید و غرب اقتباس انوار از شرق تواند و سوء تفاهم بین ادیان زائل شود پس لسان واحد از اعظم وسائل الفت و ترقی است در عالم انسانی و سبب نشر معارف و معاونت و معاشرت عمومی" (۱)

### ۳- اهمیت و تاثرات وحدت لسان و خط از لحاظ اقتصادی و راحت و آسایش افراد بشر.

یکی از مسائلی که در اوضاع اقتصادی جهان امروزی اثرات سوء میگذارد و قسمتی از ثروت و نیروی فعاله افراد جامعه کل بشری را بیهوده تلف میکند اختلاف و تنوع خط و زبان میباشد زیرا تنوع و کثرت زبانها در دنیای قرن بیستم که روابط مختلفه بین المللی توسعه و تزیاید یافته افراد را ناگزیر مینماید که برای رفع احتیاجات و حفظ منافع خود بفراتر رفتن زبانهای مختلفه مبادرت ورزند و قسمتی از اوقات گرانبهای عمر خود و همچنین مقداری از قدرت اقتصادی و درآمد خویش را در این راه تلف کنند و مع الوصف محتاج بدانستن زبانهای دیگر باشند فی المثل طالب علمی که از کشورهای شرقی رخت سفر برمی بندد و بقصد کسب علوم و معارف به ممالک غرب رهسپار میشود ناگزیر است ابتدا قسمتی از اوقات خود را صرف فراتر رفتن زبان مملکت محل اقامت خود آنها بطور ناقص نماید و سپس با تحمل زحمت و ۱- پیام ملکوت - رساله وحدت لسان و خط

عسرت بفرآ گرفتن علم و یا صنعت مورد نظر مبادرت ورزد حضرت عبدا لبهاء جل ثنائہ در یکی از خطابات مبارکہ خود در این بارہ چنین میفرمایند قوله المبین: "۰۰۰۰ در مدارس شرق و غرب اہالی باید چند سال زحمت بکشند تا تحصیل السن نمایند اول باید چهار سال تحصیل لسان نمایند تا مباشرت بعلم کنند مثلا شخصی از اہل ہند یا ایران و ترکستان و عربستان بخواہد تحصیل فن طب نماید باید اول چهار سال تحصیل لسان انگلیسی کند تا مباشرت بہ تحصیل طب نماید لکن کسی لسان عمومی داشته باشد در صغر سن آن لسان را تحصیل کند بعد بہر مملکتی رود بدو بتحصیل علوم مشغول شود و امروز اگر نفسی دہ زبان داشته باشد باز محتاج لسان دیگر است اما اگر لسان عمومی باشد چقدر آسان میشود فی الحقیقہ نصف حیات بشر باید بہ تحصیل لسان صرف شود ہرکس بخواہد د ر یکی از قطعات عالم سفر کند باید دہ لسان بداند تا بتواند با عموم معاشرت کند و تحصیل دہ لسان یک عمر میخواہد اما یک لسان عمومی انسان را از ہمہ این مشقت ہا راحت میکند " (۱)

نیکسون کہ یکی از نویسندگان انگلیسی است در بارہ اشکالات تنوع و اختلاف زبانہا در دنیای کنونی چنین مینویسد: " یکی از دوستان من در جنگ گذشتہ موقعی کہ ارتش بریتانیا در فرانسه پیادہ شد بکشور مزبور رفت و بمنظور رفع احتیاجات روز مرہ خود مجبور بفرآ گرفتن زبان فرانسوی گردید ولی پس از چندی او را در شمار اسرای انگلیسی باآلمان بردند و مدت چهار سال در آنجا توقف داشت و ناچار بود زبان آلمانی را بیاموزد ولی نبودن

۱- پیام ملکوت - رسالہ وحدت لسان و خط

يك زبان بين المللی هنوز او را رنج میداد با آنکه سه  
 زبان زنده را بخوبی میدانست وقادر بتکلم بود اتفاقاً  
 بفرمان ستاد ارتش آلمان او را بنواحی شرقی آلمان  
 فرستادند تا در آنجا مشغول شود واضح است در آن  
 سرزمین او با اهالی لهستان و روسیه شوروی در تماس بود  
 و چون زبانهای انگلیسی - فرانسه و آلمانی در آنجا مفید  
 فایده ای نبود مجبور شد به تحصیل زبان روسی بپردازد ۰۰۰۰"  
 از طرف دیگر در دنیای امروز اقوام وملل متمدنه  
 سعی دارند از خرم علوم و معارف یکدیگر بهره بگیرند  
 و از افکار و نظریات متفکرین و دانشمندان هر ملتی استفاده  
 نمایند لذا در حال حاضر در هر مملکتی بنا بر احساس  
 احتیاج و اجبار ترجمه کتب مفیده السنه خارجه بزبان  
 ملّی آن کشور بخصوص در ممالک شرقیه از امور متداوله  
 است و در دنیای کنونی قسمتی از نیروی جسمی و روحی  
 و ثروت اقتصادی و اوقات گرانبهای افراد در عوض اشتغال  
 به امور تولیدی و کارهای عام المنفعه صرف ترجمه و چاپ  
 و انتشار کتب و رسائل متعدده میشود وجود مترجمین  
 متعدد در بنگاهها و تجارتخانه ها و دوائر دولتی  
 و مؤسسات مختلفه و مجامع بین المللی که علاوه بر  
 صعوبت تفهیم و تفهم و ایجاد سوء تفاهمات نیروی عده کثیری  
 از افراد انسانی را مضمحل میکند و همچنین اوقات را  
 که متخصصین و معلمین و محصلین زبان صرف تعلیم و تعلّم  
 مینمایند همه شواهد بارزی هستند که اختلاف و تنوع  
 زبانها یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی و اقتصادی و علمی  
 دنیای قرن بیستم بوده و باید هرچه زودتر با ایجاد  
 ترویج يك خط و زبان بین المللی برفع این مشکل اقدام  
 شود

صرف نظر از منافع اقتصادی و اجتماعی مسئله وحدت لسان و خط از لحاظ راحت و آسایش افراد بشر نیز مورد توجه میباشد. چه تمام کوششها و تلاشهای نسلهای بشری و وضع قوانین و نظامات مختلفه و حتی زحمات و مشقاتی که مظاهر مقدّسه الهیه و مصلحین اجتماعی و مربیان اخلاقی عالم انسانی در طول تاریخ تحمل نموده اند همه بجهت آن بود که گریبان افراد انسانی از چنگ اختلافات و سوء تفاهمات و جهل و نادانی رهایی یافته و به آسایش و سعادت حقیقی نائل آیند و اکنون که تعدد و تنوع زبان و خط یکی از مشاکل عظیمه دنیای امروز و مابین راحت و آسایش و آزادی سیر و حرکت و خلطه و آمیزش افراد بشر است باید که به ندای سعادت مظهر کلی الهی و اعظم مربی عالم انسانی شارع مقدّس دیانت بهائی هر چه زودتر توجه شود و با اجرای این امر مهم مبادرت گردد. حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی در یکی از الواح مبارکه راجع بفوائد و نتایج وحدت لسان چنین میفرماید قوله تعالی و تقدّس: "چه مقدار از نفوس مشا هده شده که تمام اوقات را در تعلیم السن مختلفه صرف نموده بسیار حیف است که انسان عمری را که اعز اشیاء عالم است صرف اینگونه امور نماید و مقصودشان از این زحمات آنکه السن مختلفه را بدانند تا مقصود طوائف و ماغند هم را ادراک نمایند حال اگر بانچه امر شده عامل شوند کل را کفایت مینماید و از این زحمات لاتحیی فسارغ میشوند" (۱)

و همچنین در لوح مبارک ابن ذئب این کلمات علیا از مخزن قلم اعلی صادر قوله الجمیل: "چه بسا از  
 ۱- مجموعه الواح مبارکه

امور که سهل و آسان بنظر میآید و لکن اکثری از آن غافل و باموری که سبب تضحیح ایامست مشغول . در آستانه یومی از ایام کمال پاشا نزد مظلوم حاضر و از امور نافعہ ذکر بمیان آمد ذکر نمودند کہ السن متعبد لله آموخته اند در جواب ذکر شد عمری را تلف نموده آید باید مثل آنجناب وسائر و کلای دولت مجلسی بیارایند و در آن مجلس يك لسان از السن مختلفه و همچنین يك خط از خطوط موجوده را اختیار نمایند و یا خط و لسانی بدیع ترتیب دهند و در مدارس عالم اطفال را بآن تعلیم فرمایند در این صورت دارای دو لسان میشود یکی لسان وطن و دیگری لسانیکه عموم اهل عالم بآن تکلم نمایند اگر بآنچه ذکر شد تمسک جویند جمیع ارض قطعہ واحده مشاهده میشود و از تعلیم و تعلم السن مختلفه فارغ و آزاد شوند "۰۰۰" انتہی

پایان قسمت سوم



## وحدت لسان و خط ۴

قلم اعلی وحدت لسان و خط را یکی از علائم بلوغ عالم  
مقرر فرموده اند.

با توجه بمنافع و اثرات و اهمیتی که وحدت لسان و خط در دنیای کنونی و مستقبل ایام دارد جمال قدم جل اسمه الاعظم در یک قرن قبل علاوه بر تاکیدات اکیده راجع بلزوم اجرای این امر خطیر و مهم در کتاب مستطاب اقدس تحقق آنرا یکی از علائم بلوغ عالم قرار داده و در آن سفر کریم پس از تأکید در خصوص ضرورت اختیار یک زبان عمومی چنین میفرماید قوله الاعلی " اِنَّا جَعَلْنَا الْاُمْرِيْنَ عَلَامَتِيْنَ لِبَلُوْغِ الْعَالَمِ الْاَوَّلِ وَ هُوَ الْاَسَّ الْعَظْمُ نَزَّلْنَاهُ فِي الْوَاوِحِ الْاُخْرٰى وَ الْثَانِي نَزَّلَ فِيْهِذَا الْلُوحِ الْبَدِيْعِ " مضمون آیه مبارکه بفارسی چنین است : " ما تحقق دو امر را علامت بلوغ و رشد عالم قرار دادیم که علامت اول که اساس اعظم است در الواح دیگر نازل شده و علامت ثانی ( که مقصود وحدت لسان و خط است ) در این لوح بدیع ( کتاب

مستطاب اقدس (نازل گردیده است ۱۰۰۰" و حضرت ولی  
 مقدّس امرالله در توفیق منیع مبارک مورخ ۹ نسو امبر  
 ۱۹۳۳ که باعزاز جناب اشراق خاوری نازل شده راجع به  
 علامت اول چنین میفرمایند قوله الاحلی: " راجع بدو  
 علامت بلوغ عالم که در کتاب مذکور معروض داشته  
 بودید فرمودند مراد مبارک در لوح سلمان نازل  
 قوله الاحلی: " از جمله علامت بلوغ دنیا آنستکه نفسی  
 تحمل امر سلطنت ننماید سلطنت بماند و احدی  
 اقبال نکند که وحده تحمل نماید" (۱)

### جواز واهمیت فرا گرفتن السنه مختلفه

در ام الكتاب دور مقدّس بهائی و سایر آثار  
 و نصوص مبارکه تجویز و تاکید شده که اهل بهاء باید  
 در فرا گرفتن السنه مختلف قبل از تاسیس وحدت  
 لسان و خط کمال جدیت را مبذول دارند تا بمسرا د و  
 مقصود و افکار و معتقدات اقوام و ملل عالم پی برده  
 و در ابلاغ کلمه الله بنفوس مستعده و نشر نفحات  
 مسکيه الهیه توفیق یابند . در کتاب مستطاب اقدس  
 از قلم اعلی این کلمات علیا نازل قوله تعالی: " قَدْ  
 اَذَنَّ اللهُ لِمَنْ ارَادَ اَنْ يَتَعَلَّمَ الْاَلْسِنَ الْمُخْتَلَفَةَ لِيُبَلِّغَ  
 اَمْرَ اللهِ شَرْقَ الْاَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَيَذْكُرَهُ بَيْنَ الْيَدِ وَ  
 الْمِثْلِ عَلَى شَيْءٍ تَنْجِذُ بِهِ الْاَفْئِدَةَ وَيَحْيِي كُلَّ عَظْمٍ  
 رَمِيمٍ" ۱۰۰۰ مضمون آیه مبارکه فوق بفارسی چنین است:  
 " خداوند اجازه داده است به کسیکه بخواهد زبانهای  
 مختلفه را فرا گیرد تا امر الهی را در شرق و غرب

۱- گنجینه حدود و احکام

عالم تبلیغ نماید و در بین دول و ملل عالم بشأنی  
بذکر الهی مشغول شود که قلوب افراد منجذب و  
نفوس مرده زنده شوند..."

مولای عزیز اهل بهاء حضرت ولی امرالله نیز  
در توقیعات منیعه مبارکه خود بکرات اهمیت فراگرفتن  
السنه مختلفه بخصوص زبان انگلیسی و عربی و بعد  
آلمانی و روسی را متذکر و محافل مقدسه روحانیه  
را با جرای این امر و تشویق احبای الهی مأمور  
فرموده اند .

### فضیلت لسان فارسی و عربی در این ظهور مبارک

در نصوص و آثار مبارکه و توقیعات منیعه نازل  
از قلم معجز شیم مولای عزیز اهل بهاء تا کیدات اکیده  
در خصوص فرا گرفتن لسان عربی که از قلم اعلی به  
" لغت فصیحی " موصوف شده نازل گردیده است تا  
اهل بهاء بمطالب عالییه و مسائل جامعه و حقایق  
روحانیه که در متون نصوص و آثار عربی این ظهور مبارک  
مندرج است پی برده و بعظمت و جامعیت این شریعت  
ملکوتی و شیرینی کلمات مظهر الهی واقف گردند  
و بالنتیجه در تبلیغ و تفهیم حقایق عالییه و مبادی  
سامیه این آئین نازنین باهل عالم توفیق بیشتری بیابند .  
جمال اقدس ابهی از فصاحت و وسعت این زبان در  
آثار مبارکه خود تمجید فراوان نموده و تکلم عموم را  
باین زبان توصیه فرموده اند چنانکه در لوحی از الواح  
نازل قوله جلت عظمة : " ... و آنچه لدى العرش محبوب  
آنست که جمیع بلغات عربی تکلم نمایند چه که ابسط  
از کل لغات است. اگر کسی به بسط و وسعت این لغت  
فصیحی مطلع شود البته آنرا اختیار

نمایندلسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این ظهور بلسان عربی و فارسی هر دو تکلم نمود ه و لکن بسط عربی را نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات ارض نسبت باو محدود بوده و خواهد بود و این مقام افضلیت است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموم خلق بآن تکلم کنند" (۱)

و در لوح جناب ابوالفضایل گلپایگانی میفرمایند قوله الجبیل: " در حلاوت لسان فارسی شك و شبهه ای نبوده و لکن بسط عربی را نداشته و ندارد بسیار چیزهاست که در فارسی تعبیر از آن نشده یعنی لفظی که مدلل بر او باشد وضع نشده و لکن از برای هر شیئی در لسان عربی اسماء متعدده وضع شده هیچ لسانی در ارض به وسعت و بسط عربی نبوده و نیست و این کلمه از روی انصاف و حقیقت ذکر شد" (۲) و حضرت عبدالبهاء در لوح میرزا عبدالحسین معلم میفرمایند: " اطفال را تعلیم فارسی و عربی و لسانی از السن اجنبی لازم یعنی لسانی که خود یا آباء اختیار نمایند"

علاوه بر افضلیت لسان عربی در این دور مبارک از قلم اعلی در تمجید زبان فارسی نیز آیاتی نازل و آنرا " لسان نورا " نامیده اند در یکی از الواح پارسی به ستایش از زبان فارسی چنین میفرمایند قوله الاعلی (۳) " در باره زبان نوشته بودید تازی و پارسی هر دو نیکو است چه که آنچه از زبان خواسته اند پی بردن به گفتار گوینده است و این از هر دو میآید و امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران آشکار و هویدا است هر چه ۱ و ۲ و ۳ - مجموعه الواح مبارکه

این زبان را ستایش نمایند سزاوار است ۰۰۰"

متأسفانه از اواخر دوره قاجار ببعده در کشور مقدّس ایران عده ای از کومه نظران زبان فصیح عربی را مورد حمله قرار داده و میخواستند آنرا از زبان فارسی جدا سازند و بنای هزار ساله‌ای را که از آمیزش زبان فارسی و عربی بدست معماران شعر و ادب ساخته و پرداخته است خراب و ویران نمایند غافل از اینکه دو زبان فصیح و ملیح عربی و فارسی چون شیر و شکر بهم آمیخته شده و جدائی و انفکاک آنها از یکدیگر نه امکان دارد و نه معقول و مفید بنظر میرسد زیرا زبان فارسی در نتیجه آمیزش با لسان عربی وسعت و فصاحت یافته و کامل شده است و اگر لغات عربی را از آن جدا سازیم بسیار ناقص و نارسا خواهد شد.

حضرت ولی مقدّس امرالله بکرات تا کیـ...  
 فرموده اند که یاران باید در منشآت و تحریر نشریات و مراسلات امریه از لحن الواح و آثار مبارکه متابعت نمایند و هرگز گرد اینگونه افکار نادرست نگردند چنانچه در توقیع منیع مبارک مورخ ۱۴ شهر الجلال ۱۰۲ بدیعی میفرمایند قوله العزیز: " قبلا راجع باهمیت لغت عربی و تعلیم آن باطفال و تأسی و متابعت لحن الواح مبارکه در منشآت امریه و تقریر و تحریر و نشریات یساران و پیروان امر حضرت رحمن در آنسامان دستور صریح صادر و همچنین بواسطه زائرین تاکید گشت مسامحه و اهمال قطعاً جائز نه و تقلید و ترویج افکار و عقاید حالیه راجع بانفصال ایندو لغت یعنی فارسی و عربی بسیار مضر یاران را محفل ملّی روحانی باید تذکر دهد و تشویق و دلالت نماید." (۱)

آ- گنجینه حدود و احکام

## زبانهای بین‌المللی که تاکنون اختراع شده اند

" الحمد لله لسان اسپرانتو پیدا شده و این  
از خصائص این قرن و از اعظم مشروعات است." (حضرت عبدا لبهاء)

تاریخ ادیان و نهضت‌های روحانی شاهد است که هر  
زمان ندای حق مرتفع میشود تأثیر در عقول و افکار  
میکند و افراد بشری گاهی ندانسته و نشناخته مجبوری  
تعالیم و اوامر مظهر الهی میشوند و این مسئله در این  
ظهور مبارک که موعود کل قرون و اعصار بر عرش ظهور  
مستقر شده است بیش از ظهورات سابقه مصداق یافته است.  
فی‌المثل در قرن نوزدهم و بیستم و پس از طلوع شمس  
حقیقت از افق ایران و تأسیس تعلیم مبارک وحدت لسان  
و خط برخی از متفکرین و خیرخواهان عالم اقدام باختراع  
و انتشار زبان‌هایی بعنوان زبان بین‌المللی نموده و در  
تعمیم و رواج آنها مساعی فراوان مبذول داشتند و ما  
در این مقال محض نمونه راجع بدو زبان از مهمترین زبانهای  
بین‌المللی که تاکنون از طرف متفکرین اختراع و  
پیشنهاد شده است اختصاراً مطالبی بیان میداریم تا  
معلوم شود که چگونه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعلی  
در اواسط قرن نوزدهم میلادی و قبل از آنکه اقدامی جدی  
و عملی برای ایجاد و استقرار یک زبان و خط بین‌المللی  
مبذول گردد این احتیاج شدید عالم انسانی را پیش‌بینی  
فرموده و چون پزشک دانا در کتاب مستطاب اقدس و سایر  
نصوص مبارکه تأکیدات اکیده در خصوص اهمیت و لزوم  
اجرای این امر مهم نازل و طریق وصول باین هدف عالی  
رانیز توجیه فرموده اند.

البته در گذشته ایام افرادی مانند د و

فیلسوف بزرگ و نامی یعنی دکارت و لایپ نیتز بوده اند که همیشه آرزو مینمودند زبانی آسان و روشن چون زبان ریاضیات ساخته شود که در همه ممالک و نقاط جهان تحصیل و فهم آن مقدور باشد و لکن این فکر همواره در عالم آرزو و آمال باقیمانده و هیچ اثر عملی تا قرن نوزدهم از آن پدیدار نگشته است زیرا تا این قرن و قبل از طلوع کوکب هدایت الهیه از افق ایران نه یک زبان عمومی اختراع و پیشنهاد شد و نه طریق عملی جهت برقراری آن ارائه گردید.

قبل از بحث راجع به زبانهای بین المللی باید دانست که در ادوار ماضیه یعنی از آن زمان که ملل قوی به تأسیس امپراطوریهای مستقل نائل شدند بشهادت تاریخ معمولاً زبان ملت فاتح در صورت داشتن فصاحت و بساطت و برتری بطور طبیعی و بتدریج بر ملّت مغلوب تحمیل میشده است مگر در مواردی که ملّت فاتح از حیث تمدّن پست تر از ملّت مغلوب بود. در زمان اسکندر کبیر فتوحات او سبب شد که زبان یونانی در سرزمینهای شرق مدیترانه تا حدود مصر و ایران اشاعه یابد. همچنین قدرت و وسعت امپراطوری روم باعث شد که زبان لاتین باندازه وسعت آن امپراطوری توسعه و گسترش یافت و در حقیقت زبان لاتین در تمام مدّت ادامّه امپراطوری روم و حتّی مدّت‌ها پس از آن زبان دنیای تمدّن بشمار میرفت و در طول قرون وسطی زبان رسمی بین المللی بود و امروز هم زبان کلیسای کاتولیک میباشد. زبان لاتین سرچشمه زبان دانش و سیاست و قانون است و هنوز هم هر زمان که دانشمندان و قانونگذاران برای معنائی تازه بکلمه مخصوص نیازمند میشوند

بزبان لاتین متوسل میگردند لاتین يك زبان قابل  
اتساع و مستعدیست و در عصر خود لایقترین زبان  
قابل انتشار و زبان علم و دانش بوده است و لکن این زبان  
بمرور زمان از میان رفت و زبان فرانسه جانشین آن شده  
در قرن گذشته باوج اشتهار رسید و زبان سیاسی و علمی  
و فلسفی و ادبی جهان متمدن گشت و تا قبل از جنگ  
بین الملل اول غالباً معاهدات بین دول بزبان  
فرانسه نوشته میشد پس از جنگ جهانی اول زبان انگلیسی  
بعلل مختلفه رقیب زبان فرانسه گردید و از لحاظ  
بین المللی بموازات آن اهمیت و رسمیت یافت و بالاخره  
بر آن غالب آمده زبان سیاسی و تقریباً عمومی و  
بین المللی گردید. علاوه بر زبان انگلیسی و فرانسه  
بر طبق ماده ۱۱۱ منشور ملل متحد بزبانهای روسی و  
چینی و اسپانیولی هم رسمیت داده شده است اما باید  
توجه داشت که در دنیای امروز تحمیل يك زبان بر ملل  
سایره بوسیله اعمال قدرت سیاسی و اقتصادی و یا  
نظامی مشکل جامعه کل بشری را از این لحاظ حل نمیکند  
بلکه بهترین طریق آنست که بر وفق تعالیم مبارك عموم  
ملل عالم متفقا يك زبان از زبانهای موجوده را انتخاب  
و یا لسانی جدید اختراع نموده و آنرا در تمام نقاط و  
اقالیم جهان تعمیم دهند.

اینک به بحث راجع به زبانهای بین المللی  
میپردازیم.

میتوان گفت که تا کنون در حدود دویست طریقه  
برای زبان بین المللی وضع و پیشنهاد شده است و لکن از  
میان همه آنها دو زبان اشتهار و رواج کلی یافته  
و طرفدارانی پیدا نموده است یکی زبان "ولاپوک"



### زبان ولا پوک

اولین دانشمندی که زبانی بین المللی پیشنهاد نمود و باختراع و ترویج آن همّت گماشت یک کشیش آلمانی موسوم به " شلایر " بود که در سال ۱۸۷۹ زبان ولاپوک را اختراع نمود. لفظ ولاپوک از دو ریشه انگلیسی اخذ شده و بمعنی زبانی است که در تمام جهان بدان سخن گفته شود این زبان از السنهء مختلفی که رواج بسیار دارند ترکیب شده است یک سوم آن از انگلیسی و یک چهارم از لاتین و رومی و یک پنجم از آلمانی ۰۰۰۰ الخ اقتباس گردیده است . دستور زبان آن مشابه گرامر انگلیسی ولی آسانتر از آنست . زبان ولاپوک بنوبه خود شهرت و رواج بسیار پیدا کرد چنانکه دهسال پس از اختراع یعنی در سال ۱۸۸۹ میلادی ۲۳ روزنامه بزبان مزبور منتشر میگردد و در حدود ۳۰۰ کلوپ از طرفداران ولاپوک برای ترویج و توسعه آن تلاش و کوشش مینمودند و شماره آشنایان باین زبان تقریبا به یکمیلیون نفر رسید و در شهر بیروت نیز طرفداران و شاگردانی داشت که آنرا تعلیم میدادند . سه کمیسیون بزرگ برای ترمیم و اصلاح این زبان از دانشمندان و اهل زبان تشکیل شد و لکن اختراع و ظهور زبان اسپرانتو در سال ۱۸۸۷ و توسعه و رواج آن زبان و لاپوک را از انتشار و اشتهار بیانداخت .

### زبان اسپرانتو

در سال ۱۸۵۹ در شهر بیلوستوک که از شهرهای

كوجك لهستان است طفلى قدم بعمره وجود گذاشت كه او را الودويس زامنهوف نام نهادند. اهالى اين شهر كوجك بزبانهاى مختلفه آلمانى، روسى، لهستانى و ليتوانى تكلم مينمودند و غالباً بين آنان نزاع هاى خونين در ميگرفت كه سبب اصلى آن اختلاف زبان و ايجاد سوء تفاهم بين آنان بود. زامنهوف كه همواره اين اختلافات و نزاعهاى رقت آور را مشاهده و علت آنرا دريافته بود هدف زندگاني خود را ايجاد يك زبان آسان و بين المللى قرار داد و از عنفوان جوانى براى وصول باین فكر و هدف كوشش و تلاش نمود و لكن مانند اكثر مخترعين و نوابع بزرگ جهان مورد اعتراض اطرافيان وحتى مخالفت شديد پدر خود كه اين فكر را مانع ترقى و آسایش فرزند خویش میدانست قرار گرفت. چنانكه وقتى زامنهوف بجهت تحصيل علم طب عازم مسكو گردید بهنگام مراجعت كتابى را كه در مقدمات زبان مورد نظر خود نگاشته بود مفقود یافت و بعدها معلوم شد كه پدرش آن كتاب را از بين برده بوده است و لكن دكتر زامنهوف با عزمى راسخ فكر و هدف خود را دنبال نموده توجهی بمخالفت پدر و اطرافيان خویش نمیکرد لذا در سال ۱۸۸۱ كه از مسكو مراجعت نمود كمر همت محكم بست تا آرزوى ديرين خود را جامه عمل بپوشاند. در همين موقع ازدواج نمود و اتفاقاً زن او نيز با عقیده اش كاملاً موافق و پدر زنش كه مردى متمول بود به نبوغ خارق العاده دكتر زامنهوف پي برده و متعهد شد كتاب كوجك زبان دنياى او را بخرج خود بچاپ رساند.

در ژوئيه سال ۱۸۸۱ كتاب مزبور براى اولين بار

بزبان روسی چاپ و منتشر شد و سپس بزبانهای  
لهستانی، فرانسوی، آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه  
و طبع گردید. این کتاب کوچک بامضاء "دکتر اسپرانتو"  
بود و اسپرانتو در لغت بمعنی آرزومند و امیدوار  
میباشد کتاب مزبور که شامل ۱۶ قانون از دستور زبان  
و یک فهرست و نمونه ای از زبان اسپرانتو بود در مدتی  
قلیل نسخه های متعدّدش بهمت دکتر زامنهوف و خانمش  
برای افراد و شخصیت های بزرگ ممالک و همچنین روزنامه ها  
و مجلات مهم جهان فرستاده شد و ندایش بگوش خاص  
و عام رسید. در سال ۱۹۰۵ زبان اسپرانتو باوج شهرت  
رسید و در یکی از شهرهای فرانسه کنفرانسی با حضور  
دکتر زامنهوف و جم غفیری از افراد ملل و نژاد های  
مختلفه که زبان اسپرانتو را فرا گرفته بودند تشکیل  
گردید و حاضرین با کف زدنهای ممتد قریب نیم ساعت  
متوالی نسبت بدکتر زامنهوف و زحمات او ابراز احساسات  
بی شائبه نمودند از آنزمان ببعد عده کثیری از افراد  
جهان بآموختن این زبان و استفاده از آن پرداخته و تا  
سال ۱۹۱۴ همه ساله در نقاط مختلفه دنیا کنفرانسهای  
نظیر کنفرانس مذکور انعقاد مییافت. تا آنکه در سال  
۱۹۱۷ وفات دکتر زامنهوف در ورشو اتفاق افتاد و لکن  
زحمات و خدماتی که او برای آسایش و رفاه عموم اهل  
عالم انجام داده بود فراموش نشده و نتیجه زحمات  
او یعنی زبان اسپرانتو باقی و برقرار مانده و روز بروز  
توسعه و رواج بیشتری مییافت چنانکه بعد از خانمه چنگ  
جهانی اول نیز کنفرانسهای بزرگ مجددا برپا شد که  
مهمترین آنها اجتماعی بود که در سال ۱۹۲۳ در نورنبرگ  
آلمان بوجود آمد و قریب ۵۰۰۰ نفر در آن شرکت جستند

بودند بطور خلاصه از سال ۱۰۹۰۵ که اولین کنگره اسپرانتیست‌ها در فرانسه تشکیل شد تا ۱۹۵۰ در حدود ۳۳ کنگره بین‌المللی از طرفداران این زبان انعقاد یافت علاوه بر تشکیل کنگره‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی از طرفداران زبان اسپرانتو کتب و رسائل متعدد نیز در باره این زبان منتشر شده و مجلات و روزنامه‌های مهم جهان در اطراف آن داد سخن میدادند و حتی ایستگاه‌های رادیو در نقاط مختلفه گیتی اخبار مسرت‌بخش پیشرفت این زبان را پخش مینمودند و بالاخره انجمن‌های بزرگ فرهنگی و کلاس‌های متعدد بجهت تدریس و توسعه این زبان تشکیل و مفتوح گردید. در این مقام اظهار نظر دائرةالمعارف بریتانیکا را در باره زبان اسپرانتو عینا نقل می‌نمائیم.

" اسپرانتو یک زبان بی‌طرفی است یعنی متعلق بملت و یا کشوری نیست ولی از زبانهای مختلف دنیا ترکیب شده است. در قواعد صرف و نحو و ترکیب الفاظ کاملاً یک‌زبان منطقی است و بسیار لطیف و در عین حال ساده و سلیس است و در نیمساعت میتوان کلیات آنرا آموخت و حفظ کرد در قواعد دستور این زبان استثناء و شواذ وجود ندارد طرز تلفظ و نوشتنش یکسانست قاموس این زبان بسیار کوچک و مختصر است با وجود اینها یک‌زبان زیبای ادبی است که قابلیت هرگونه تعبیر و تغییری دارد تا سال ۱۹۲۹ چهار صد نفر مؤلف و مترجم با این زبان کار میکردند و یکبار هم تورات را با این زبان نوشته‌اند. بطور کلی ادبیات در این زبان بسرعت رسوخ کرده است صد ها مجله و روزنامه نیز تا آن سال مرتباً باین زبان انتشار مییافت کنگره ملل یادداشتی در باره این زبان انتشار داد متن این یادداشت را از روی گزارشاتی

که از تمام نقاط جهان در باره رواج و تعلیم این زبان در مدارس رسیده بود تنظیم کرده بودند . اطاق تجارت پاریس و مجلس کونتی افلندن در آموزشگاههای بازرگانی خود زبان اسپرانتو را تعلیم میدادند . اطاق تجارت لندن نیز شاگردان را با این زبان امتحان میکرد . در سال ۱۹۲۵ اتحادیه تلگرافی ملل زبان اسپرانتو را يك زبان رسمی شناخت و تلگراف باین زبان را پذیرفت در سال ۱۹۲۷ اتحادیه بین المللی رادیو بایستگاههای رادیویی جهان توصیه کرد که امواج زبان اسپرانتو و سخن پراکنی بدین زبانرا بپذیرند . در آن سال ۴۴ ایستگاه رادیو این زبانرا بکار میبردند تا سال ۱۹۲۹ بیست کمیسیون سالانه برای این زبان تشکیل شده بود که از هزار تا چهار هزار نفر عضو در آن شرکت میجستند . " انتهی

متاسفانه جنگ جهانی دوم مانع بزرگی در راه پیشرفت و توسعه این زبان گردید ولی نتوانست از اشاعه و رواج آن جلوگیری نماید چنانکه پس از جنگ بین الملل دوم نیز مجامع و کنفرانسهای بین المللی راجع با این زبان تشکیل گردید و امروز زبان مذکور نه فقط در ممالک اروپا بلکه تقریباً در تمام نقاط جهان حتی در کشور ژاپن ریشه دوانیده است .

زبان اسپرانتو از ریشه های رائج السنه اروپائی مانند ریشه های لاتینی ، یونانی ، آلمانی و اسلاوی گرفته شده و مشتقات این ریشه ها بنا بقواعد بسیار ساده و سهلی ساخته میشوند .

خوانندگان عزیز - تلاشها و کوششهایی که از طرف متفکرین و مصلحین جهان بمنظور برقراری يك خط و زبان بین المللی مبذول گردیده و میگردد نموداری

از سیر عالم انسانی بسوی هدف عالی و نهائی  
دیانت مقدّس بهائی و نشانه از تأثیرات و اشراقات  
آئین الهی در عقول و افکار افراد انسانی میباشد.

فهرست منابع و مأخذی که در تهیه و تنظیم  
سلسله مقالات وحدت لسان و خط‌مورد استفاده قرار  
گرفته است :

- ۱- کتاب مستطاب اقدس
- ۲- لوح مبارک ابن‌ذئب
- ۳- الواح مبارکه اشراقات - بشارات و کلمات فردوسیه
- ۴- مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء‌الله
- ۵- الواح مبارکه حضرت عبدا‌لبهائ
- ۶- خطابات مبارک
- ۷- گنجینه حدود و احکام
- ۸- پیام ملکوت
- ۹- مبادی روحانی
- ۱۰- مجلدات آهنک بدیع
- ۱۱- دایرة المعارف بریتانیکا
- ۱۲- سبک‌شناسی ملک‌الشعراء بهار
- ۱۳- دستور زبان فارسی همایونفرخ
- ۱۴- حقوق بین‌المللی دکتر صفدری
- ۱۵- مجله سخن
- ۱۶- مجله دانشکده ادبیات

عالم امر

## عالم امر

جمال قدم جَلَّ اسمه الاعظم در کتاب مستطاب  
اقدس باین بیان اعلیٰ ناطق قوله عزّبیانه " اِنَّ اَوَّلَ مَا  
كَتَبَ اللّٰهُ عَلٰى الْعِبَادِ عِرْفَانَ مَشْرِقٍ وَحِيَهٗ وَمَطْلَعِ اَمْرِهِ  
الَّذِى كَانَ مَقَامَ نَفْسِهٖ فِى عَالَمِ الْاَمْرِ وَالْخَلْقِ " اهل  
بهاء و برگزیدگان حضرت کبریا بر طبق نصوص و الواح  
مقدسّه مبارکه علیا بوجود سه عالم اصلی یعنی عالم  
حق و خلق و امر قائل هستند وعالم امر را واسطه  
ایصال فیض از عالم حق به خلق میدانند. عرفا و  
صوفیه فقط به دو عالم حق و خلق قائلند و میگویند  
" لا ثالث بینهما و لا ثالث غیرهما " حق را مانند  
بحر و کائنات را بمثابة امواج پندارند و بوحدهت  
وجود معتقدند و تمام اشیاء را مظهر و جلوه گسّاه  
حق دانسته خدا را از عالم جدا نمیدانند و میگویند  
که انسان تنها از راه عقل واستدلال نمیتواند پرده  
از جمال زیبای حقیقت بردارد بلکه باید طی ایین  
مرحله را باریاضت و تصفیه باطن و تزکیه نفس بنماید.  
موضوع وحدت وجود خود مبحثی جدا گانه ومفصل



است که در این مقال تا حدود اقتضاء و بنحو اختصار راجع بآن بحث مینمائیم.

وجود اصولاً یعنی بود و هستی که در مقابل عدم و نیستی قرار دارد. وقتی از کسی میپرسیم آیا در این ظرف چیزی هست؟ سؤال از وجود کرده ایم و زمانی که از او میپرسیم چه چیز است؟ سؤال از ماهیت نموده ایم. مفهوم وجود از جمله بدیهیات میباشد زیرا بدون تأمل و تعمق قابل ادراک است. حاج ملاهادی سبزواری گوید، مفهوم من اعراف الاشياء - و کنهه فی غایة الخفاء.

بعلاوه وجود را نمیتوان تعریف نمود زیرا آنچه که در تعریف آن بکار رود لابد از امور وجودی است و این تعریف بنفوس بوده و باطل است. ارسطو و حکمای مشاء باصالت وجود قائلند اما اشراقیین مانند افلاطون و شیخ شهاب الدین سهروردی ماهیت را اصیل میدانند. جناب شیخ احمد احسائی به اصالت هردو قائل است.

پیروان ارسطو وجود را حقیقت های متباین میدانند و میگویند که وجود هر موجود کاملاً غیر از موجود دیگر است و هیچ وجه مشارکتی بین آنها نیست. بنابراین لفظ وجود فقط مشترك لفظی است.

متکلمین مسیحی و فلاسفه اولیه اسلام ابتداءً با عقیده ارسطو همراه شدند ولی چون با این فرضیه وجود خدا یا علت اولی از هر جهت از موجودات دیگر متمایز میشد و هیچ رابطه و نسبتی بین علت و معلول باقی نمیماند لذا مسیحیان باقیانیسم

ثلاثه ( اب - ابن - روح القدس ) قائل شده و آنها را جلوه های يك حقيقت دانستند .

فلاسفه اسلام به تشكيك وجود معتقد شدند و گفتند كه وجود يك حقيقت است منتهی شدت و ضعف دارد . جماد موجودی ضعيف - نبسات از او قوی تر - حيوان از او بالاتر تا برسد به ذات اقدس باریتعالی كه وجود مطلق و بسیط است . عرفا و صوفیه تابع نظریه وحدت وجود گردیدند، مقصد از عقیده وحدت وجود اینست كه پیروان این عقیده وجود را واحد و اختلاف موجودات را امری ظاهری و ناشی از اختلاف ماهیات میدانند زیرا ماهیت منشاء تكثر و اختلاف است چنانكه آفتاب جهانتاب چون بر شیشه های رنگارنگ بتابد فروغش در هر شیشه برنگی جلوه گر میگردد و حال آنكه نور آفتاب واحد و يك حقيقت بیش نیست . همچنین ذات اقدس باریتعالی در مریای ما هیت های گوناگون جلوه گر شده و هر يك از كائنات بحسب استعداد و لیاقت خود مظهریت او را یافته اند و جمیع موجودات جلوه گاه كمال حق شده اند بعبارت دیگر تحقق اشیاء و كائنات را از حق تحقق ظهوری میدانند نه صدور و بهمین مناسبت برخی از عرفا همه موجودات را جلوه حق دانسته اند .  
حسن روی تو بیک جلوه كه در آینه كرد

اینهمه نقش در آئینه اوهام افتاد

علاوه بر عرفا و صوفیه بعضی از حکمای یونان

قدیم هم پیرو این عقیده بوده اند اما اهل بهاء

برطبق الواح و نصوص مبارکه تحقق اشیاء را

از حقّ تحقق صدوری میدانند نه ظهوری و معتقدند که نزول و هبوط ذات اقدس باری در عالم ترابی که معدن نقائص است امری است ممتنع و محال. حضرت عبدالبهاء جلّ ذکره الاعلی در کتاب مستطاب مفاوضات چنین میفرمایند:

قوله الاحلی " تجلّی ظهوری عبارت از آنست که شیئی واحد در صور نامتناهی ظاهر شود مثلاً حبّه که شیئی واحد است و دارنده کمالات نباتیست چون ظهور نماید بطور نامتناهی اغصان و اوراق و شکوفه و اثمار منحلّ گردد این را تجلّی ظهوری گویند و اما تجلی صدوری اینست که آن واحد حقیقتی در علو تقدیس خویش باقی و برقرار ولکن کائنات از او صدور یافته نه ظهور مثلش مانند آفتابست که شعاع از او صادر و بر جمیع کائنات فائض ولی شمس در علو تقدیس خود باقی تنزلی از برای او واقع نه و صُور شعاعیه منحلّ نگردیده و در هویت اشیاء به تعینات و تشخیصات اشیاء جلوه ننموده - قدم حادث نگردیده - غنای مطلق اسیر فقر نشده کمال محض نقص صرف نگردیده مختصر کلام اینست که صوفیها بعالم حق و خلق قائلند و گویند که حق بصور نامتناهی خلق منحلّ گردیده و ظهور یافته مانند دریا که به صُور نامتناهی امواج جلوه نموده این امواج حادثه ناقصه همان بحر قدیم است که جامع جمیع کمالات الهی بوده اما انبیاء بر آنند که عالم حقّ است و عالم ملکوت و عالم خلق سه چیز از حق صادر اول که فیض ملکوتیست صدور یافته و تجلّی در حقایق کائنات نموده نظیر شعاع که از آفتاب صدور یابد

و در کائنات جلوه نماید و آن فیض که شعاعست در حقایق کلّ شیء بصور نامتناهی تجلّی کند و بحسب استعداد و قابلیت ماهیات اشیاء تعیّن و تشخّص یابد اما قول صوفیها اقتضا کند که غنای مطلق تنزّل بدرجه فقر نماید و قدیم بصور حادثه تقیّد یابد و قدرت محض در مرآت عجز محدود محدود امکانیه شود ، و این بدیهی البطلانست ملاحظه مینمائیم که حقیقت انسانیه که اشرف مخلوقاتست تنزّل بحقیقت حیوانیه ننماید و ماهیت حیوانیه که واجد قوت حسّاسه است برترتبه نبات هبوط نکند و حقیقت نباتیه که آن قوه نامیه است در حقیقت جمادیّه سقوط نفرماید . مختصر اینست حقایق علویّه را در مراتب سفلیّه تنزّل و هبوطی نه چگونه میشود که حقیقت کلیّه الهیه که مقدس از جمیع اوصاف و نعوتست با وجود تقدیس و تنزیه صرف بصور و حقایق گونیّه که مصدر نقائص است منحلّ گردد این وهم محض است و تصوّر محال بلکه آن جوهر تقدیس جامع کمالات ربوبیت والوهیت است و جمیع کائنات مستفیض از فیض تجلّی صدوری و مقتبس از انوار کمال و جمال ملکوتی او مانند جمیع کائنات ارضیه که اکتساب فیض نور از شعاع شمس مینماید و شمس را در حقایق مستفیضه موجودات ارضیه تنزّل و هبوطی نه " ( انتهی )

پس از ذکر این مقدمه اکنون باصل مطلب پرداخته و هر يك از عوالم دوگانه حق و خلق را بیان نموده عالم امر را تشریح میکنیم . قبلا باید دانست که عالم عبارتست از حدود و ثغوری است که يك

موجودی را از موجود دیگر و یسا سلسله از موجودات را از موجودات سائره مشخص و ممتاز میکند .  
مثل عالم جماد - عالم نبات - ویا عالم حیوان که این  
عواالم شمول بریک سلسله از موجودات داشته و آنها  
را از موجودات عواالم دیگر جدا میکند .

**عالم حق** - یعنی آن عالمی که مخصوص حضرت  
الوهیت ربوبیت و منحصر بذات باریتعالی است از  
قدیم فلاسفه و علما گفته اند که عالم حق منقطع و  
جدائی است یعنی هیچ ارتباط و پیوستگی بین عالم  
حق و خلق موجود نمیباشد و کاملاً منقطع از ماست  
آدمی را راهی بر آن حقیقت محض و وجود بحث نیست .  
حضرت علی علیه السلام در این باره میفرمایند :

" السبیل مسدود و الطلب مردود " راه وصول  
به کنه ذات حضرتش بسته و طلب و کوشش در این ره  
مردود و غیر مقبول است .

حضرت عبدالبها مرکز میثاق امر بهاء در این  
خصوص میفرمایند :

" ابواب کنه ذات حق مسدود است بر کل وجود  
و طلب و آمال در این مقام مردود هرگز عنکبوت اوهام  
بر اغصان عرفان حقیقت عزیز عالم نتنند و پشسه  
خاک پیرامون عقاب افلاک نگردهد " (انتهی)

مختصر آنکه در وجود بشر استعداد و لیاقت  
درک حقیقت الوهیت بودیعت نهاده نشده و هیچ نسبتی  
بین عالم حق و خلق موجود نیست . " ماللت راب و  
رب الا رباب " چه نسبت خاک را با عالم پاک .

موج از حقیقت گهر بحر غافل است

حادث چگونه درک تواند قدیم را

از بیانات متعالیه فوق مستفاد میگردد که بشر توانائی درک ذات حقیقت الوهیت را ندارد. زیرا بشر حادث است و ذات حق قدیم. فقط میتواند از روی آثار و کمالات حق و نظام عالم خلقت و شناسائی مظاهر مقدسه الهیه که مرایای صافیه کمالات و صفات حقند بقدر استعداد و لیاقت خود آن حقیقت محضه را ادراک نماید، خلاصه آنکه بشر نمیتواند که هوحقه به گنه ذات حضرت الوهیت پی برد و به بارگاه احدیتش راه یابد که کاملاً مخفی و مستور از انظار و ابصار بوده خرد و عقل را به آن عالم راهی نیست.

" خرد مومین قدم وین راه تفته

خدا میداند و آنکس که رفته "

عالم خلق - یعنی عالمی که موجودات و کائنات مختلفه چون جماد - نبات - حیوان و انسان باهم در آن مشترک و همواره ملازم و همراه یکدیگرند و مجموعه آنها عالم خلق را تشکیل میدهند که از منبع ذات الوهیت صادر شده اند. در عالم خلق هم هر مادونسی از ادراک رتبه مافوق خود عاجز دارد. مثلاً نبات هر قدر ترقی کند پی بعالم حیوان نبرد همچنین حیوان هر اندازه تکامل یابد از عالم انسان و کمالات و آثار روح او خبر نگیرد و از اینهمه اختراعات و اکتشافات غریبه و علوم و معارف متنوعه که از مختصات روح انسانی است مطلع نگردد. بعلاوه در هر عالمی هم افراد آن دارای یک رتبه و مقام نبوده و بین آنها تفاوت و تمایز موجود است مثلاً چون بعالم انسان نظر کنیم مشاهده نمائیم که طرز تفکر و استعداد و میزان عقول و ادراک افراد آن کاملاً متفاوت است.

پس مادام که بین افراد مختلفه يك عالم چون عالم انسان تفاوت مراتب موجود باشد تمایز و فاصله عالم حق از عالم خلق را میتوان بر آن قیاس نمود و تلاش و کوشش عقل بشر را برای درك کنسه ذات حضرتش بیهوده و عبث دانست .

بعقل نازی حکیم تاکی بفکرت این ره نمیشود طی به کُنه ذاتش خرد برد پی اگر رسد خسب قعر دریـا عالم امر - اکنون که عالم حق و خلق را شناختیم و فاصله و ابتعاد آندو را از یکدیگر دانستیم حال باید دید که چگونه عالم حق با آن علو و سمو بعالم خلق با این پستی و دُنو افاضه فیض میکند و وسیله اتصال این دو قطب چیست ؟ بعقیده اهل بهاء عالم امر واسطه و رابط بین این دو عالم است که مشیت اولیه یا مشیت کلیه نیز نامیده شد . برای روشن شدن موضوع میتوان مطلب را باین طریق در لباس تمثیل بیان کرد .

آفتاب در علو ذاتش میتابد (عالم حق) زمین و موجودات آن از فروغش کسب فیض میکنند (عالم خلق) حال اگر از آفتاب جهانتاب شعاعی ساطع نمیشد البته بین زمین و آفتاب که دومیلیون و چهار صد هزار کیلو متر فاصله است رابطه ای موجود نبود . و اگر آفتاب پرتو افشانی نمیکرد هرگز ما بوجود آن واقف نمیشدیم بهمین نحو است رابطه عالم حق با خلق و چیزی که این دو عالم را بهم ارتباط میدهد همان شعاع ساطع از حضرت احدیت است .

حضرت ولی عزیز امرالله در لوح مبارک قمرن جمال اقدس ابهی را اول شعاع ساطع از حضرت الوهیت

خطاب فرموده اند پس آن مشیت اولیّه یا مشیت کلیّه  
و یا عالم امر و یا شعاع ساطع از حضرت ربوبیت و یا  
عبارة اخری رابط عالم حق و خلق حضرت بهاء الله  
جلّ اسمه الا علی بوده و هستند .

حضرت نقطه اولی روح ماسواه فداه در کتاب  
مستطاب بیان الباب الخامس من الواحد الثالث  
باین بیانات متعالیه ناطق قوله عزّ بیانیه " ظهورالله  
در هر ظهور که مراد مشیت اولیّه باشد بهاء الله  
بوده و هست که کل شیئی ، نزد بهاء اول شیئی بوده  
و هستند . " بنا بر این طبق بیان مبارک فوق کلیّه ،  
ظهورات مظاهر مقدسه از قبل و بعد رابط بین عالم  
حق و خلق و واسطه ایصال فیض ازلی و سرمدی ظهور  
حضرت بهاء الله بوده و خواهند بود " إلى أن ینتهی  
هذا الکورا لاعظم العظیم " و جمیع انبیاء و مظاهر  
مقدسه الهیه در ادوار سالفه جلوه‌ای از جمال او  
بوده و در هر زمانی بقسمی ظاهر شده اهل عالم  
را بشریعه عزّ احدیه هدایت فرموده اند ، ولی  
هیچکدام از آنها مستقیماً و بلا واسطه با عالم حق  
ارتباط نداشتند بلکه رابط آنها همان مشیت اولیّه  
است. در مثل میتوان گفت که مشیت اولیّه بمثابه  
آفتاب و انبیای الهی در ادوار سابقه مانند اقسام  
مختلفه بوده که در هر زمان به یکی از آن پرتو  
افشاننده و آنها را مبعوث فرموده است و در این  
کور بدیع هم خود بنفسه المهیمنه علی العالمین  
و بصورت ظاهراً ظاهر شده و به بیان مبارک " لا اله  
الا انا الْمُقْتَدِرُ الْمُتَكَبِّرُ الْمُتَعَالَى الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ "   
ناطق گشته است .



باید دانست که انبیا و مرسلین گذشته هیچکدام  
 چنین ادعائی نفرموده و این مقام مختص است به جمال  
 قدم جل ذکرة الاعظم و درین مقام او را شریک و مثیلی  
 نبوده و نخواهد بود. و انبیای الهی در ادواز ماضیه  
 ادعائی جز ماموریت از جانب او نکرده و اهل ارض  
 را بمقتضای استعداد و نشو و ارتقای روحانی بظهور  
 و فوز بلقای او که عین لقاء الله است بشارت داده اند  
 و خود را در ساحت حضرتش احقر الوجود شمرده  
 و آرزوی دقیقهای از ایامش را نموده اند، و جمیع آنها  
 از اظهار معجزه و اتیان خارق عادت امتناع کرده  
 و به بیاناتی از قبیل انا بشر مثلکم ناطق شده اند  
 اما حضرت بهاء الله هنگامی که در بغداد تشریف  
 داشتند علما شخصی را بنام ملا حسن عمو بحضور  
 مبارک فرستادند مشارالیه عرض کرد که **علما**  
 بمراتب فضل و کمال و درجه علم و دانش آنحضرت  
**مُقَرَّر و مُذَعَّنَد**، تمنّا آنکه برای اطمینان قلب  
 و تشقی خاطر آنها معجزه‌ای ظاهر فرمائید  
 تا حجت کامل و برهان واضح شود. جمال مبارک  
 میفرمایند که علما مجتمعاً معجزه‌ای انتخاب  
 نمایند و ذیل آنرا امضاء کنند ولو برگردانیدن  
 شط فرات باشد، اگر ظاهر شد حکمت بالغ  
 و الا هرطور بخواهند در حق ما معمول دارند، اما  
 علما از ترس ظهور معجزه و از دست رفتن ریاست  
 و مقام ظاهری حاضر باینکار نشده و امتناع نمودند.  
 مقصد اینست که مقایسه اهمیت و عظمت این ظهور  
 مبارک و موه سسین عظیم الشان آن با ظهورات سابقه  
 و انبیای گذشته نتیجه عدم توجه و اطـلاع بر

اکملیت این ظهور عظیم و انوار ساطعه از آن می باشد .  
 جمال اقدس ابهی در اثبات عظمت این یوم  
 عظیم و اهمیت این امر فخیم به بیانات مقدسه  
 متعالیه ذیل ناطق قوله عزّ بیانه " امروز یوم اللّٰه  
 است و حق وحده در اوناطق لایذکر فیہ الاهو " امروز  
 سید روزها و سلطان ایامهاست بصرایام است بلکه  
 بصر بآن روشن عالم زمان بساعتی از ساعاتش معادله  
 ننماید " اگر از عظمت یوم الهی علی ما هوعلیه  
 ذکر شود البته اکثر ناس مُنصعق شوند بلکه صرعی  
 مشاهده کردند " و نیز میفرمایند قوله جلت کبریائہ  
 " این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابه  
 بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابه نور است  
 از برای ظلمت ایام " و ایضا میفرمایند " امروز  
 بابی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل  
 مقصود عالمیان متوجه کل عمل بسیار جزئی در مرآت  
 علم الهی اکبر از جبل مشاهده میشود یک قطره آب  
 اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده  
 میشود " و همچنین میفرمایند قوله الا علی " تالّٰه  
 الحقّ تلك الايام فيها امتحن اللّٰه کُلَّ النّبیین المرسلین  
 ثمّ الذین هم کانوا خلف سُرّادق العِصمة و فسُطاط  
 العِظمة و خباء العِزّة و کیف هوء لاءالمُشْرِکین "   
 " هذا یومٌ فیہ فازت الاذان باصغاء ما سمع الکلیم  
 فی الطور والحَبیبُ فی المعراج و الروح اذا صعد الی اللّٰه  
 المّهیمین القیوم " و ایضا میفرمایند : " هذا  
 الظهور یظهر نفسه فی کُلّ خمس مائة الف سنة  
 مرّة واحدة کذ لك کشفنا القناع و رفَعنا الاحجاب "   
 " قل ان لمعراج محمدٍ قد عرج سبعین الف سنة

إِلَىٰ أَنْ بَلَغَ إِلَىٰ فِنَاءِ هَذَا الْبَابِ " و همچنین از کلسک  
مطهر مرکز میثاق امر بهاء حضرت عبدالبهاء  
روحی لعنایاته الفدا ۰ در بیان اکملیت و  
اصالت این عصر کریم و شان و منزلت این یوم عظیم  
بیانات مقدسه ذیل نازل قوله جلت عظمته :

" قرنہا بگذرد و دہرها بسر آید و ہزاران  
اعصار منقّضی شود تا شمس حقیقت در برج اسد  
و خانہ حمل طلوع و سطوع نماید " " اولیاء پیشینیان  
چون تصوّر و تخطّر عصر جمال مبارک مینمودند  
مُنصعق میشدند و آرزوی دقیقہای میکردند " و همچنین  
میفرمایند " جمیع اولیاء در اعصار و قرون ماضیہ  
گریبان و سوزان آرزوی آنی از ایام اللہ را مینمودند  
و در حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند "  
و در جائی دیگر میفرمایند قوله جلّ جلالہ " این  
ظہور اعظم مثلش آفتاب است و ظہورات سائثرہ  
در اکوار سابقہ و لاحقہ نجوم و اقمار مگر بعد ادھار  
و احقاب کہ اقل از پانصد ہزار سال نبودہ و نباشد "  
از بیانات مبارکہ فوق مستفاد میشود کہ تا گذشتن  
مدتی کہ اقل از پانصد ہزار سال نیست ، چنین ظہور  
عظیمی واقع نخواہد شد و مظاهر مقدسہ الہیہ در  
مستقبل ایام از فیوضات جمال اقدس ابہی مستفیض  
و در سبیل حضرتش سالک خواہند بود ۰

اینست کہ مرکز میثاق امر بہاء در این بارہ  
چنین میفرمایند : قوله عزّ بیانہ

" و اما مظاهر المقدّسة التي تاتي من بعد في  
ظلل من الغمام من حيث الاستفاضه هم في ظل جمال  
قدم و من حيث الافاضه يفعل مايشاء و يحكم ما يريده "

حضرت ولی مقدّس امرالله مبین کلمات الله نیز در لوح مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع در باره عظمت و شوکت این کور اعظم و مقام و منزلت موءّس جلیل القدرش به این بیانات مبارکه ناطق قوله عزّ بیهانه " ۰۰۰۰ این کور اعظم افخم بشارتش در متون صحف و زبر و کتب و اسفار و الواح از آغاز تا خاتم مدون و در تاریخ شرائع و ادیان از اول النبیین الی خاتم النبیین بی نظیر و عدیل و مثیل و سابقه است بشانی بزرگوار است که امتدادش پانصد هزار سال است و مجلّی و محسور و موسسش مظهر نفس الله جمال قدم و اسم اعظم قیوم الارض و السموات و مالک الوجود مبعث الرسل مکلم الطور - رب الجنود اب سماوی - مالک یوم الدین که در تورات و انجیل و قرآن مجید بتلویح و تصریح مذکور و با بدع نعوت و باعظم و اشرف اوصاف موصوف ۰ این کور مقدّس بشانی منیع و رفیع است که نسبتش بحقّ داده شده و انبیای الوالعزم و مرسلین مستظّلین در ظلّ آن شارعین قدیر متعاقباً متزایداً بمقتضای نشو ارتقای اهل ارض و استعداد روحانی عباد بآن بشارت داده ولی بر کیفیت آن بتمامها آگاه نگشته و بر حسب ادراکات خلق شمه‌ای از عظمت آن را بیان فرموده و خود را در ساحت اعزّ اعلاّی موسس بزرگوارش احقر الوجود شمرده و آرزوی دقیق‌های از ایامش را نموده ۰۰۰۰ "

این بود بنحو اختصار تشریحی از عوالم سه گانه از نظر دیانت مقدّس بهائی و مقام و منزلت حضرت بهاء الله یا مشیت اولیه و در ضمن شمه‌ای از عظمت و اهمیت این ظهور کلی الهی که بوسیله جمال اقدس

ابهی مظهر نفس اللّٰه در عالم تراپی تأسیس ومستقر  
گردیده است .

امید آنکه اهل بهاء که بفضل و عطای  
بی منتهايش من دون استحقاق و لیاقت به مدینه  
قرب و رضایش وارد و از خوان نعمت بیکرانیش مرزوق  
و به انوار مشرقه از افق سماء عنایتش متوجه  
شده ایم بیش از پیش اهمیت و موقعیت این یوم  
عظیم را که از لسان انبیاء و مرسلین به یوم اللّٰه  
و یوم الرب موصوف شده درک کنیم و آنچه لایق  
و شایسته این روز مبارک است قیام و اقدام نموده  
برضای مبارکش عامل گردیم .

پایان

# یکصد سال پس از نزول کتاب مستطاب اقدس

” طوبیٰ لِنَفْسٍ عَمِلَتْ بِمَا  
انزله الرَّحْمَنُ فِي كِتَابِهِ  
الْاَقْدَسِ الَّذِي تَزَيَّنَ بِالْاَلِفِ  
حُكَامٌ ”

جمال اقدس ابھی در اوقات مسجونیت در مدنیہ  
مُحَمَّصَہ عِکَّا و پس از انتقال بہ بیت عبود در ایامی  
کہ هنوز وجود مبارکش از طرف دشمنان و معاندین  
داخل و خارج بمصائب و بلا یای گوناگون گرفتار  
و سکون و آرامش مفقود و ابواب رخا و آسایش مسدود  
بود بہ نزول کتاب مستطاب اقدس امّ الکتساب دور  
بہائی مبادرت فرمودند . این سفر کریم کہ جمال  
قدم بنفسہ المقدّس آنرا مُہِیْمَن بر جمیع صحف  
و کتب الہیہ شمرده اند مخزن احکام و شرایع  
الہیہ و اعلیٰ و اعظم اثر صادرہ از قلم اعلیٰ است

و حدود و احکامش تا آخر دور بهائی ثابت ولن یتغیّر خواهد بود . جمال قدم علاوه بر توجیه حقّایق روحانیه و بیان نصایح و مواعظ ربّانیّه و تشریح اصول و تعالیم منیعّه و وضع حدود و سنن و احکام الهیه و تنصیص مقام فرع منشعب از اصل قدیم و تصریح وظایف آن مقام منصوص و تعیین موء سساتی که حافظ وحدت جمع اهل بهاء تا آخر دور بهائی خواهند بود اهل بهاء را باین کلمات عالیات مخاطب و آنان را بر خدمت و نشر انوار و هدایت و قیام بر نصرت امر الهی و ارتفاع کلمه ربّانی نصیحت و وصیت فرموده و به شمول لحظات عنایت و نصرت محتوم جنود ملاء اعلی مطمئن و امیدوار میفرمایند  
 قوله تعالی :

" یا أَهْلَ الْأَرْضِ إِذَا غُرِبَتْ شَمْسُ جَمَالِي وَ سُرَّتْ سَمَاءُ  
 هَيْكَلِي لَا تَضْطَرُّبُوا قَوْمًا عَلَيَّ نُصْرَةَ أَمْرِي وَ ارْتِفَاعَ  
 كَلِمَتِي بَيْنَ الْعَالَمِينَ إِنَّا مَعَكُمْ فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ وَ نُصِرْكُمْ  
 بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا قَادِرِينَ " " مَنْ عَرَفَنِي يَقُومْ  
 عَلَيَّ خِدْمَتِي بِقِيَامٍ لَا تَقْعَدُهُ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ "  
 " وَ نُرِيكُمْ مِنَ الْأَفْقَى الْاَبْهَى وَ نُنْصِرْ مَنْ قَامَ  
 عَلَيَّ نُصْرَةَ أَمْرِي بِجُنُودٍ مِنَ الْمَلَاءِ الْاَعْلَى وَ قَبِيلِ  
 مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ " " قَوْمُوا عَلَيَّ خِدْمَةَ  
 الْاَمْرِ فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ اِنَّهُ يُؤْوِيكُمْ بِسُلْطَانِ كَان  
 عَلَيَّ الْعَالَمِينَ مُحِيطًا "

در این سال فرخنده فال که یکصد سال تمام از تاریخ نزول کتاب مستطاب اقدس میگذرد و جامعۀ جهانی بهائی بهمین مناسبت در مرکز جهانی بهائی و در کلیه اقالیم و بلدان مراسمی برگزار میکنند

خوبست نظری مختصر به تاریخ این امراء عظم اند ازیم و فتوحات و انتصاراتی را که در این مدت یکصد سال نصیب امر غالب و قاصر الهی گشته مد نظر آریم و متوجه گردیم که چگونه اهل بهاء و برگزیدگان حضرت کبریا پس از نزول این آیات مبارکه چه در عهد ابهی و عهد میثاق و چه در عصر تکوین دور بهائی با وجود موانع و مشکلات مختلفه بر خدمت و عبودیت آستان بهاء و نصرت انتشار شریعت سمحاء قیام نمود هاند و بالاخره به تاسیس جامعه متحد الشكل و متفق الرای جهانی بهائی و استقرار نظم اداری حضرت بهاء الله در بیست و چهار موثق گشته اند.

در عهد ابهی جمعی از شیفتگان آن روی دلار با نثار جان و مال و صرف اوقات و ایام حیات باعلاء کلمة الله و نصرت دین الله پرداختند. برخی با نثار خون خود آیات توحید نگاشتند و درس عشق و وفا بابناء بشر دادند و جمعی با استقامت و انقطاع تام قدم بمیدان خدمت نهادند و در اقالیم و بلدان چون باد بادیه پیمانشدند و چون نسیم صبحگاهی باقطار و اشطار مرور نمودند و به نشر انوار هدایت پرداختند. در هر شهر و قریه ای بساط تبلیغ گسترده و پیام صلح و سلام الهی را به نفوس مستعد القاء نمودند. در اثر قیام و همّت این نفوس مبارکه امر عزیز الهی در دوره جمال اقدس ابهی به خطه هند وستان و برما و ترکستان و مصر نیز سرایت نمود و امام بعیده از کلیمسی و زردشتی و بودائی در سلك اهل بهاء محشور شدند.



کتاب و رسالات متعدد ده از طرف فضلاء و مبلغین بهائی در اثبات حقانیت و جامعیت این ظهور مبارک تصنیف و تالیف و کتاب مستطاب اقدس ام الکتاب شارع اعظم در ایام حیات مبارکش چاپ و منتشر گردید.

پس از افول شمس جمال ابهی از افق این عالم ادنی آشفته‌گان روی آن دلبر یکتا تحت هدایت مرکز میثاق امر بهاء با روحی جدید و همّتی بدیع قیام بر خد مت نمودند و موجبات بسط و انتشار امرالله و تحکیم و تقویت اساس جامعه بهائی را فراهم آوردند. ارتفاع علم امرالله در دو قاره اروپا و آمریکا با تشریف جمعی از موء منین و موء منات از اروپا و آمریکا بحضور حضرت من طاف حوله الاسماء و قیام آنان به تبلیغ امرالله و تاسیس مراکز امری پس از مراجعت با وطن خویش تأسیس اولیسن معبد بهائی در مدینه عشق و خربد اراضی مشرق الاذکار امریکه تشکیل اولین محفل روحانی در ممالک غریبه تأسیس مدارس بهائی و تزئید عدد محافل روحانی محلی مسافرت و مهاجرت عده ای از مجاهدین آمریکا به اقالیم بعیده و ارتفاع ندای امرالله در ممالک آلمان و چین و ژاپن و استرالیا و عربستان و سایر اقالیم ترجمه و طبع و نشر آثار امریه در دو قاره اروپا و آمریکا، سفرهای تبلیغی و تشویقی سه ساله حضرت مولی السوری ببلاد غرب و ابلاغ امر بدیع و تشریح مبادی اساسیه این ظهور مبارک و کشف اسرار مدنیت الهیه و اعلان وحدت عالم انسانی و مساوات

حقوق بشر به اهل عالم در طی این اسفندار از جمله فتوحات و انتصارات باهره‌ای که در عهد میثاق و در مدت ۲۹ سال هدایت و راهنمایی حضرت عبدالبهاء نصیب امر مظفر و غالب الهی گردیده است، میباشد.

علاوه بر این اقدامات و موفقیت‌ها حضرت مولی‌الوری قبل از صعود و در اواخر ایام حیات مبارکشان به نزول دو اثر یا دو منشور خطیرو مهم مباشرت فرمودند. منشور اول الواح مبارکه وصایا است که حضرت ولی‌عزیز امرالله آنرا بنام منشور نظم بدیع الهی موسوم و به متمم کتاب مستطاب اقدس موصوف فرموده اند و منشور دوم الواح و فرامین تبلیغی نازله از قلم معجز شمیم طلعت پیمان است که این الواح مبارکه را میتوان به منشور تبلیغی حضرت عبدالبهاء تسمیه نمود. این الواح منیعه مشتمل بر ۱۴ فقره است که در دو نوبت و در سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ میلادی در بحبوحه جنگ جهانی اول و پس از مراجعت مرکز میثاق از اروپا و آمریکا از کلک‌گهر بار حضرتش عزّ نزول یافته است. هدف اصلی از نزول این فرامین والواح مبارکه انتشار و بسط و استقرار امرالله در بسط غرباء و تحقق وصایا و نوایسای جمال اقدس ابهی میباشد. در این الواح منیعه که بافتخار یاران آمریکا و کانادا عزّ نزول یافته است، حضرت مولی‌الوری احبّای آمریکا و کانادا را ابتداء به نشر انوار هدایت در سراسر ایالات متحده آمریکای شمالی و کانادا و آمریکای جنوبی و مرکزی تشویق و سپس

آن فارسان میدان خدمت و مجاهدت را به فتح روحانی کلیّه ممالک و اقالیم و جزائر و نقاط کره ارض تحریر و دلالت و در پاره‌ای موارد نحوه ایمن قیام و خدمت و طریق ابلاغ کلمه اللّٰه را نیز هدایت میفرمایند.

حضرت ولی امراللّٰه از همان اوان جلوس بر اریکه ولایت عظمی نهایت سعی و اهتمام را در سبیل تحقیق و اجرای آمال و نوایای حضرت مولی السوری کسه در حقیقت چیزی جز نصایح و وصایای جمال قدم جل اسمه الاعظم نیست مبذول فرمودند و یاران را لیلاً و نهاراً بر نصرت امر و ارتفاع کلمه تشویق و دلالت نمودند و برای نیل باین مقصد ابتداءً به تقویت و تحکیم اساس و ازدیاد عسدد محافل محلیّه که بمنزله پایه و اساس نظم اداری بهائی است همّت گماشتند و بر این اساس محکم و متین تدریجاً اعلمده نظم اداری بهائی یعنی محافل روحانیّه ملیّه را در ممالک مختلفه بنیان نهادند و با ارشادات مستمره اساس این محافل ملیّه را که بعداً به بیوت عدل خصوصی موسوم خواهند شد تحکیم و تقویت فرمودند. سعی و کوشش هیکل اطهر آن بود که تشکیلات و مؤسسات نظم اداری بهائی را همچون مجاری و قنوات لطیفه ای نمایند که روح نبّاض امرالهی در آنها بر راحتی سریان و جریان یابد و این مؤسسات نظم اداری از جمله عوامل و وسائل مؤثره جهت استقرار مدّنیّت روحانی حضرت بهاء اللّٰه در بسیط غربا گسردد. پس از تحکیم اساس محافل ملیّه هیکل اطهر

این محافل را به طرح و اجرای نقشه های ملی تبلیغی تحریض و هدایت نمودند که همه ایمن نقشه های ملی تحت دلالیت آن سالار خند هدی و مجاهدت لشکر نجات با کلیل فتح و ظفر مکلل گشت و موجب توسعه و گسترش امر غالب و قاهر الهی گردید.

حضرت ولّی محبوب امرالله پس از اجراء و اتمام موفقیت آمیز نقشه های تبلیغی ملی موقع را برای شرکت عموم من فی البهاء در يك جهاد روحانی جهانی مناسب دانستند و بنفسه المقدّس در سال ۱۹۵۲ نقشه جهاد کبیر اکبر روحانی دهساله را طرح و ترسیم و اجراء و تحقق اهداف آنرا بعهده جوامع ملیّه بهائی و گذار فرمودند و در توقیعی منیع مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۵۲ که متضمن اعلام نقشه منیعه دهساله است این جهاد روحانی را سوّمین و آخرین نقشه مرحله اولی در سبیل اجرای فرمان تبلیغی حضرت عبد البهاء موصوف فرمودند. این جهاد کبیر اکبر روحانی که در نیمه راه آن واقعه جانگداز صعود حضرت شوقی افندی امانت حضرت عبد البهاء اتفاق افتاد در پایان قرین فتح و پیروزی شد و اهداف آن تحقق یافت و یکسال بعد بیت العدل اعظم بطرح و تنظیم نقشه منیعه نهساله مبادرت و آنرا دوره بدوی از مرحله ثانویه نقشه ملکوتی حضرت عبد البهاء تسمیه نمودند. بیت العدل اعظم در پیام مورخ آپریل ۱۹۶۴ اشاره میفرمایند که در مستقبل ایام نقشه های متعدد و طویل المدّة بمنظور تحقق وصایا و نوایسای

حضرت بهاء الله و آمال و آرزوی حضرت عبد البهاء طرح و اجرا خواهد شد تا بالاخره با استقرار و تمکن امرالله در بسیط غبرا و فتح روحانی کنزیه ارض و حلول ذهبی دور بهائی منتهی شود و در ابلا غیبه مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۷۳ خطاب به عموم محافل مقدسه روحانیه ملیه تاریخ شروع نقشه جهانی بعدی را رضوان ۱۹۷۴ تعیین میفرمایند.

دوستان عزیزبهائی و یاران امر حضرت بهاء الله در رضوان هذه السنه که یکصد سال از نزول کتاب مستطاب اقدس میگذرد ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم شاهد فتح و غلبه امرالهی و استقرار و تمکن امرالله در بسیط غبرا و تحقق وصایا و نوایای جمال اقدس ابهی میباشند .

امر عزیز الهی در کلیه اقالیم و ممالک و جزائر کره ارض خیمه و خرگاه برافراشته و قلوب جم غفیری از ابناء بشر را بمغناطیس محبتش ربوده و اقبال دسته جمعی نفوس به شریعه ربانی در بسیاری از ممالک و دیار آغاز گشته است . در این رضوان یکصد و سیزده ( ۱۱۳ ) محفل ملی کوه اعمده دیوان عدل اعظم الهی هستند و در مستقبل ایام به بیوت عدل خصوصی تبدیل خواهند شد در سراسر جهان تشکیل شده و مشارق اذکار بهائی در قارات خمسه عالم تاسیس شده و کتب و آثار بهائی به اکثر زبانها و لغات مهمه حتی زبانهای بومی و محلی دنیا ترجمه و طبع و منتشر شده است . احکام و فرائض منصومه نازله در کتاب مستطاب اقدس از طرف بیت العدل اعظم الهی

تدوین و تنظیم و در همین رضوان منتشر گردیده است و جمع‌کثیری از رجال و کنوز ارض بر نصرت و حمایت امر عزیز الهی قیام نموده اند. فتوحاتی که در مدت یکصد سال گذشته با وجود همه موانع و مشکلات و مخالفت‌ها نصیب امر مظفر الهی گشته نمونه‌ای از انتصارات عظیمه ایست که در مستقبل ایام در سرنوشت محتوم امر الهی مقرر و مقدر شده است تا بالاخره تقدّم و توسعه روز افزون امر اللّه به تأسیس ملکوت صلح و سلام حضرت بهاء اللّه و استقرار وحدت عالم انسانی و صلح اعظم در انجمن بنی آدم منتهی شود و عالم بشریت بمرحله بلوغ و کمال برسد و امید و آرزوی جمالی اقدس ابهی این مشیت ضعفا را هم مدد و عنایت فرماید تا در بسط و انتشار تعالیم و احکامش و تأسیس ملکوت صلح و سلامش سهمی مؤثر داشته باشیم.

# کتاب مستطاب ایقان

خوانندگان عزیز: در این مقال می‌خواهیم یکی از مهمترین و عالیترین آثار استدلالی این ظهور مبارک را که از قلم اعلیٰ عزّ نزول یافته و بطرزی بدیع و بی سابقه پرده از روی حقایق و دقایق روحانیّه کتب مقدّسه قبلیّه و متشابهات آیات مبارکه برداشته و از حیث عبارت نیز در غایت سلاست و بلاغت انشاء گشته و بـه کتاب مستطاب "ایقان" موسوم است بشما معرفی کنیم و تلاوت و دقّت در مطالب عالیّه این کتاب مجید و نفیس را بار دگر بشما عزیزان روحانی که یقیناً "شوق و ذوق جولان در میدان تبلیغ و تـبشیر امرالله را در سر دارید توصیه نمائیم .

## ۱- تاریخ و محلّ نزول

کتاب مستطاب ایقان در ایّام اقامت جمال قدم جل اسمه الاعظم در مدینه بغداد و قبل از اظهار امر علنی آن حضرت از قلم مبارکشان عزّ نزول یافته است . تاریخ نزول آن سال ۱۲۷۸ هجری قمری

بوده است • حضرت ولی مقدس امرالله جَلَّتْ قُدْرَةُ  
 در لوح قرن احبای امریکه به نزول این کتاب مستطاب  
 در همین سال تصریح فرموده اند • درخود کتاب مبارک  
 ایقان نیز به نزول آن در سال مذکور اشاره رفته  
 است • قوله تعالی : "۰۰۰ این انوار مقدســـــــــــــــــه  
 هیجده سنه میگذرد که بلایا از جمیع جهات مثل  
 باران بر آنها بارید و به چه عشق و حبّ و محبّت و  
 ذوق که جان رایگان در سبیل سبحان انفاق نمودند"۰۰۰

## ۲- شان نزول این کتاب مستطاب

مقدمهٔ باید دانست که حضرت ربّ اعلی  
 ارواحنا لمظلومیتہ الفدیه سه دائی داشتند : یکی جناب  
 حاج سید علی خال اعظم • دیگر جناب حاج سید محمّد  
 خال اکبر - سوم جناب حاج میرزا حسنعلی خال اصغر •  
 جناب حاج سید علی خال اعظم از تجار معروف  
 و سادات محترم شیراز بودند • مشارالیه همان نفس  
 مبارکی هستند که پس از صعود پدر بزرگوار حضرت اعلی  
 بخدمت و مواظبت و تربیت حضرتشان قیام نموده ،  
 کمال احترام و مراقبت و محبّت را نسبت بآن بزرگوار  
 مجری میداشتند و پس از اظهار امر نیز بعد از حروف  
 حیّ بشرف ایمان و اطمینان مفتخر و متباهی گشتند  
 و سپس آنچه لازمه عبودیت و اطاعت بود بجای آوردند •  
 حضرت ایشان در سال ۱۲۶۵ هجری از شیراز  
 برای زیارت حضرت ربّ اعلی بقلعهٔ چهاریق عزیمت  
 نمود ، و پس از درک لقای مولای محبوب خویش از چهاریق  
 به طهران بازگشتند و در آنجا توقف داشتند تا اینکه



در راه محبت دوست یکتا و محبوب بیهمتای خود بکمال  
 شهامت و استقامت و میل و رضا شربت شهادت نوشیدند  
 و جزو شهدای سبعه طهران معدود گشتند.  
 اما جناب حاج سید محمد خال اکبر هرچند نسبت  
 به خواهر زاده خود نهایت ارادت و علاقه را داشتند  
 و بکمال احترام رفتار مینمودند ولی نمیتوانستند  
 ظهور ایشان را با معتقدات قلبی خود و با مطالبی  
 که راجع به ظهور قائم موعود و علائم آن شنیده و خوانده  
 بودند تطبیق دهند و اطمینان قلب حاصل کنند. تا  
 اینکه در سال ۱۲۷۸ باتفاق برادر کهنتر خود جناب حاج  
 میرزا حسنعلی عازم زیارت نجف و کربلا شده و در  
 مراجعت چندی در بغداد توقف مینمایند و بنا به  
 اراده و اشاره جمال قدم بواسطه جناب حاجی سید  
 جواد کربلائی بحضور مبارک مشرف میشوند و سپس از  
 استماع بیانات و نصائح جمال مبارک مبنی بر لزوم  
 تحقیق و تحرّی و درک عظمت ظهور طلعت اعلی  
 اشکالات و ایرادات خود را معروض میدارند. حضرت  
 بهاء الله بایشان میفرمایند شما بمحل خود  
 مراجعت نمائید و آنچه علت توقف و عدم اطمینان  
 قلوب و سبب ایراد و اشکال است مرقوم و معین دارید  
 شاید به عنایت الهی و تأیید آسمانی ظن شما به  
 یقین و اضطراب شما باطمینان مبدل شود. روز دیگر  
 جناب خال بمحضر انور تشرف حاصل نموده و یک یک  
 اشکالات و شبهات خود را معروض میدارد. در جواب  
 سوالات و اشکالات ایشان کتاب مستطاب ایقان که  
 در ابتداء برساله خالویه معروف بود از قلم اعلی  
 بافتخار مشارالیه عزّ نزول می یابد و علت ایمان و

ایقان و اطمینان قلب حضرت خال میشود.  
اما جناب حاج میززا حسنعلی خال اصغر در بغداد  
بمحضر انور مشرف نشدند و تا آخر حیات هم بحکمت  
و تقیه رفتار مینمودند (جمال قدم در یکی از السواح  
کیفیت تشرف خال و نزول کتاب ایقان را بیان  
فرموده اند که برای زیارت آن میتوان به "رحیق مختوم"  
جلد اول صفحه ۳۱۴ مراجعه نمود) ۰

### ۳- مطالب و مندرجات این کتاب مستطاب

میتوان ادعا نمود که قبل از نزول کتاب مبارک  
ایقان بسیاری از حقایق روحانیه و رموز کتب مقدسه  
قبلیه و معانی واقعی متشابهات آیات مبارکه از  
انظار پیروان ادیان مختلفه مخفی و مستور بود و  
جمال قدم با نزول این کتاب نفیس و بی نظیر و بامبع  
قدرت و اقتدار خویش فك رحیق مختوم نموده و حقایق  
و دقایق و رموز کتب مقدسه و معانی آیات متشابهه  
را بطرزی بدیع و شیوه ای جدید و بیانی بلیغ توجیه  
و تشریح فرمودند و بنابر آیات مبارکه قرآنی که  
بیان مسائل روحانیه و تأویل آیات متشابهه را جز  
خداوند و مطالع امر و مهابط وحی او کسی دیگر نمیداند،  
جمال قدم بوحی الهی به بیان حقایق روحانیه و  
تأویل رموز و دقایق آثار مظاهر قبلیه در این کتاب  
مبارک مبادرت فرموده اند چنانچه در قرآن کریم  
در سوره آل عمران آیه ۷ میفرماید:

"هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ  
هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأَخْرَمْتُ شَبَاهَاتٍ فَمَا أَلَّذِينَ فِي

فُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ  
الْفِتْنَةِ ۗ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ  
إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ۝۰۰۰

(یعنی اوست آن خدائی که فرو فرستاد بر توای محمد  
کتاب را ۰ قسمتی از این کتاب آیاتی است روشن  
و محکم و آن اصل کتاب است و قسمت دیگر متشابه  
و غیر روشن است اما کسانی که در قلبهایشان مرض  
و تنگی است پیروی میکنند آنچه را که متشابه  
است و باینوسیله طلب فتنه و خواستار تأویل  
آیات متشابه میشوند در حالیکه تأویل و معنی  
واقعی آیات متشابه را کسی جز خداوند و آنانکه  
در علم الهی راسخند نمیدانند ۰۰۰۰)

و نیز در سوره القیامه آیه ۱۶ و ۱۸ چنین نازل  
شده " ۰۰۰۰ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۰۰۰۰ ثُمَّ إِنَّ  
عَلَيْنَا بَيَانَهُ " (یعنی : خداوند میفرماید ای  
محمد بدان که بر ما است جمع کردن و قرائت نمودن قرآن  
و سپس بر ما است بیان حقایق و دقایق آن ۰)

خلاصه قبل از نزول کتاب مستطاب ایقان بسیاری  
از مطالب و مسائل مندرجه در کتب مقدسه قبلیه  
مبهم و نامعلوم و ظاهر آن مورد ایراد و اعتراض ارباب  
علم و دانش بود و لکن تبیینات و تاویلات قلم اعلی  
پرده از روی حقایق روحانیه آنها بر گرفت و رفع  
شبهات و دفع اعتراضات و ایرادات نمود ۰ بقول  
شاعر شهیر بهائی جناب نعیم :

فیلسوفان به طنز میگفتند که صحف جمله غیر مفهومیست  
دست حق پرده از همه برداشت تا بدانند سر مکنونست  
دانشمندان و نویسندگان بهائی نیز که قلم بدست

گرفته و کتب استدلالی تالیف نموده‌اند جملگی در اقیانوس بیکران مطالب و مسائل عالیّه این کتباب مستطاب تعمق و خوض و غور نموده و لئالی حقایق و معانی ربوده‌اند وهمگی از تبیینات و تأویلات قلم اعلی که در این کتاب موجودست الهام گرفته اند.

در اینجا باید متذکر شد که علاوه بر جناب خال اکبر طلعت اعلی، در طول تاریخ امرالله بسیار بوده‌اند نفوس مبارکه‌ای که پس از مدتها مذاکره و مباحثه بالاخره با تلاوت و دقت در مطالب کتاب مبارک ایقان اطمینان قلب حاصل نموده و بشرف ایمان فائز شده‌اند.

اینک برای درک اهمیت و عظمت این کتاب مبارک رؤس مسائل و مطالب مهمه را که در آن مورد بحث و توجیه قرار گرفته مذکور میداریم و شما خوانندگان بسیار عزیز را که یقیناً شوق و ذوق تبلیغ و تبشیر حقایق این آئین نازنین را به نفوس مستعدّه در سردارید بمطالعّه دقیق و عمیق این کتاب نفیس دعوت مینمائیم. کتاب مستطاب ایقان شامل دو باب یا دو قسمست میباشد و ما رؤس مطالب و اهم مسائل هر باب را جداگانه مذکور میداریم.

## باب اوّل

۱- تشریح و بیان شرایط تحرّی حقیقت برای سالکین سبیل حق و حقیقت.

۲- بیان علل و عوامل اعتراض و احتجاج مردم از مظاهر مقدّسه در موقع ظهور هریک از انبیای الهی

- و ذکر برخی از آیات قرآنی در این باره .
- ۳- بیان و شرح اعتراضات و اذیت‌های وارده بر انبیاء در ادوار گذشته با استناد بآیات قرآنی و وقایع تاریخی .
- ۴- تشریح و توجیه این مسأله که انبیای الهی و مظاهر مقدسه، آسمانی حقیقت واحد هستند، و اثبات وحدت مظاهر مقدسه بدلائل عقلی و نقلی .
- ۵- بیان کیفیت رجعت مسیح از آسمان طبق آیات انجیل متی و توجیه و تأویل علائم مندرجه در انجیل مقدس با استفاده و استناد بآیات مبارکه قرآنی .
- ۶- توجیه و تأویل معانی مختلفه، آسمان و زمین و شمس و قمر و نجوم که در کتب مقدسه، قبله ذکر شده بطریق عقل و نقل و بیان . منظور از شکافته شدن آسمان و تبدیل ارض و ظلمت شمس و قمر و فرو ریختن ستارگان .
- ۷- بیان این مطلب که امتحانات الهیه همواره در بین عباد بوده و خواهد بود، توجیه علت و حکمت آن، و سپس ذکر برخی از امتحانات الهیه که در ادوار سالفه واقع شده و سبب اضطراب و عدم اقبال نفوس ضعیفه گردیده است .
- ۸- بیان معنی و مقصود از ملائکه که در کتب مقدسه، انبیاء قبل ذکر شده است .

## باب دوم

- ۱- توجیه این مطلب که عرفان و شناسائی ذات احدیّه و غیب هویه برای افراد بشر محال و ممتنع است .

۲- بیان اینکه مظاهر مقدسه الهیه جلوه‌گاه صفات و کمالات حق هستند و عرفان الهی منسوط به شناسائی آنان در هر عصر و زمان می‌باشد.

۳- تشریح مقصود از سلطنت و قدرت که راجع بقائم موعود مذکور گشته و اثبات اینکه مقصد از این سلطنت و غلبه سلطنت و غلبه روحانی و باطنی و احاطه و تسلط بر همه ممکنات است که فقط اختصاص به مظاهر مقدسه داشته و پس از صعود آنان نیز با شدت بیشتری ادامه می‌یابد و بظهور می‌آید.

۴- توضیح و تشریح معانی موت و حیات که در کتب الهیه مذکور گشته و تأویل آنها بموت و حیات روحانی و ایمانی بدلائل عقلی و نقلی.

۵- بیان مقصود از مشاهده لقاء الله در روز قیامت و روز آخر که در کتب مقدسه قبلیه وعده داده شده و اینکه مقصد درک لقای مظهر کلی الهی و موعود آسمانی می‌باشد.

۶- تشریح معنی قیامت و اثبات اینکه منظور از قیامت قیام مظهر امر الهی بر امر الله می‌باشد.

۷- توجیه و بیان مسأله غیب و رجعت و بعث و حشر که یکی از مشکلات پیروان همه ادیان و از جمله سیاحت جلال می‌باشد.

۸- حل مسأله خاتمیت که بزرگترین حجاب و مانع اقبال نفوس بمظهر امر الله در هر ظهوری بوده است بدلائل عقلی و نقلی.

۹- بیان اینکه یکی دیگر از سببات جلال و موانع اقبال نفوس بمظاهر الهیه در هر عصری علماء و فقهای زمان بوده‌اند و توضیح علت مخالفت آنان.

۱۰- توجیه و تشریح مراتب و مقامات مختلفه  
مظاهر مقدسه الهیه .

۱۱- بیان اینکه مشکلات روحانیه و معضلات کتب  
مقدسه را باید فقط بر مخازن اسرار احدیه و حاملان  
علوم الهیه عرضه داشت تا کشف رموز و اسرار شود .  
۱۲- توجیه این مسأله که مدینه الهیه که همان  
شریعت مقدسه ربانیّه باشد در رأس هر هزار سنه او  
ازید او اقل تجدید میشود و تزیین مییابد و بیان  
اینکه شریعت حضرت ربّ اعلی مدینه جدیده  
الهیه است و سعادت افراد بشر بدخول در آن مدینه  
مقدسه حصول می یابد .

۱۳- اثبات این موضوع که کتاب الله و آیات آن  
همواره اعظم و اکبر حجت و برهان مظاهر الهیه  
بوده با استناد به آیات مبارکه قرآنی و ذکر این  
مسأله که بزرگترین حجت حضرت ربّ اعلی نیز  
آیات و آثار مبارکشان میباشد که از لحاظ کفایت  
و کیفیت قابل مقایسه با ادیان سالفه نیست .

۱۴- اثبات عدم اعتبار و حجیت معجزه و بیان اینکه  
مظاهر مقدسه هیچگاه بمعجزات اقتراحیه اعتناء و  
توجه نفرموده و همواره بخواستاران معجزه جواب  
نفی داده اند و آیات و کلمات و احکام و تعالیم  
خود را بزرگترین و قاطع ترین حجت مقرر فرموده اند  
با استناد به آیات مبارکه قرآنی .

۱۵- بیان این حقیقت که در ادیان سالفه  
پیروان اولیه مظاهر مقدسه اغلب از نفوس غیر  
معروف و حقیر و بی سواد و کم شخصیت بوده اند  
ولکن در ظهور حضرت نقطه اولی علاوه بر هزاران

نفر مردم عادی و عامی جم غفیری از علماء و دانشمندان  
راشدین و فضلا و فقهای بالغین نیز به شرف ایمان  
فائز و به نثار جان در راه محبوب امکان مفتخر و  
ناشل گشتند و این خود دلیل بر عظمت و ابهت ظهور  
حضرتشان میباشد. سپس جمال قدم اسامی برخی  
از آنان را ذکر میفرمایند و نتیجه میگیرند که  
گذشتن این نفوس از مال و جان و آسایش تن و روان  
بکمال روح و ریحان در سبیل امر حضرت یزدان  
بزرگترین دلیل و برهان بر عظمت مقام و خفایت  
طلعت اعلی میباشد.

۱۶- تشریح و بیان این مساله که استقامت مظاهر  
مقدس الهیه بنا بر آیات کتب مقدسه بخصوص قرآن  
کریم یکی از بزرگترین دلائل صدق مدعای آنان بوده  
است و ذکر این مطلب که حضرت رب اعلی عالیترین  
و کاملترین مظهر استقامت و فداکاری و جانبازی  
تا آخرین دقائق حیات مبارکشان بوده اند.

۱۷- توجیه و تشریح این مساله که غلبه و تاثیر  
و احاطه و نفوذ عجیب کلام حضرت اعلی در زمانی  
اندک یکی از بزرگترین علائم و دلائل صدق مدعای  
حضرتشان میباشد.

۱۸- در خاتمه این کتاب مستطاب قلم اعلی  
احادیث معتبره ای را که از پیغمبر اکرم اسلام  
و ائمه اطهار راجع بظهور موعود اسلام و علائم  
او و عظمت قائم و روش او و صفات و کمالات اصحاب  
قائم و دشمنان حضرتش روایت شده ذکر میفرمایند  
و با ظهور حضرت اعلی منطبق مینمایند تا سبب  
و علت انتباه و اطمینان قلوب مضطربه گردد.



اینک که رؤس مهمترین مطالب و مسائل عالییه  
 کتاب مستطاب ایقان بنحو اختصار معروض گردید  
 در خاتمه بد نیست دانسته شود که در اول زمان قریب  
 بیك قرن که از نزول این کتاب مبارک میگذرد  
 دشمنان و معاندین امرالله بر مطالب جامعۀ  
 آن ایرادات بارده و اعتراضات غیر وارده نموده،  
 و کتب ردییه تالیف کرده‌اند . ولی همواره طبق معمول  
 نتیجه، معکوس اخذ نموده و باعث هدایت و دلالت  
 جمعی از گمگشتگان وادی طلب و تحقیق گشته‌اند .  
 مهمترین این ردییه‌ها دو رساله است که شیخ عبدالسلام  
 شیخ الاسلام تفلیس نگاشته که دانشمند شهیر و فاضل  
 محقق بی نظیر بهائی حضرت ابوالفضائل گلپایگانی  
 اعلی الله مقامه را بر آن داشته است که باشاره  
 حضرت مولی الوری با قلم توانا و سحر و سعنه  
 معلومات و اطلاعات خود بکلیه شبهات و ایرادات  
 شیخ مذکور بنحوی فاضلانه و الزام آور و در نهایت  
 فصاحت جواب گوید و در نتیجه یک اثر استدلالی  
 بسیار نفیس و گرانبها بنام کتاب فرائد را  
 تألیف نماید .

## افتتاح الواح مبارکه وصایا

در ایامی که حضرت شوقی افندی غصن ممتناز  
دو حه بقاء مراحل طفولیت و صباوت را میگذرانیدند  
و در زمانی که حضرت عبد البهاء گرفتار طوفان  
نقض و مخالفت و جفای برادران حسود و بی وفا و  
در خطر عظیم بودند و بفرموده مبارک " امید  
دقیقه ای حیات مفقود " بود الواح وصایای  
مبارک از قلم معجز شیم حضرتش در سالهای ۱۳۲۴  
و ۱۳۲۵ هجری قمری بمرور ایام و در سه قسمت عزّ  
نزول یافت در حالیکه قلب اطهرش بواسطه  
افروخته شدن آتش غل و حسد و نقض عهد  
برادران سست عنصر بغایت محزون و مغموم و بعلت  
دسائس و وساوس آنان مسجون و محصور بودند .

آنچه مسلم است و از مضامین الواح مبارکه  
وصایا نیز استنباط میشود آن است که این رِقّ منشور  
بمرور ایام تکمیل گردیده است .

در این الواح مقدّسه مبارکه که حضرت ولی  
مقدّس امرالله آنرا متمم کتاب مستطاب اقدس

د انسته اند حضرت مولی الوری اولاً پس از خطبه ای  
 غراء به سرگونیها و مصائب و بلا یای وارده بر  
 جمال قدم جل اسمه الاعظم و طغیان و نا فرمانی  
 و بیوفائی برادر حسود آنحضرت یعنی میرزا یحیی  
 اختصاراً اشاره میفرمایند و سپس اعمال قبیحه و  
 اقدامات مذمومه مرکز نقض و قطب شقاق میرزا  
 محمد علی و سایر برادران عنود و حقود را توضیح  
 فرموده و علت سقوط و انفصال غصن اکبر را از  
 شجره مبارکه توجیه میفرمایند و ذلت و خسران  
 عظیم و مبین او و اعوانش را صریحاً وعده میدهند  
 و بعد اقلان و اغصان سدره مبارک و حضرات ایادی  
 امرالله و جمهور اهل بهاء را پس از صعود مبارکشان  
 بنشر نجات الله و تبلیغ امرالله و صیانت  
 شریعت الله دعوت و وصیت میفرمایند و سپس با  
 کلماتی محکم و متین و غیر قابل تاویل تکلیف  
 اهل بهاء را پس از صعود روشن و حضرت شوقی افندی  
 غصن ممتاز دوحه رحمانیه را بعنوان " آیت الله  
 و غصن ممتاز و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی  
 امرالله و احباء الله و مبین آیات الله " تعیین و  
 معرفی مینمایند و باین وسیله ابواب اختلاف  
 و انشقاق و خود سری را بالکل مسدود میفرمایند  
 و اختیارات ولی امرالله و وظیفه جمهور مومنین  
 را نسبت بحضرتش مشخص و معلوم میدارند و آنگاه  
 رکن دیگر از ارکان نظم بدیع جهان آرای الهی  
 یعنی بیت العدل اعظم را تشریح و وظایف و اختیارات  
 و مقام بیت العدل و نحوه انتخاب و اعضای آن  
 اعظم قوه تقنینیه عالم و آخرین ملجاء و پناه

جامعه بشری را توضیح میفرمایند و در لوح مبارک دوم از الواح وصایا اهل بهاء را باجتناب و دوری از ناقضین و ناکشین عهد و میثاق الهی مامور مینمایند و بالاخره در آخر لوح مبارک سوم مجید دا یاران باوفای خود را توصیه بمواظبت و مراقبت و اطاعت از ولی مقدّس امرالله و جلب رضایت حضرتش مینمایند و اعراض و انکار ولی امر منصوص و معصوم را در ردیف طغیان و عصیان بر خد اوند عزیز منّان می شمارند و بالاخره این رنّه ملکوتی را با این کلمات مقدّسه خاتمه میبخشند " نفسی را حق رائی واعتقاد مخصوصی نه باید کل اقتباس از مرکز امر و بیست العدل نمایند و ماعد هما کل مخالف فی ضلال مبین و علیکم البهاء الا بهی عبد البهاء عباس " قبل از آنکه صعود آن محبوب عزیز و بی همتای اهل بهاء بحکمتهای بالغه الهیه در ۲۱ ربیع الاول سنه ۱۳۴۰ هجری مطابق با ۲۸ نوامبر سنه ۱۹۲۱ میلادی در حیفا اتفاق افتد آن معدن حکمت و وفا الواح مبارکه وصایای حضرتش را در پاکتی سر بسته نهاده و با مهر و امضای مبارک مهور و ممضی فرموده و در روی پاکت مرقوم میفرمایند " امانت غصن ممتاز شوقی افندی علیه بهاء الله الا بهی " و سپس آن پاکت سر بسته را بخواهر مهر پرور و عزیز خود بقیة البهاء حضرت ورقه مبارکه علیا مرحمت مینمایند زیرا حضرت شوقی افندی بهنگام صعود و غیبت عنصری محبوب و مولای خود در انگلستان بتحصیل اشتغال داشتند پس از

حدوث فاجعه عظمی و مصیبت کبری یعنی صعود حضرت مولی السوری بملکوت ابھی این اعلان در یوم دوشنبه ۲۸ ربیع الاول سنه ۱۳۴۰ هجری قمری از طرف عائله مبارکه و منتسبین منتشر گردید :

" خاندان عبد البهاء خصوصاً بهائیان عموماً خبر رحلت حضرتشان را باطلاع میرسانند؛ ایشان در شب گذشته صعود فرموده و مراسم تشییع فردا ساعت ۹ صبح از منزلشان بسوی مقام از راه کوه کرمل به عمل می آید " .  
و همچنین خانم اهل بهاء حضرت ورقه علیا که در آتش فراق و هجران میسوخت و میگذاخت ، این تلگراف را بعالم بهائی مخابره فرمودند :  
" قَدْ صَعَدَ إِلَى مَلَكُوتِ الْاِبْهِي عَبْدِ الْبَهَاءِ  
ورقه علیا "

در اینجا باید گفت که حسن تدبیر و کفایت و لیاقت حضرت ورقه مبارکه علیا در زمان صعود حضرت عبد البهاء و در مراسم تشییع جنازه مولای اهل بهاء و سرپرستی عائله مبارکه و حفظ ارتباط با دنیای بهائی تا افتتاح الواح وصایا و حتی در ایام غیبت و مسافرت اول و دوم حضرت ولی مقدر امرالله در اوائل دوره ولایت عظمی بسیار مهم و قابل توجه است . با توجه باینکه آن معدن حب و وفا در سنی متجاوز از هفتاد بسر میبردند و در آتش حرمان و هجران محبوب دل و جان خود بآه و فغان دمساز بودند و فی الحقیقه ید قدرت و حکمت بالغه الهی آنخانم اهل بهاء را برای چنین ایام خطیره و تاریخی ذخیره نموده بود تا الواح وصایا مفتوح و تکلیف اهل بهاء معلوم گردد ، چنانچه حضرت

ولسی نازنین امرالله در نامه نصیحت آمیزی که از  
 لندن برای خواهر خود روح انگیز پس از صعود مبارک  
 مرقوم فرموده اند چنین میفرمایند " اعتقاد من  
 اینست که خداوند چندی حضرت عمه خانم را  
 قوی نگه خواهد داشت تا بعضی از کارهای حضرت  
 مولائی را که هیچکس جز عمه خانم از عهد آن بر  
 نمیاید انجام دهد " .

باری خبر صعود مولا و محبوب بیهمتای اهل  
 بهاء بسمع مومنین در سراسر دنیا رسید و  
 حضرت ولی مقدس امرالله نیز در لندن از این  
 واقعه مولمه در حالیکه در منزل تیودر پول  
 تشریف داشتند ، مطلع گشتند . از استماع این  
 خبر وحشت اثر حال مبارک چنان منقلب و صحت  
 جسمانی هیکل اطهر بحدی در خطر میافتد که  
 بلافاصله تلفناً لیدی بلا مفیلد را از این قضیه  
 مستحضر مینمایند و هیکل مبارک سه روز در منزل  
 مشار الیها بستری شده در حالت ناخوشی و انقلاب  
 روحی بسر میبرند تا آنکه بتدریج کسب آرامش و  
 صحت میفرمایند و با حضور جمعی از دوستان  
 در منزل لیدی بلا مفیلد بتلاوت الواح و آیات  
 میپردازند و سپس برای تسکین آلام درونی و استراحت  
 مدتی باتفاق دکتر اسمنت به بورنمورث  
 تشریف میبرند تا وسائل حرکت بحیفا بلا  
 اولین وسیله فراهم شود . در همین اوقات تلگرافی  
 از حضرت ورقه علیا دریافت میفرمایند مبنی بر  
 اینکه مسئولیت عظیم و خطیری در حیفا منتظر  
 ایشان است و باید هرچه زودتر حرکت فرمایند ، لذا

باتفاق لیدی بلا مفیلد بارض اقدس نزول اجلال  
میفرمایند و دیده اهل بهاء را بقدم خود روشن و  
منیر مینمایند.

چهل روز پس از صعود مولا و مقتدای اهل بهاء  
باردگر قیامت عظمی در مدینه حیفابرپا  
میشود و جمعی از اهالی به بیت مبارک روی آوردند  
مجلس تذکار برپا مینمایند مجدداً خطباء  
و ادباء و شعرا قصاید و خطبه‌هایی انشاء و ایراد  
میکنند و جم غفیری نیز از خوان نعمت آن منعم  
حقیقی بهره‌مند میگردند. اما حضرت ولی امرالله  
بعلت هموم و غموم مستولیه و تاثرات قلبیه در  
آنروز حضورند اشتند. بالاخره در روز هفتم ژانویه  
۱۹۲۲ میلادی ضمن یک احتفال تاریخی الواح وصایا  
از طرف حضرت ورقه مبارکه علیا مهوراً بمجلس  
برده شد و در حضور جمعی از اصحاب و افسران  
و منتسبین و مسافرین و مجاورین قسمتی بوسیله  
جناب میرزا یوسف خان وجدانی علیه بهاء الله  
و بقیه توسط آقا محمد تقی اصفهانی تلاوت گردید  
و تکلیف اهل بهاء و آینده امرالله صریحاً  
تعیین و حضرت شوقی افندی ربانی کتباً و واضحاً  
بعنوان ولی امرالله و مولای اهل بهاء و مبین آیات  
الله تعیین و شناخته شدند.

حضرت ورقه علیا بلافاصله خبر بهجت اثر  
افتتاح الواح وصایا و تعیین و تنصیب ولی امرالله  
را تلگرافاً باحباب ایران ابلاغ و بشارت ارسال  
آنها نیز فرمودند. متن تلگراف حضرت ورقه  
علیا آن خانم اهل بهاء چنین است: " طهران دواچی

کتاب وصیت مبارک ارسال شد شوقی افندی مرکز  
امر ورقه علیا "

زیارت این تلگراف بقیة البهاء شقیقه حضرت  
عبد البهاء و سپس افتتاح و تلاوت الواح مبارکه  
وصایا مرهمی بر قلوب مجروحہ یاران راستبان  
نهادہ و آتش فرقت مولای حنون را تا حدی تخفیف  
و تسکین بخشید و کل وظیفه خود را دانستند کہ باید  
عبودیت و خدمت آستان جمال اقدس ابہی بیش از  
پیش قیام کنند بخصوص کہ اولین اثر قلم معجز  
شیم حضرت شوقی افندی بافتخار یاران الہی  
نازل و نفعات جان پرور آن قلوب مشتاقان راباہتزاز  
آوردہ از آن پس دیگر کاس عنایت بدور آمد و الواح  
و توقیعات و تلگرافات منیعہ مقدّسہ از کلک  
گہر بار و مشکل گشای آن محبوب و مقصود عاشقان  
عزّ نزل مییافت و ہدایت الہی چون غیث ہاطل  
بر کل نازل مینمود و تکلیف اہل بہاء را در ہر موردی  
روشن و معلوم میفرمودہ

ابواب عنایت و ہدایت تا آخر ایام ہیکل  
مبارک بر وجہ اہل بہاء مفتوح بود و براہنمائی ہای  
آن دلبر یکتا و سپہسالار جند ہدی در مدت سی و  
شش سال دوران ولایت عظمی فتوحات و انتصارات  
عظیمہ عجیبہ در اقطار شاسعہ جهان نصیب  
علمداران لشکر حیات و جنود نجات و سالکین  
سبیل حب و وفا گردید ، اکنون نیز نقشہ  
ملکوتی آن مولای عزیز و فرامین صاد رہ  
از کلک اطہر و نصایح و مواعظ و حقایق  
موعودہ در توقیعات منیعہ اش راہنمای جامعہ



جهانی بهائی و دلیل راه مجاهدین و مبارزین  
 و ناصربین امر الهی در میدان خدمت و مجاهدت  
 میباشد و بیشک هر قدر بمرور ایام افزوده شود  
 عظمت مقام ولی مقدّس امر جمال ابهی و جلالت  
 دوره سی و شش ساله ولایت عظمی مکشوف تر و ارزش  
 و اهمیت آثار مبارکه و تاسیسات و مشروعات  
 و اقدامات مهمه آنحضرت و اضرار خواهد گردید .  
 در خاتمه از آستان مقدس مولای عزیزی کسه  
 لحظات مکرمتش همواره شامل حال بوده و هست  
 مسائلت مینمائیم که شمول تائید اتش را از ما  
 بندگان ناتوانش دریغ نفرماید و چراغ هدایتش  
 را در این ظلمتکده تراب فرا راه ما نهد تا  
 انشالله و اراد بتوفیق خدمتی کسه شایسته  
 و سزاوار تقدیم بد رگه جمال اقدس ابهی است  
 نائل گردیم و بکسب رضایتش موّجّد شویم . اِنَّهُ  
 سَمِيعٌ مُّجِيبٌ . انتہی

طهران ۳۹/۵/۱۹

# تاجِ مَحْرَمَتِ عَظْمِي

”سَوْفَ تَجْرِي سَفِينَةٌ  
اللَّهُ عَلَيْكَ وَيُظْهِرُ  
أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ  
ذَكَرَهُمْ فِي كِتَابِ  
الْأَسْمَاءِ...“

( لوح مبارك کرمل )

پس از افول کوکب د رّی میثاق از افق این عالم  
ادنی و افتتاح الواح مبارکه وصایای آنحضرت و  
بدایت دوران ولایت عظمی برخی از یاران الهی  
بحضور مبارک حضرت شوقی افندی غصن ممتاز دوحه  
رحمانیه مشرف و عرض نمودند که بر طبق الواح  
وصایای حضرت مولى الوری موقع آن رسیده که به  
تاسیس بیت عدل اعظم الهی اقدام شود. آن مرجع  
معصوم و مبین آیات الله که بیش از هر کسی به  
معنی و مفهوم جمل و عبارات الواح مبارکه  
وصایا واقف بودند در جواب فرمودند تاسیس  
بیت العدل احتیاج بوجود اساس و اعمده دارد.

مقصد مبارك از این جواب این بود که ابتداءً باید اساس بیت العدل اعظم یعنی محافل محلّیه تأسیس و تحکیم و اعمده آن که عبارت از محافل ملیه است قویاً منصوب گردد تا بر فراز آنها قبه ذهبیه دیوان عدل الهی در نهایت اتقان و اطمینان مرتفع شود .

شاید اگر بگوئیم که مقصد و هدف تمام زحمات و اقدامات هیکل اطهر در طی دوران ۳۶ ساله ولایت عظمی عبارت از استقرار اساس و ارتفاح دعائم دیوان عدل الهی بود سخنی بگزارف نگفته باشیم . اگر آن مولای عزیز و توانا از آغاز جلوس بر اریکه ولایت در تأسیس و تقویت اساس محافل محلّیه آن همه تأکید میفرمود ند، اگر در میقات معین بخصوص در طی نقشه عظیم جهاد دهساله یاران اقالیم و ممالک مختلفه را به تشکیل محافل روحانیه ملیه و سایر مؤسسات امریه ترغیب و هدایت الهیه را مستمرّاً و بنهایت حکمت شامل حال این مؤسسات جدید التأسیس میفرمود ند، اگر برای متحد الشکل نمودن مؤسسات اداری بهائوسی در شرق و غرب عالم تا این حدّ دقت و مداومت مینمود ند، اگر جوا مع ملیه بهائی را به طرح و اجرای نقشه های متعددّه تبلیغی و مهاجرتی و فتح اقالیم و تأسیس مراکز جدیدّه تشویق و دلالت میفرمود ند و بالاخره اگر با قلم ملهم و مصون از خطای خود نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر روحانی را بر طبق فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء بمنظور فتح روحانی کره ارض طرح

و یاران الهی را در شرق و غرب عالم به اجراء و تنفیذ و وصول باهداف آن مامور نمودند همه بجهت آن بود که موسسات و تشکیلات محلیه و ملیه بهائی که بمنزله اساس و دعائم دیوان رفیع البنیان عدل الهی میباشند بمرحله ای از بلوغ و کمال و همبستگی و اشتراك مساعی برسند که در نهایت قدرت و استحکام بتواند این تاج مفخرت عظمی واکلیل جلیل را بررأس خود قرار دهند .

زحمات و اقدامات مداوم و طاقت فرسای هیکل اطهر که منجر به صعود بغتی حضرتش گردید در یوم اول عید سعید رضوان ۱۲۰ بدیع بثمر رسید و بشارات نازله در لوح مقدّس کرمّل و تمهیدات و ترتیبات نازله از کلک مطهر حضرت مولی السوری راجع به کیفیت تاسیس بیت العدل " الذی جعله الله مصدر کل خیر و مصونا من کل خطاء " و آمال و نوایای قلبی حضرت ولی مقدّس امرالله و شهداء فی سبیل الله و مومنین عصر رسولی کسه در دوران محبوسیت و مظلومیت امرالله بخدمت قائم بودند کلاً جامه عمل پوشیده و درعالم شهود مشهود گشت .

در این روز خجسته و فیروز قریب ۳۰۰ نفر از نمایندگان ۵۶ محفل ملی بهائی در مرکز جهانی امرالله و در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء اجتماع نمود و پس از زیارت روضه مبارکه و مقام مقدّس اعلی و اظهار عجز و انکسار و طلب هدایت و تائید از آستان آن مطالع انوار در نهایت تضرع و توجه به انتخاب اعضای اعظم هیئت تشریحیه عالم بهائی که مرجعی معصوم بوده و تصمیماتش برای عموم یاران

الهی در هر رتبه و مقامی که باشند مطاع و متبع  
 است در شهر حیفا مبادرت نمودند • بدون شك  
 سال ۱۲۰ بدیع و یوم اول رضوان سنه مذکور در تاریخ  
 درخشان امر الله بعنوان يك مرحله تحوّل و تکامل  
 بسیار مهم در نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله  
 شناخته شده و اهمیت آن در مستقبل ایام ظاهر و  
 نمایان خواهد شد و نسل کنونی بهائی آنچنان  
 باین واقعه مهم تاریخی نزدیک است که قادر  
 به درك عظمت و تاثیر آن در سرنوشت جامعه  
 بشری کما هو حقه نمیباشد • در تاریخ ادبیان  
 سلف وقایع و حوادثی بچشم میخورد که قسمتهای  
 برجسته و مهم تاریخ آن ادبیان را تشکیل میدهند  
 در حالیکه هنگام وقوع اهمیت آنها مجهول بوده  
 و آنانکه در جریان واقعه قرار داشته و یا خود  
 آنرا بوجود آورده اند ، ابداً قادر به درك  
 اهمیت و کیفیت آن نبود هاند • در تاریخ درخشان  
 امر مقدّس بهائی نیز از این وقایع و حوادث مهم  
 و پر کیفیت تاریخی بسیار است که بی شك نسلهای  
 آینده و مورخین مبرز بهائی در مستقبل ایام بیش  
 از نسل حاضر قادر به درك اهمیت و تاثیر آنها  
 خواهند بود • تأسیس بیت العدل اعظم الهی در  
 سال ۱۲۰ بدیع در عدد یکی از این وقایع مهمه  
 عظیمه معدود است •

انتخاب و تأسیس دیوان عدل الهی با  
 واقعه تاریخی دیگر یعنی انعقاد اولین کانونشن  
 بین المللی بهائی در مدینه منوره حیفا همراه  
 و مقارن بود. در این کانونشن نمایندگان محافل

ملیّه عالم بهائی که از نژادها، اجناس ، ملیّتها ، عناصر و طبقات مختلفه مرکب بود ند برای اولین بار در يك انجمن رسمی و بین المللی بهائی اجتماع و در جلسات کانونشن بکمال الفت و وحدت نظر در باره مسائل مختلفه امریه بخصوص تبلیغ و انتشار امرالله و دخول دسته جمعی نفوس در ظل شریعت الله بشور و تبادل نظر پرد اختند و نموداری از تمدّن روحانی آینده بهائی و محبت و اتحاد عمومی را در مقابل دیدگان هر بیننده ای مجسم نمودند بعلاوه در این فرصت تاریخی برای اولین بار بود که قریب سیصد ( ۳۰۰ ) نفر از نمایندگان ملیّه دنیای بهائی رجالا و نساء از شرق و غرب واز نژاد های مختلفه ابیض - احمر - اسمر - اسود و اصر بطور دسته جمعی بزیارت اعتاب مقدسه و طواف مراقده منصوره مشرفه و زیارت روضه مبارکه فائز و مراتب خضوع و خشوع و شکرانه قلبی خود را باستان مبارک تقدیم میداشتند و با چشمانی گریان و حالتی پر از تعظیم و انکسار از ساحت قدس طلب تائید و هدایت مینمودند .

در مواقع تشرّف باماکن و مراقده متبرکّه و حدائق حول آنها افکار نمایندگان متوجه زحمات و مشقات مداوم و ۳۶ ساله هیکل اطهر شده و از این همه لطف و زیبائی و طراوتی که بید قدرت حضرتش در دل صخره های کوه خدا در ارض مقدّس موعود لانه و آشیانه انبیا بوجود آمده غرق دریای تعجب و حیرت میشدند . در طول

جلسات کانونشن نیز خاطر مجتمعیین همواره متوجه  
عنایات هیکل مبارک بوده واز اینکه در ختام نقشه  
موفقیت آمیز جهاد دهساله که بقلم ملهم آنحضرت  
ترسیم گشته بود توفیق زیارت اعتبار مقصد سه  
و شرکت در اولین کانونشن بین المللی بهائیی  
نصیبشان شده و بشارت فتوحات عظیمه امریه  
را در قارات خسته عالم استماع مینمودند از صمیم  
قلب مراتب خضوع و وفاداری و شکرانه خود  
را به ساحت مبارکش تقدیم میداشتند.

پس از اعلان نتیجه انتخابات در یوم دوم  
عید اعظم رضوان شور و سرور یاران بنهایت رسید  
زیرا برای العین میدیدند که بشارت و وعود  
الهییه در باره چنین روز فیروزی کل تحقق یافته  
و سفینه احکام بر جبل کرمل جاری گردیده و اهل  
بهاء که نامشان در کتاب الاسماء مذکور است در  
عالم ملک ظاهر شده اند و اعضای دیوان عدل  
الهی که در ظل صون و عنایت و هدایت جمال  
اقدس ابهی و طلعت اعلی و مالا یگانه ملجاء  
و پناه دنیای رنج دیده کنونی است بوسیله  
نمایندگان ملیه دنیای بهائی انتخاب و تعیین  
گردیده است.

هریک از مجتمعیین تبریک گویان و با چشمانی  
پراز اشک شوق و شادی اعضای منتخبه این مرجع  
معصوم و هیئت عالی و مجلل را در آغوش خود میفشرد  
و برکات و تائیدات الهیه را از درگاه جمال قدم  
برای آنان که چنین مسئولیت عظیمی را بر عهده  
دارند رجا میکرد.

اعضای اولین بیت العدل اعظم الهی از  
 نژادهای متفاوته و ملیت های مختلفه شرقی و غربی  
 که نسب آنها به سه دیانت معتبر عالم یعنی یهود،  
 مسیحیت و اسلام میرسد ترکیب یافته و فی الحقیقه  
 رمزی از وحدت اصلیه حقیقیه عموم اهل عالم  
 در ظل سراپرده و وحدت و یکرنگی اسم اعظم میباشد.  
 با انتخاب و تأسیس اعظم قوه تقنینیه عالم  
 بهائی و مصدر مصون از خطای تشریح قوانین  
 غیر منصوصه مرحله جدیدی در خدمت  
 و مسئولیتهای روحانیه یاران رحمانی بخصوص در  
 میادین دائم الاتساع بین المللی بوجود آمده  
 است لذا احبای الهی در مهد امرالله بخصوص  
 جوانان عزیز بهائی که اخلاف شهداء و جانبازان  
 عصر رسولی میباشند باید خود را از هر جهت  
 برای جولان در این میدان خدمت نیز آماده  
 نمایند و باتفاق خواهران و برادران روحانی  
 خود در اقطار شاسعه عالم شرایط فعالیت و  
 مجاهدت در این عرصه پهناور را بکمال شجاعت  
 و مداومت و سرور قلب تحصیل کنند تا بتوانند  
 امانت الهیه را که در این دور مبارک من غیر استحقاق  
 بر دوش خادمین دگرگاهش قرار گرفته حمل  
 نمایند. رب و فقهیم بفضلک و قدرتك.



# عید عظیم رضوان

” یا قلم الایہی بشر الملائہ العلی  
بما شق حجاب الستر  
وظہر جمال اللہ من ہذا  
المنظر الاکبر بالضیاء الذی  
به اشرقت شمس الامر عن مشرق  
اسمہ العظیم ”

در بین پیروان کلیہ ادیان و مذاہب مختلفہ و  
همچنین اقوام و ملل متنوعہ عالم بعلت بروز حوادث و  
اتفاقات میمون و مشئوم و یا ظہور و افول شخصیتہای  
برجستہ اجتماعی ، ادبی و علمی و یا پیروزیہا  
و ناکامیہا ملی و قومی روزہای سرور و شادی و یا  
غم و اندوه موجود است کہ ہر سال بیاد آن حوادث  
مألوف گردند و در یاد بود وقایع میمون و فرخندہ بہ  
سرور و شادی پردازند و بالعکس در سالروز حوادث  
تلخ و نامبارک قرین اسف و اندوه شوند .  
در تاریخ امر مقدس بہائی و دوران حیات پیرانوار

دو مظهر الهی حضرت ربّ اعلی و جمال اقدس ابھی نیز حوادث و وقایع تلخ و شیرین موجود است که مستظلمین در ظلّ این شریعت ملکوتی بر طبق نصوص و تبیینات مبارکه ایام مربوط به هر یک از این وقایع را محترم دانند و به مناسبت آن حوادث و رویدادها بسرور و شادمانی پردازند و یا دچار حزن و الم گردند. چنانچه یوم تولّد و بعثت طلعت اعلی مبشر جمال ابھی و موعود دوربابی و همچنین یوم تولّد جمال قدم و یا اظهار امر آن حضرت از ایام بهجت و سرور و بالعکس یوم شهادت کبرای حضرت ربّ اعلی و یا صعود جمال اقدس ابھی از روزهای غم و اندوه به جهت یاران الهی در این دور مبارک محسوب است.

از جمله اعیاد و جشن های مهمّه در این ظهور مبارک عید اعظم رضوان سلطان اعیاد است زیرا در این ایام بود که طلعت ابھی پس از ۱۹ سال از اظهار امر مبشر اعظم در حین حرکت از بغداد به اسلامبول و در عین سرگونی با نهایت جلال و عظمت در باغ رضوان نقاب از چهره برگرفت و بر عرش ظهور مستوی گشت و علناً و صریحاً مقام و مظهریت خود را باصحاب و مؤمنین دور بآبی اظهار و خویش را من ینظیره الله موعود در بیان و بالاخره ظهور کلی الهی و موعود جمیع امم و ملل معرفی فرمود و از آن پس بانزال الواح و آثار مبارکه و احکام و تعالیم مقدّسه قیام و اهل عالم را به دخول در ظلّ خیمه وحدت و یکزنگی و تأسیس ملکوت صلح و سلام دعوت و دلالت نمود. این اظهار امر علنی جمال قدم که ده سال بعد از اظهار امر خفی آن سلطان قدرت در سجن ارض طاء

واقع شد چند سال بعد در ایام توقف حضرتش در  
ارضِ سرّ و سجن عکا به اظهار امر عمومی آن مظهر کلی  
الهی و نزول الواح و توقیعات و اندازاتی خطاب به  
ملوک و روسا و زمامداران و پیشوایان روحانی ارض و  
اعلان مظهریت خصرتش بعموم اهل عالم منجر  
و منتهی گردید.

در مدت ۱۲ روز ایام عید سعید رضوان کسه در  
بهترین اوقات سال واقع شده نه تنها ستاینندگان  
اسم اعظم در سراسر جهان مجالس جشن و شادمانی  
بر پا داشته و بیاد آن ایام پر بهجت و سرور مالوف  
و به تلاوت آیات و الواح مخصوصه این عید اعظم  
مشغول میشوند بلکه جامعه جهانی بهائی و موسسات  
اداری این شریعت آسمانی نیز هر سال به هنگام حلول  
این ایام سعید و مبارک فتوحات و انتصارات سنه  
ماضیه را بررسی نموده و برای اقدامات و مجهودات  
جدیده طرح ها و نقشه های بدیعه وضع و اجرا میکنند .  
هرسال در ایام عید اعظم رضوان اولاً انتخابات  
بهائی اعم از محلی و ملی در سراسر دنیای بهائی  
تجدید میشود و یاران الهی به انتخاب اعضای  
محافل محلیه و وکلاء و نمایندگان خود مبادرت  
و اداره امور جامعه را برای مدت يك سال به دست  
برگزیدگان خود میسپارند . ثانیاً انجمن های شور  
روحانی ملی در کلیه جوامع ملیّه در این ایام فرخنده  
فال تشکیل و وکلای جامعه در این انجمن ها شرکت و پس  
از استماع اخبار و بشارات امریه و وقوف بر  
اقدامات و مجهودات محفل ملیّی در سنه گذشته و  
ارائه نظرات و پیشنهادات مفیده و آشنائی و ارتباط

با سایر وکلای جامعه به انتخاب اعضای محفل روحانی مّلی برای مدت يك سال مبادرت می‌ورزند . ثالثاً در ایام عید اعظم رضوان چه در دوران ولایت عظمی از طرف آن مولای حنون و چه در حال حاضر از طرف بیت العدل اعظم الهی پیامی خطاب بسه عموم انجمن‌های شور روحانی مّلی صادر و در این پیامها معمولاً فتوحات و موفقیت‌های یکسال گذشته به دنیای بهائی اعلام و اهداف و مقاصد و وظائف و مسئولیت‌های خطیره یاران در سال آتی ابلاغ میگردد .

در دوران ولایت عظمی بخصوص در سالهای اخیر این دوران پر برکت و همچنین پس از صعود حضرت ولی امرالله و مولای اهل بهاء جامعه جهانی بهائی در رضوان هر سال شاهد فتوحات عظیمه و مجهودات و اقدامات جدیده و اعلام نقشه‌های بدیعه و تاسیس محافل روحانی محلیه و مّلیه و مراکز تازه بوده است که بسه مدد تائیدات متتابعه ملکوت ابهی و همّت و مجاهدت باسلان میادین خدمت هر سال بر تعداد آنها در قارات خمه عالم افزوده شده و میشود .

رضوان سال ۱۹۶۳ میلادی یکی از پر خاطره‌ترین و تاریخی‌ترین ایام عید اعظم رضوان در سالهای اخیر بوده است زیرا در این سال فرخنده فال جامعه جهانی بهائی صدمین سال اظهار امر علنی جمال اقدس ابهی را که مصادف با پایان موفقیت آمیز جهاد کبیر اکبر روحانی و نقشه منیعه ده ساله بود به کمال شکوه و جلال جشن گرفت و ثانیاً اعضای

محافل مقدّسه روحانیه ملیّه در جوار پر انوار  
اعتاب مقدّسه و بقاع متبرکه در ارض اقدس در اولین  
کانونشن بین المللی بهائی اجتماع نموده و بـ  
انتخاب اعضای نخستین بیت العدل اعظم الهی  
مبادرت ورزیدند.

امیدواریم که ستاینندگان اسم اعظم در مهد امرالله  
و برگزیدگان و نمایندگان این جامعه ممتحن در  
رضوان هذه السنه موفق به اخذ تصمیمات مفیده و  
اقدامات اساسیه در سبیل تحقق اهداف ملی و  
بین المللی نقشه منیعه نه ساله دیوان عدل الهی  
گردند و به رفع موانع و مشاغل حالیه و تزییقات  
موجوده با استمداد از تائیدات الهیه نائل آیند.

# تقویم بهائی

” از ملکوت بیان مقصود  
عالمیان نازل شد  
آنچه که سبب حیات عالم  
و نجات امم است.“

( کتاب عهدی )

مقدمه - تا آنجا که تاریخ و آثار ادوار ماضیه در دست است و از گذشته افراد بشر اطلاع داریم اجتماعات انسانی در زمانها و مکانهای مختلفه جهت اندازه گیری زمان و تعیین تاریخ حدوث وقایع روشهای گوناگون اتخاذ کرده اند. بطوریکه هم اکنون نیز که روابط بین ملل توسعه و تکامل عجیب یافته در بین اقوام و ملل عالم و در نقاط مختلفه تقاویم متعددی رایج و متداول است که بعنوان مثال تقویم گریگوری در اروپای غربی - تقویم جولیسوسی در اغلب ممالک اروپای شرقی - تقویم عبری

در بین قوم یهود - تقویم هجری قمری در بین اغلب  
ممالک اسلامی و تقویم جلالی در بین ایرانیان را  
میتوان نام برد.

در ازمنه سالفه ملل مختلفه يك واقعه مهم  
تاریخی مانند ظهور مظاهر الهیه جلوس یا سقوط  
و مرگ پادشاهان خود و یا يك حادثه طبیعی مانند  
زلزله و آتشفشان و خسوف و کسوف و امثالهم را  
مبداء تاریخ قرار داده و سایر وقایع را نسبت به  
آنها توجیه و تعیین میکردند - ایرانیان قدیم  
جلوس پادشاهان را بر تخت سلطنت مبداء تاریخ  
قرار داده و پس از سقوط یا مرگ هر پادشاهی مبداء  
را عوض کرده و آنرا از آغاز پادشاهی پادشاه  
جدید حساب مینمودند.

اولین و مهمترین مبداء تاریخی که بذهن افراد  
بشر خطور کرده هبوط آدم بوده است و لکن این مبداء  
به حدی با ابهام توأم بوده و بعلاوه بدرجهای  
در بین اقوام و ملل مختلفه تباین و اختلاف عقیده  
نسبت بآن وجود داشته است که هیچگاه بعنوان يك  
مبداء رسمی قطعی مورد استعمال نیافتاده و  
میتوان گفت که از صورت افسانه و داستان خارج  
نشده است. از جمله مبادی مهم تاریخی که در  
گذشته ایام در بین ملل عالم رواج داشته و هم اکنون نیز  
بر فراز آنها متداول است عبارت از ظهور زردشت  
پیغمبر در تاریخ ایرانیان قبل از اسلام - تاریخ  
کلدانی قبطی - رومی اسکندری - عبرانی - یزدگردی -  
میلادی - هجری و جلالی میباشد. بطور کلی  
میتوان گفت که برای اندازه گیری زمان دو نوع

واحد بکار رفته و می‌رود:

اول - واحد های اندازه گیری طبیعی که بر مبنای گردش بعضی سیارات منظومه شمسی و تغییرات طبیعی قرار دارد.

دوم - واحد های قرار دادی که بوسیله مظاهر الهی یا متفکرین و رؤسای اقوام برقرار شده است.

اول - واحد های طبیعی عبارتند از:

۱ - شبانه روز - که از گردش وضعی زمین بدور محور خود حاصل میشود و با وجود اختلاف شب و روز در فصول مختلفه بخصوص در قطبین بعنوان يك واحد اندازه گیری زمان بکار می‌رود.

۲ - ماه قمری - که عبارت است از فاصله زمانی بین دو حالت متوالی و متحد الشکل ماه میباشد (معمولا بین دو هلال ماه که حد متوسط اندازة آن در سال ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه است.)

۳ - سال شمسی - که عبارت از مدت زمانی است که کره زمین یکبار بدور خورشید می‌گردد و اندازه واقعی آن ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و کسری است، باینکه دانست که در عهد ماضیه و اعصار سالفه علاوه بر تقسیم زمان و تعیین ماه و سال از روی حرکت ماه و یا زمین واحد های دیگری نیز با توجه به حرکت سایر سیارات منظومه شمسی وجود داشته که اکنون متروک و غیر متداول گردیده اند چنانچه حضرت عبد البهاء جل ذکرة در لوحی راجع به مسئله طول عمر پیشینیان چنین می‌فرمایند:

قوله الجلیل " ای بنده جمال ابهی آنچه ذکر امتداد حیات سلف است امری است اعتباری نبه



بحسب اصطلاحی درین ایام ۰ زیرا در ازمنه  
 قدیمه سنین مختلفه بوده بعضی یک دوره ماه را  
 یکسال می‌شمردند و بعضی دوره آفتاب را و همچنین  
 دوره هر یک از کواکب سیاره را یک سال مینامند، مثلاً  
 سنه قمری، سنه شمسی، سنه زهره، سنه عطاردی، سنه  
 مریخی، سنه مشتری، سنه زحل، که عبارت از مدت  
 دوره این کواکب است و الا ایام حیات همین است که  
 واضح و پدید است نهایت آنکه اجسام پیشینیان  
 از جهت معیشت بسیطه قویه بوده و بنیه شدیدتر"  
 انتهی (کتاب امر و خلق صفحه ۴۷۰)

دوم - واحد های قراردادی که عبارتند از :

۱- هفته - تا آنجا که مدارک موجود حاکی

است یکی از قدیمی ترین تقسیمات قراردادی زمان  
 عبارت از هفته است که مدت آن هفت روز میباشد  
 چنانچه در قاموس کتاب مقدس در ذیل عدد هفت  
 مذکور است "از ابتداء همواره عدد ایام هفته  
 هفت روز بوده است ۰ عدد هفت هم در کتاب مقدس برای  
 عدد تام و کامل استعمال شده چنانکه ملاحظه  
 نمودیم میبینیم که نمونه آن در اغلب جاهای کتاب  
 مقدس مذکور است "البته باید دانست که  
 در ادیان معتبر عالم و در بین ملل مختلفه روز اول  
 هفته و روز تعطیل هفتگی یکسان نیست و لکن مدت  
 هفته در نزد همه ملل هفت روز است (این واحد اندازه گیری  
 زمان چنانچه بعداً توضیح خواهیم داد در این ظهور  
 مبارک نیز تأیید و تنفیذ گردیده است ۰)

۲- ساعت - و آن عبارت است از یک بیست و چهارم

( $\frac{1}{24}$ ) مدت شبانه روز یا مدت حرکت زمین بدور

محور خود • تقسیم شبانه روز به ساعت و همچنین تقسیمات ساعت به دقیقه و ثانیه یکی از واحدهای اندازه گیری نسبتاً جدید است که اکنون جنبه بین المللی بخود گرفته و در جمیع نقاط عالم معمول و متداول میباشد •

۳ - ماههای شمسی - برای تقسیم ۲۶۵ روز سال شمسی بواحدهای کوچکتر با توجه به تعدد ایام ماههای قمری تقویم های قدیم و کنونی سال شمسی را بدوازده بخش تقسیم کرده و هر یک را ماه شمسی نامید هاند و لکن تعدد ایام ماههای سال در هیچیک از این تقاویم مساوی نبوده و بین ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ روز - متغیر میباشد • فی المثل در کشور ایران مطابق قانون شش ماه اول سال ۳۱ روز و پنج ماه نیمه دوم سال هر یک ۳۰ روز و ماه آخر یعنی اسفند ماه ۲۹ روز و در سالهای کبیسه ۳۰ روز مقرر شده است • برای تقسیم صحیح سال به ماههای شمسی از طرف دانشمندان و متخصصین در طول تاریخ طرق مختلفه ای پیشنهاد شده و لکن متاسفانه هیچیک از آنها خالی از نقص و اشکال نبوده است •

۴ - فصول - کره زمین حرکت انتقالی خود را بدور خورشید طوری انجام میدهد که در مدت آن خورشید دو مرتبه در مقابل خط استوا قرار میگیرد ، یکی در اول بهار که آنرا اعتدال ربیعی گوئیم و دیگری در اول پاییز که آنرا اعتدال خریفی نامیم • گردش خورشید در مدت یکسال شمسی بین دو مدار راس السرطان و راس الجدی در تغییر است که اولی در "  $30^{\circ}$  و  $27^{\circ}$  و  $23^{\circ}$  " درجه

از خط استوا در نیمکره شمالی و دومی  
 "۳۰° و ۲۷° و ۲۳°" درجه در نیمکره جنوبی قرار  
 دارد و در نتیجه این تغییرات فصول چهارگانه و اختلاف  
 ساعات شب و روز در نقاط مختلفه کره زمین بوجود  
 میآید. در صورتیکه اگر حرکت زمین بنحوی بود که  
 خورشید همواره بر روی خط استوا یا مدار صفر  
 درجه گردش میکرد فصول چهارگانه و تغییر درجه  
 حرارت و اختلاف ساعات شب و روز در نقاط مختلفه  
 کره زمین بوجود نمیآمد. نوع بشر از ازمنه  
 بسیار قدیم این تغییرات حاصله در مدت یکسال  
 را بفصول چهارگانه بهار - تابستان - پاییز و  
 زمستان و یا بطور مجمل به دو فصل سرما و گرما  
 یعنی تابستان و زمستان تقسیم نموده و از روی آن موسم  
 کشت و درو و برداشت محصولات زراعتی خود را معین  
 میکرد و حتی برخی از ایام سال را با توجه به این  
 تغییرات جشن میگرفته است که هنوز هم برخی از این  
 جشنها در بین ملل عالم موسوم و معمول است.

در قاموس کتاب مقدس در خصوص تقسیمات فصول سال  
 چنین مذکور است (اول تقسیمی که از برای سال وارد  
 است از این قرار است) "مادامی که جهان باقی است  
 زرع و حصاد و سرما و گرما و زمستان و تابستان  
 و روز و شب موقوف نخواهد شد."

سفر پیدایش - پس لفظ زرع اشاره باواخر  
 پاییز و لفظ حصاد اشاره باواخر بهار و اوائیل  
 تابستان و سرما اشاره بزمستان و قصد از گرما  
 اواخر تابستان و اوائیل پاییز است. از آن پس این  
 چهار را در دو لفظ جمع نموده میگوید تابستان و زمستان

و تقسیم شبانه روز بروز و شب در پی آن مذکور است.<sup>۱۰</sup>

تقسیمات زمان در امر مقدّس بهائی  
از آنجا که مقصد از استقرار مظهر کلی الهی  
بر عرش ظهور بر طبق بشارات و وعود کتب  
مقدّسه تاسیس مدنیّت و سلطنت لا شرقیّه و  
لا غربیّه الهیه در بسیط غیره؛ و استقرار وحدت  
عالم انسانی و صلح و محبت عمومی بین کافه ملل  
و اقوام عالم است، لذا جمال اقدس ابهتی در  
تعالیم و مبادی مقدّسه و آثار مبارکه خود  
آنچه را که سبب اختلاف و نزاع و عدم الفت و  
اتحاد است نسخ فرموده قوانین و عواملی که برای  
وحدت و محبت بین بشر لازم است وضع و تشریح  
نموده اند با توجه به هدف غائی این ظهور کلی  
که تاسیس وحدت نوع بشر در عالم ترابی است  
قلم اعلی شئون و ارکان مختلفه این وحدت را در -  
تعالیم مبارکه امر بهائی تشریح و حضرت مولی -  
الوری آنها را تبیین فرموده اند.

از جمله عوامل و لوازم تمدّن جهانی بهائی  
وحدت عالم انسانی وجود یک تقویم بدیع و متحد الشکل  
بین المللی است که بنحو مطلوب بتواند در جمیع  
نقاط عالم متد اول شده و مورد قبول عموم ملل  
قرار گیرد و بدین وسیله بایجاد وحدت و اتحاد بین  
اقوام و ملل کمک کند - متاسفانه تقاویم متد اوله  
در گذشته و حال و نحوه تقسیمات زمان در آنها با  
توجه به نقائص و استثنائاتی که داشته و زاده افکار  
ناقصه بشری هستند هیچیک نمیتوانند بعنوان

يك تقويم بين المللی و مورد قبول عموم ملل مورد استفاده قرار گیرند. لذا در این ظهور امنع اعز صمدانی مشیت غالبه الهی فضلاً علی العباد يك تقويم بدیع و بین المللی وضع و تعیین فرموده که باعتقاد اهل بهاء رواج و استعمال آن بسیاری از مشاکل موجوده را حل کرده و بسهم خود تحولی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی و بخصوص روابط بین-المللی بوجود خواهد آورد.

این تقویم بدیع ابتداءً بوسیله طلعت اعلی جل شانه در کتاب مستطاب بیان و کتاب مبارک الاسماء تاسیس و توجیه شده و اجرای آن موکول بقبول من یظهره الله گردیده بود.

سپس جمال قدم بصرف فضل در کتاب مستطاب اقدس آنرا امضاء و تنفیذ فرمودند. مطابق نص صریح حضرت اعلی سال بیانی مرکب از ۱۹ ماه و هر ماه مرکب از ۱۹ روز است که عبارت از ۳۶۱ روز و مطابق با عدد "کلثمی" میشود. چنانکه در باب ثالث از واحد خامس کتاب بیان فارسی نازل قوله تعالی " خداوند عالم خلق فرموده کل سنینی را با امر خود و از ظهور بیان قرار داده عدد هر سنین را عدد کلثمی و آنرا نوزده شهر قرار داده و هر شهر را نوزده روز فرموده " و در کتاب مستطاب اقدس تأییداً لما نُزِلَ مِنْ قَلَمِ مُبَشِّرِهِ الْقَرِيدِ نَازِلِ قَوْلِهِ تَعَالَى وَتَقْدَسُ. " اِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّٰهِ تِسْعَةٌ عَشْرَ شَهْرًا فِی كِتَابِ اللّٰهِ قَدْ زَيَّنَّا لَهَا فِي هَذَا الْاِسْمِ الْمُهِينِ عَلٰى الْعَالَمِينَ "

حضرت رب اعلی جل اسمه الا علی ماهها و

روزهای سال را مطابق اسماء و صفات الهی که در دعای سحر شیعه اسلام نازل شده نامگذاری فرموده اند که عنوان آن دعا اینست "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ يَا بَهَاءُ وَكُلِّ بَهَائِكَ بَهَي ۰۰۰ الخ"

در شریعت مقدس بیان راجع به ایام زائده سال یعنی ایام زائده بر ۳۶۱ روز حکمی صریح نازل نشد و مقام و محل آنها تعیین نگردیده بود تا اینکه در این ظهور مبارک حکم آن بتمریح از قلم جمال قدم در کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح نازل و وظیفه اهل بهاء در آن چند روز تعیین گردید قوله تعالی فی کتابه الا قدس .

"وَأَجْعَلُوا الْإَيَّامَ الزَّائِدَةَ عَنِ الشُّهُورِ قَبْلَ شَهْرِ الصِّيَامِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا مَظَاهِرَ الْهَاءِ بَيْنَ الْإِلْيَاسِ وَالْإَيَّامِ" بر طبق نص صریح الهی ایام زائده بر سال را جمال قدم به ایام اعطاء یا ایام هاء موسوم فرموده اند که حکایت از هاء هویه یعنی ذات اقدس حضرت الوهیت میکند. در باره ایام هاء میفرمایند "لِذَا مَا تَحَدَّدَتْ بِحُدُودِ السَّنَةِ وَالشُّهُورِ" بعلاوه موضع و محل این ایام ها در سالهای معمولی چهار روز و در سالهای کبیسه پنج روز است قبل از ماه صیام یعنی بین ماه هیجد هم و نوزد هم معین فرموده و آخر ماه صیام و اول نوروز را یکی از ایام و اعیاد متبرکه دیانت مقدس بهائی مقرر داشته اند. وظیفه اهل بهاء در ایام هاء اشتغال به تهلیل و تکبیر و تسبیح و تمجید حضرت پروردگار انعقاد ضیافات و تلاوت آیات مخصوصه مبارکه بکمال فرح و انبساط و همچنین

اطعام به خویش و خویشان و فقراء و محتاجین  
میباشد . بقوله تعالی :

" ..... يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْبِهَاءِ أَنْ يُطْعِمُوا فِيهَا  
أَنْفُسَهُمْ وَ ذَوِي الْقُرْبَى كُنَّمِ الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينِ  
وَ يَهْلِيْنَ وَ يُكَبِّرُنَّ وَ يُسَبِّحُنَّ وَ يُمَجِّدُنَّ رَبَّهُمْ بِالْقَرَحِ  
وَ الْإِنْبِطَاطِ . "

و نیز میفرمایند : " ..... این ایام بسط قبل  
از قبض، و اعطاء قبل از امساک است لذا باید کل  
بکمال انبساط و ابتهاج و روح و ریحان به تهلیل و  
تکبیر و تسبیح حق متعال مشغول شوند و در این  
ایام اجتماع و ضیافت و سرور لدى الله محبوبست  
انشاء الله کل بکمال مایمکن فی الامکان در این ایام  
متلذذ باشند و بعد وارد در شهر صیام شوند  
طوبی للعاملین . " انتهى

باید دانست که ایام نوزده گانه ماه نیز  
به ترتیب به همان اسامی نوزده گانه ماهها  
موسومند فی المثل روز اول همراه یوم البهاء روز دوم  
یوم الجلال و بهمین ترتیب تا روز آخر که یوم  
العلاء نامیده میشود . ضمناً در این ظهور مبارک  
واحد قرار دادی هفته شامل هفت روز تأیید و تنفیذ  
شده و برای روزهای هفته نیز هفت اسم از اسماء  
الهی بقرار ذیل تعیین گردیده است .

شنبه یوم الجلال ، یکشنبه یوم الجمال ، دوشنبه  
یوم الکمال ، سه شنبه یوم الفضال ، چهارشنبه  
یوم العدال ، پنجشنبه یوم الاستجلال ، جمعه یوم  
الاستقلال . روز اول هفته در این دور مبارک یوم  
شنبه و روز تعطیل طبق بیان مبارک حضرت عبد البهء

یوم جمعه است قوله العزیز "

" و یوم راحت در این دور روز جمعه است . "

( در ایام اقامت جمال قدم در مدینه عکا

تقویم بدیع واسامی ایام و شهور و ایام هفته  
بد ستور حضرتش توسط جناب نبیل زرنندی از کتاب  
مبارك الاسماء که یکی از آثار مهمه حضرت اعلی  
است جهت اطلاع و استفاد ه احبای الهی  
استخراج گرد ید )

تقویم بهائی بفرموده جمال قدم جل اسمه  
الا عظم بر مبنای سال شمسی قرار دارد و د و ابتدای  
آن مانند سال ایرانیان قدیم نوروز و ابتدای اعتدال  
ربیعی است . مبداء تاریخ بدیع و تقویم بهائی  
بر طبق اراده مبارکه حضرت بهاء الله سال ۱۲۶۰ هجری  
قمری مطابق ۱۸۴۴ میلادی یعنی سال اظهار امر  
حضرت رب اعلی جلت قدرته میباشد .

در خاتمه باید دانست که طلعت اعلی هر  
۱۹ سال بعد از اظهار امر خود را باسامی مختلفه  
موسوم فرموده و هر ۱۹ سال را يك واحد نامید ه اند  
و ۱۹ واحد یعنی ۳۶۱ سال ( ۱۹ × ۱۹ ) از لحاظ  
تطابق ابجدی تشکیل يك " کلشیئی " یا يك دور را  
میدهد که بعد از ۳۶۱ سال مجدداً تجدید میشود  
بطوریکه ملاحظه گردید در تقویم بدیع بهائی  
اولاً ایام زائده در سال بحد اقل ممکن یعنی چهار  
روز تقلیل یافته است . ثانیاً تعداد روزهای  
کلیه ماههای سال برابر است . ثالثاً تعداد  
روزهای ماه و ماههای سال نیز مساوی میباشد .  
رابعاً تقسیم سال به ماههای ۱۹ روزه با تسوجه



به پیشرفت تمدن و سرعت فوق العاده که لازمه  
 آنست فوائد اقتصادی و اجتماعی فراوانی دارد که  
 بحث در آن از حوصله این مقال خارج است .  
 فی الحقیقه اگر اهل عالم دور از جنجال تعصبات  
 عقیده ای و ملی و آزاد از تمسک به آداب و عادات  
 عتیقه این سیستم بدیع تقسیمات زمان را اتخاذ  
 کنند و بدان جنبه ، بین المللی بخشد موجب تحوّل  
 و تغییرات قابل ملاحظه ای در زندگانی بشر و  
 تکامل آن بسوی وحدت شده به حسن تفاهم و بسط  
 روابط بین المللی نیز کمک موثری نموده اند  
 ولکن واسفا که عالم انسانی باین حکم محکم الهی  
 نیز مانند سایر تغالیم و مبادی نجات بخش قلم  
 اعلی بدیده بی اعتنائی نگریسته و خود را  
 در غرقاب مصائب و بلایای گوناگون  
 غوطه ور نموده است .

انتهی

# مقالات در مواضع مختلفه

# موقعیت زمانی طلوع شمس حقیقت

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم در این سال فرخنده فال گذشتن یکصد سال از اعلان عمومی امر حضرت بهاء الله را به ملوک و زمامداران عالم که در ارض سرّ و سپس سجن عکا اتفاق افتاد جشن میگیرند و به یاد آوری این واقعه مهم تاریخی و تفکر و تعمق در آثار و نتایج آن میپردازند و بار دیگر قدم استقامت به میدان خدمت فراتر می گذارند تا پیام نجات بخش مظهر کلی الهی را به ابناء مصیبت زده و سرگردان بشر و بزرگان عالم ابلاغ و عظمت و جامعیت تعالیم و مبادی این ظهور ملکوتی را که به بالمآل کافل سعادت و نجات اهل عالم است اعلان نمایند. هئیت تحریریه آهنگ بدیع نیز شمایه‌های مخصوص حاوی مطالب و مسائل مختلفه مربوط به این واقعه بزرگ تاریخی و شرح انعقاد کنفرانسهای بین القارات تنظیم و یکی از مطالب آن را شرح و بیان اوضاع و احوال دنیا در نیمه دوم قرن نوزدهم و مقارن طلوع شمس حقیقت و اعلان عمومی امر حضرت بهاء الله تعیین نموده که در این مقال بقدر استطاعت و بنحو

اجمال مطالبی در این خصوص به استحضار خوانندگان عزیز می‌رسد.

مورخین و متتبعین قرن نوزدهم و بخصوص نیمه دوم آن را که شاهد تاسیس نهضت روحانی و عمومی بهائی و اعلان تعالیم و مبادی سامیه آن نیز بوده قرن ظهور تحولات و تغییرات عظیم اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و فلسفی و بروز افکار و عقاید جدید و بوجود آمدن انقلاب بی سابقه در عالم علم و صنعت بر اثر اکتشافات و اختراعات عده دانسته‌اند. علت ظاهری و صوری این تحولات شگرف را باید در دو انقلاب عظیم فکری و صنعتی جستجو نمود که در دو مملکت اروپای غربی یعنی فرانسه و انگلستان بوجود آمد و سپس دامنه آن به ممالک آمریکای شمالی و لاتین و کشورهای آسیا و آفریقا و جزائر اقیانوس کبیر کشیده شد و دگرگونی بی سابقه‌ای در جمیع شئون و مظاهر زندگی افراد بشر و افکار انسانی بوجود آورد.

انقلاب کبیر فرانسه در اواخر قرن هیجدهم مفاهیمی مانند آزادی‌ها و مساواتها، حقوق طبیعی و فطری افراد بشر و حکومت مردم بر مردم را با خود به ارمغان آورد و ثمرات و اثرات آن در اوایل قرن نوزدهم و بخصوص نیمه دوم آن در سراسر عالم ظاهرتر و نمایانتر گردید و سبب بوجود آمدن آزادیها و مساواتها و حقوق بیشتر افراد و مقدمات لغو بردگی و محو عناوین و امتیازات طبقاتی و موروثی از طرفی و تاسیس ممالک مستقله جدید از طرف دیگر شد.

انقلاب صنعتی انگلستان یعنی اختراع ماشین نساجی

و استفاده از قوه بخار و اختراع ماشین بخار و بکار بردن آن در صنعت و تولید و همچنین در وسائل نقلیه بَرّی و بحری و بالنتیجه ایجاد تحّول شگرف در زمینه تجارت و حمل و نقل موجب بروز تحوّل عظیم در عالم صنعت و اقتصاد شد و مسائل جدیدی را در زمینه امور اجتماعی - سیاسی و اقتصادی مطرح ساخت و دنیا را بصورت و قیافه جدیدی در آورد. البته مقدمات این دو انقلاب از چندی قبل تحت تاثیر عوامل و علل مختلفه فراهم شده بود که اهم آنها بقرا ر ذیل است :

از بین رفتن کشمکشهای داخلی و بوجود آمدن امنیّت و راحت نسبی و بالا رفتن سطح زندگی مردم - ایجاد راههای جدید تجارّتی و رونق داد و ستد و ازدیاد رفت و آمد و روی کار آمدن شهرهای مهم تجارّتی کسه مرکز تجمّع افرادی روشنفکر و دنیا دیده شده بود - ترجمه و انتشار کتب فلاسفه یونان قدیم و ایجاد روحیه تفکّر و تتبع و تجربه و تحقیق طبق روش تمدّن یونانی - رواج استعمال کاغذ در اروپا و اختراع ماشین چاپ و بالنتیجه بالا رفتن سطح اطلاعات عمومی - مسافرت مارکو پولوو ماژلان و کشف راههای تازه و پیدا شدن قاره جدید آمریکا و مسافرت بدور دنیا و در نتیجه اثبات کروّیت زمین - طغیان روز افزون علیه سلطه و قدرت پاپها بخصوص توهّمات و عقاید خرافی آباء کلیسا و شروع نهضت‌های مذهبی و بروز انشعاب و انشقاق در دیانت مسیح بوسیله افرادی چون ویکلیف انگلیسی و ژان هوس از اهل چک و بخصوص مارتین لوتر آلمانی در اوائل قرن شانزدهم -

دست اندازی و تصرف قطعات و اقالیم دیگر در آمریکا و آسیا و آفریقا از طرف اروپائیان و بهره برداری از منابع و معادن طبیعی موجوده در آن قطعات - شروع دوره تجدید حیات علمی و صنعتی و ادبی و هنری در اروپا موسوم به عصر رنسانس و رواج بازار بحثهای علمی، فلسفی، ادبی، هنری و بوجود آمدن حس تتبع و انتقاد و سعی در شناختن روحیات و حقیقت وجود انسان و پیدایش معارف و اطلاعات جدید راجع به خود انسان Humanism ظهور متفکرین و مکتشفین بزرگ چون کوپرنیک و فرانسیس بیکن و هابس و جان لاک انگلیسی و گالیله ایتالیائی و پاسکال و دکارت فرانسوی و اسپینوزا پرتغالی، کپلر و لایبنیتز و کانت و هرشل آلمانی و گروسیوس هلندی در قرن ۱۶ و ۱۷ و اوائل قرن هیجدهم و رواج بازار استدلال و تحقیق و تجربه - بر افتادن رسم فئودالیت در اروپا و تشکیل دولتهای مستقل در فرانسه، انگلستان، اسپانیا و هلند و بسط قدرت دولت مرکزی - ترقی سرمایه داری و رواج تجارت و داد و ستد بین قطعات و ممالک مختلفه بر اثر کشف راههای عمده و برقراری امنیت نسبی - تاسیس بانکها و ایجاد اسناد تجاری از قرن ۱۶ بعد، اول بار در ایتالیا و سپس ممالک دیگر - پیدایش و توسعه راههای آبی و رواج کشتیرانی و تشکیل کمپانیهای مهم تجاری از قرن ۱۷ بعد و بوجود آمدن طبقه‌های مرکب از تجار و صاحبان کارخانجات و بانکها با ثروت هنگفت در مقابل قدرت و نفوذ روحانیون و نجبا و اشراف قدیم و در گرفتن نزاع بین آنها - بیداری افکار و رشد سیاسی و اجتماعی و شیوع افکار جدید در

قرن هیجدهم بر اثر ظهور متفکرین ونویسندگان  
 مقتدر بخصوص در فرانسه وانگلستان که از سیستم  
 اجتماعی و سیاسی موجود انتقاد میکردند .  
 بسیاری از این عوامل را میتوان از جمله « محرکات  
 عمده انقلاب کبیر فرانسه وانقلاب صنعتی انگلستان  
 و بالاخره تحولات و تغییرات عظیم و بی سابقه قرن  
 نوزدهم دانست . علوم و فلسفه و فنون و صنایع و  
 اختراعات و اکتشافات که اساس آن از قرن ۱۶ و ۱۷ ببعده نهاده  
 شده بود در نیمه دوم قرن نوزدهم بسط و تعمیم کلی  
 حاصل نموده و موارد عملی آن و استفاده از علم و صنعت در  
 زندگی روزمره افراد و تامین رفاه و آسایش انسان  
 توسعه یافت . بهره برداری بیشتر از قوه الکتریسته  
 و بخار آب ، اختراع تلگراف و تلفن و بی سیم و وسائل  
 ارتباطیه سریع السیر ، ابداع سینما و گرامافون و عکاسی  
 و صد ها اختراع وابتکار کوچک و بزرگ دیگر- پیشرفتهای  
 قابل ملاحظه در علم الحیوة و پی بردن به علل  
 برخی امراض و دفع آنها و شناختن سلول و میکروب  
 و اختراع میکروسکوپ و واکسن و سرم - ترقیات بی سابقه  
 در علوم طبیعی مانند زمین شناسی ، حیوان شناسی و گیاه  
 شناسی و همچنین سایر رشته های علوم مثل شیمی و بخصوص  
 شیمی آلی و استفاده علمی از آن تاریخ و جغرافیا ، باستان  
 شناسی ، زبان شناسی ، علم الاجتماع ، روانشناسی و پسیکانالیز-  
 تحول قابل توجه در علم فیزیک جدید که از اقسام اشعه  
 و امواج مجهول و ساختمان ماده و خواص فلزات  
 بخصوص رادیوم و اُرانیوم و قوانین نسبیت و استفاده  
 از نیروی عظیم خورشید و قوای مستولی بر طبیعت  
 یعنی نور و حرارت و الکتریسته و مغناطیس و حرکت

و بخار و غیره بحث میکند و استفاده روز افزون علمی از این علم در راه رفاه و آسایش جسمی و مادی افراد بشر - تاسیس انجمنها و مجلات و نشریات علمی، فلسفی و ادبی و همچنین کتابخانه های عمومی و آکادمیها و دانشگاهها و مراکز تحقیق و تتبع و نظائر آنها سبب شد که قرن نوزدهم بخصوص نیمه دوم آن از قرون سابقه ممتاز و مشخص گردد و قرن تحولات عظیم و پیدایش اختراعات و اکتشافات جد بیده نامیده میشود.

متأسفانه این پیشرفتهای و اختراعات و اکتشافات و بهره برداری از آنها در طریق رفاه و آسایش افراد بشر موجب ایجاد کبر و غرور بیش از اندازه شد و انسان که به موازات این ترقیات مادی و ظاهری تحول و تغییر لازم روحی و معنوی حاصل نکرده بود علم را کافی و شافی و حلال تمام مشکلات دانسته، تصور نمود قدرت آنرا دارد که دامنه استفاده های علمی از علوم و صنایع و اختراعات و اکتشافات را تا آنجا توسعه دهد که طبیعت را کاملاً مقهور و تحت اراده و اختیار خود در آورده نسلهای آینده را از هر جهت قرین بهروزی و سعادت کامل سازد. این افکار و تصورات غلط و سطحی و ناشی از غرور و رواج آن سبب شد که اکثر معتقدات دینی از قبیل اعتقاد به حیات بعد از ممات و مجازات و مکافات اخروی و لزوم دیانت و احتیاج به مربی حقیقی و همچنین فضائل و کمالات اخلاقی مانند فداکاری و گذشت در راه مصالح عمومی دستگیری از ضعفا و بینوایان و اقدام به امور خیریه و رعایت جانب عدالت و انصاف در امور مورد بی اعتنائی و استهزاء افراد که خود را روشنفکر و متجسسند



میدانستند قرار گیرد و این افکار و معتقدات مغایر شئون و مقتضیات دوره ترقی علم و صنعت و عصر طلائی انگاشته شود و هرکس پای بند این نوع افکار بود کهنه پرست و دور از قافله ترقی و تمدن بشمار آید . در نتیجه رواج اینگونه افکار بتدریج هر فکرواعتقاد دینی یا اخلاقی که در زندگی روزمره و رفع حوائج جسمی و مادی نقش عملی ایفا نمیکرد، متروک ماند . کشف حقائق و مسائل و نظریات تازه در باره سابقه موجودات زنده و تاریخ کره زمین و تحقیق در مورد کیفیت بوجود آمدن حیات و تطور آن در کره خاکی بوسیله دانشمندان و متفکرین چون هومبولیت، چارلز لایل، لامارک، هاکسلی و داروین که با معتقدات دینی و آنچه که پیشوایان ادیان از ظاهر عبارات کتب مقدسه استنباط کرده و ترویج میدادند تفاوت کلی داشت سبب جدائی و دورشدن روز افزون دین از علم و نزاع بین ارباب علوم و پیشوایان مذهبی گردید . متاسفانه اوهام و خرافات و بدعت هائی که با اسم دیانت بوسیله عده ای از رؤسا دین و روحانیون " بظاهر آراسته و به باطن کاسته " ترویج میگردید دامنه این اختلاف و جدائی را وسعت داد تا آنجا که جمعی از نویسندگان افراط را بآن درجه رساندند که وجود ادیان را مانع ترقی و تعالی جامعه بشری دانستند و بین دیانت حقیقی و اوهام و خرافاتی که به اسم دیانت ترویج میشود فرقی ننهادند و به سوء استفاده هائی که از ادیان الهیه میشود توجهی نکردند . رواج اینگونه افکار آمیخته به غرور و توجه شدید به علوم و فنون ظاهری از یک طرف و بروز

تفرقه و تشتت و کشمکش بین پیروان ادیان مختلفه و ترویج اوهام و خرافات و بدعت ها بوسیله برخی از پیشوایان مذهبی از طرف دیگر، سبب ضعف ارکان دیانت و فراموشی اصول روحانی و اخلاقی ادیان و بی خبری از خدا و توجه به مادیات و جسمانیات و همچنین تضعیف و یا اضمحلال مؤسسات و تشکیلات دینی و محدودیت قدرت و اختیار رؤسا و پیشوایان دینی و بالاخره تفکیک دیانت از سیاست در نیمه دوم قرن نوزدهم گردید و این ضعف و سلب قدرت رؤسای مذهبی روز به روز بر شدت و جدت خود بیفزود تا آنکه در قرن بیستم در ممالک مسیحی و کشورهای اسلامی بعد اعلای خود رسید . فی المثل پاپ اعظم تا قبل از سال ۱۸۷۰ میلادی سرزمین هائی را در اختیار خود داشت و نوعی حاکمیت سلطنت بر آنها اعمال میکرد و از عنوان ریاست مذهب کاتولیک و قدرت عظیم روحانی و دنیوی نیز برخوردار بود . در سال ۱۸۶۱ وحدت ایتالیا بر اثر اقدامات و مجاهدت های کاور و گاریبالدی بدون تصرف و انضمام شهر رم بوجود آمد و رم همچنان در تصرف پاپ باقی ماند ولی آزادی خواهان وحدت ایتالیا را بدون تصرف رم ناقص میدانستند تا آنکه در سال ۱۸۷۰ پس از واژگون شدن قدرت و سلطنت ناپلئون سوم که سیاست متضاد و غیر ثابتی را در مورد ایتالیا تعقیب و از پاپ حمایت مینمود رم نیز به تصرف ملیون ایتالیا در آمد و پایتخت کشور گردید و وحدت کامل ایتالیا عملی شد و کلیه سرزمین های متعلق به پاپ اعظم ضمیمه دولت واحد ایتالیا شد و پاپ بی نهم که به عنوان رئیس مذهب

کا تولیک و رهبر روحانی میلیونها نفر از افراد بشر مورد خطابات و انذارات و کلمات نصیحت آمیز قلم اعلی واقع شده بود بدون سرزمین و متصرفات ماند و طبق قانون تضمینات سال ۱۸۷۱ فقط سمت تشریفاتی خود را به عنوان رئیس یک مملکت (واتیکان) حفظ نمود. پاپها که روزی قدرت و سلطه ظاهری و روحانی را توأم در اختیار داشتند و در زمان پاپ اینوسنت سوم سلاطین را عزل و نصب مینمود و جنگهای صلیبی را برآه میانداخت و بیهانه حفظ دین مسیح و جلوگیری از بدعت فرمان قتل و حرق افراد را به عنوان ارتداد صادر میکرد از این وضع فوق العاده ناراضی بود تا آنکه پس از مذاکره با دولت ایتالیا بالاخره در سال ۱۹۲۹ موافقت نامه معروف لاتران امضاء شد و بموجب آن ۴۰ هکتار زمین در واتیکان به ملکیت و اختیار پاپ در آمد و قدرت و سیطره پاپ به واتیکان محدود و از دخالت مستقیم در سیاست و امور داخلی سایرکشورها ممنوع و محروم گردید و نفوذ و اعتبار روحانی و معنوی وی نیز بطور قابل ملاحظه کاهش یافت.

از لحاظ سیاسی دنیای قرن نوزدهم بخصوص نیمه دوم آن، دوران تاسیس و تحکیم دولتهای مستقل و عصر اوج قدرت حکومت ملی و حل و فصل مسائل جهانی براساس حفظ منافع و مصالح ملی و همچنین دوران رقابتها و مبارزات شدید سیاسی و اقتصادی بین دول بزرگ اروپا بر سر تصرف اراضی و بدست آوردن مستعمرات و سعی در حفظ توازن قوا و کوشش در طریق تکثیر آلات و ادوات حربیه و در نتیجه تحمیل مالیاتهای سنگین بر رعایا و تعمیم نظام

اجباری و ازدیاد حس انتقام و کینه جوئی و تعرض  
و بروز جنگها و تصادمات و اغتشاشات گوناگون  
و عقد و نسخ پیمانهای متعدد سیاسی و نظامی و  
تشکیل کنفرانسها و مجامع مختلفه صلح بدون اخذ  
نتیجه و از همه مهمتر عصر رواج تعصبات شدید ملی  
و نژادی و انتشار فلسفه تنازع بقاء و غلبه زور  
بر حق و انتشار ادبیات مخصوص به منظور ترویج  
این گونه افکار و تعصبات و بهره برداری سیاسی از چنین  
طرز فکر بخصوص در اروپا میباشد.

توضیح آنکه برخی از دانشمندان و متفکرین قرن  
نوزدهم که از سرچشمه افکار طبیعی دان مشهور انگلیسی  
چارلز داروین سیراب گردیده بودند براین اعتقاد  
شدند که جهان عرصه تنازع بقاء است و موجودی  
میتواند در این تنازع و کشمکش باقی بماند که قویتر  
بوده و قابلیت تطابق بنا محیط را بیشتر دارا باشد.  
دانشمندان مذکور از عقاید داروین راجع به مساله  
تنازع بقاء و انتخاب انبساط چنین نتیجه گرفتند که  
بین کلیه موجودات جهان هستی حتی در عالم انسان تنازع  
بقاء یعنی کشمکش قنوی با ضعیف و اضمحلال ضعیف  
امری ذاتی و طبیعی است این افکار که مورد توجه  
عدهای از متفکرین قرار گرفته بود در نیمه دوم قرن  
نوزدهم بخصوص اواخر قرن مزبور و اوائل قرن بیستم  
در مدارس و مجامع اروپا تدریس و تفهیم میگردد تا  
آنجا که جمعی از دانشمندان و سیاسیون این عقیده  
را در مورد اجتماع و روابط بین ملل مختلفه مصداق  
داده گفتند جنگ در عالم انسانی و بین ملل امری  
طبیعی و اجتناب ناپذیر است و ایجاد صلح و سلام

و اخوت عمومی و دائمی بین افراد بشر امری مستحیل و ممتنع می‌باشد، بنابراین هر ملتی که ضعیف و وامانده باشد در عرضه تنازع بقاء مغلوب و معدوم می‌شود و ملل قوی و نیرومند پایدار و برقرار میمانند.

نیچه فیلسوف آلمانی بخصوص در نوشتجات خود از این طرز فکر دفاع نموده و حق را با صاحبان زور و قدرت دانسته و معتقد گردیده است هرملتی قوی و نیرومند باشد حق بقاء و زندگانی دارد و ملل ضعیف محکوم به زوال و نیستی می‌باشند پس از نیچه سیاسیون و نویسندگان و متفکرین دیگری در آلمان از این افکار جداً طرفداری کرده و آنرا بروضع ملت آلمان منطبق نموده و گفتند نژاد آلمان مافوق همه نژادها و نخبه نژاد آریا است لذا باید قوی و نیرومند شود و بوسیله نیرو و قدرت بر دنیا حکومت نماید و بر سایر نژادها سیادت یابد.

در فرانسه و ممالک دیگر نیز افرادی از این افکار تبعیت و آنرا تبلیغ می‌کردند. این طرز تفکر و اعتقاد به نژاد برتر و بالاتر و رواج تئوری برتری نژادی (Racism) بطوری که میدانیم پس از جنگ جهانی اول در آلمان به اوج شدت خود رسید تا آن‌که بالاخره منجر به فاجعه جنگ دوم جهانی گردید.

مساله اقلیت‌های نژادی و مذهبی که از تاریخ انعقاد معاهده برلین در سال ۱۸۷۸ مورد توجه قرار گرفته بود نیز از جمله مشکلات لاینحل اجتماعی و سیاسی نیمه دوم قرن نوزدهم بشمار می‌آید.

هدف انعقاد معاهده برلین و اقدامات بعدی دول مبتنی بر این اساس بود که بیک مشت افرادی که در

نتیجه جنگها و تحولات سیاسی و ایجاد ممالک جدید مغلوب حکومت و سیاست مردمی دیگر میشدند که با آنان از لحاظ زبان و نژاد و مذهب و آداب و رسوم هیچگونه اشتراکی نداشتند و نسبت به ملت حاکم و غالب در اقلیت بودند آزادی اجرای مراسم دینی و رسوم نژادی و تعلیم و تعلم به زبان خودشان داده شود و لیکن متأسفانه مشکل اقلیت های نژادی و مذهبی و مسلوب بودن حقوق آنان همچنان ادامه یافت و موجب بروز انقلابات و اغتشاشات عده بده بخصوص در دو امپراطوری اطریش و عثمانی گردید چنانچه در عهدنامه برلین دول معظم حمایت چهار ملت از ملل بالکان یعنی بلغارها - عربها - رومانی ها و یونانی های تحت اداره ترکان مسلمان را بعهده گرفتند و سلطان عثمانی هم متعهد شد که متعرض زبان و مذهب و اجرای آداب آنان نشود ولی بعلمت رقابتهای سیاسی ممالک بزرگ اروپا در بالکان و سوء سیاست سلاطین عثمانی و وجوه تعصبات دینی و نژادی هیچوقت اقلیت های نژادی بالکان بحال آرامش باقی نماندند بلکه پیوسته بین دولت عثمانی و ملل بالکان نزاع و کشمکش در میان بود تا آنکه بتدریج و تا اوائل قرن بیستم تمام آنان از تحت سلطه امپراطوری عثمانی خارج شدند.

در امپراطوری اطریش نیز مزاحمت روز افزون مجارها و اسلاوها و ادعای استقلال نژادهای مختلفه تحت حکومت امپراطوری موجب ایجاد مشکلات فراوان و بروز انقلابات و اغتشاشاتی گردید که تا نیمه اول قرن بیستم ادامه یافت و در دوران جنگ جهانی اول به اوج شدت رسید و موجب استقلال

اقلیتهای نژادی و اضمحلال امپراطوری اطـریش و  
 مجارستان گردید و این مشکل یعنی مسلوب الحقوق بودن  
 اقلیتهای مذهبی و نژادی و کشمکشهای ناشیـه از آن  
 تا قرن بیستم نیز ادامه یافته و هنوز هم به شهادت  
 حضرت ولی امرالله ارواحنا لتبییناته الفدا در اکثر  
 اقالیم جهان آثار و مشکلات ناشیه از آن بچشم میخورد.  
 تشدید حس ملیت مفرط در بین مردم ملل مختلفه  
 و سعی در تصرف مساکن کلیه مردمی که به زبان  
 آنان تکلم میکردند و یا از نژاد ایشان بودند. اختلافات  
 موجوده بین اکثر ممالک در شرق و غرب عالم بر سر  
 تصرف قطعاتی از اراضی و یا اختلافات سرحدی بین  
 ممالک هم مرز - کوشش عدهای از اقلیتهای ملی و نژادی  
 برای کسب خود مختاری و استقلال و کشمکشها و  
 انقلابات ناشیه از آن بخصوص در امپراطوریهای  
 روسیه، عثمانی و اطـریش سعی دول معظمه عالم در تقویت  
 قوای بـری و بحری بمنظور تعرض بدیگران و یا  
 برای دفاع از خاک خود. فشار سرمایه داران و صاحبان  
 کارخانجات بدولتهای خود برای حمایت از تجارت  
 خارجی و حفظ سرمایه ها و منافع آنان در کشورهای  
 دیگر و کوشش و توفیق صاحبان کارخانجات اسلحه سازی  
 در تقویت نظامی و مسلح تر کردن دولتهای خود بمنظور  
 ترسانیدن و زور گفتن بدیگران و مجبور بودن دولتها  
 بقبول نظریات آنان بعلت قروضی که بهایشان داشتند -  
 تضاد منافع و نزاع بین سرمایه داران و کارگران  
 و کوشش روز افزون احزاب سوسیالیست افراطی برای  
 از بین بردن سرمایه داران و در هم شکستن قدرت آنان  
 و بدست آوردن زمام حکومت جهت کارگران - تشدید

مشکلات اجتماعی و اقتصادی در اثر ازدیاد جمعیت و هجرت و تجمع افراد در شهرهای بزرگ صنعتی و بالاخره دخالت روزافزون دولت‌ها در مسائل اجتماعی و اقتصادی نیز از جمله مشخصات دنیای نیمه دوم قرن نوزدهم و مقارن طلوع شمس حقیقت است که در این مقابل مجال بحث و تشریح بیشتر نیست \*

حال به اجمال به بینیم اوضاع امپراطوری عثمانی مرکز خلافت اسلامی که قلمرو وسیع حکومت و قدرت آن شامل آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان و قسمتی از قاره افریقا و اقالیم عربستان، عراق و سوریه و قطعات دیگر بود و در حیطة حکمرانی آن جمال اقدس ابهی سه بار سرگون شدند و سه اظهار امر علنی و اعلان عمومی امر الهی قیام فرمودند و بالاخره به حبس مؤبد در سجن عکس محکوم گردیدند در نیمه دوم قرن نوزدهم و پس از آن چگونه بوده است؟

از اوائل قرن نوزدهم دولت عثمانی بواسطه نفاق داخلی و ضعف و استبداد سلاطین و رشوه خواری متمدیان امور و خود سری پادشاهان و حکام ولایات و سران لشکری و همچنین کوشش آزادی طلبان نه نژادهای تابع امپراطوری و تحریکات دول اروپا بخصوص روسیه دچار هرج و مرج شده و در طریق تجزیه و اضمحلال گام برمیداشت، بطوری که نیکلای اول تزار روسیه به سفیر انگلستان گفته بود " دولت عثمانی شبیه به مرد بیماری است که دیر یا زود محکوم به مرگ است و ماترک او باید هرچه زودتر تقسیم شود " \* ولیکن چون منافع دول بزرگ اروپا در قلمرو



امپراطوری عثمانی دائماً با یکدیگر اصطکاک داشت و هیچیک از این دول راضی نمیشدند نفوذ دولت دیگری در امپراطوری عثمانی برقرار شود، لذا با تمام فسادى که در حکومت عثمانی وجود داشت بقا و استقلال ظاهری آن را حفظ میکردند ولی ضعف و انحطاط و فساد داخلی و کوشش روز افزون ملل و نژادهای تابع برای کسب استقلال بالاخره منجر به تجزیه و اضمحلال امپراطوری عثمانی و تبدیل آن به یک کشور کوچک آسیائی در نیمه اول قرن بیستم گردید و انذارات قلم اعلی در حق امپراطوری عثمانی و سلطان کلا تحقّق یافت . در اوائل قرن نوزدهم یونان آزادی خود را بدست آورد و سربستان و مونتنگرو خود مختاری داخلی پیدا کردند و رومانی از امپراطوری عثمانی منتزع شده در سال ۱۸۶۲ دولتی جدید تشکیل داد .

بلغارستان نیز بکمک روسیه به استقلال نائل آمد و تونس را فرانسه و قبرس را انگلستان تحت الحمایه خود قرار دادند و ایالات بوسنی و هرزه گوین بدست امپراطوری اطریش افتاد . دولت مصر نیز فقط اسماً از سلطان عثمانی تبعیت میکرد و حتی دومرتبه رسماً علیه عثمانی وارد جنگ شد و اگر اقدامات دول اروپا نبود سلطنت آل عثمان را هم از بین میبرد ، تا آنکه دولت انگلستان قبل از حضور در کنگره برلن پیمان مخفی با دولت عثمانی منعقد ساخته مراقبت مصر را برای خود بدست آورد و با خرید سهام ترعه سوئز آنجا را کاملاً تحت نفوذ خود قرارداد و بالاخره در سال ۱۸۷۹ سلطان عثمانی مجبور شد به موجب فرمانی اختیارات خدیو مصر را به رسمیت بشناسد .

سرزمین‌های عربستان ، عراق و قطعه سوریه نیز بر اثر تحولات سیاسی و جنگ جهانی اول از امپراطوری عثمانی منتزع و مستقل شدند در سال ۱۸۷۷ جنگ بین روسیه و عثمانی که جنبه نژادی و مذهبی و قیام اسلاوها علیه مسلمانان بخود گرفته بود ، شروع شد و منجر به انقضاد پیمان سان استفانو و محرومیت عثمانی از متصرفات اروپائی خود گردید .

بطور کلی از نیمه دوم قرن نوزدهم ملل تابع امپراطوری عثمانی بخصوص در بالکان سعی در استقرار خود نموده و برای بدست آوردن آزادی به تلاش افتادند و این تلاشها به اضافه رقابت دول بزرگ برای برقراری نفوذ خود در امپراطوری عثمانی و تجزیه آن و همچنین سوء تدبیر سلاطین عثمانی و فساد عمیق داخلی و بالاخره آزار مسیحیان و کشاکش و قتل عام‌های بی رحمانه ارمنه ساکن قلمرو امپراطوری که به یکصد هزار نفر بالغ گردید موجب شد که مسائل بالکان که بنام مسائل شرق معروف است سبب تزلزل صلح جهانی و بروز حوادث و انقلابات پی در پی گردد که ذکر جزئیات آن از حوصله این مقال خارج است .

عوامل داخلی و خارجی که فوقا مذکور شد و به خصوص ظلم و استبداد سلاطین آل عثمان که جمال قدم در کتاب مستطاب اقدس به این عبارات بآن شهادت داده قوله الا علی :

" يَا أَيُّهَا النُّقْطَةُ الْوَاقِعَةُ فِي شَاطِئِ الْبَحْرِ  
 قَدْ اسْتَقَرَّ عَلَيْكَ كُرْسِيُّ الظُّلْمِ وَأَشْتَعَلَتْ فِيكَ نَارُ الْبَغْضَاءِ  
 عَلَى شَأْنِ نَاحٍ بِهَا الْمَلَأُ الْأَعْلَى وَالَّذِينَ يَطُوفُونَ حَوْلَ

كُرْسَى الرَّفِيعِ يُرَى فِيكَ الْجَاهِلُ يَحْكُمُ عَلَى الْعَاقِلِ وَ  
الظَّلَامُ يَفْتَخِرُ عَلَى النُّورِ وَأَنْتَ فِي غُرُورٍ مُبِينٍ "

سبب شد که انذارات قلم اعلی در همان ایام حیات  
حمال اقدس ابهی و سپس در دوران قیادت مرکز  
میثاق و پس از آن تحقق یابد و ضربات تازیانه قهر  
و مجازات الهی به طور مستمر و شدید بر سلاطین  
آل عثمان که آن همه بلایا و صدمات ناروا بر مظهر  
ظهور روا داشتند وارد شود و منجر به سقوط سلطان  
عبدالعزیز از قدرت و سلطنت و قتل و محو وی  
گردد و این ضربات سیاط مجازات و سخط الهی مالا  
به تجزیه اراضی وسیع امپراطوری و عزل سلطان  
عثمانی و انقراض سلطنت سلسله آل عثمان که چند  
قرن دوام داشت و تبعید بازماندگان خاندان سلطنت  
و برچیده شدن بساط خلافت و سیادت روحانی دولت  
عثمانی بر عالم تسنن و ایجاد انقلاب و تحول دینی  
بی سابقه در بین اهل سنت و تفکیک دین از سیاست  
و الغای احکام شرعی و مقامات و مناصب روحانی  
و ضبط موقوفات مذهبی و طرد و ترک لسان عربی و  
بالاخره تبدیل امپراطوری عظیم و پر شوکت  
عثمانی به یک کشور کوچک آسیائی منتهی شود.

اکنون در این مقام اجازه میخواهد بنحو اجمال  
اوضاع سیاسی و اجتماعی و روحانی کشور مقدس  
ایران را که مولد و موطن دو مظهر امر الهی  
و مهد آئین یزدانی و موطی اقدام اولیا و اصفیاء  
و شهدا این ظهور مبارک است در قرن نوزدهم مورد  
مطالعه و بررسی قرار دهد.

طلوع شمس حقیقت از افق کشور مقدّس ایران در دوران سلطنت پادشاهان قاجاریه که یکی از مظلّم ترین و مشتمّ ترین ادوار تاریخ این سرزمین باستانی است اتفاق افتاد و بخصوص در ایام سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه سلطان جابر و مغرور این سلسله مظلّم و تعدیات بیشمار تحمل نمود. پادشاهان قاجاریه اعضای يك قبیله ترکمن بودند که به غلط خود را اعیان یافت پسر نوح میدانستند و بعنوان امنای موقتی امام موعود سلطنت و حکومت میکردند. داستان حکمرانی ۱۳۰ ساله سلسله قاجاریه بطور خلاصه عبارت از جنگهای داخلی و ملوک الطوائفی و ضعف حکومت مرکزی و وحشیگری و بیایگیری و دوره مظلّم قرون وسطائی و ظلم و جور حکام امراء و غفلت و عقب ماندگی و خمودت و جمودت ملت و بیسوادی و جهالت توده مردم و رواج اوهام و خرافات و نفاق و دودستگی بین آنها و فساد و تباهی و عدم کفایت و لیاقت دولت و توطئه چینی و دسیسه بازی درباریان و رشوه خواری متصدیان امور و انحطاط اخلاقی شاهزادگان و عدم احساس مسئولیت شخص پادشاه قاجار و فقدان درایت در سیاست داخلی و خارجی کشور بوده است. در دوران حکومت سلاطین قاجاریه کشور عزیز ایران از هر لحاظ دوره انحطاط و تقهقر و ضعف را طی مینمود و بفرموده حضرت ولی امرالله ارواحنا له الفدا در توقیع منیع "قد ظهر یوم المیعاد" در این دوران "ظلمت سه گانه هرج و مرج و ورشکستگی و ظلم مملکت را فرا گرفته بود."

هر ماموری به مقتضای اوضاع و احوال هدفش جمع

مال و ثروت و حفظ مقام و موقعیت خود از طریق تملق و چاپلوسی و تقدیم تحف و هدایا به مقام بالاتر و تمامی برای دیگران بود. وظیفه شناسی و یا انجام عملی بخاطر رفاه دیگران از صحنه مملکت رخت بر بسته و حرص بمال و انداختن ثروت و تامین فردی جایگزین آن شده بود و همین مسائل پایه و اساس بسیاری از مفاسد و مشکلات دیگر فردی، اجتماعی و اقتصادی گردیده بود. در چنین شرائطی روح همکاری و اشتراك مساعی، احساس مسئولیت، عشق به وطن و اعتماد به حکومت و احترام به درستی و تقوی و فداکاری بخاطر دیگران نمیتوانست وجود داشته باشد.

مسافرتهاى ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به اروپا نیز تاثیرى جز برانگيختن حس اعجاب در آنان و تهی شدن خزانه مملکت و گرفتن قرضه نکرد و توفیقى در اخذ محاسن تمدن مغرب زمین دست نداد. متأسفانه باین مشکلات و فساد و عدم کفایت داخلی رقابت شدید سیاسى دولتین انگلستان و روسیه در تمام دوران قرن نوزدهم و تشدید رقابتهای اقتصادی آنها در نتیجه کشف منابع ثروت طبیعى و دخالتشان در امور داخلی کشور ایران و گرفتن امتیازات مختلفه نیز اضافه میشود. از لحاظ مذهبی اکثریت مردم ایران مسلمان و مذهب رسمی کشور طریقه شیعه اثنی عشریه بود لیکن متأسفانه بواسطه رواج اوهام و خرافات و تعصبات و اختلاف آراء و تفرقه و تشتت آفتاب حقایق و معارف اسلامى تیره و تاریک شده و تعالیم اساسیه دیانت به دست فراموشی سپرده شده بود. هرچند حیات اجتماعی مردم حول سوءسلسلات

مذهبی جمع شده و علماء و پیشوایان مذهبی خود را در تمام مسائل و امور صاحب نظر میدانستند و مردم هم اعمال و گفتار آنها را کورکورانه تمجید و تبعیت مینمودند ولیکن در بین آنان اختلاف عقیده و نظر موجود و باب منازعات و مشاجرات عدیده بر سر مسائل لایسمن و لایغنی و لعن و تکفیر یکدیگر مفتوح و غالباً آراء و فتاوی ایشان متناقض و متباین بود چنانچه جمال اقدس ابهی در کتاب مستطاب ایقان در این باره چنین شهادت داد هاند ، قوله العزیز :

" ۰۰۰ با اینکه حکم الهی را یک میدانند از هر گوشه‌ای حکمی صادر میشود و از هر محلی امری ظاهر دو نفس بر یک حکم ملاحظه نمیشود ۰۰۰ اگر نفسی طلب حقی و یا معرفتی بخواهد نماید نمیداند نزد کدام رود و از که جویا شود از غایت اینکه رأیها مختلف و سبیلها متعدد شده ۰۰۰ "

بجای حقایق و معارف و تعالیم اساسیه شریعت اسلام همانطور که اشاره شد افکار و اوهام و خرافات سخیفه مانند تکفیر و تنجیس سایر ملل واقوام و احتراز از اقتباس حسنات تمدن اهل غرب و اعتقاد به تفأل و تشاؤم، عطسه و چشم زخم و غول و جن و فال و طالع و انهماک در شهوات نفسانی وجود داشت ۰۰۰۰

وضع اقلیتهای مذهبی ساکن ایران نیز در آن ایام رقت بار بود یهودیان و زرتشتیان مقیم ایران فی الحقیقه در دریای فقر و جهالت و ظلم و ستم غوطه ور بودند و در معرض اذیت و آزار و تحقیر و توهین و تکفیر و تنجیس مسلمین قرار داشتند . یهودیان ایران معمولاً در محله های مخصوص به خود

زندگی میکردند و از اشتغال به اکثر مشاغل محروم و اغلب از طریق دوره گردی و طبابت در قراء و قصبات و نظائر آن امرار معاش میکردند. از زندگی در منازل مجلل و مرتفع و پوشیدن البسه فاخر و گذاشتن کلاه و سوار شدن در معابر محروم بودند و در روزهای بارانی حق خروج از منزل و نجس کردن مسلمین را نداشتند. هرچند یکبار که عرق عصبیت توده مردم بخصوص در ایام سوگواری بجوش میآمد، کلیمیان بیشتر در معرض اذیت و آزار و توهین و تحقیر قرار میگرفتند. زرتشتیان نیز که قبل از حمله اعراب دارای قدرت و عزت بودند و دیانت زرتشتی مذهب رسمی کشور بود، وضعی بهتر از یهودیان نداشتند و به علامت تحقیر آنها را گبر میگفتند و انواع آزار و اذیت و سلب حقوق و آزادی را نسبت به آنان روا میداشتند، بطوری که جم کثیری از ایشان هجرت نموده و در هندوستان رحل اقامت افکندند.

وضع زنان ایران نیز در قرن نوزدهم اسف انگیز بود و زنان در حقیقت از کلیه حقوق فردی و اجتماعی و سیاسی محروم و در جهل مطلق بسر برده و تابع و مطیع بلا اراده مردان بودند و با آنان چون کنیزان رفتار میشد و به عواطف و احساسات ایشان کمترین توجهی نمیشد و بازار تعدد زوجات و ازدواج های موقت بخصوص در شهرهای مذهبی رواج کامل داشت.

از لحاظ علمی و فرهنگی همانطور که قبلا اشاره شد مردم ایران در جهل و بی خبری کامل بسر میبرد و بدون اغراق ۹۹٪ اهالی ایران بیسواد بودند و تعلیم سواد اختصاص به اولاد بزرگان و امرا و شاهزادگان

و طبقات ممتازه و همچنین طلاب علوم دینی داشت که آنهم محصور در فراگرفتن يك سلسله مطالب بیهموده و بی فایده بود و در ترقی و تعالی مملکت و تنویر افکار ملت کوچکترین تأثیری نداشت.

در ایران قرن نوزدهم از کودکان دبستان دبیرستان، دانشگاه، کتابخانه، مجله و نشریه و مراکز علم و تحقیق خبری نبود و کشور عزیز ایران از قافله تمدن و علم و فرهنگ و معارف جدید به فرسنگها فاصله داشت.

از لحاظ بهداشتی و حفظ الصحة نیز با وجود آنکه مردم ایران سایر ملل را تکفیر و تنجیس مینمودند ولیکن خود گرفتار انواع و اقسام امراض مسریه و محروم از کلیه وسائل و عوامل بهداشتی و حفظ الصحة و نظافت و مراکز پزشکی و درمانی بودند و برای شفای امراض اکثراً به نذر و نیاز و توسل به رمالان و جادوگران اکتفاء مینمودند.

در این دوران قوه مقننه و محاکم قانونی که بداد مظلومان برسد و در اختلافات بین مردم بعدالت حکومت کند و گناهکار و مجرم را به جزای عملش برساند، وجود نداشت و در عوض مجازاتهای وحشیانه و غیر انسانی مانند زنده بگور کردن، شقه کردن، شمع آجین نمودن، به سیخ کشیدن، نعل کردن، پاره پاره کردن، زنده پوست کنند، به آتش افکندن، آره کردن و نظائر آنها اعمال میشد بدون آنکه تشریفات دادرسی انجام گیرد و یا محکوم و مظلوم قادر به دفاع از خود باشد.



این بود دور نمائی اجمالی از اوضاع اجتماعی و روحانی و فرهنگی دنیای قرن نوزدهم و مقارن با طلوع شمس حقیقت از افق کشور مقدس ایران در چنین زمان و در چنین اوضاع و احوالی بود که حضرت بهاء الله جل اسمه الا علی علیرغم رواج اوهمام و خرافات و تعصبات گوناگون و فراموشی از خدا و بی اعتنائی به اصول اخلاقی و معنوی عم وحدت عالم انسانی را در قطب آفاق به اهتزاز آورد و اهل عالم را به اخوت و اتحاد و یگانگی و ترک کلیه تعصبات و تمسک به دین و اصول اخلاقی و معنوی و بالاخره تاسیس صلح اعظم و رفع جنگ و جدال دعوت فرموده و در دوران رواج فلسفه تنازع بقاء اصل تعاون بقاء و لزوم تعاضد و هم بستگی بین افراد و ملل واقوام را تعلیم نمود و بالاخره به تاسیس مد نیت لا شرقیه و لا غربیه الهیه که طبق وعود و بشارات کتب مقدسه و آثار و آیات نازله مقدس است عموم اهل عالم را در ظلّ خیمه وحدت بیکرنگی مجتمع کند و در عصر ذهبی آئین یزدانی ملکوت پدر را در بسیط غیرا برقرار نماید، موفق گردیدند.

در حال حاضر جامعه جهانی بهائی نمونه‌ای از مدنیت روحانی و جهانی است که حضرت بهاء الله تاسیس و برای عالم انسانی مقدس فرموده اند.

## چرا از مداخله در سیاست ممنوعیم

خوانندگان ارجمند - غرض از نگارش این مختصر آنست که راجع به عدم مداخله اهل بهاء در امور سیاسی و منازعات و مخاصمات دول و احزاب مختلفه باشما صحبت بداریم و علّت و حکمت این دستور الهی را بقدر مقدور در یابیم .

۱- ما اهل بهاء پس از تحرّی حقیقت و جستجوی کامل و درک حقایق این ظهور مبارک بکمال رضا و رغبت خود را بهائی نامیده و حضرت بهاءالله را بزرگترین مربّی روحانی عالم انسانی میدانیم و معتقدیم که او امر و نواهی آن مظهر الهی یگانه علاج دردهای گوناگون جامعه بشریّت و بهترین طریق وصول افراد بشری به کمالات عالیّه انسانی میباشد. ایمان داریم که جمال اقدس ابهی چون پزشکی دانا دردها و امراض هیگّل عالم انسانی را تشخیص داده و بسّه مداوای الهی به معالجه پرداخته و داروی سریع العلاج عنایت فرموده اند . اگر به مهارت و احاطه این پزشک دانا و آسمانی اطمینان داریم دیگر در دستورات

و تعالیم حضرتش نباید چون و چرا گوئیم و دلیل و برهان طلبیم . زیرا مسلماً در هر حکمی از احکام مبارکش علت و حکمتی موجود است . حضرت بهاءالله میفرمایند قوله تعالی :

" پیغمبران چون پزشگانند که به پرورش گیتی و کسان آن پرداخته‌اند تا بدرمان یگانگی بیماری بیگانگی را چاره نمایند در کردار و رفتار پزشک جای گفتار نه زیرا که او بر چگونگی کالبد و بیماریهای آن آگاه است و هرگز مرغ بینش مردمان زمین بفراز آسمان دانش او نرسد... " و نیز میفرمایند :

" رگ جهان در دست پزشگدان است درد را می بیند و بدانائی درمان میکند... "

۲- شما عزیزان روحانی بخوبی میدانید که هدف دیانت مقدس بهائی رفع اختلافات و ترك تعصبات مختلفه دینی - نژادی - ملی و سیاسی و ایجاد وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و اتحاد و محبت بین تمام افراد بشر میباشد با توجه به این هدف عالی است که فرد بهائی موظف است خود را خیرخواه جمیع اهل عالم بداند و نسبت به همه مردمان روی زمین بدون توجه به نژاد - ملیت و یا مذهب مهر و محبت ورزد و زنگ تیره تعصبات را از صفحه دل پاک کند اینک اگر فردی پس از تحقیق کامل در نهاییست آزادی اراده و بدون هیچگونه اجبار خود را بهائی نامیده و تابع و معتقد احکام و تعالیم و هدف های روحانی و عمومی این ظهور مبارک گردد باید این

ایمان و اعتقاد در رفتار و گفتار و افکار و بطور کلی در تمام شئون زندگی او نمودار شود و واقعا از صمیم قلب اهل عالم را " باریکدار و برگدیک شاخسار " بدانند و عالم را بفرموده حضرت بهاء الله " یک وطن و یک مقام " مشاهده نمایند . در این جاست که علّت و حکمت دستورات الهیه مبنی بر عدم مداخله اهل بهاء در امور سیاسیه و منازعات احزاب مختلفه روشن و معلوم میشود زیرا تمام احزاب و سیاست های موجوده هر یک هدفی محدود را دنبال می کنند و بمنافع عده ای محدود از افراد جامعه بشری توجه دارند . هر یک از این احزاب و سیاستها منافعی یک نژاد معین یا ملّتی مشخص یا منطقه ای محدود و یا طبقه ای مخصوص از طبقات اجتماع را مورد نظر و همّت خود قرار داده و از مصالح و منافع عموم افراد بشر در مقیاس جهانی و عمومی چشم پوشیده اند و بشهادت تاریخ چه بسا که برای جلب منافع و پیش برد مقاصد خود به جنگ و ستیز با دیگران پرداخته و جان و مال و آسایش و امنیت افراد بشر را فدای وصول به هدف های خود نموده اند . در حالیکه دیانت مقدّس بهائی نهضتی روحانی و عمومی است که همه اهل عالم را بدون توجه به نژاد - مذهب - ملّیت - جنس و یا طبقه بندگان خداوند یگانه و متساوی الحقوق میدانند و هدفش تأمین سعادت و آسایش و حفظ حقوق عموم افراد بشر میباشد و توسل به جنگ و جدال و خونریزی و قتال را برای نیل به اهداف خود مذموم میدانند . بعبارت دیگر خیمه وحدت و بیکرنگی جمال اقدس ابهی بر فراز همه امتّها و ملتّها

و افراد جامعه بشری برافراشته شده و هیچ حزب و دسته و یا فردی از افراد بشر از داخل شدن در زیر این سراپرده یگانگی محروم و ممنوع نمیباشند. بنابراین يك فردبھائی یا باید فی الحقیقه قو لاً و عملاً از تعالیم و هدفهای روحانی و عمومی شریعت مقدّس بهائی پیروی کند و یا آنکه خود را از عضویت و انتساب بجامعه جهانی بهائی معاف نماید و به منازعات و کشمکشهای موجود بین سیاستهای مختلفه و احزاب متنوعه سرگرم شود و به هدفها و مقاصد محدود آنها که اکثراً فاقد جنبه های معنوی و اخلاقی است خویشان را دلگرم و مشغول سازد. چه اگر افراد احماء در هرکشوری در امور سیاسی و رقابتها و اختلافات احزاب سیاسی مداخله کنند و فعالیت نمایند اساس امرالله و وحدت جمع اهل بهاء متزلزل میگردد و وصول به هدف عالی مقدّس این شریعت الهی که تحقق وحدت عالم انسانی و تأسیس صلح اعظم در انجمن بنی آدم است غیر ممکن میشود. زیرا هر يك از افراد احماء بنا بمیل و سلیقه شخصی و میزان درك و فهم خود تابع سیاست و روش یکی از احزاب و سیاستهای موجوده که با یکدیگر اختلاف منافع و مقاصد دارند خواهد شد و بالنتیجه اساس یگانگی و وحدت نظر در جامعه جهانی بهائی متزلزل بلکه محو و نابود شده و زحمات و فداکاریهای مداوم و درخشانی که در طول تاریخ امرالله برای استقرار وحدت عالم انسانی و تأسیس ملکوت صلح و سلام در روی زمین تحمّل گردیده است بی اثر و ثمر خواهد ماند.

۳- ما اهل بهاء را قلم اعلیٰ به خطاب مبارک

" حزب الله " مخاطب فرموده اند چنانچه در یکی از الواح میفرمایند:

" یا حزب الله بخود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید " این حزب الهی تابع روش و سیاستی است که در آثار مبارک که به " سیاست الله " تعبیر و تسمیه یافته است . مقصد و آرزوی این حزب الهی ایجاد اعتقاد کامل به خداوند یگانه در قلوب افراد انسانی و متابعت از اصول اخلاقی و روحانی ادیان الهیه و همچنین رفع تعصبات و اختلافات موجوده و بالاخره استقرار وحدت عالم انسانی میباشد . اینک یک فرد بهائی که پس از تحقیق و مطالعه کافی داخل در حزب الله شده و مرام و مقصد آنرا قلباً پذیرفته و او را مقصود تسجیل راکه شامل اعتقادات اساسی و تکالیف افراد حزب الهی است امضاء نموده حقّ مداخله در امور سیاسی و قبول عضویت و فعالیت در احزاب و دستجات سیاسی راکه مرامنامه و هدفها و خط مشی آنها هیچگونه توافقی و تطابقی با تعالیم عمومی روحانی این ظهور مبارک ندارد نخواهد داشت . یکی از وظایف روحانی و اخلاقی هر فرد بهائی تبلیغ امرالله و تفهیم حقایق و تعالیم عالییه دینانیت مقدّس بهائی بهمه اهل عالم وسی و همّت در تاسیس ملکوت الله در این عالم میباشد . حال اگر فردی با اعتقاد بمبادی روحانی و تعالیم اجتماعی این ظهور مبارک پای بند افکار و اهداف محدود یکی از احزاب و دستجات سیاسی که با هدف های عالی و عمومی دینانیت بهائی کاملاً متفاوت است گردد تکلیف او

چه خواهد بود و مرام و مقصد کدامیک را ترویج و تبلیغ خواهد کرد و در صورت تناقض بین حکمی از احکام الهی بایکی از اصول حزب سیاسی چه روشی انتخاب خواهد نمود و کدامیک را مورد عمل قرار خواهد داد؟

بنابر این فرد بهائی باید یکی از دو راه را انتخاب کند یا خود را بهائی بنامد و کاملاً مطیع تعالیم و دستورات حضرت بهاء الله شود و در ترویج مصالح امرالله و تبلیغ دین الله همت و مجاهدت نماید و یا اینکه سلب نسبت و رابطه از جامعه بهائی کند و بمداخله در امور سیاسی و دشمنی هـا و کشمکشهای احزاب و ملل پردازد و الاّ جمع این دو امکان ندارد.

۴- حضرت ولی مقدّس امرالله در آثار و توقیعات مبارکه خود این مطلب را توجیه و بیان فرموده اند که در حال حاضر دو جریان و دو قوه یکی منفی و دیگری مثبت موجود است تا عالم بشریت را از مرحله کنونی بمرحله رشد و بلوغ یعنی مرحله وحدت عالم انسانی و اتّحاد من علی الارض سوق دهد. قوه اول که بطریق منفی در کوشش و فعالیت است عبارت از تمدّن مادی و محکوم بزوال کنونی و مظاهر آن میباشد که در خفا و بطور غیر مستقیم راه را برای وصول جامعه بشری بمرحله بلوغ و کمال صاف و هموار مینماید. حوادث و انقلابات و بی نظمی هـا و اضطراباتی که فعلاً در عالم موجود و در آینده نیز بوقوع خواهد پیوست ثمره و محصول این قوه و جریان منفی یعنی تمدّن ورشکسته و روبزوال مادی کنونی

و از آثار آن میباید که بعلت فراموشی از خدا و بی اعتنائی به ندای مظهر الهی و عدم توجه با اصول اخلاقی و معنوی راه فنا و نیستی طی میکنند تا بالاخره مدنیّت روحانی و عمومی الهی که در آثار مبارکه به " مدنیّت لا شرقیه و لا غربیه الهیه " تعبیر و تسمیه شده بر روی خرابه های آن بنا شود و عالم بشریّت در زیر خیمه وحدت و یکرنگی بیاساید. قوه دوّم که بنحو مثبت و بطور مستقیم در حال تلاش و کوشش و پایه گذاری و ساختن مدنیّتی عمومی و روحانی است قوه قدسیه غالبه الهیه است که با ظهور حضرت بهاء الله در عالم بوجود آمده است و بفرموده حضرت ولی امرالله تجلّی و ظهور این قوه عظیم و الهی چنان استعدادی در عالم انسانی ایجاد نموده که بتواند مراحل کودکی و جوانی را طی کند و خود را بمرحله بلوغ و کمال برساند.

با توجه به این توجیه و تبیین حضرت ولی محبوب امرالله و سایر نصوص و آثار مبارکه ما اهل بهاء معتقدیم که تمدن مادی و محکوم بزوال کنونی بمتابه جسمی است که اگر بظاهر هم آراسته و فریبنده باشد ولیکن فاقد روح حیات بوده و بهیچوجه قادر به نجات عالم و ایجاد سعادت و آسایش در انجمن بنی آدم و رفع مشکلات موجوده نمیباشد موسسات و سازمانها و تشکیلاتی هم که در ظل این تمدن مادی و به پیروی



از آمال و هدف‌های آن‌بوجود آمده اند هر قدر هم‌که دارای مقاصد خیر خواهانه و نوع دوستانه باشند قادر نخواهند بود عالم بشریت را از گوداب این مشکلات و رنجها نجات دهند زیرا متأسفانه هیچ‌یک از آنها درد و مرض اصلی هیکل عالم را تشخیص نداده‌اند بلکه وقت و همت خود را صرف درمان سایر دردهای فرعی عالم انسانی و یسا تسکین آن دردها نموده اند غافل از اینکه همه این دردها و رنجها و ناراحتیها آثار و علائم گوناگون بیماری اصلی و واقعی جامعه بشری یعنی عدم اتحاد و اتفاق عموم اهل عالم در ظل کلمه واحد و دین واحد میباشد. بنابراین اگر افراد احباء وقت و نیروی خود را بامید کمک و خدمت بسه هم‌نوعان و رفع مشکلات عالم انسانی در سازمانها و مؤسسات و انجمن‌های سیاسی و احزاب و دستجاتی که وابسته به تمدن مادی بوده و برای پیش برد اهداف و مقاصد آن گام بر میدارند صرف نمایند مآلاً نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و منحرف شدن از طریق اراده الهی نخواهند داشت و توفیقی در درمان بیماری اصلی و حقیقی عالم بشریت نصیب نخواهد شد و درست بمنزله آنست که خانه‌ای از بیخ و بن ویران باشد و ما در فکر نقش و نگار و تزئین ایوان آن باشیم. حضرت ولی مقدس امرالله در یکی از توفیعات مبارکه در این باره چنین میفرماید

قوله العزیز :

" بشریت خواه در پرتو رفتار فردی و یا در پرتو روابط موجود بین جوامع و ملل مورد مطالعه

قرار گیرد آنگاه معلوم گردد که متأسفانه دچار چنان انحراف و انحطاط گشته که مساعی برجسته‌ترین سیاستمداران و زمامداران دنیا هر چند انگیزه آنان خالی از غرض و اقدامات آنان متشکل و توجیه و عشق آنان نسبت بدین امر بیدریغ باشد اگر مؤید بقوهٔ دیگر نباشد هرگز نخواهند توانست عالم انسانی را از این ورطه نجات بخشند. در آخرین چاره اندیشی برای نجات بشر هر طرحی که افکار بزرگترین سیاستمداران ابداع کند و هر اصلی که برجسته‌ترین اقتصاد دانان قصد ارائه آنرا داشته باشند و هر تعلیمی که پر شورترین اخلاقیون عالم در ترویج آن تلاش کنند نمیتواند شالوده‌ای فراهم آورد که بر اساس آن بتوان آینده دنیائی پربشان را پی ریزی کرد." ( ترجمه )

فرد بهائی اگر معتقد است که تعالیم و مبادی دیانت بهائی و نظم بدیع حضرت بهاء الله تنها وسیله نجات بشریت است باید در توسعه و تقویت و استقرار آن در عالم بکوشد و سایر سازمانها و سیستم‌های موجود در دنیا را بحال خود واگذارد زیرا بفرموده حضرت ولی امرالله که بوسیله منشی هیکل مبارک مرقوم شده است " ۰۰۰۰ ما باید سیستم بهائی را توسعه دهیم و سیستمهای دیگر دنیا را بحال خود گذاریم ۰ با وارد شدن باین سیستم‌ها نخواهیم توانست آنها را اصلاح کنیم بلکه بالعکس آنها ما را نابود خواهند کرد " ( نقل از ترجمه متحد المال مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۷ بیت العدل اعظم الهی شیدالله ارکانه )

۵- در این مقام توضیح این مطلب را لازم میدانند که اصل عدم مداخله اعیان در امور سیاسی و منازعات و کشمکشهای احزاب و دستجات سیاسی که در نصوص و آثار مبارکه تاکید گشته است منافاتی با حبّ وطن و خدمت به میهن و فداکاری در زاهد سعادت و آسایش هموطنان ندارد و اهل بهاء بموجب نصایح و تعلیمات نازل در آثار مبارکه در هر مرز و بوم و اقلیمی که ساکن باشند علاقه و محبت صادقانه و خالصانه بوطن و هموطنان خود دارند و مامور باطاعت از حکومت و موظف به خدمت و انجام وظایف محوله از روی کمال صداقت و جدّیت و حسن نیت میباشند و برای ترقی و پیشرفت میهن خود نهایت همت و فداکاری مبذول میدارند و لیکن بعلی که فوقاً بیان شد در امور سیاسی دخالت نمیکند و باختلافات و کشمکشهای احزاب و دستجات سیاسی خود را آلوده نمی نمایند. بدیهی است وقتی که فرد بهائی مامور بمحبت و خدمت بجمیع اهل عالم بدون توجه به مذهب - ملیت و نژاد است خدمت به وطن و محبت بهم وطن خویش را نیز از جمله وظایف اساسی خود دانسته و مملکت خویش را نیز که قسمتی از کره خاک است دوست میدارد و برای رفاه و آسایش افراد کشور و ترقی و تعالی مملکت خود کوشش و فداکاری مینماید. اینک در این مقام جهت مزید اطلاع خوانندگان عزیز قسمتی از آثار مبارکه در خصوص لزوم خدمت بوطن و اطاعت از حکومت و کوشش در راه سر بلندی و ترقی مملکت را که خطاب با اهل بهاء نازل شده است زینت بخش این اوراق مینمائیم.

حضرت بهاء الله در لوح مبارك بشارات میفرمایند  
قوله تعالى :

" بشارت پنجم این حزب در مملکت هر دولتی  
ساکن شوند باید بامانت و صدق رفتار نمایند  
هذا ما نُزِّلَ مِنْ لَدُنْ أَمْرِ قَدِيمٍ " و حضرت عبدالبهاء  
میفرمایند قوله العزيز :

" یاران باید در نهایت اطاعت و انقیاد بر  
سریر تاجداری باشند و بخدمت و صداقت پردازند  
و در آسایش مملکت ید بیضا نمایند . هر یک که در دایره  
حکومت مستخدمند باید ماموریت را اسباب تقریب  
بدرگاه کبریا نمایند و به عفت و استقامت  
پردازند و از رشوت و ارتکاب بکلی بیزار گردند  
بمقرری قناعت کنند و مدار افتخار را عقل و کفایت  
و درایت دانند اگر نفسی به رغیفی از نان قناعت کند  
و باندازه خویش بعدالت و انصاف پردازد سرور  
عالمیان است و ممدوحترین آدمیان بزرگوار است ولو  
کیسه تهی، سرور آزادگان است ولو جامه کهنه و  
عتیق عزّت و افتخار انسان بفضائل و خصائل حمیده  
است و شرف و منقبتش به تقرب درگاه کبریا ۰۰۰"  
و نیز میفرمایند قوله العزيز :

" در ایران کسی که از حکومت اطاعت و تمکین  
دارد حزب الله است زیرا نه بتلویح بلکه بنص صریح  
مامور باطاعت حکومت اند و صداقت بدولت بلکه  
جانفشانی بجهت عزّت ابدیه عالم انسانی و اگر  
چنانچه نفسی از احباء بمنصبی رسد که مشمول نظر  
عنایت اعلی حضرت شهریاری گردد و بماموریتی  
منصوب شود باید در امور موکوله خویش بکمال

راستی و پاکی و صدق و عفت و استقامت بکوشد  
و اگر چنانچه ارتکابی کند و ارتشائی نماید مبنغوض  
درگاه کبریاست و مبنغوض جمال ابهی و حقّ و اهل  
حقّ از او بیزار بلکه بمعونه و مواجب خویش قناعت  
نماید و راه صداقت پوید و در راه ملک و ملّت  
جانفشانی فرماید این است روش و سلوک  
بهائیان ۰۰۰۰" و حضرت ولی عزیز امرالله در  
این خصوص چنین میفرمایند قوله الاحلی :

" مگذارید که اولیای امور ادنی تکدّری حاصل  
نمایند اگر فی الحقیقه بموجب احکام و تعالیم  
الهیة سالک و عامل بشویم و به نوع بشر و وطن  
خویش خدمت نمائیم عاقبت حقیقت معلوم و مکشوف  
گردد و خود آن نفوس آگاه شوند و اقبال نمایند  
معذک مگذارید گمان کنند که بهائیان تعلق بوطن  
خویش ندارند بلکه برآستی بدانند و یقین نمایند که  
از همه بیشتر و از همه مخلص تر و از همه ثابت تر  
در احیای ایران و تعزیز ایرانیان بوسائل حقیقی  
میکوشند و مطمئنند که ایران عاقبت عزیز و توانا  
خواهد شد."

نکته دیگری که اشاره بدان را لازم میسازد  
اینست که علاوه بر علاقه و عشقی که عموم اهل  
بهاء با وطن خود دارند و در راه سعادت و ترقّی آن  
کوشش و مجاهدت میکنند بهائیان سراسر جهان  
بکشور مقدّس ایران که مهد نهضت روحانی و عمومی  
بهائی و موطن حضرت بهاء الله است بنظر تکریم

و احترام مینگرند و از دل و جان این خطمه مبارکه را پرستش میکنند و بر طبق بشارات و اشارت نازله از قلم اعلی و مرکز میثاق آینده ای بسیار درخشان و با عظمت را برای این کشور مقدّس انتظار دارند و اکنون که بیش از ۱۲۵ سال از تاسیس این دیانت آسمانی نمیگذرد اهل بهاء موفق شده‌اند بوسائلی حقیقی نظر احترام و تکریم عده کثیری از اجناس و ملل و اقدام متنوعه و پیروان ادیان مختلفه را بسوی این سرزمین مقدّس معطوف دارند.

حضرت عبدالبهاء در خصوص آینده با عظمت و پرشکوه کشور مقدّس ایران چنین میفرمایند قوله العزیز :

" مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگوازی است زیرا موطن جمال مبارک است جمیع اقالیم عالم توجه و نظر احترام بایران خواهند نمود و یقین بدانید که چنان ترقّی نماید که انظار جمیع اعظام و دانایان حیران ماند ۰۰۰۰ و هذا وَ عَدُّ غَیْرِ مَكْدُوبٍ ۰۰۰ "

و نیز میفرمایند قوله الاحلی :

" ۰۰۰ بهائیان چنان ایران را در انظار جلوه داده‌اند که امروز جم غفیری از اقالیم سبعة پرستش ایران مینمایند زیرا شمس حقیقت از آن افق طلوع نموده و وطن مقدّس حضرت بهاء الله است ملاحظه کنید که چه موهبتی حضرت یزدان در حقّ ایران و ایرانیان فرموده ۰۰۰ " و در لوحی دیگر میفرمایند :  
" ۰۰۰ عنقریب ملاحظه خواهد شد که دولت وطنی جمال مبارک در جمیع بسیط زمین محترمتترین

حکومات خواهد گشت انّ فی ذلك عبرةٍ للنّاطرین  
و ایران معمورتین بقاع عالم خواهد شد  
انّ هذا الفضل عظیم " و حضرت ولی محبوب امرالله  
میفرمایند: "

" اهل بهاء چه در ایران و چه در خارج آن موطن  
جمال اقدس ابهی را پرستش نمایند و در احیاء  
و تعزیز و ترقی و ترویج مصالح حقیقیه این سرزمین  
منافع و راحت بلکه جان و مال خویش را فدا  
و ایثار کنند. "

خاتمه این مقال را به نقل قسمتی از ترجمه پیام  
منیع بیت العدل اعظم الهی مورخ اگوست ۱۹۶۸ خطاب  
به نخستین کنفرانس بین الجزایر منعقد در شهر  
پالرمو زینت میدهیم .

" ..... آشفگی و اضطرابی که سراسر کره ارض  
را گرفته و فرونشاندنش بدون امدادات غیبیه الهیه  
از عهده بشر خارج است حقیقتی است که بکرات و مراتب  
در آثار مبارکه و زبُر تصریح گردیده نظم کهن  
اصلاح پذیر نبوده بلکه در مقابل دیدگان ما  
روبو زوال است انحطاط اخلاقی. و هرج و مرجی که  
اجتماع بشری را با شفتگی کشانده است باید بسیر  
خود ادامه دهد. زیرا ما قادر نیستیم که مسیرش را  
تغییر دهیم و یا آنرا متوقف سازیم . تکلیف ما  
استقرار نظم حضرت بهاء الله است بدون آنکه از  
چاره جوئیهای مایوسانه و بی ثمر نفوسیکه بلا  
برنامه های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و تربیتی

خود سعی دارند طوفانی را که حالیه حیات بشر را احاطه کرده آرامش بخشند از راه خود منحرف سازیم. بیائید تا با ایمانی راسخ و اخلاص و اتحاد جمیع مساعی خویش را برای تحقق مقصد عالیه امر وقف کنیم. سرآورده، نظم الهی را برافرازیم و در عین اینکه در حصن ام‌الله محفوظ و از سهام شبهات مصون و در امانیم حیات بهائی را عملاً به جهانیان ثابت نمائیم. هر جا که جامعه‌ای از پیروان اسم اعظم خواه کوچک و خواه بزرگ وجود دارد باید از جهت روح ایمان و اطمینان و سجایای عالیه اخلاقی و احترام از انواع تعصبات و وجود روح محبت و اتفاق در مردم و از حیث اتحاد و اتفاق در حیات اجتماعی خود مابین عموم مشخص و ممتاز باشد. این تمایز بارز بین جامعه بهائی و اجتماع کنونی ناگزیر انظار مردم روشنفکر را بخود جلب خواهد کرد و چون ظلمت جهان را بیشتر فرو برد پرتو حیات بهائی فروزنده تر و تابناکتر خواهد درخشید و سرانجام تلا لوء آن جماعات درمانده را بسوی خود مجذوب و آنان را در حصن میثاق رب الجنود وارد خواهد ساخت زیرا استقرار صلح و عدالت و نظم حیات اجتماعی افراد بشر جز بقوه ملکوتی حضرتش ممکن نیست."

انتهی



# شرکت پاران در خدمات بین‌المللی

” میدان واسع است  
و وقت جولان است  
و هنگام ظهور قدرت  
و قوت دل و جان ”

( حضرت عبدالبهاء )

در عهد طلعت اعلی و جمال ابسی که هنوز دوائر  
و تشکیلات اداری بهائی بوجود نیامده بود نفوسی  
چند مُنْقَطِعاً عَنِ الدُّنْیَا بقدام استقامت و قلبی پر  
از عشق و محبت مظهر امر الهی همچون نسائم  
صبحگاهی بر اقطار و اشطار مرور مینمودند و نفحات  
طیبه مسکّیه الهیه را نثار محرمان راز میکردند  
و آنانرا به بشارات روحانیه مسرور میداشتند و بر  
خدمت و جانفشانی و ایفای وظایف املیه تحریر  
و تشویق مینمودند. به هر نقطه‌ای که وارد میشدند

بساط تبلیغ میگسترانید ند و نفوس مستعد ه را بشریعه عزّ احدیه رهنمون میشد ند۰ در صفحات اول تاریخ درخشان امرالله میخوانیم که وقتی حروفات بیانیه بمشیتّ الهیه تکمیل شد طلعت اعلی آنانرا با بیاناتی موء شر و د لنشین تشویق به تشتت و تفرق و نشر تفحات الهیه و ابلاغ بشارت جانپرور یوم ظهور در نهایت انقطاع و جانفشانی مینمایند و شرایط این خدمت عظیم و وظیفه خطیر را توجیه میفرمایند و سپس میبینیم که چگونه این نفوس برگزیده چون حواریون حضرت روح هر یک رهسپار دیاری و جهتی میشوند و بکمال رضا تحمل هر بلا میکنند تا آنکه سبب نشر انوار هدایت و اقبال جَمّ غفیری از طبقات مختلفه بشریعه، ربانیّه میگردد ند و اکثرا جام لبریز فدا را در سبیل محبوب یکتا سر میکشند۰ در عهد جمال اقدس ابهی و دوره میثاق نیز تعداد اینگونه نفوس مبارکه منقطعه از مبلغین و معلّمین و مشوقّین بسیار است که هر یک در آسمان تاریخ امرالله چون ستاره ای درخشانند و ذکرشان در دفتر ملکوت مثبت است۰

در دوران ولایت عظمی نیز با وجود اینکه تاسیسات مختلفه امریه تد رجا قوام و استحکام گرفته بود مسئله سیر و سفر و عبور و مرور مبلغین و مشوقّین نیز مورد نظر هیکل اطهر قرار داشت و در جوامع بهائی غرب هم مورد عمل قرار گرفت و هیکل مبارک غالباً نفوسی را جهت تشویق یاران و تقویت اساس امرالله بنقاط مختلفه بخصوص جوامع جدید البنیان اعزام فرموده و گاهی

د ستور العمل کافی نیز بآنان عنایت میفرمودند .  
این روش در حال حاضر هم مورد توجه جامعه جهانی  
بهائی قرار دارد و بدون شك اثرات و نتایج باهره  
از آن بحصول میپیوندند .

زیرا بفرموده حضرت مولی السوری در لوح حضرت  
سمندر : " ..... آنچه عبور و مرور یاران الهی چون  
نسائم صبحگاهی بد یار و اقطار گردد نفات قدس  
منتشر شود و مشامها معطر گردد و نفوس حیات  
تازه یابند ..... "

در دوران طلعت میثاق علاوه بر مجاهدات  
تبلیغی و مسافرتهای تشویقی این گونه نفوس زکیه  
مرحله تازه ای در خدمات امریه یاران بوجود آمد  
و حضرت مولی السوری ضمن الواح مبارکه متعدد ده  
احبای الهی را به تاسیس محافل محلیه تشویق  
و شرایط عضویت و کیفیت انتخاب و نحوه مشاوره  
و مذاکره و فرائض اصحاب شور و لزوم اطاعت  
محض از تصمیمات این محافل را مکرراً توجیه و  
تبیین فرمودند و بدین ترتیب تد ريجا محافل  
محلیه در بلدان و نقاط مختلفه در تحت هدایت  
و دلالت مرکز میثاق تاسیس و عهده دار اداره امور  
مختلفه یاران در هر محل گردیدند . چه مقدار  
الواح مبارکه از قلم مرکز میثاق در خصوص اهمیت  
این محافل و لزوم اتحاد و اتفاق بین یاران یسك  
محل و ثقه و اعتماد آنان به محفل محل خود عزز  
نزول یافته تا احبای الهی را در خدمات و اقدامات  
دسته جمعی در مرحله محلی راهنمایی فرمایند .  
هنوز در بین یاران رحمانی در شرق و غرب عالم

بهائی نفوسی یافت میشوند که در خسد مات  
تشکیلاتی این مرحله ممتاز سهمی داشته و در تأسیس  
اولین محافل محلیه در ایام طلعت میثاق که اساس  
و زیر بنای موءسسات ملی و بین المللی بهائی  
است ، شرکت نموده اند .

در اواخر دوران عهد میثاق بخصوص پس از  
مسافرت های تبلیغی و تشویقی آنحضرت به بلاد  
غرب علاوه بر تأسیس محافل محلیه و آغاز  
خدمات دسته جمعی و همکاری های محلی ، پندایت  
تاسیس موءسسات و معاهد ملیه و شروع خدمات  
و مجهودات یاران را در میدان وسیعتر میتوان  
مشاهده نمود . طرح ساختمان مشرق الاذکار آمریکا  
و تشکیل هیئت تنفیذیه جهت مبادرت بامور مربوطه  
آن و همچنین انعقاد لجنه ملی تبلیغ مرکب از ۱۹ نفر  
عضو از ایالات مختلفه پس از نزول الواح و فرامین  
تبلیغی حضرت عبد البهاء و تشکیل اولین موءتمر  
ملی بهائی در مدینه شیکاگو یاران آمریکا را تا حدی  
از مرحله محلی بمرحله خدمات ملی و اشتراک  
مساعی در افقی وسیعتر سوق داد .

پس از افول کوکب در میثاق از افق این عالم  
ادنی مرکز منصوص حضرت ولی مقدس امرالله  
اقدامات و مساعی ایام آنحضرت را در این زمینیه  
دنبال و به تقویت اساس محافل محلیه و تأسیس  
و تحکیم محافل و موءسسات ملیه و تعیین اساسنامه  
و نظامنامه جهت آنان و توجیه و تبیین وظایف  
و مسئولیت های مهمه مختلفه و تدوین قانون اساسی  
جامعه بهائیان و بالاخره ایجاد یک تشکیلات

روحانی متحد الشکل و مرتبط و متحرک بهائی در سراسر عالم بمدت ۳۶ سال با کوشش و مدد اومتی معجزه آسا اقدام و اهتمام فرمودند و با تحکیم اساس محافل محلیه و ملیه و توسیع دایره وظائف و مسئولیت ها و اختیارات مهمه و روحانیه آنها و تاسیس انجمن های شور روحانی و لجنات مختلفه و صندوق های خیریه محلی و ملی و اوقاف بهائی و حظائر قدس و مدارس تابستانه و معاهد مختلفه متعدد دیگراساس و اعمده دیوان عدل الهی را در خاور و باختر متدرجا و بکمال استحکام استوار فرمودند و قوه قدسیه الهیه را در موءسسات و مشروعات مختلفه یاران بسریگان و جریان در آوردند.

پس از استحکام اساس محافل ملیه هیکل اطهر احبای رحمانی را در ممالک و بلدان مختلفه به طرح و اجرای نقشه های مختلفه ملیه بمنظور بسط و توسعه و اعلان امرالله وازدیاد عدد مقبلین و تاسیس مراکز جدید و هجرت به نقاط غیرمفتوحه تشویق و تحریص فرمودند. اجرا و تنفیذ موفقیت آمیز این نقشه ها سبب توسعه سریع و روز افزون امر غالب الهی در شرق و غرب عالم و علّت تقویت اساس و کسب لیاقت و استعداد بیشتر جوامع ملیه گردید و راه را جهت طرح و اجرای یک نقشه جهانی یعنی نقشه جهاد کبیر اکبر دهساله که بوسیله هیکل اطهر طرح و عموم من فی البهائم مأمور اجرای آن شدند هموار نمود. مهمترین نقشه های ملیه که در دوران ولایت عظمی طرح

و پس از تصویب مولای عزیز و تشویق‌ها و دلالت‌های آن سالار جندهدی بمرحله اجرا در آمدند عبارتند از :

نقشه‌های هفت ساله یاران آمریکا - نقشه ۴۵ ماهه هجرت احبای ایران - نقشه پنجساله یاران مصر و سودان - نقشه پنجساله یاران کانادا - نقشه شش ساله بهائیان استرالیا و نیوزلند - نقشه پنجساله احبای آلمان و اطیش - نقشه یکساله جامعه بهائی آمریکای مرکزی - نقشه نوزده ماهه بهائیان هند وستان و پاکستان و برمه - نقشه شش ساله و دو ساله یاران انگلستان که از جمله اهدافش بسط و توسعه امرالله و هجرت یاران بقاره افریقا و ترجمه و انتشار کتب امری به السنه آفریقائی بود .

هیكل اطهر پس از تقویت و تحکیم اساس معاهد و موء سسات مختلفه امریه و طرح نقشه‌های ملییه در شرق و غرب عالم بهائی و تاکید و تشویق در اجرای آنها تد ریجا احبای الهی را بمرحله خدمات و مجاهدات بین المللی هد ایت فرمودند و افقی وسیعتر و میدانی جهانی بجهت مجهودات روحانیه آنان بوجود آوردند .

ابتداء در ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ دوازده نفر از نفوس مخلصه فعاله را از مرکز جهانی بهائی ومهدامرالله و دو قاره اروپ و آمریکا بسمت ایادی امرالله انتخاب و در ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ نیز هفت نفر دیگر را باین مقام شامخ ارتقاء داده و عدد حضرات ایادی امرالله را در شرق و غرب عالم بهائی بیک واحد یعنی ۱۹ بالغ گردانیدند و آنان را بروفق نصوص

الواح مبارکه وصایای حضرت مولی الوری مأمور  
 صیانت امرالله و ترویج کلمة الله فرمودند .  
 در سالهای بعد نیز هیكل انور بتدریج افرادی  
 را باین مقام منیع برگزیدند بطوریکه عدد آنان در  
 آخرین پیام مبارک مورخ اکتبر ۱۹۵۷ به عدد ۲۷  
 یعنی سه دفعه ۹ بالغ گردید و بنام حارسان مدنیّت  
 جهانی حضرت بهاء الله که در حال جنین است  
 نامیده شدند . در پیام آپریل ۱۹۵۴ حضرت ولی  
 محبوب امرالله بحضرات ایادی امرالله در قارات  
 خمسہ دستور فرمودند که به انتخاب اعضای  
 هیئت های معاونت ایادی در هر قاره که بمنزله  
 نمایندگان و معاونین و مشاورین آنان در اجرای وظائف  
 مخصوصه موء سه ایادی امرالله هستند مبادرت  
 ورزند .

علاوه بر انتصاب عد های بعنوان ایادی امرالله  
 هیكل مبارک در ۹ ژانویه ۱۹۵۱ ضمن پیامی بشارت  
 تاسیس شورای بین المللی انتضایی بهائی را که  
 بفرموده مبارک اولین تاسیس بین المللی و مرحله  
 جنینی تشکیل بیت العدل اعظم الهی و موء سسات  
 تابعه آن است بعالم بهائی ابلاغ فرمودند . هیكل  
 اظهارد راین پیام اشاره میفرمایند که رشد و تکامل  
 و کسب لیاقت محافل و معاهد ملّیه در شرق و غرب  
 عالم بهائی علّت اساسی اخذ چنین تصمیم تاریخی  
 و خطیر که یکی از مراحل برجسته تکامل نظم اداری  
 بهائی و مهمترین واقعه در عهد دوم عصر تکوین  
 بشمار میرود، بوده است .

در رضوان سال ۱۹۶۲ بر طبق تصمیم حضرات

ایادی امرالله مرحله د یگری در سیر تکاملی  
این موء سه بین المللی بوجود آمد و نه نفــــ  
اعضای آن بوسیله عموم اعضای محافل روحانیه  
ملیه در سراسر عالم بهائی انتخاب و اعلان  
گردیدند و بدین وسیله شورای بین المللی  
انتخابی بهائی یکسال قبل از تأسیس بیت العدل  
اعظم الهی پا بعرضه وجود گذاشت و علاوه بر  
مسئولیت های معینه از طرف هیکل انور وظایف  
جدیده ای نیز بآن محول گردید.

انتماب حضرات ایادی امرالله و تأسیس شورای  
بین المللی بهائی و تعیین وظایف آنان و همچنین توسعه  
موقوفات بین المللی بهائی در ارض اقدس و اتمام  
ساختمان مقام مقدس اعلی و مشرق الاذکار در قارات  
دیگر و انعقاد کنفرانس های متعدد بین القارات در  
طول سنه مبارک ۱۱۰ بدیع و مسافرت های حضرات  
ایادی امرالله بقارات خمس عالم یاران رحمانی  
را در سراسر جهان در آستانه خد مات روز افزون  
بین المللی قرار داد و بر توسعه روابط جوامع  
ملیه بهائی بیفزود تا آنکه در سال ۱۱۰ بدیع که  
یکصد سال از اظهار امر خفی اسم اعظم در زندان  
آنتن آظم طهران میگذشت حضرت ولی امرالله جلّت  
قدرته یک نقشه جهانی دهساله بمنظور اجرا  
و تنفیذ فرامین تبلیغی حضرت مولی الوری و توسعه  
موء سات امریه در مرکز جهانی عالم بهائی و تقویت  
جوامع ملیه موجوده طرح و تنظیم فرموده و نیل  
باهداف عالیه آنرا بعهدده جامعه بین المللی  
بهائی در سراسر عالم نهادند و بدین وسیله



نمایندگان اسم اعظم را رسماً وارد میدان خدمت عمومی و همکاری بین المللی فرموده عرصه ای وسیع بمقیاس جهانی بجهت مجاهدات روحانیه آنان بوجود آوردند که بنا بمشیت الهی مقدر چنین است این جهاد کبیر اکبر روحانی به تاسیس بیت العدل اعظم الهی مسک الختام گردد. و قدمی بسیار مهم و مجلد در تکامل نظم اداری امر حضرت بهاء الله برداشته شود.

اکنون یازان الهی در سراسر جهان در مقابل خدمات و مسئولیتهای بین المللی یعنی توسعه و تحکیم و تقویت موءسسات جهانی بهائی قرار دارند که باید چون فداکاران و خادمان درگاه در عصر رسولی و دوران ولایت عظمی بکمال همت و مداومت در این میدان وسیع جولانی سریع دهند و شرط عبودیت آستان بهاء را با حسن وجه بجای آرند. مسئولیتهای و وظائف بین المللی جامعیه بهائی نه فقط متوجه تشکیلات و موءسسات محلیه و ملیه است بلکه فرد فرد یاران رحمانی نیز در این میدان خدمت شرکت دارند و باید بنهایت علاقمندی و حسن تفاهم و قبول مسئولیت های فردی در تقویت و تحکیم و توسعه معاهد و مشروعات بین المللی مجاهدت نمایند و با همکاری عموم یاران در سراسر جهان بانجام وظائف خطیره متزاید و تحقق آمال قلبی مولای شفق مبادرت ورزند. بدون شك شرکت در این مرحله جدید از خدمات امری مستلزم رشد و بلوغ تجربه و لیاقت بیشتری است که باید از هم اکنون با قلبی پر از امید و شغف

و بکمال جدّیت آنها را تحصیل کنیم و در نهایت بصیرت و شایستگی وارد میدان خدمت گردیم.

همانطور که بهنگام تأسیس محافل و معاهد ملّیه یاران الهی علاوه بر قبول مسئولیت های محلی و وظائف تازه را در عرصه ای وسیعتر بر عهده گرفتند و بتدریج موءسسات ملّیه خود را تأسیس و تحکیم نمودند نسل کنونی جامعه جهانی بهائی نیز باید علاوه بر شرکت در خدمات محلی و ملّی قسمتی از نیرو و فعالیت خود را صرف تنفیذ اهداف بین المللی و شرکت در خدمات جهانی امر غالب و سریع التقدم الهی کند و خود را واجد شرایط لازم جهت جولان و ربودن گوی رضای دوست از این میدان وسیع مجاهدت نماید. مفهوم مشارکت در خدمات بین المللی آن نیست که یاران از قبول خدمت و مسئولیت در مراحل محلی و ملی خود داری نمایند بلکه هر بنده باوفای آستان جمال ابهی باید با توجه باهداف عظیم جهانی و روحانی امر الهی مسئولیت های گوناگون محلی و ملّی و بین المللی را بکمال شوق پذیرفته و همزمان بایکدیگر و بقدر وسع و استطاعت خود بانجام آنها مبادرت ورزد. و همواره این حقیقت را در نظر داشته باشد که محافل محلیه بمنزله اساس و محافل ملّیه بمثابه اعمده و ارکانی هستند که بیت العدل اعظم الهی و سایر موءسسات و مشروعات بین المللی بهائی بر فیراز آنها موءسس و استوار خواهند بود. در حقیقت ورود بمرحله مجاهدات جهانی سبب توسعه و ایداره خدمات یاران بمقیاس دنیائی میشود و علت عدم

همکاری آنان در عرصه وظائف روحانیه محلی و ملی نمیگردد. عبارت دیگر هیچیک از احبای الهی نمیتوانند و نباید در خدمات تشکیلاتی خود فقط یکی از این سه مرحله را انتخاب نمایند و از ورود بسایر میادین مجاهدت خود را محروم سازند.

اقدامات یاران و یاوران امر حضرت یزدان در تحکیم و توسعه موء سسات بین المللی بهائی که در دوران ولایت عظمی آغاز گردیده در رضوان سال ۱۹۶۳ مطابق با سنه ۱۲۰ بدیع به اکلیل جلیل بیت العدل اعظم الهی که مرجعی مضمون از خطا و تحت صون و حمایت جمال اقدس ابهی است مکلل خواهد شد و مرحله ای مجلل و تاریخی در سیر تکامل امر عزیز الهی و موء سسات اداری آن در عصر تکوین دور بهائی نصیب بندگان با وفای آستان خواهد گردید و عموم اهل بهاء باید بموجب الواح مقدسه نهایت اطاعت و انقیاد و وفاداری را باین مرجع معصوم و منصوص ابراز دارند و با توجه به منصوصات قلم اعلی و فقرات الواح مبارکه وصایای حضرت مولی الوری تصمیمات و مصوبات این مرجع عالی و اعظم هئیت تقنینیه عالم بهائی را که مالا یگانه ملجاء و پناه دنیای مصیبت دینده و بشر رنج کشیده است، گردن نهند زیرا بفرموده قلم اعلی " اِنَّهٗ یُلِیْهِمْ مَا یَشَاءُ وَهٗوَ الْمُدَبِّرُ الْعَلِیْمُ " انتهى

# وقایع مهمه امریه در ممالک اسکاندیناوی و فنلاند

در ایامیکه شمس بها در زندان اظلم و انتن ارض طء  
بکمال رضا قبول بلا فرموده اسیر سلاسل و اغلال اولی  
البغضا بود و حزب بابی پس از شهادت کبری مشنت  
و پریشان و مایوس و نالان بظلم و ستم حکام و  
روئای ملت و علمای رسوم گرفتار هیچکس را گمان  
چنان نبود که در آینده‌ای نزدیک امرالهی از موطن  
خود پای فراتر نهد و در قطب آفاق علم هدایت  
کبری برافرازد. • و لکن یکی از علامات و کمالات  
مظاهر مقدسه آلهیه آنست که بمدد وحی آلهی  
وقایع آینده را برای العین مشاهده میکنند و از مال  
کار شریعتی که بارادة الله تأسیس میفرمایند  
بخوبی آگاهند و بر نصرت و تأیید ربانی مطمئن  
و امیدوار. • و این حقیقت با مطالعه و دقت در کتب  
مقدسه و تاریخ ادیان آسمانی بخصوص این ظهور  
مبارک بکمال وضوح معلوم و هویدا میگردد. • در  
چینی که سلطان قدم در سیاه چال طهران مسجون  
و ابواب رخا از هر جهت مسدود و دولت و ملت ایران

بر قلع و قمع شجره الهیه همّت گماشته بودند  
 وحی الهی در آن مکان اظلم بر قلب ممرّد اصفای  
 جمال قدم نازل شد و بشیر آلهی باین کلمات  
 احلی و عده نصرت و حمایت امر اعزا بهایش را  
 فرمود قوله تبارک و تعالی "۰۰۰ اِنَّا نَنْصُرُكَ بِكَ وَ  
 بِقَلَمِكَ لَا تَحْزَنَ عَمَّا وُرِدَ عَلَیْكَ وَ لَا تَخَفْ اِنَّكَ مِنْ  
 الْاٰمِنِیْنَ سَوْفَ یَبْعَثُ اللّٰهُ كُنُوْزَ الْاَرْضِ وَ هُمْ رِجَالٌ  
 یَنْصُرُوْنَكَ بِكَ وَ بِاَسْمِكَ الَّذِیْ یُحِیُّ اللّٰهُ اَفْئِدَةَ  
 الْعٰرِفِیْنَ" ۰

اکنون که قریب بیک قرن از نزول وحی آلهی بر  
 قلب مظهر امرش در آن ایام تیره و تار میگذرد  
 اهل بها میتوانند نصرت و حمایت ربانی را  
 برای العین مشاهده کنند و بوضوح در یابند که  
 چگونه در این مدت قلیل ید قدرت آلهی "کنوز  
 ارض" یعنی رجالی را از اجناس و ادیان و طبقات  
 مختلفه بر نصرت و خدمت امرش مبعوث فرموده  
 و صاحبان قدرت و شوکت را در مقابل مظهر ظهورش  
 خاضع و خاشع نموده است و این خود نمونه ای از  
 غلبه و قهاریت شریعت اسم اعظم در مستقبل ایام  
 میباشد. جمال قدم در ایام اقامت در ارض سر و  
 بخصوص مدینه منوره عگا نه تنها شریعت  
 مبارکشان را عمومی و جهانی معرفی فرمودند  
 و اراده آلهیه را در این دور مبارک تاسیس مدنیت  
 لاشرقیه و لاغربیه آلهیه و استقرار ملکوت صلح  
 و سلام در بین کافهء آنام دانستند بلکه تعالیم  
 و قوانین عمومی و جهانی نیز تشریح فرموده و  
 در آثار مبارکه خود وصول بمرحله وحدت عالم

انسانی را قطعاً و صریحاً وعده دادند. در کتاب مستطاب اقدس که امّ الكتاب این دور مبارک است قلم‌اعلی برای نفوسیکه در مجاورت قطبین و نقاطی که دارای شبها و روزهای طولانی و غیر مساوی است سکونت دارند در باره کیفیت اقامه فریضه صلاة و اوقات آن تعیین تکلیف میفرمایند و با نزول این‌آیه مبارکه تلویحاً به نفوذ و سرایت امر غالب آلهی در این نقاط و جامعیت و عمومیت آن اشاره مینمایند: قوله الاعلی :

"... وَالْبُلْدَانُ الَّتِي طَلَتْ فِيهَا اللَّيَالِي وَ  
الايَّامَ فَلْيُصَلُّوا بِالسَّاعَاتِ وَالْمَشَاحِصِ الَّتِي مِنْهَا  
تَحَدَّدَتِ الْاَوْقَاتُ اِنَّ لِهَوَالِمُبَيِّنِ الْحَكِيمِ".

و الیوم بندگان جمال قدم ملاحظه مینمایند که چگونه ندای آلهی در ممالک اسکاندیناویا و فنلاند که مجاور قطب شمال است خیمه و خرگاه زده و قلوب جم غفیری را بمغناطیس محبتش ربوده است و روز بروز آتش محبت اللّه شعله‌اش افزون میشود و در این نقاط سرد سیر حرارت بخش دلها میگردد.

در این مقال نگارنده فتوحات و پیشرفت‌های امر آلهی و وقایع مهمه امریه را در ممالک اسکاندیناوی و فنلاند از بدایت شروع نقشه ملکوتی و جهانی دهساله باستحضار خوانندگان عزیز میرساند و امیدوار است که سبب سرور خاطر یاران عزیز آلهی در مهد امر اللّه گردد.

کنفرانس بین‌القارات که در سال ۱۹۵۴ در ظل نقشه دهساله در استکهلم عاصمه سوئد منعقد

گردید اشتراك مساعی یاران را در فعالیت های امری در ممالک اسکاندیناوی یعنی سوئد - دانمارک - نروژ آغاز نمود . در این هنگام بنا به اراده مبارکه مولای مهربان کشور فنلاند نیز از لحاظ نظم اداری باین ممالک وابسته شد و نمایندگان یاران آن سامان در لجنه ناحیه ای ممالک اسکاندیناوی که از سال ۱۹۵۱ تشکیل شده بود مشارکت نمودند . لجنه ناحیه ای مذکور از نمایندگان محافل محلیه این ممالک تشکیل میشد و هر محفل محلی دو نفر نماینده در آن لجنه داشت . لجنه مذکور همچون دیگی جوشان آداب و رسوم و افکار و روحیات مختلفه یاران این ممالک را بهم مخلوط نموده و حسن تفاهم بیشتری بین آنان بوجود آورد . لذا میتوان گفت این لجنه نه تنها تجربه و مقدمه ای لازم جهت تاسیس محفل روحانی ناحیه ای این اقالیم بوده که در رضوان ۱۹۵۷ تاسیس گردید بلکه در ایجاد الفت و آشنائی و وحدت نظر فیما بین یاران الهی وظیفه مهمی را ایفا نموده است . لجنه فوق الذکر در بدایت فعالیت خود وظائف مهمه بسیاری از قبیل تشکیل کنفرانس های تبلیغی و مدارس تابستانه و انتشار یک نشریه مخصوص و همچنین تقویت قوای روحانی افراد جامعه و توسعه دایره الفت و اتحاد بین آنان را برعهده داشت که میبایست بکمال دقت و مواظبت انجام دهد . این لجنه با همکاری و راهنمائی های هوشیارانه لجنه تبلیغ اروپائی جامعه بهائی امریک موفق شد که ارتباط رسوم بین جوامع بهائی این اقالیم بوجود آورد و اساسی متین جهت انعقاد اولین

کانونشن بهائیان ممالک اسکاندیناوی و فنلاند که در رضوان ۱۹۵۷ در استکهلم منعقد گردید و همچنین تاسیس محفل روحانی ناحیه‌ای این ممالک را در همین سال بنا نهاد.

در باره کشورهای اسکاندیناوی و فنلاند و فعالیت‌های روحانی و تشکیلاتی یاران آلهی لازم و شاید جالب است که قبلاً "به نکات و حقایق جغرافیائی و سیاسی ذیل توجه شود:

۱- ممالک اسکاندیناوی و فنلاند بین ۵ الی ۳۰ درجه طول جغرافیائی و ۵۵ الی ۷۰ درجه عرض جغرافیائی قرار دارند و پایتخت‌ها و شهرهای مهم این ممالک با داشتن فواصلی بطور متوسط ۵۰۰ کیلومتر از یکدیگر دور افتاده اند.

۲- زبان اهالی سه کشور اسکاندیناوی (سوئد - نروژ - دانمارک) بخصوص زبان اهالی دو کشور دانمارک و نروژ از یک ریشه و تا حد زیادی بیکدیگر شبیه هستند و افراد این ممالک بخصوص یاران آلهی زبان همدیگر را تقریباً بدون اشکال می‌فهمند تا آنجا که وقتی یک اثر امری فی‌المثل بزبان دانمارکی ترجمه و طبع میشود یاران آلهی در نروژ و در درجه دوم احبای سوئد میتوانند از آن استفاده نمایند ولیکن زبان اهالی فنلاند ادنی شباهتی بلسان مردم ممالک اسکاندیناوی نداشته بلکه اصولاً بازبینان مجارستانی خویشاوندی دارد. لذا آثار و کتب و نشریات امری باید جداگانه جهت یاران آن کشور منتشر شود.

۳- جزائر لوفوتن سرزمین اصلی کشور نروژ



و واقع در شمال این مملکت بر طبق جغرافیای  
ملهم حضرت ولی مقدس امر اللّه و در طول نقشه  
جهانی دهساله از لحاظ تشکیلات اداری بهائی خارج  
از حوزه حاکمیت تشکیلاتی بهائی نیروز قرار داشته  
و وضعی مخصوص بخود دارد که انشاء اللّه در  
نقشه‌های آینده جامعه اسم اعظم و در ظل هدایت  
بیت العدل اعظم الهی وضع روحانی این جزائر که  
اکنون عده کمی از اهالی آن بهمت دونفر از اماء  
الرحمن آمریکائی که از طرف لجنه تبلیغ اروپا  
بدان سمت هجرت نموده اند بشرف ایمان فائز  
شده اند معلوم خواهد شد.

۴ - جزیره اسپیتز برگن مجاور قطب شمال  
که مستعمره کشور نیروز است با داشتن مسافتی  
در حدود سه روز مسافت دریائی از سرزمین مادری  
خود بدور افتاده و از ماه نوامبر تا ماه می هر سال  
(آبان الی اردیبهشت ماه) بعلت سرمای شدید و  
یخ بندان برقراری هر نوع رابطه‌ای با آن بجز  
از طریق مخابره بای سیم غیر ممکن است. این  
جزیره بر طبق اراده هیکل اطهر جزء اهداف نقشه  
دهساله قرار دارد و هم اکنون سه نفر مهاجر  
مخلص و منقطع از یاران سه کشور هلند - انگلستان  
و ایالات متحده امریکا در آن اقامت دارند و لکن  
بظوریکه ملاحظه میشود بعلت بُعد مسافت و وضع  
خاص جغرافیائی از ناحیه ممالک اسکاندیناوی  
بکناری افتاده است.

با توجه بشرائط و نکات فوق اکنون حوادث و  
وقایع برجسته امریه و فعالیت‌های تبلیغی و

تشکیلاتی پیروان اسم اعظم در این صفحات را در طول  
 نقشه دهساله باستحضار یاران عزیز میرساند:  
 در سالهایی که لجنه ناحیه‌ای ممالک  
 اسکاندیناوی و فنلاند تشکیل بود چهار کنفرانس  
 تبلیغی در اسلو (نروژ) و محلی نزدیک هلسینگی (فنلاند)  
 و کپنهاک (دانمارک) و آخرین آن در سپتامبر ۱۹۵۶  
 در استکهلم عاصمه سوئد با حضور ایادی عزیز امرالله  
 دکتر مولشلکل و میس اوفاتر و نماینده لجنه تبلیغ  
 اروپا منعقد گردید. موضوع کنفرانس و مدرسه  
 تابستانی یاران فنلاند عبارت از "آمادگی جهت  
 شرکت در خدمات امری" و موضوع اصلی کنفرانس  
 استکهلم آمادگی یاران جهت انعقاد اولین کانونش  
 ۱۹۵۷ تحت عنوان "ای پروردگار: اقدام ما را ثابت  
 بدار" بود. وضع جامعه بهائی در این ممالک و  
 تعداد محافل محلیه و جمعیت‌های بهائی و نقاط  
 منفرد در آن تاریخ یعنی سپتامبر ۱۹۵۷ بقرار ذیل  
 بود:

دانمارک - دارای یک محفل روحانی - هشت جمعیت بهائی  
 شش نقطه منفرد. ضمناً "حظیره القدس عاصمه  
 آن کشور خریداری و اقدامات لازم جهت تسجیل  
 محفل روحانی در جریان بود.

سوئد - دارای یک محفل روحانی - دو جمعیت بهائی -  
 دو نقطه منفرد. بعلاوه زمینی بمنظور بنای مشرق‌الاذکار  
 تحت هدایت و تاکیدات مداوم هیکل اطهر در شهر  
 استکهلم و در محلی مرتفع و بسیار مناسب خریداری  
 و همچنین محلی جهت حظیره القدس یاران در همین  
 شهر درست قبل از انعقاد اولین کانونش ابتیاع

گردیده بود.

نروژ - دارای دو محفل روحانی بود. ضمناً حظیره القدس بهائی در اسلو در دست ساختمان و قطعه زمینی بسیار زیبا و مناسب نیز در شهر برگن جهت ساختمان حظیره القدس خریداری و دیانت بهائی بعنوان يك جامعه مذهبی از طرف دولت رسماً شناخته شده بود.

فنلاند - دارای يك محفل روحانی و سه نقطه منفرد بود. بعلاوه محفل مذکور بعنوان يك جامعه یا هیئت مذهبی از طرف دولت شناخته شده و حظیره القدس یاران در نزدك هلسینگی ابتیاع و قطعه زمین دیگری نیز خریداری گردیده بود.

در کنفرانس استکهلم اهدافی که باید بوسیله یاران این ممالک فتح شود بشرح ذیل باستحضار مجتمعی رسید.

۱- دانمارک - ۳ محفل روحانی و يك نقطه منفرد

۲- سوئد - ۳ محفل روحانی و ۷ نقطه منفرد

۳- نروژ - ۲ محفل روحانی و ۷ نقطه منفرد

۴- فنلاند - ۳ محفل روحانی

با این وظائف مهم که قیام و مجاهدات دلیرانه‌ای را اقتضاء داشت اولین محفل روحانی ناحیه ای ممالک اسکاندیناوی و فنلاند در کانونش رضوان سال ۱۹۵۷ در استکهلم انتخاب شد و اتفاقاً این واقعه تاریخی در حظیره القدس آن سامان که جدیداً ابتیاع شده بود انجام گرفت. در این کانونش ایادی عزیز امرالله جناب دکتر مولشلکل و نماینده محفل مقدس روحانی منی بهائیان آمریکا میس او فاترو

(صبيه اىادى محترم امرالله امة الله كورين تروعليلها  
رضوان الله ) و همچنين عده اى از مهاجرين فى  
سبيل الله از جمله اولين مهاجر دلير كـشور سوئد  
يعنى مستر جينى آنـدرسن حضور داشتند . در اىـن  
حفله نورانى هداىائى جالب شامل آلبوم عكسهاى  
امرى اهدا شده بود . جالبـترين اىن هدايا عيارت  
از آلبوم حاوى عكسهاى كليـه حظائر قدس بهائى  
در سراسر عالم بود كه مولـى بنده نواز اهل بهـا  
حضرت ولى امرالله عنـايت فرموده بودند . لـجنه  
تبليغ اروپا نيز آلبومى حاوى تبريكات و تهـنيت -  
هاى عموم محافل روحانيـه مليـه تهيه و اهدا نموده  
بود .

بدىن ترتيب و در ميان شور و نشاط احبائىكه  
حاصل زحمات چندىن ساله خود را براى العىـن  
مىديدند اولين محفل روحانى ناحيهـاى ممالـك  
اسكانديناوى و فنلاند تشكيل گرديد . در اىن محفل سه  
نفر از ياران كـشور سوئد سه نفر از نروژ دو نفر از  
دانمارك و يـك نفر از فنلاند افتخار عضويت يافتند .

در جولـى ۱۹۵۷ هـىكل اطهر بوسيله منشى  
غربى خود يعنى امة البهـاء روحيه خانم توقيعى  
بافتخار محفل مذكور نازل فرمودند كه قسمتهاى  
از آن محض مزىد تبصر ياران در اىن مقال ترجمه  
و درج مىگردد .

" اكنون كه سه محفل روحانى ناحيهـاى در قاره  
اروپ تشكيل گرديده است حضرت ولى امرالله اطمينان  
مىدهند كه اىن پىروزي افتتاح يك مرحله جـديد  
و حياتى را در توسعه و پيشرفت امرالله در آن اقليم

مشخص میسازد . درك این حقیقت که امور امری و اداری یاران در جوامع بهائی اروپا در داخل آن قاره و بوسیله احبای بومی که بمشکلات موجوده و روحیات اهالی وقوف کامل دارند اداره میشود مزیت و موفقیت عظیمی را آشکار میکند همان مشکلاتی که وقوف بر آنها بناچار برای لجنه تبلیغ اروپا امکان نداشت . هیکل مبارک بکمال اشتیاق از دیداد قابل ملاحظه یاران آلهی را در جامعه‌های بهائی آن ممالک بمدد نقشه‌های مدبرانه و حسن اداره آن محفل انتظار دارند . هدف اساسی از نظم اداری بهائی در حال حاضر تبلیغ و تشریح امرالله میباشد . اداره امرالله صرفا عبارت از حفظ و صیانت و همچنین هماهنگ نمودن مساعی و مجاهدات آن میباشد . یاران آلهی باید بکمال وضوح در نظر داشته باشند که حضرت ولی امرالله وظیفه خود میدانند وظائف و مسئولیتهای تاریخی آن محفل را خاطر نشان سازند . همان وظائف و مسئولیتهائی را که حضرتش بکرات بمحافل ملیه قدیم و ممتحن خاطر نشان فرموده اند و آن عبارت از اینست که آن محفل باید بکمال سعی از معرفی و بکار بردن قوانین و نظاماتی که جزیان توسعه ملایم و مستمر امرالله را در آن اقلیم دچار اشکال میکند و یاران آلهی را از پیشرفت باز میدارد و آنان را بعللی غیر ضروری دچار هراس و پریشانی مینماید احتراز جویند . صرف نظر از اصولی که در آثار و تعالیم مبارکه در نهایت وضوح موجود است محافل ملیه باید منتهای کوشش

خود را بطریق مختلفه بکار برند تا یاران را به تبلیغ انفرادی و خدمت مجدانه و فتح نقاط جدید و تبدیل جمعیت‌های بهائی بمحافل محلیه و غیره تشویق و ترغیب نمایند . هرگاه مسائل و مشکلاتی بوجود آید محفل ملی میتواند آنها را یکی پس از دیگری با روشی توأم با محبت و حسن تفاهم مورد رسیدگی قرار دهد و تعالیم و اصول بهائی را چه از نظر جنبه روحانی و چه از لحاظ نصوص آلهی برای حل مشکلات بکار برد و لکن همواره باید از قوانین و نظامات اضافی و رعایت تشریفات مفرط اداری و غیر ضروری احتراز جوید . وظیفه اولیسه عموم افراد بهائی که بوسیله حضرت بهاءالله بشخصه معین و مشخص گردیده عبارت از تبلیغ امرالله میباشد و این بزرگترین مزیت و موهبتی است که بیاران آلهی عنایت شده است . آنان باید نفوس مشتاق و منتظر را جستجو کنند و با طبقات واجناس و فِرَق مختلفه خلطه و آمیزش جویند و از بین آنان نفوسی را که مستعد پذیرش روح آلهی هستند بیابند و سپس بکمال محبت و درایت آنان را هدایت نمایند تا قدم اساسی یعنی شناسائی مظهر آلهی را در این یوم مبارک بردارند . یاران آلهی نه فقط باید باعلان امرالله در حظیره القدس و از طریق جلسات عمومی و کلاسهای مطالعه و تحقیق تشویق شوند بلکه لازم است به تبلیغ انفرادی در منازل خود و بوسیله آنچه که یاران آمریک آنرا فایرساید (بیت تبلیغی) نامیده اند نیز تشجیع گردند این تماسهای انفرادی و دوستانه در اقبال مؤمنین

جدید و تقویت آنان تاثیرات بیشتری از سایر طرق تبلیغی در بردارد. حضرت ولی امرالله امیدوارند که در تأسیس نقشه شش ساله یاران آن اقالیم، محفل شما اهداف فوری را به ترتیبی انتخاب خواهند کرد که یاران را بهجرت به شهرها و نقاط مجاوره و تشکیل مراکز و محافل جدیده تحریمی و تشویق نماید. اهالی ممالک اسکاندیناوی و فنلاند بعلت هوشیاری و ذکاوت و تمدن و لیاقت خود مدتها از طرف ملل سائره مورد تحسین قرار داشته اند و هیکل مبارک مشتاقانه منتظر فتوحات روحانیهای که بهائیان این اقالیم در طول شش سال آینده بدست خواهند آورد میباشند. همچنین آن محفل باید بمسئله ترجمه آثار و کتب امری توجه شایان مبذول دارد. هر چند مومنین اولیه که بامر آلهی اقبال نموده و چشمه‌هایی جوشان از وفاداری و فداکاری بوده اند عملا از آثار مبارکه بغیر از چند مناجات و قسمت‌هایی از کلمات مبارکه مکنونه را نخوانده بودند و لکن روحیات افراد انسانی در این ایام کاملا متفاوت بوده و آنان حقایق و تعالیم آلهی را بیشتر از طریق عقل و ادراک و نه از راه قلب و احساس درک و قبول مینمایند بدین جهت آثار و کتب متعدده بهائی که بلسان انگلیسی موجود است باید بکمال دقت و بنحو شایسته بالسنه دانمارکی نروژی سوئدی و فنلاندی ترجمه گردد و تا آنجا که مقتضیات اجازه میدهد کتب جدیده بجهت یاران آلهی بالسنه مذکوره طبع و نشر شود. این اقدام نه تنها سبب

تزیید معلومات و اطلاعات افراد احباء میگردد بلکه بنحوی مؤثر مجاهدات تبلیغی آنان را نیز تقویت خواهد نمود.

میل مفرط حضرت ولی امرالله و انتظارشان از آن محفل آنست که در این مرحله اولیه توسعه و پیشرفت امرالله در آن اقالیم که تحت اداره و حاکمیت آن محفل قرار دارند کمال صبر و بردباری را در اداره امور جوامع بهائی بکار برند باید بخاطر داشته باشید که یاران آلهی اساسا از مؤمنین جدید و کم تجربه بوده و غالباً بکسب معلومات و فهم بیشتر آنچه که دیانت آنان بدانها تعلیم میدهد و مقصد و هدف آنست احتیاج دارند اقدام تند و خشن هرگز نباید اعمال شود آنانکه ضعیف و زحمت افزاینده باید بکمال صبر و متانت پرستاری و مواظبت گردند تا هرچه بیشتر از افراد بالغ بهائی شده و قادر به تحمل و قبول سهم کامل مسئولیت خود گردند . فی الحقیقه محفل شما باید مانندی پدر و مادری مهربان و نه همچون یک قاضی سختگیر رفتار نماید . حضرت ولی امرالله امیدوارند که مسئله زمین مشرق الاذکار در استکھلم بسرعت حل شود و نظر مبارکشان اینست که محفل شما باید توجه مخصوص باین موضوع معطوف دارد . . . . مطمئن باشید که هیکل اظهار همواره در احیان دعا و مناجات شما را بخاطر داشته و برای هدایت و صیانت شما و تحقق عالیترین اهداف و آرزوهائی که جهت اتمام وظائف و مسئولیت های جدید خود در دل میپرورانید تضرع میفرمایند " . . . با تقدیم



گرمترین تحیات بهائی - منشی روحیه - ربانی •  
در این توقیع مبارک هیکل اطهر بار دیگر  
اهمیت جزیره اسپیتزبرگن و فتح روحانی آنرا  
تاکید میفرمایند لذا وقتی که محل مشرق الاذکار  
در استکهلم ابتیاع و اولین مهاجر دلیر و قهرمان  
مستر پول آدامز Paul Adams بجزیره مذکور  
که از اهداف مهم محسوب و نزدیک قطب شمال  
واقع عزیمت نمود سبب سرور فوق العاده محفل ملی  
اسکاندیناوی و فنلاند گردید •

اولین مدرسه تابستانه بهائیی تحت اداره و  
مسئولیت محفل ملی جدید التاسیس در آلبورگ  
دانمارک تشکیل گردید و چند نفر از یاران عزیز  
کشور مقدس ایران نیز حضور داشتند همچنین حضور  
ایادی عزیز امرالله جناب دکتر مولشکل سبب  
سرور فراوان و استفاده یاران از محضرشان گردید  
و یک محصل دانمارکی در این مدرسه اقبسال  
بامرالله نمود •

دومین کانونش ملی بهائیان اسکاندیناوی و فنلاند  
در رضوان سال ۱۹۵۸ و پس از صعود هیکل اطهر در  
مدینه استکهلم منعقد گردید • در ابتدای کانونش  
بیاد بود مولای محبوب و مهربان اهل بها برنامه‌ای  
مخصوص اجرا شد در این کانونش نواری که از کنفرانس  
کامپالا ضبط شده و حاوی بیانات امة البهاء  
روحیه خانم نماینده مخصوص هیکل اطهر و سایر  
حضرات ایادی امرالله و نیز بیانات تحیت آمیز  
یاران سیاه پوست افریقا بود روحی جدید در مجتمعی  
دمید و آنان را برای انجام وظایف مهمه ای که

در سنین آتیه برعهده دارند بیش از پیش آماده نمود.

در انتخابات ملی که در این کانونش انجام گرفت یکی از یاران سوئد بجای نماینده کشور فنلاند عضویت انتخاب و این امر باعث شد که در طول سال بعلت نبودن نماینده از کشور اخیر الذکر محفل ملی از وضع امری آن کشور بطور مستقیم اطلاع حاصل نکند و بطور محسوس دچار اشکال شود. پس از انعقاد کنفرانس بین القارات فرانکفورت بلافاصله يك کنفرانس تبلیغی در هریک از ممالک اسکاندیناوی و فنلاند بطور جداگانه منعقد گردید در این کنفرانسها افتخار جدیدی نصیب یاران این اقالیم شد و آن عبارت از انتخاب امة اللہ مد ستا ویدا از شهر برگن واقع در نروژ بسمت معاونت ایادی در این ممالک از طرف حضرات ایادی امرالله مقیم اروپا بود که در تمام این کنفرانسها شرکت نموده و مشوق یاران رحمانی بخدمات امری میشدند. از طرف دیگر شرکت مشارالیها در کنفرانسهای حضرات ایادی امرالله در اروپا و مراجعت ایشان سبب میشد که روح جدیدی در کالبد یاران دمیده شده و احساس ارتباط بیشتر با مرکز جهانی امرالله و آگاهی بمسئولیت های جهانی جامعه بهائی بآنان دست دهد بخصوص که مشارالیها عضو محفل روحانی ملی این اقالیم نیز بوده و میباشند. ازدیاد عدد یاران همانطور که از طرف هیکل اطهر از پیش بشارت داده شده بود در این ممالک بخصوص در کشور فنلاند و در شهرهای جزء اهداف بهمت ستاینندگان اسم اعظم آغاز گردید و محفل روحانی ملی

تصمیم گرفت که تا سال ۱۹۶۱ جلسات کانونش بغیر از مدینه استکهلم به ترتیب در پایتختهای سایر ممالک اسکاندیناوی و فنلاند یعنی کپنهاک، اسلو و هلسینگی منعقد گردد.

کانونش رضوان سال ۱۹۶۱ یعنی آخرین کانونش مشترک ممالک اسکاندیناوی و فنلاند از لحاظ تعداد و نمایندگان و حاضرین در آن که از احبای بومی این ممالک و مهاجرین عزیز ایرانی و آمریکائی و همچنین عده‌ای از مبلغین و مشوقین و بالغ بر ۷۲ نفر ترکیب شده بود و از جهات دیگر از کانونش‌های گذشته ممتاز بود بخصوص که دو نفر از حضرات اعضای هیئت معاونت ایادی در اروپا (خانم - مد ستاویدا و جناب ایان سیمپل) نیز حضور داشتند. در این کانونش احبای مجتمعه و نمایندگان محافل محلیه از انجام و اتمام نقشه‌های روحانیه خود و تشکیل تعداد لازم محافل محلیه بر طبق نقشه مبارک دهساله بی نهایت مسرور بودند بخصوص که در کشور دانمارک یک محفل اضافی یعنی جمیعا ۵ محفل روحانی بهمت مهاجرین عزیز ایرانی تأسیس شده و راه از هر لحاظ برای تأسیس چهار محفل ملی مستقل در رضوان آینده هموار شده بود در این کانونش اهداف روحانیه و وظائف آینده بخصوص تقویت بنیه روحانی جامعه و مسئله تبلیغ امرالله و طرق آن و همچنین آماده گی یاران جهت تأسیس محافل ملیه جدید در سال آتی مطرح و بعلاوه پیام حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس قرائت و مورد مشاوره قرار گرفت.

مدرسه تابستانه سال ۱۹۶۱ یاران ممالک

اسکاندیناوی و فنلاند تحت نظارت محفل ملّی و با حضور بالغ بر ۱۳۰ نفر از یاران آلّهی این ممالک و مهاجرین ایرانی، آمریکائی و آلمانی از نژاد سفید و سیاه بکمال شکوه و جلال در کشور سوئد و در نقطه‌ای زیبا و مناسب بمدت یک‌هفته منعقد گردید. حضور ایادی امراللّه جناب دکتر مولشلگل نیز سبب نورانیت جلسات مدرسه و کسب فیض یاران بود محیط مملو از روحانیت و صفای این مدرسه که در یک هتل معروف و قدیمی منعقد شده بود بحدی بود که نفوس غیر بهائی را نیز تحت تأثیر قرار داده و بالاخره منجر باقبال و ایمان سه نفر از شرکت کنندگان غیر بهائی گردید.

با فرارسیدن رضوان سال ۱۹۶۲ هر دم شوق و اشتیاق یاران آلّهی بیشتر میشود زیرا آن ایام موسم مشاهده ثمره ای است که بر درخت آرزو و آمالشان روئییده است. همان درختی که سالیان متمادی بکمال همّت و مداومت و جانفشانی نگاهداریش نموده و بخون دل آبیاریش کرده اند. در آن ایام ستاینندگان اسم اعظم در چهار کانونش ملّی جداگانه که در عاصمه هر یک از این ممالک و با حضور حضرات ایادی امرالله منعقد میشود شرکت نموده و بوسیله نمایندگان منتخبه خود اعضای اولین محفل روحانی مستقل خویش را انتخاب مینمایند. با تأسیس این چهار محفل ملّی طبق اراده مطاع و ملکوتی حضرت ولی محبوب امراللّه چهار عمود دیگر بر اعمده دیوان عدل آلّهی در قاره مصیبت دیده اروپا که هنوز هم در خواب غفلت و بی‌خبری بسر میبرد و در مظاهر

فربنده تمدن مادی خود غرق است افزوده میشود.  
چهار محفل ملی فوق الذکر در رضوان ۱۹۶۳ همراه  
با سایر محافل ملی در سراسر عالم بهائی در انتخاب  
اعضای بیت العدل اعظم آلهی شرکت خواهند نمود.  
تأسیس این محافل ملی بدون شك در ازدیاد عدد  
مؤمنین و استحکام اساس امرالله و توسعه و نفوذ  
روز افزون آن در این ممالک که در شمال اروپا واقعند  
نقش مؤثری را ایفا خواهند نمود. انتہی

## فارسی و عربی

” اگر از لغات مختلفه عالم عرف  
شای تو متضوع شود همه  
محبوب جان و مقصود روان  
چیه تازی چه پارسی  
اگر از آن محروم ماند قابل  
ذکر نه چه الفاظ چه معانی . . . . . ”

خوانندگان بسیار عزیز • شاید شما هم بهنگام  
مذاکره و صحبت با متحریان با این سئوال و ایراد  
آنان مواجه شده باشید که چرا حضرت بهاء الله  
جل اسمه الاعلی با وجود یکه ایرانی بودند آیات و  
الواح و احکام و تعالیم خویش را بزبان قوم و ملت  
خود یعنی فارسی نازل نفرموده اند و کتاب مستطاب  
اقدس و قسمتی از آثار مهمه حضرتشان بلسان عربی  
میباشد •

هرچند این مطلب که صرفاً دارای جنبه زبان است فاقد اهمیت بود ه واز جمله مسائلی است که ارتباطی به اساس متین شریعت الله و تعالیم و مبانی حیاتبخش این آیین نازنین ندارد و لکن از آنجا که ما اهل بهاء بصریح قلم اعلی مأمور به تحریر حقیقت و رافت کبری با همه اهل دنیا هستیم و باید حقایق این ظهور اعظم را بلسان شفقت بنفوس مستعد ه شرح و توضیح دهیم لذا در این مقال سعی خواهیم نمود موضوع را بنحو اجمال توجیه و این سئوال و ایسرا در را هم پاسخ گوئیم تا شما عزیزان روحانی که یقیناً ذوق و شوق تبلیغ امر الله را بر سر دارید حقیقت مسئله را بکمال صفا و محبت بمتحیران حقیقت بیان نمائید و رفع اعتراض آنان فرمائید .

۱- این مسلم است که هدف و مقصد جمال اقدس ابهی از قیام بر امر الهی استقرار صلح عمومی و دائمی و اتحاد بین المللی در جامعه کل بشری و بالاخره تأسیس وحدت عالم انسانی در بسط زمین میباشد و ظهور حضرتشان ظهور کلی الهی است که بموجب بشارات و اشارات انبیاء و مظاهر مقدسه الهیه برای استقرار عدل اعظم الهی در جامعه بنی آدم و رفع تعصبات و اختلافات و اوهام موجوده بین ملل و اقوام مختلفه عالم واقع شده است و مخاطب تعالیم و احکام و مبادی نجاتبخش آن موعود کل امم جمیع اهل عالم میباشد نه قوم و ملتی مخصوص و معین و این ناگفته معلوم است که تکلم جمال قدم به لسان همه اقوام و ملل عالم که عدد آنها بسیار زیاد است امری غیر معقول و مخالف مقصد اصلی

که وحدت عالم انسانی است بنظر میرسد و بدون شك همانطور که پیغمبر اکرم با وجود آنکه فقط بلسان عربی تکلم فرمودند لسان قرآن کریم بهمراه تمدن اسلام در بین سایر اقوام و ملل عالم مانند ایران و رومان و غیرها نفوذ و تمکن یافت در مستقبل ایام هم که بنا بمشیت نافذ الهی نهضت روحانی و بین المللی بهائی در سراسر عالم مستقر شود و سلطنت روحانی و ظاهری جمال مبارک در بساط غیراء تأسیس گردد آیات و آثار مشحون از حقایق و تعالیم سامیه این ظهور اعز اعلی در تمام نقاط جهان منتشر شده و همه اقوام و ملل عالم از خوان نعمای بیکران الهی بهره مند خواهند شد و با توجه باینکه یکی از تعالیم و مبادی اساسیه این آئین نازنین وحدت لسان و خط میباشد در مستقبل ایام و پس از تأسیس مدّیت لشرقیمه و لا غربیه الهیه جمیع آثار و آیات مقدّسه این ظهور اعز امنع صمدانی بلسان عمومی و بین المللی ترجمه شده و مورد استفاده جمیع اهل عالم قرار خواهد گرفت کما اینکه هم اکنون بسیاری از آثار مبارکه این ظهور اعظم بلغات مهمّه عالم و زبانهای مختلفه ترجمه و مورد استفاده از اقوام و ملل متعدده قرار گرفته است .

۲- شریعت مقدّس اسلام آخرین ظهور در سلسله ظهورات گذشته است و نهضت روحانی و عمومی بهائی پس از اسلام و در بین امت اسلام ظاهر شده است و لسان مذهبی عموم ملت اسلام در هر مملکتی که باشند عربی است و این ظهور اعظم هر چند موعود



همه ادیان و جمال قدم ظهور کلی الهی میباشند ولی بالاخص موعود عالم اسلام بوده و در محیط ایران که کشوری اسلامی است ظهور حضرتشان واقع شده است لذا جمال مبارك که آثار و آیات و کتب و النواح متعدد ده لاتحوی نازل فرموده اند قسمتی از آثار مبارکه خود را بلسان مذهبی ملت اسلام و مردم ایران یعنی لسان فصیح عربی نازل فرموده اند ولی از آنجا که بنای این آیین نازنین بر تخری حقیقت و تحقیق در مسائل نهاده شده است و برای اینکه مردم ایران که حامل لوای امرالله بوده اند اگر از فهم و درك حقایق و تعالیم این ظهور ملکوتی بلسان عربی محروم نشوند و قیام به امرتبلیغ نمایند لذا آن منبع حکمت و رأفت کبری بسیاری از آیات والنواح مبارکه خود را بلسان فارسی نازل نمود هاند تا فهم حقایق عالییه این آئین دلنشین و تبلیغ و ترویج و تفهیم آنها بوسیله موء منین اولییه میسر و مقدور باشد . البته باید باین نکته هم توجه داشت که پس از تسلط اعراب بر ایران و تأسیس تمدن اسلام زبان فارسی کاملاً تحت تأثیر لسان عربی قرار گرفته و بهنگام طلوع شمس حقیقت از افق ایران اکثر لغات و اصطلاحات و حتی طرز جمله بندی عربی در زبان فارسی بکار میرفت بطوریکه نامه های سیاسی و معمولی افراد هم که بصورت ظاهر بـزبان فارسی نگاشته میشد باندازه ای لغات و اصطلاحات عربی در آن بکارمیرفت که فهم آنها را برای افراد معمولی مشکل مینمود ، همچنین اکثر کتب و رسالات علمی و فلسفی آنزمان بلسان عربی تحریر مییافت

و تسلط باین زبان شرط لازم تحصیل مراتب عالییه علم و دانش و دلیل و راهنمای فضل و کمال بود. بنابراین این میتوان گفت که لسان عربی نه تنها زبان مذهبی ملت ایران بوده بلکه زبان علم و فلسفه این ملت نیز محسوب میگردد.

۳- هدف و مقصد مظاهر مقدسه الهیه از انزال آیات و اظهار بینات و تحمل زحمات و مشقات هدایت و ارشاد عباد و تأسیس فضائل و کمالات عالییه اخلاقی بوسیله وضع و تشریح اصول و قوانین و نظاماتی است که منطبق با احتیاجات زمان بوده و عمل بدانها سعادت مادی و معنوی افراد انسانی را تأمین نماید و ما اهل بهاء جمال اقدس ابهی را مظهر کلی الهی و اعظم مربی عالم انسانی شناخته، اصول و مبادی و احکام و تعالیم آسمانی حضرتش رایگانه داری شفا بخش آلام و اسقام مزمنه، جامعه بشری میدانیم. حال این اصول و احکام عالییه روحانی و حقایق بدیعه اجتماعی که جمال قدم جلّ اسمه الاعظم وضع و تشریح فرموده اند بهر لسانی بیان و اظهار شود محبوب و مطلوب صاحبان عقول سلیمه و کافل سعادت و ترقی افراد بشر خواهد بود زیرا خط و زبان وسیله، تفهیم و تفهّم مطالب و مقاصد میباشد. و این کار بالنسبه از هر لسانی ساخته است چنانچه جمال قدم در یکی از الواح مبارکه در این باره چنین میفرماید: قوله تبارك و تعالی :

"..... در باره زبان نوشته بود یسد تازی و پارسی هر دو نیکو است چه که آنچه از زبان خواسته اند پی بردن بگفتار گوینده است و این از هر دو میآید

و امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران آشکار  
و هویدا است هرچه این زبان را ستایش نمایند  
سزاوار است ..... "

۴- ما اهل بهاء بر طبق مند رجات کتب و صحف  
مقدّسه الهیه و آثار والواح مبارکه این ظهور اعظم  
مظاهر مقدّسه الهیه را که مرایای تمام نمسای  
صفات و کمالات الهیه اند بر کرسی یفعل مایشاء  
جالس و بر عرش مایرید ساکن مید انیم و آنانرا  
مخازن اسرار الهی و مهابط وحی سمدانی میخوانیم  
و معتقدیم که پس از تحری حقیقت و عرفان مظهر الهی  
اطاعت و انقیاد کامل از دستورات تعالیم ملکوتی او و  
تسلیم شدن محض در مقابل اراده غالبه حضرتش بر  
هر فرد موءمن متمسکی لازم و واجب است ، بنا بر این  
اگر با دلائل کافیه و براهینی شافیه مظهریت  
کلیه جمال اقدس الهی بر ما واضح و هویدا گسرد  
دیگر مجال ایراد و اعتراض در مسائل جزئی و فرعی  
برای ما باقی نمیماند و حضرتش بنا بر اراده  
غالبه الهیه و حکمتهای بالغه ربانیه احکام و  
تعالیم آسمانی خود را بهر لسانی که اراده نماید  
نازل میفرماید چون و چرا و ایراد و اعتراض معقول  
و منطقی نخواهد بود .

انتهی

## ایمیت تحمیل السنہ مختلفہ

” قد اذن الله لمن اراد ان  
يتعلم الا لسن المختلفه  
ليبلغ امر الله شرق الارض  
و غربها و يذكره بين الدول  
و الملل على شان تنجذب  
به الافئدة و يحيى كل  
عظم رميم .“

( کتاب مستطاب اقدس )

بعد از گذشتن يك قرن از سنه مقدّس تسع و  
مقارن اعلان نقشه جليله د هساله جهاد كبير اكبر  
از طرف هيكل اطهر مولای توانا ياران و ياوران امر  
عزيز الهی در سراسر عالم بهائی عملا وارد مرحله  
جدیدی از خدمات امری یعنی مرحله خدمت  
بين المللی گردد که تا آن تاریخ بی سابقه  
و نظیر بود . این تحول تاریخی در سیر تکامل خدمات

و مجهودات امریه یاران در دوران نقشه مبارکه  
 جهاد دهساله با تأسیس موسسات و مشروعات متعدد ده  
 بین المللی و اشتراک مساعی جوامع ملّیه بهائی در انجام  
 مسئولیت های بین المللی روز بروز توسعه و گسترش  
 یافت و بالاخره با تأسیس اعظم قوه تقنینیه عالم  
 بهائی یعنی بیت العدل اعظم در رضوان ۱۲۰ بدیع  
 باوج کمال و جلال خود رسید. بدون شك دامنه خدمات  
 و مجهودات عمومی و بین المللی یاران با تاسیس این  
 مرجع منصوص روز بروز وسعت و اهمیت بیشتر  
 خواهد یافت و در حقیقت تشکیل دیوان الهی  
 ورود یاران را بمرحله خدمات و اقدامات عمومی  
 و قبول مسئولیتهای بین المللی رسماً تثبیت و تأیید  
 مینماید.

یاران عزیز و ثابت قدم مهد امرالله که در  
 عصر رسولی دور بهائی و در دوران ولایت عظمی مراتب  
 فد اکاری و خدمت خالصانه خود را باستان الهی  
 بطرق مختلفه باثبات رسانیده اند باید در این  
 مرحله از خدمات امریه و مجاهدات روحانیه نیز  
 بقدم استقامت پای در میدان خدمت نهند و همگام  
 با خواهران و برادران روحانی خود در ممالک و  
 دیار مختلفه عالم به تحکیم و تقویت و توسعه  
 موءسات بین المللی بهائی بقدر وسع استطاعت  
 خود اقدام و اهتمام نمایند و شرایط جویان در میادین  
 دائم الاتساع خدمات امریه را کسب فرمایند.  
 بدیهی است که اولین و مهمترین شرط خدمت  
 باستان مبارک همانا خلوص نیت و انقطاع از  
 ماسوی الله و تشبث بذیل شریعت الله و دارا بودن

حیات بهائی است ولکن هر قدر که امر عزیز الهی مراحل توسعه و تقدّم را میپیماید و نظم بدیع حضرت بهاء الله نقاب از چهره برمیگردد و در انظار عالمیان در ممالک و بلاد آن مختلفه جلسوه ای جدید مینماید احساس میشود که علاوه بر صفات و کمالات ایمانیه و روحانیه شرایط دیگری نیز برای توفیق در میادین خدمت لازم و ضرور است که یاران با وفای جمال قدم باید بکمال همت و استقامت و سرور قلب تحصیل نمایند تا در قبول و اجرای مسئولیتهای خطیره روحانی و بین المللی بتوانند به توفیقات شایسته و خدمات فائده نائل گردند.

در آثار مبارکه بگّرات زیارت کرده ایم که قلم اعلی و کلك اطهر مرکز میثاق صفات ینک مبلغ موفق بهائی را علاوه بر خلوص نیت و انقطاع و توکل اطلاع بر اسرار و رموز کتب مقدّسه و حقایق روحانیه و علمیه و مسائل استدلالیه و اطلاعات تاریخیه و غیره ذکر فرموده اند. تاریخ امرالله نیز گواه صدق این مطلب است که در بین ناشرین نفحات الله افرادی به توفیقات عظیمه در سبیل هدایت نفوس بشریعه الهیه نائل آمده اند که علاوه بر اخلاص و انقطاع و صفای قلب بزیور کمالات صوریه و اطلاعات علمیّه و احاطه بر حقایق روحانیه نیز آراسته بوده اند.

در مرحله کنونی از خدمات امریه نیز خادمین درگاه را علاوه بر صفات و کمالات روحانیه شرائط دیگری نیز لازم است و بدون حصول آن شرایط توفیق خدمت آنطور که سزاوار آستان الهی است میسر

نخواهد بود .

از جمله وسائل انجام خدمت و حصول موفقیت که در دنیای بین‌المللی بهائی روز بروز اهمیت بیشتری مییابد آشنائی و احاطه یاران رحمانی بالسنه مختلفه مخصوصا بلسان انگلیسی است که تقریبا جنبه بین‌المللی بخود گرفته و صرفنظر از اینکه لسان مادری و وطنی صدها میلیون نفر از مردم کره ارض میباشد ، امروزه در اکثر ممالک جهان رواج کامل دارد و زبان دوم بسیاری از مردم دنیا بشمار میرود و در اغلب نقاط عالم میتوان بوسیله آن رفع احتیاج کرد و مشکل تفهیم و تفهیم را بر طرف نمود . در جامعه جهانی بهائی نیز زبان انگلیسی نقش مؤثری را در مسئله ارتباط جوامع ملیه بهائی که دارای السنه متعدده هستند ایفا میکند .

مولای علیم وحنون ارواحنا لعنا یاتہ الفدا  
از بدایت دوران ولایت عظمی و بخصوص پس از جنگ جهانی دوم بکرات و مراتب بیاران عزیز ایران تاکید فرمودند که در فراگرفتن لسان انگلیسی و عربی، و آلمانی برای فهم آیات و توفیق در تفهیم و تبلیغ کمال جدیت و اهتمام مبذول دارند . آنانکه بتاکیدات هیکل مبارک توجه نمودند و کمر همت بر اجرای دستور مولای خود بستند نه تنها به خدمات باهره روحانیه موفق شدند و در میادین وسیعه خدمت مفتخر و سر بلند گشتند بلکه از لحاظ تحمیلات علمی و منافع مادی و موقعیت اجتماعی نیز بر اقران خود سبقت گرفتند و به ترقیات فائزانه نائل آمدند .

پس از اعلان نقشه جهاد کبیر اکبر جمعی از یاران ثابت قدم و ممتحن مهد امرالله با اجرای نوایای مبارکه قیام و بنقاط بعید ه هجرت نمودند . همه میدانیم از بین این عده مهاجرین عزیز آنانکه بیکی از السنه رایجه عالم بخصوص لسان انگلیسی آشنائی کامل داشتند گوی سبقت را از میدان خدمت ربودند و بتوفیقات عظیمه در سبیل اعلان و انتشار امر مبارکش فائز گشتند و در جامعه بهائی خود عضو مؤثری بشمار رفتند .

لسان انگلیسی در عالم امر بعد از زبان فارسی و عربی مقام اول را حائز و بعبارت دیگر سومین زبان عالم امر است و آثار و کتب امریه که باین لسان ترجمه و یا تألیف و تصنیف گشته قابل مقایسه با هیچیک از السنه دیگر نمیشود . هیکل اطهر حضرت ولی مقدس امرالله با صرف قسمت مهمی از اوقات گرانبهای حیات مبارکش آن آیات و آثار مهمه والواح و ادعیه مبارکه نازل از قلم اعلی و کلک اطهر مرکز میثاق را بطرزی بدیع و معجزه آسا باین لسان ترجمه و در دسترس یاران غرب قرار دادند مهمترین این ترجمه ها عبارتند از ترجمه کتباب مستطاب ایقان ، لوح مبارک این ذنب کلمات مبارکه مکنونه ترجمه منتخبات آثار والواح حضرت بهاء الله الواح ملوک و سلاطین ترجمه نمازهای سه گانه و تعدادی مناجاتهای نازل از قلم اعلی و کلک مرکز میثاق و همچنین ترجمه و تنظیم قسمت مربوط به عهد اعلی از تاریخ جاودانی نبیل که اکنون مورد استفاد ه یاران الهی در سراسر جهان قرار دارد .



علاوه بر این ترجمه ها از کلک گهر بار آن ولسی امر عزیز الهی نیز آثار والواح و توقیعات منیعیه مهیمه مانند لوح قرن احبای آمریک ، لوح مبارک قد ظهر یوم المیعاد ، ظهور عدل الهی ، نظم جهانی حضرت بهاء الله و الواح و توقیعات و تلگرافات مهمه کثیره خطاب بیاران آمریک و کانادا و ممالک اروپ و محافل ملّیه آن اقالیم در توجیه و تبیین حقایق و مبادی اساسیه و تاریخ این آئین نازنین در نهایت فصاحت و بلاغت و استحکام بلسان انگلیسی عزّ نزول یافته که فی الحقیقه باین لسان در عالم امر ارزش و اعتبار خاصی عنایت کرده و آنرا دارنده گنجینه ای از حقایق و معارف سامیه این ظهور مبارک نموده است بدین جهت برای اطلاع کامل از اصول و مبادی روحانی و مسائل مربوط به نظم اداری بهائی و تبیینات ولی امر الهی احاطه و تسلط بـزبان انگلیسی لازم و ضروری است و هر فرد بهائی که خواستار و آرزومند مطالعه عمیق و محققانه در امرالله باشد باید علاوه بر زبان فارسی و عربی بلسان انگلیسی نیز آشنائی داشته و بتواند از آثار و کتب و تالیفات متعدد ده ای که باین زبان ترجمه و یا تألیف گشته استفاده نماید . زیرا علاوه بر ترجمه های گرانبها والواح و توقیعات مبارکه ای که از قلم معجز شیم حضرت ولی مقدّس امرالله عزّ نزول یافته جمعی از فضلا و دانشمندان بهائی در بلاد غرب بخصوص در قاره آمریک قلم بدست گرفته بسبک و شیوه ای بدیع به توجیه و تشریح حقایق اساسیه و مبادی سامیه و اصول روحانیه این ظهور

اعزاز منع اعلیٰ پرداخته و گنجینه ای از کتب و رسالات و جزوات متعدده در اثبات حقانیت و اصالت این شریعه الهیه بوجود آورد هاند که نظیر آنرا در السنه دیگر عالم نتوان یافت .

موضوع دیگری که توجه دادن بدان در این مقام لازم است اینست که حضرت ولی مقدّس امرالله ارواحنا لعناياته الفدا با ترجمه آثار و آیات مهمّه اساسیه نازله از قلم شارح قدیر و تبیینات صادره از کلک اطهر مرکز میثاق بلسان انگلیسی وسیله ترجمه این آثار را از انگلیسی بسایر السنه عالم فراهم و در حقیقت " پل رابطی " بین لسان آیات یعنی عربی و فارسی و سایر السنه موجوده عالم ایجاد فرمودند . زیرا ترجمه اینهمه آیات والواج مبارکه از لسان نزولی آنها یعنی فارسی و عربی بسایر السنه جهان کاری بغایت صعب و دشوار است بخصوص ترجمه لغات و اصطلاحات مخصوصه نازله در آثار این ظهور مبارک بحدی بدیع و مشکل است که میتوان گفت فقط ید توانای حضرت ولی محبوس امرالله که مصدر تبیین آیات و واقف بحقایق و اسرار مودعه در آیات این ظهور امنع بودند قادر بانجام این مهم و ترجمه صحیح و فصیح آیات الهیه گردید و این طریق صعب العبور را برای مترجمین آینده بهائی صاف و هموار نمود .

باید دانست که هیکل اطهر حضرت ولی امرالله با ترجمه آثار و آیات و ادعیه مبارکه نازله از قلم اعلیٰ و کلک اطهر مرکز میثاق و همچنین با نزول الواح و توقیعات و تلگرافات منیعه کثیره بلسان

انگلیسی لغات واصطلاحات مخصوصه این ظهور مبارک را در این لسان بوجود آورده وبعبارت دیگر ادبیات خاص شریعت مقدّس بهائی را در زبان انگلیسی تاسیس فرموده اند. لذا قصد ما در این مقال صرفاً لزوم فرا گرفتن زبان معمولی انگلیسی نمیباشد بلکه برای موفقیت در خدمات بین المللی بهائی واستفاده کامل از معارف امری باید یاران الهی علاوه بر آشنائی باین زبان به لغات واصطلاحات مخصوصه امریه نیز که در کتب و آثار وادبیات انگلیسی بهائی وجود دارد احاطه و تسلط کامل پیدا کنند تا بتوانند بسهولت از گنجینه های معارف و حقایق امریه که باین لسان وسیع و فصیح ترجمه و یا از کلام اطهر مولای شفیق نازل گردیده ویا بوسیله فضیلتی بهائی تألیف و تصنیف گشته بهره مند گردند و بر اطلاعات اساسیه وعمومیه امریه خود بیفزایند و در میادین خدمت و مجاهدت قرین موفقیت باشند.

در این مقال روی سخن بیشتر با نوجوانان عزیز بهائی است که نونهالان بیهمال بوستان امر جمال مبارکند و نیروی جوانی و آینده را تئوأماداً در اختیار خود دارند و مآلاً باید که ثقل فسادح مسئولیت های خطیره روحانی و بین المللی امرالله را تحمل کنند و سفینه امر عزیز الهی را از میان تلاطم امواج عظیم حوادث و وقایع آینده بمدد تائیدات الهیه بساحل نجات و اطمینان برسانند. سزاوار نسل جوان کنونی بهائی در مهد امرالله آنست که موفقیت خطیر امر غالب الهی وتحولات

آنرا در زمان حاضر درك کنند و شرایط خدمت و جولان در فیادین وسیعه مجاهدت را کسب نمایند و متوجه باشند که آئین نازنین بهائی در مستقبل ایام روزبروز بر توسعه و تقدّم خود میافزاید و تد رجا در ممالک و دیار مختلفه از مراحل مجهولیت و مظلومیّت و مقهوریت گذشته و بر حسب و عود صریحه الهیه وارد مراحل انفصال و استقلال و بالاخره تأسیس سلطه زمینیّه و روحانیّه شارع اعظم و استقرار ملکوت صلح و سلام در بسیط غیرا خواهد شد در آن زمان است که وظائف و مسئولیت های حقیقیه اساسیه جنود حیات و لشکر نجات يك يك نمودار خواهد شد و اهل بهاء در سراسر عالم بتأیید ی از ملکوت ابهیی به تاسیس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه در بسیط غیرا توفیق خواهند یافت • وظیفه نسل جوان بهائی در این مرحله از سیر و تقدّم امرالله که روز بروز جنبه اقدامات و همکاریهای بین المللیّی تزاید مییابد آنست که از ایام جوانی و ربیعان شباب کمال استفاده را نموده و خود را آماده مجاهدت و مبارزت در میادین بین المللیّی خدمات امریه نمایند و شرایط و لوازم ورود در این میسادیّن را از هم اکنون تحصیل فرمایند •

انتهی

ترجمہ ما

# خاطراتی از حضرت عبدالبهاء

بقلم Stanwood Cobb

من حضرت عبدالبهاء را اولین بار بطور غیر مستقیم و با واسطه زیارت کردم و همین زیارت در تابستان سال ۱۹۰۶ مرا بظلمت امرالله داخل نمود. در آنسال هنگامیکه در حوالی گرین ایگر (محل مدرسه بهائی) اقامت داشتم، جهت تحقیق و کاوش مسافرتی بدانجا نمودم.

حس کنجاوی من بوسیله مقالات هفتگی که در روزنامه بستون ترانس کریپت (Boston Transcript) چاپ میشد تحریک گردیده بود. در آن ایام در مدرسه علوم دینی "هاروارد" بتحصیل اشتغال داشتم و هدفم این بود که کشیش کلیسای موحدین (UNITARIAN) بشوم. این مسافرت در بعد از ظهر یک روز گرم در ماه آگست اتفاق افتاد.

چادر بزرگی که در قسمت پائین گرین ایگر جائیکه اکنون سالن سخنرانی واقع است نصب شده بود، مملو از جمعیتی بود که برای استماع بیانات یک مجسمه ساز معروف ساکن نیویورک گرد آمده بودند. من به شنیدن سخنان او چندان علاقمند نبودم و مسافرتم به این

محل نه بخاطر هنرمجمسه سازی ، بلکه بمنظور تحقیق در مسائل روحانی ودینی بود .

در پایان سخنرانی به نزد خانم سارا فارمر Sara Farmer که جلسه را بنحوی جالب و غیرقابل وصف اداره کرده و یک شوق و حرارت خاص روحانی در همه امور ایجاد کرده بود رفتم .

از آنجائیکه مشارالیه را قبلا در کامبریج در منزل خانم اوله بال Oie Ball ملاقات کرده بودم ، بخود جرات داده و خودم را باو معرفی نمودم . میس فارمر دست مرا برای مدتی صمیمانه در دستهای خود نگاه داشته و در چشمانم خیره شده بود . پس از لحظه ای از من سؤال کرد ، " آیا از دیانت ایرانی چیزی شنیده اید؟ " من در جواب گفتم خیر . سپس میس فارمر اضافه کرد " میتوانید نزد آن خانمی که روسری سفید بر سر دارد بروید واز او خواهش کنید در این باره برای شما توضیح بدهد من در چشمان شما آمادگی استماع این بشارت را میخوانم . "

مشارالیه چه حالتی در چشمان من دیده بود ، نمیدانم . اما آنچه که او در چشمان من خوانده بود بحقیقت پیوست زیرا که در مدت نیمساعت پس از آن من یک بهائی موء من و مصدقی شده بودم و تا کنون هم برایمان خود باقی مانده ام .

اما من میخواهم راجع به حضرت عبدالبهاء مطالبی بنویسم نه در باره خودم . چگونه حضرت عبدالبهاء در حالیکه هفت هزار میل از من فاصله داشت و در شهر عکا مسجون بود توانست از چنین فاصله ی دور وبساین فوریت ایمان بدیانت بهائی و اطمینان قلب بمن

عنايت فرماييد؟ ماجرا بطريق ذيل اتفاق افتـاد و ميتوانم بگويم که راه وصول بايمان قبلا باز شده بود. زیرا در اثر مطالعه کتب مختلفه برای روزنـا مه " بستون ترانس کریپت " که عیوب و نواقص شایع و روز افزون تمدن کنونی و لزوم ایجاد يك نظم مناسبتـر و بهتر جهانی را مورد بحث قرار میداد، در دورن خود شروع به تعمق و تفکر در این مسئله که دارای اهمیت جهانی است، نموده بودم.

من فکر میکردم که فی الحقیقه يك طرح و نقشه بدیع و جامع تری جهت تمدن انسانی باید ساخته و پرداخته شود و لکن بالفرض که چنین طرح ایده آلی قابل درک و تصور باشد چه کسی قدرت اجرا و استقرار آنرا خواهد داشت؟ آیا من بعنوان يك کشیش مسیحی میتوانستم و یا امید داشتم که عقیده و فکر تمام افراد جمعیت خود را بسوی چنین طرحی جلب کنم؟ بدون شك امید و توانائی من به جذب و تقلیب تمام اهالی کشورم بمراتب کمتر بود و بعقیده من هیچ فرد انسانی با هرگونه قدرت رویائی قابل تصور و یسا شخصیت فردی قادر نبود همه ابناء نوع بشر را داخل چنین مرحله ای جدید از ترقی و تکامل بنماید. هنوز بکمال وضوح بخاطر میآورم که چگونه مدتها در حول وحوش چست نات هیل (Chestnut Hill) قدم میزدم همان جائیکه حس این مسئله ناگهان بفکرم خطور کرد که " فردی با قدرت مافوق بشری باید ظاهر شود " تا بتواند فرمانبرداری و متابعت صمیمانه تمام اهل عالم را بیک طرح ایده آلی جهت تمدن عالم انسانی بدست آورد.



این طرز فکر من بطور کلی بود تا روزیکه ماری لوکاس (Mary Lucas) همان خانم سفید پوش که قریباً از زیارت حضرت عبدالبهاء مراجعت کرده بود مرا بزیر یک درخت سیب و بر روی چمن زارهای سراشیب برده و ظهور دیانتی را از کشور ایران برایم توجیه نمود. توضیح مشارالیهها خیلی ساده و فقط شامل این چهار کلمه بود " خداوند ما آمده است " لحظه‌ای که ماری لوکاس این کلمات را ادا میکرد احساس نمودم این همان قدرت مافوق بشری است که قبلاً در باره لزوم آن جهت تمدن بشری و تنفیذ طرح ایده آلی اندیشه کرده بودم. چگونه و بچه علت چنین احساسی بمن دست داد؟ این خانم سفید پوش در باره خصوصیات اخلاقی و روحانی وعظمت مقام حضرت عبدالبهاء داد سخن نداده و یا آنکه اصول دیانت بهائی را برایم تشریح نکرده بود.

چقدر عظیم است قدرت کلام زیرا در همین کلمات ساده توانسته بود فکر قلب و روح مرا بسوی دیانت بهائی بکشانند و لکن در ماورای این چهار کلمه قدرت دیگری نهفته بود و به ماری لوکاس آن قوت و نفوذ کلام را بخشیده بود که مرا بدخول در ظلّ امرالله هدایت کند و آن عبارت از یک اهتزاز و جنبش روحانی بیمانندی بود که ماری لوکاس بهمراه خود از عکا آورده بود و سبب اقناع و اطمینان قلب من شد این قوهء محرکهء عالم هستی بود که کلمات او را فرا گرفته و این چنین روح مرا تکان داد. اگر حضرت عبدالبهاء بنفسه زیر آن درخت سیب ایستاده و مرا مخاطب قرار داده بودند بیش از این چهار کلمه سبب اقناع من نمیشد

زیرا که بُعد و مسافت ظاهری را در عوالم روحانی  
راهی نیست .

ماری لوکاس روح حضرت عبدالبهاء را به همراه خود  
آورده بود و من این روح را احساس کرده و متقاعاً  
شدم بخصوص که روح و فکر من هم در آن ایام نحوه حس  
مشکلات و رفع احتیاجات شدید جهان را دریافته  
بود ، " يك شخصى بايد با قدرت مافوق بشرى ظاهر  
شود . "

این کیفیت اولین ملاقات عجیب و غیر مستقیم من  
با حضرت عبدالبهاء بود که شاید قبلاً مقدر شده  
بود . دومین ملاقات با حضرتش بطور مستقیم و حضوری  
در حالیکه هنوز در شهر عکا مسجون بودند بطریق  
ذیل اتفاق افتاد :

در فوریه سال ۱۹۰۸ موهبت زیارت حضرت  
عبدالبهاء در معیت مسیس لوآ گتسینگر (Lu Gatsinger)  
که نامش در تاریخ امرالله مبنوت است ، نصیبم گردید .  
من بطور تصادف یا شاید بموجب تقدیر در پله های  
هتل شپارد (Shepard) در شهر قاهره  
که چند روزی برای گذراندن ایام مرخصی خود بدانجا  
مسافرت نموده بودم به خانم لوآ برخورد کردم . آن ایام  
در کالج رابرت (Robert) واقع در شهر اسلامبول معلم  
زبان انگلیسی و لاتین بودم . لوآ با تعجب فراوان سؤال  
کرد " شما اینجا چکار میکنید " و من هم با همان  
درجه از تعجب این سؤال را از مشارالیها کردم . معلوم  
شد که لوآ قصد تشرّف به عکا و زیارت حضرت  
عبدالبهاء را دارد .

مشارالیها مرا تشویق کرد که مسافرت خود را

در کشور مصر متوقف نموده و به‌مراه او رهسپار عکا گردم. من برای لوآ توضیح دادم که قبلاً اجازه تشرّف از حضرت عبدالبهاء خواسته‌ام ولیکن آنحضرت مسافرت مرا در آن ایام مقتضی ندانسته اند لوآ با اصرار اظهار داشت که " اما من اجازه دارم هرکسی را که بخواهم با خود بحضور مبارك ببرم " . در جواب گفتم " ولی من ترتیب مسافرتی را تا کنار رود نیل باتفاق دوست خود حسین داده‌ام " لوآ اظهار نمود " مسافرت بکنار رود نیل در برابر موهبت زیارت حضرت مولی الوری چه ارزش و اهمیتی دارد؟ "

منطق لوآ قانع‌کننده و شوق و حرارت مشارالبهائا سوق‌دهنده بود. بیست و چهار ساعت بعد خود را در اطاق مجاور اطاق حضرت عبدالبهاء در زندان تاریخی عکا در حالتی توأم با آرامش و سکون یافتم . اولین ملاقات من با حضرت عبدالبهاء گنج‌کننده بود. ابتداء بداخل يك اطاق مطالعه طویل گشته انتهای آن با پنجره های بزرگ فرانسوی روشن میشد راهنمائی شدیم . میز تحریر بزرگی در آنجا توجه مرا جلب کرد ولیکن هیچکس در پشت آن نبود فقط نوری از آن ساطع بود . همانطور که بانتهای اطاق نزدیک میشدیم يك شخصیت با عظمت و وقار در لباس مخصوص شرقی نمایان شد . او حضرت عبدالبهاء بود .

لوآ گتسینگر بزانو در افتاده و با شوق و حرارتی غیر قابل وصف ردای حضرتش را بوسه میزد . اما وظیفه من در آنموقع چه بود؟ من کسی نبودم که از روی عدم صمیمیت و صداقت کاری را انجام دهم . آیا این کافی بود که فقط دست حضرتش را فشار بدهم؟ همانطور که

در حال تردید و اضطراب ایستاده بودم حضرت عبدالبهاء کاملاً حالت ناگواریم را تشخیص داده مرا در میان بازوان خود گرفتند و از آن حالت شك و ناراحتی نجاتم دادند . سپس فرمودند " خوش آمدید" همه روزه عصرها بهنگام شام حضرت عبد البهء كه در آن وقت روز غذا تناول نمیفرمودند در سر میز شام از ما پذیرائی مینمودند . حضرتش در اطراف میز مشی فرموده و مرتباً بشقاب های مهمانان خود را از غذا پر میفرمودند . این منتهای مهمان نوازی شرقی است كه کسی مهمان خود را شخصاً و بدست خویش پذیرائی كند . پس از صرف غذا حضرت عبد البهء معمولاً مطالب مختصری در مسائل روحانی بیان میفرمودند . متأسفانه حافظه ام آنچنان قوی نیست كه همه بیانات حضرتش را بخاطر آورد ولكن دو قسمت از بیانات مباركه را كه حاوی نمایح روحانی است بخاطر دارم، میفرمودند: " تنها آرزوی اقدام بعمل نيك كافی نیست بلکه این آرزو باید توام با عمل باشد شما در باره مادری كه به بچه خود میگوئید " اوه چقدر ترا دوست دارم" ولكن از دادن شیر باو امتناع میورزد چگونه قضاوت میکنید؟ یا در باره مرد فقیر و مفلسی كه میگوید: " من میخواهم يك دانشگاه عظیم تاسیس نمایم" چگونه فكر مینمائید؟" و در فرصت دیگر در باره لزوم بردباری توام با محبت در مقابل رفتار و كردار بد و ناخوش آیند دیگران چنین میفرمودند:

" ممكن است فردی اظهار كند كه من فلانكس راتا آنجا كه قابل تحمل باشد تحمل خواهم كرد ولكن بهائیان باید افراد را حتی وقتیکه غیر قابل

تحمل هم هستند تحمل کنند . "

سه خصوصیت فوق العاده که تمام بیانات حضرت عبد البهاء را مشخص میکند در این دو نمونه از بیانات مبارک یافت میشود: منطق عالی و غالب، طبع شوخ و خلق و خوی مطبوع و سبک روحی الهام بخش که هنگام ادای فرمایشات مهم و خطیر حضرتش وجود داشت .  
فی المثل وقتی میفرمودند :

"... . ولیکن بهائیان با ید افراد راحتی و قتیکیه غیر قابل تحمل هم هستند تحمل کنند " حضرتش بطور جدی بما نظر نمی فرمودند و این معنی را نمی رساندند که ما را برای انجام وظیفه‌ای سخت و دشوار مامور فرموده اند بلکه بکمال شوق و شغف بما نظر افکنده و تلویحا میفرمودند که اگر بدین طریق رفتار کنیم چقدر سرور و شادی برای ما فراهم خواهد شد .

من میخواهم بر روی این مسئله مهم تاکید کنم که حضرت عبد البهاء همواره با شادی و شغف مخصوصی حیات روحانی را ترسیم و توجیه و در ضمن آنرا توصیه و سفارش میفرمودند . چرا که غیر از این باشد؟ آیا فی الحقیقه حیات روحانی انسان شادی بخش تر از اقسام دیگر حیات و طرق زندگی نیست ؟ این فلسفه شادی و سرور در حیات روحانی اصل اساسی و مهم بیانات و نصایح حضرت عبد البهاء بود بکسرات به زائرین و واردین در بسو و ورود میفرمودند " آیا خوشحال و مسرور هستید " و سپس اضافه میفرمودند " مسرور باشید " آنانکه مسرور و شادمان نبودند " با استماع این بیان مبارک میگریستند و حضرت عبد البهاء تبسم میفرمودند تبسمی که حاکی از این

حقیقت بود " گریه کنید زیرا که در ماورای این اشکها آفتاب شادی و سرور سطوع خواهد کرد " و گاهی آنحضرت با دست های مبارک اشکهای آنسان را از گونه هایشان پاک میفرمود ند بطوریکه محضر مبارک را با سرور قلب کامل ترک مینمود ند .

در این هنگام که افتخار زیارت حضرت مولی السوری نصیب من شده بود شدیدا تحت فشار کالج رابرت بعلت مقررات انضباطی آن بودم وهمین مقررات یکی از علل مسافرت تفریحی من بمصر بود . از طرف دیگر در سالهای قبل از یک ناراحتی عصبی که معلول کار زیاد بود بتدریج رهائی یافته بودم . گاهی اوقات چنان ناراحت و مضطرب میشدم که آرزو داشتم سوراخی در زمین باز شده و در آن فرو روم سپس درب آنرا بروی خود فرو بندم . در این اوقات من آرزو و اشتیاق هندو را برای خاموشی و فنا درک میکردم . یک روز صبح حضرت عبدالبهاء بدون مترجم خود باطاق من تشریف فرما شده و در کنارم جلوس فرمودند یک دست مرا درمیان دو دست مبارک گرفته و برای مدتی نگاه داشتند . حضرتش تا آن موقع جویای صحت و سلامتی من نشده بودند زیرا ناگفته میدانستند . از آن لحظه ببعد برای همیشه از آن حالت اضطراب و ناراحتی رهائی یافتم و همواره از زنده بودن در این عالم بدون توجه بمشکلات زندگی خوشحال و مسرورم .

بالاخره ایام زود گذر وصال بسر آمد و پس از سه روز تشرّف که برای ما معین شده بود هنگام فراق در رسید . من هرگز آن لحظه را فراموش نمیکنم که لواء گتسینگر در حالیکه از پله ها پائین میآمد میگریست

و قلبش فشرده میشد و در همین حال مرتباً بعقب برگشته و بحضرت عبدالبهاء که بکمال عطوفت در بالای پله ها ایستاده بودند مینگریستند و همچنین هرگز فراموش نخوا هم کرد که چگونه حضرت مولی الوراى بکمال شادى و سرور به اشکهای لَوّ نگریسته و تبسم میفرمود ند، زیرا میدانستند که این قطرات اشک از زر ناب قیمتی تراست • چه که این اشکها نشانه تسلیم و رضای محض و علامت تقدیم روح و قلب لَوّ به درگاه حضرتش بود این اشکها نمایش طبیعی عشق شدید مشارالیهها بحضرت مولی الوری بود • حضرت عبدالبهاء میدانستند این اشکها اشک غم و اندوه نیست بلکه همچون باران ربیعی است که بشارت ظهور و بروز شکوفه ها و گلهای بهاری را میدهد •

حاجت نیست بگویم که بهار آنسال در کالج رابرت یکی از بهترین ایام دوران حیات من بود هرگز پرندگان با این لطف و شیوایی برایم نسروده و گلها و ریاحین با این زیبایی و دلپسندی نشگفته بودند و هیچگاه اشعه طلائی آفتاب این چنین مرا مست و بیخود نکرده بود • مقررات خشک انضباطی کالج نیز همچنانکه اشعه آفتاب مه و غیبسار را متفرق میکند بدون ایجاد کمترین ناراحتی محسو و نابود شدند • شاگردان من که برخی از آنان چاقو و ششلول با خود داشتند بیش از همیشه بمن علاقه و محبت می ورزیدند • چنین بود قدرت سحر انگیزی که من بهمراه خود از عکا آورده بودم • در تابستان سال ۱۹۱۰ مجدداً افتخار زیارت

حضرت عبد البهاء نصیب شد و این تشرّف بر حسب دعوت مبارک دست داد. من افتخار این را داشتم که مدت یک هفته در محضر مبارک بوده و در مهمانخانه زائرین شرقی واقع در دامنه کوه کرمل مقیم باشم. هیکل مبارک در آن ایام بعثت وقوع انقلاّب جوانان ترک در تابستان سال ۱۹۰۸ از سجن چندین ساله دولت عثمانی رهائی یافته و در شهر حیفا در خانه‌ای که بوسیله میسیس جاکسن Mrs. Jackson برای حضرتش ساخته شده بود اقامت داشتند حاکم جبار و ستمکار که آنحضرت را به اعدام و یا تبعید به صحرای فیزان در تونس تهدید نموده بود دچار قهر و غضب الهی شده و بسرنوشتی که برای حضرت عبد البهاء تعیین کرده بود یعنی " اعدام " بوسیله جوانان ترک گرفتار آمد. از آن پس حضرت عبدالبهاء برای اولین بار بعد از زمان طفولیت خود از لذت آزادی بهره مند شده و در دامنه گرم الهی جایگزین شدند.

بنظر نگارنده عظمت و جلال سیمای مبارک و قدرت و متانت شاهانه آنحضرت در این ایام بیش از دفعات قبل جلوه گر بود. این بار حضرتش از لحاظ سیمای شکوه تر و از نظر متانت و وقار شاهانه تر از دفعات قبل بنظر میرسیدند و قدرت و هیبت محضر مبارک بمراتب بیشتر بود.

هر روز عصر بهنگام غروب آفتاب زائرین را که در اطیاقی بزرگ اجتماع کرده بودند، بحضور میپذیرفتند و بیاناتی در مسائل روحانی بیان میفرمودند. یکروز بعد از ظهر زائرین را مشاهده



نمودم که خارج از دروازه حیفا در انتظار قدوم حضرت  
 عبد البهاء هستند هیكل انور بملاقات قنصل ترکیه  
 تشریف برده و قرار بود بزودی مراجعت فرمایند .  
 چند لحظه بعد کالسکه مبارک در دامنه تپه‌ها ی  
 کوچک جائیکه هیكل اطهر از کالسکه خارج شده  
 و بقیه راه را عمدا پیاده طی میفرمودند، توقف  
 نمود . زائرین ایرانی با حالت احترام مخصوص  
 بخود یعنی دست بسینه و تعظیم کنان منتظر قدوم  
 مبارک بودند . من به تنهایی بعنوان یک فرد  
 آمریکائی فرصت را مغتنم شمرده چشم به کیفیت  
 مشی مبارک دوخته و از عظمت ملوکانه حرکات  
 آنحضرت و جلال و شکوه تمامی وجود مبارکش لذت  
 میبردیم و لکن بمحض اینکه هیكل اطهر نزدیک شد ند  
 بی اختیار سرم را بعنوان تعظیم فرود آوردم گویا  
 قدرتی مخصوص در وجود حضرتش موجود بود که هر  
 کسی را باحترام و تعظیم وامیداشت . این قدرت مخصوص  
 را پروفیسور ادوارد برون تنها فردی از اهالی مغرب  
 زمین که بحضور حضرت بهاء الله مشرف شده نیز  
 بهنگام حضور در محضر مظهرالهی احساس کرده  
 و بی اختیار سر تعظیم در مقابل جمال قدم فرود  
 آورده است . این قدرت را حضرت عبد البهاء بمنظور  
 وادارکردن دیگران به تسلیم و اطاعت بکار نمیبردند  
 و بهمین جهت هیچگاه برای نفوس غیر بهائیان  
 آنرا آشکار نمیفرمودند . میتوانیم بگوئیم این یک  
 امتیاز و افتخاری بود که نصیب مومنین بحضرتش میشد  
 که تا حدی آنچه را که در پس حجاب یعنی هیكل  
 مبارک پنهان بود مشاهده کنند و اثرات مستقیم

قدرت عالم وجود را که در این مرحله اولیه توسعه روح مافوق طبیعت بنظر میرسد و لکن ممکن است در آینده ای دور و بر اثر تکامل روح انسانی طبیعی بنظر برسد ادراک نمایند. حضرت عبد البهاء هرگز قدرت روحانی خود را بمنظور ایجاد تحیّر و ترس در نفوس غیر بهائی و ارباب ارتیاب و بیابا ترغیب آنان جهت مقصدی مشخص بکار نمیبرد. در این باره نمونه روشن و واضحی را بعدا ذکر خواهم کرد.

روزی که وارد حیفا شدم بواسطه ابتلاء بممرض دسانتری که در طول مسافرت های خود بدان دچار شده بودم در بستر بیماری افتادم. حضرت عبدالبهاء پزشکی مخصوص خود را جهت معالجه من فرستاده و شخصا نیز از من عیادت فرمودند.

هیكل مبارك در ضمن عیادت اظهار داشتند " ای کاش میتوانستم بیماری و رنج ترا به جسم خود منتقل کنم." هنوز هم این بیان مبارك را فراموش نکرده ام من در آن لحظه احساس میکردم و مطمئن بودم که اظهار این مطلب صرفا بخاطر اظهار همدردی نیست، بلکه آنچه را که حضرتش میفرمودند، همان مراد و مقصود قلبی مبارك بود. اینست نمونه ای از عشق عمیق و عظیم ملکوت که حضرت عبدالبهاء بگرات و مرآت از آن صحبت میفرمودند، عشقی که نیل بدان برای ما بندگان آستان مشکل، بلکه تقریبا ممتنع و محال است هرچند که تمامی کوشش خود را برای نیل بدان بکار بریم.

حریم این عشق از اظهار همدردی و دلسوزی

و مواسات و الاتر و بالاتر است این عشقی توام با فدا کاری است . وقتی گذشته مینگریستم بنظرم عجیب مینمود که هیکل مبارک این بار چون دفعه قبل قدرت روحانی خود را مستقیماً برای شفای من بکار نبردند و مراتحت معالجه پزشك خود و دستورات داروئی او قرار دادند پس از سه روز کسالت برطرف و حالت صحّت عودت نمود . چرا این بار حضرتش مستقیماً بوسیله قدرت روحانی خود بمن شفا عنایت فرمودند؟ در این چرا يك درس عمیق روحانی مکنون است و آن اینکه شفای امراض جسمانی در قلمرو ماموریت روحانی آنحضرت نبود بلکه ماموریت آنحضرت تبیین و تشریح تعالیم الهیه و توجیه قدرت روحانی و نفوذ کلمات پزشکی دانای آسمانی بود . عوارض و امراض جسمانی حائز اهمیت کمتری از تکامل و ترقی روحانی ما هستند . در مورد صحّت جسمانی بطور عموم در این مقام عین بیان مبارک حضرت عبد البهاء را که در سفر قبل به نگارنده اظهار فرمودند ، مینگارم " سلامتی عبارت از تعادل و توازن عناصر مرکب بدن انسان است . هیکل انسان از عناصر معینه ای ترکیب یافته است زمانی که این عناصر در حالت تعادل و به نسبتهای معینه خود باشند سلامتی حاصل و اگر نقصان و یا فزونی در این عناصر راه یابد حالت مرض دست دهد . "

بدین ترتیب پنجاه سال قبل حضرت عبد البهاء با بیانی ساده همه حقایقی را که امروز علم جدید زیست شناسی بدان نائل آمده برای من توضیح فرمودند .

سپس هیکل مبارك په بیان خود ادامه داده و فرمودند :  
" ولکن علت دیگری هم جهت بروز مرض وجود دارد .  
بیماری ممکن است بواسطه تحریکات و تاثرات عصبی  
حاصل شود . هرچیزی که بر روی اعصاب ما تأثیر  
بگذارد و یا ایجاد وحشت و تحریک ناگهانی در ما  
بنماید بدون شك در سلامتی ما تأثیر خواهد داشت .

## خاطراتی از حضرت عبدالبهاء ۲

آنچه را که من تا اینجا نوشته ام همه مقدماتی برای بیان خاطراتم از مسافرت حضرت عبدالبهاء به آمریکا در سال ۱۹۱۲ میباشد. هدف این مقدمه آن بود که خوانندگان عزیز شخصیت کسی را که جهت یک مسافرت تبلیغی و تشویقی و ایراد خطابه در قاره آمریکا در ۱۱ آپریل ۱۹۱۲ به بندر نیویورک نزول اجلال فرمود بشناسند. آنجا مردی از اهالی مشرق زمین در لباس مخصوص شرقی مشاهده میشد مردی که اکثر ایام حیات خود را در سرگونی و زندانی بسر برده بود، شخصی که قسمت اعظم ایام حیات او در یک عرصه و محیط رفیع و منیع روحانی که تقریباً ماورای ادراک و فهم ما قرار دارد سپری شده بود چگونه این خادام امر الهی با زندگی مادی و پرتحرک آمریکا برخورد کرده و خود را با آن متناسب و متوافق فرمود؟

حضرت عبدالبهاء بمحض ورود به نیویورک بوسیله مخبرین باهوش و کنجکاو و جراید محاصره شدند بدون اینکه از ورود به قاره آمریکا احساس غربت

بفرمایند ، چرا غیر از این باشد؟ آیا قوّت و قدرت روح را حدود و ثغوری است؟ آیا روح بزرگ و با عظمت حضرت عبدالبهاء قادر نبود همانطور که با تمدّن عارفانه و روحانی شرف برخوردار نمود و تطابق یافته با تمدّن پر جنبش و صنعتی غرب نیز بنحو مطلوب برخوردار نماید و خود را با آن هم آهنگ سازد؟ بعداً در همین مقاله خواهیم دید که چگونه حضرتش " همه چیز برای همه " بود ند و چگونه تظاهرات قوّه محیطه روح مبارکش به تناسب زمان و مکان تغییر مینمود و چطور در هر محیطی بمثابه خانه خود احساس راحتی میفرمودند . این شخصیت پر عظمت و جلال با عمامه و فینه و عبای بلند مخبرین جرّاند را بمحضر خود میکشاند و بلافاصله محبت آنان را بسوی خویش جلب میکرد . از حضور مبارك سؤال شد " نظر مبارك راجع به آمریکا چیست؟ " آنحضرت در جواب فرمودند :

" من آمریکا را دوست دارم اهالی آمریک مردمانی خوشبین هستند اگر از آنان سؤال شود اوضاع و احوال چگونه است در جواب خواهند گفت خیلی خوب است . این روحیه بشاش و پر از امید فوق العاده مقبول است . " بدین ترتیب حضرت عبدالبهاء قلوب مخبرین را فتح نمودند و این کیفیت در تمام مدت مسافرت مبارك وجود داشت .

روزنامه نگاران هیچگاه آنحضرت را شخصی خارجی و اجنبی تصور و یا توصیف نمیکردند و همواره اعلانات محبت آمیز و مقالات مثبت و سودمند در باره حضرتش منتشر مینمودند .

مدّت هشت ماه حضرت عبدالبهاء در سراسر

قاره آمريك بسير وسفر پرد اختند و در كليساها و دانشگاهها و سالن‌های سخنرانی ایراد نطق و خطابه فرمودند و نگارنده افتخار داشتم که تعدادی از نطق‌های مبارك را حضوراً استماع کنم. اکنون که بعقب نگرسته و خاطرات آن ایام را از نظر میگذرانم کیفیت تشریف‌فرمائی و قرار گرفتن هیكل اطهر را در پشت تریبون روشنتر از مطلبی که بیان میفرمودند و خوشبختانه همه آنها چاپ و منتشر شده است بخاطر میاورم.

حضرت عبدالیهاء مانند يك ناطق در پشت میز خطابه توقف نفرموده، بلکه همواره در حرکت بودند هیكل مبارك همانطور که بیانات و مطالب روحانی خود را ادا مینمودند در پشت تریبون مرتباً بجلو و عقب مشی میفرمودند. در آن لحظات من احساس میکردم که بطور کلی حسن اثر جلسه و تاثیر کلمات مبارك نه تنها با بودن مترجم تقلیل نمی‌یابد بلکه زیاد تر میشود زیرا وجود ترجمه بحضرتش يك وقار و متانت روحانی مخصوصی میداد که اگر بیانات مبارك مستقیماً بلسان شنوندگان ایراد میشد این حالت و کیفیت هرگز بوجود نمی‌آمد. ایراد خطابات مبارك بدین نحو بود که هیكل اطهر جمالات خود را تا حدی که ترجمه آنها برای مترجم مشکل نباشد بیان میفرمودند سپس بهنگام ترجمه توقف نموده و به مستمعین تبسم میفرمودند و با اینکه سرشان را در موقع ترجمه نکات مهم تکان میدادند و اهمیت آن نکات را به حاضرین خاطر نشان میفرمودند بعبارت دیگر حضرت عبدالیهاء در موقع ترجمه

بیکار و آرام نمی ماندند بلکه مرحله ترجمه را با قدرت محرکه‌ای که از شخصیت روحانی آنحضرت سرچشمه میگرفت روشن و درخشان میفرمودند.<sup>۱۰</sup> نطق‌های مبارک بزبان فارسی و در نهایت زیبایی و قدرت با آهنگی مخصوص ایراد میشد هنگام ایراد خطابه حضرتش با جلال مخصوصی دائماً در مشی و حرکت بودند استماع بیانات و خطابات آنحضرت قابل مقایسه با شنیدن هیچیک از سخنرانی‌های معمولی نبود.

ابتداءً سیل افکار روحانی حضرتش با لحن خوش و بالسان فارسی جاری میشد و بعد همینکه مترجم معانی کلمات را بیان میکرد لفظ دیگری جهت مستعمین از مشاهده عکس العمل‌های حضرت عبدالبهاء در هنر مترجم حاصل میشد. رویهمرفته رویه مبارک فوق العاده جالب و بی نظیر بود.

مضمون خطابات حضرت عبدالبهاء در آمریکا و لندن و پاریس چاپ و منتشر شده و جهت مطالعه در دسترس همه قرار دارد. هرکسی از مطالعه تمام خطابات و بحث‌های مبارک میتواند هم آهنگی و تطابق مخصوص آنها را با طرز فکر و روحیه مردم مغرب زمین ادراک نماید.

اولین مردمی که هنر درست فکرکردن و منطق را بمردم جهان تعلیم دادند یونانیان بودند و بدین وسیله اساس فکر و پایه علم و دانش غرب را بنا نهادند و از یونانیان فرا گرفتیم که چگونه از الف شروع کنیم تا بتوانیم به یاء نتیجه برسیم یا بلسان یونانی چگونه از آلفا ابتدا کنیم تا به



آمگا برسیم . اما نحوه ، تفکر اهالی مشرق زمین  
 کاملاً بد بین نحو نیست ، روحیه و طرز فکر مخصوص  
 آنها هرگز باین انضباط یونانی تسلیم نشده است .  
 افکار آنان بیشتر عارفانه بوده و در ادراک مسائل  
 و حقایق سرعت انتقال بیشتری دارند آنها مجبور  
 نیستند از الف مقدمه شروع کنند تا به یاء نتیجه  
 برسند بلکه بوسیله احساسات روحانی و اشراق  
 و ادراک سریع غالباً میتوانند به درک مقصد غائی نائل  
 آیند و به یاء نتیجه برسند . همه پیغمبران و انبیای  
 شرق در قالب استعارات و کنایات و تشبیهات مطالب  
 عالیه روحانی خود را اظهار داشته اند . يك جمله  
 یا يك فقره از کلمات آنان محتوی گنجی از  
 معارف و مطالب عالیه است که عمری تفکر و تا مل  
 برای درک حقایق آن کافی نیست . حضرت مسیح بد بین  
 طریق تکلم میفرمود و حضرت بهاء الله نیز بهمین  
 نحو بیان مسائل فرموده اند و لکن حضرت عبد البهاء  
 برای معرفی دیانت بهائی و اظهار مطالب عالیه  
 خود بد نیای غرب استدلال عقلی و منطقی را اتخاذ  
 فرمودند . آنحضرت بکمال دقت و مهارت فریاد  
 و قضایای خود را بنا نهاده و آنها را بوسیله  
 قضایای مسلم و مقدّمات قابل قبول بسط و گسترش  
 میدادند . در هیچیک از بیانات و توضیحات حضرت  
 عبد البهاء در بلاد غرب پیچیدگی و ابهام وجود  
 ندارد . هرگاه حضرتش میخواستند يك حقیقت یا  
 مسئله مهم روحانی را توضیح بفرمایند ابتدا  
 از يك مرحله ابتدائی و ساده که برای همه قسابل  
 فهم و قبول باشد شروع مینمودند و سپس آنرا

در مراحل عالیتیری توجیه و تشریح میفرمود نند بطوریکه سبب سعه صدر و روشنی فکر همه ما میگردد . لذا قطع نظر از هر مقام و شانی که حضرت عبد البهاء دارا بوده و یا در مستقبل ایام بایشان نسبت داده شود این حقیقت امروز هم قابل درك و قبول است که حضرتش موهبت مخصوص الهی برای مردم غرب بود نند .

حضرت عبدالبهائکات مبهم تعالیم حضرت بهاء الله را بزبان ساده و بنحوی که برای ما اهالی غرب باسانی قابل فهم و هضم باشد تفسیر و توجیه فرمود نند بنا بر این هرکس که این توضیحات روشن و بدون ابهام حضرت عبد البهاء را در دسترس دارد نمیتواند اظهار کند که درك و فهم دیانت بهائی برای او صعب و دشوار است زیرا آنحضرت اصول و تعالیم دیانت بهائی را با روشنی و وضوح چون روشنائی روز و تابش آفتاب جهانتاب توجیه و تبیین فرموده اند، در خصوص مصاحبه های متعدد دی که حضرت عبد البهاء با افراد بهائی و غیر بهائی بعمل آورد نند کتابها میتوان نگاشت و لکن من در این مقال فقط از مصاحبه های که شخصا افتخار آنها را با حضرتش داشته ام سخن خواهم گفت .

وقتیکه حضرت عبد البهاء در بستون

BOSTON

تشریف داشتند فرصت را مغتنم شمرده و پدرم را بمحضر مبارک بردم . منزل ما آنموقع در حومه نیوتن Newton قرار داشت . پدرم در آن ایام یک هنرمند محترم و ۷۵ ساله بستون و مردی مذهبی و پرهیزگار روحانی و دعا خوان بود او با طرفداری و ایمان من

بد بیانت بهائی نظر موافق داشت ولکن قبلا بمن گفته بود " پسر من برای تغییر عقیده خیلی پیر هستم " ایامیکه در اسلامبول اقامت داشتم پدرم بر حسب خواهش من در برخی از جلسات بهائی در بستون شرکت کرده و حالا از فرصت ملاقات با حضرت عبد البهاء مسرور و خرسند بود. اما آنچه سبب بهت و حیرت در این تشرّف شد این بود که پدرم رشته کلام را در محضر مبارک بدست گرفته و متکلم وحده بود. من خاطر این مصاحبه را هرگز فراموش نخواهم کرد. پدرم مدت نیم ساعت سعی میکرد که برای حضرت عبد البهاء وضع قانون و مقررات نماید و حضرتش را در مسائل روحانی روشنی فکر بخشد یا بعبارت بهتر پدرم فرصتی یافته بود تا برای حضرت عبد البهاء که با کمال محبت و رأفت مطالب او را استماع میفرمودند فلسفه روحانی خود را که در طول حیات راهنماییش بوده توضیح دهد. من بیپرده مضطرب و نگران در کنجی نشسته بودم زیرا حضرت عبد البهاء از این مصاحبه معکوس یعنی شنیدن سخنرانی پدرم احساس ادنی ناراحتی و نا رضایتی نمی فرمودند، آنحضرت در حالیکه ما را در دریای محبت عمیق خود مستغرق و با حالت تبسم جلوس نموده بودند در مقابل اظهارات پدرم بنده زت تکلم میفرمودند. بالاخره پدرم از محضر مبارک بیرون آمده در حالیکه احساس میکرد مصاحبه بسیار جالبی با حضرتش داشته است. این رفتار مبارک درس بزرگی از خضوع و فروتنی برای ما بود و آن اینکه در بسیاری مواقع ما میتوانیم فی الحقیقه بسایر افراد کمک کنیم فقط بدین وسیله که مستمع

خوبی برای آنها باشیم.

آخرین مصاحبه با حضرت عبد البهاء که در آمریکا نصیبم شد در واشنگتن اتفاق افتاد عجیب است که بیانات آنحضرت را در این اوقات بخاطر نمی آورم گویا قلب من دیگر گنجایش هیچ مطلبی را نداشت فقط بیاد می آورم که چگونه حضرتش در پایان ملاقات مراد را آغوش فشرده بوسیدند و سه مرتبه تکرار فرمودند " به آتش عشق ملکوت بسوز " عشق ملکوت چیست؟ همان چیزی است که عالم انسانی از این پس باید هزاران سال طی کنند تا آنرا کشف نموده و در زندگی خود بکار برد. آیا مقصد آنحضرت عشق برای ملکوت بود یا منظور کیفیت عشقی بود که در عالم بالا وجود دارد؟ و یا اینکه مقصد مبارک هر دو آنها بود؟

بهر حال در این چند کلمه حضرت عبد البهاء جوهر تعالیم خود را خلاصه فرمودند و آن اینک که عشقی که بواسطه روح القدس ایجاد شود تنها وسیله است که مشکلات را اعم از فردی یا اجتماعی بر طرف میکند.

مهمترین ملاقات و مصاحبه من با حضرت عبد البهاء در بهار سال ۱۹۱۳ در پاریس اتفاق افتاد من در آن ایام یکی از معلمین مدرسه مسافرتی پسرانه پرتر سارجنت PORTER SARGENT بودم. در اولین ملاقات هیکل مبارک در باره مدرسه تحقیق و سؤال فرمودند شما چه مطلبی تد ریس میکنید؟ در جواب عرض شد لسان انگلیسی و لاتین - جبر و هندسه تد ریس میکنم.

حضرتش مشتاقانه و با چشمان درخشان بمن

خیره شده و فرمود ند " آیا در مدرسه مسائل روحانی هم تد ریس میکنید " این سؤال مبارک مرا سخت دچار اضطراب و دست پاچی نمود من نمیدانستم چگونه برای حضرتش تشریح کنم که لزوم آماده کردن دانش آموزان برای امتحان ورودی کالج تد ریس این مواد را ایجاب میکند لذا در جواب فقط اظهار داشتم " خیر فرصتی برای تد ریس مسائل روحانی نیست " حضرت عبد البهاء دیگر اظهاری نفرمود ند و فی الحقیقه نیازی هم باظهار مبارک نبود زیرا من با این جواب خودم تعلیم و تربیت مدرن را محکوم کرده بودم " فرصتی برای تدریس مسائل روحانی نیست " و این مسلما همان نقص و کمبودی است که در تمدن مادی و مدرن ما وجود دارد زیرا این تمدن فرصتی برای توجه بمسائل روحانی ندارد اما سؤال حضرت عبد البهاء و کیفیت عکس العمل مبارک دلالت بر این مینمود که بعقیده آنحضرت تعلیم مسائل و حقایق روحانی باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد چرا غیر از این باشد؟ زیرا دنیای مادی که وسیله ای برای تعبیر و توجیه روح انسانی است تابع و تحت تاثیر عالم روحانی میباشد لذا تعلیم و تربیت باید از آنچه که اصل و علت اساسی است یعنی مسائل روحانی آغاز شود نه با آنچه که چون خلقت جسم انسان نسبت بروح خلاقه او و عالم هستی در مرحله دوم قرار دارد حضرت عبد البهاء بکمال محبت امر فرمود ند که مستر پرتیتر سار جنت و محصلین مدرسه را بحضور مبارک دعوت کنیم و مستر سار جنت و چهار نفر از محصلین با خوشحالی این

د عوت را قبول کردند و لکن بقیه هر کدام بعد از معذور شدن یکی از آنها میخواست کفشی برای خود بخرد دیگری تصمیم گرفته بود چای عصرانه خود را در يك رستوران که ارکستر کولیها را داشت صرف کند و قس علی ذلك • چقدر از فرصتهای ذیقیمت زندگی که بواسطه غفلت و عدم ادراک ما این چنین از دست می رود ، من به نتیجه تأثیری که ملاقات صاحب مدرسه با حضرت عبدالبهاء داشت عمیقاً علاقمند و در عین حال نگران بودم • مستر سار جنت که مدت ۱۰ سال رئیس من بود بطور قطع و یقین بوجود خدا اعتقاد نداشت او يك عالم زیست شناسی بود و از خورده بینی روحانی که غالباً این قبیل دانشمندان بدان دچار هستند رنج میبرد اما از طرف دیگر مشارالیه فردی معنوی و بشر دوست با اندیشه های بزرگ و عالی برای بشریت و تا حدی دارای نبوغ بود • در يك بحث دوستانه راجع به ماهیت وجود که باتفاق هم ضمن يك گردش طولانی در جزیره آفتابی کاپری داشتیم او عقیده و تصور خویش را از زندگی و جهان هستی برای من توجیه کرده و سپس با اشتیاق از من سؤال نمود " شما در باره این مسئله چگونه فکر میکنید ؟ " شاید این اولین بار بود که او فلسفه خویش را راجع به حیات کاملاً تشریح میکرد • من در جواب گفتم " حیات و جهان هستی در نهایت شکوه و عظمت است و لکن فقط نصف عالم وجود را شامل است • "

" نصف دیگر آن چیست ؟ "

" روح " و لکن این نصف دیگر برای مستر سار جنت وجود نداشت او فردی معنوی دارای فکری خلاق و تا حدی

شاعر بود و من از اینکه اشعه‌ای از عالم روح در قوای عقلانی او نفوذ ننموده بود مغموم بودم ، لذا وقتی که این فرصت مغتنم یعنی ملاقات با حضرت عبد البهاء دست داد خیلی به تقلیب او امید وار بودم حالا فکر میکردم در این ملاقات صمیمانه با حضرت مولی الوری مستر سار جنت مجبور خواهد شد که وجود روح را تصدیق کند و قدرت روحانی آنحضرت بالاخره در قشر افکار پر از شك و انکار او نفوذ خواهد کرد .

با این امید ملاقات با حضرت عبد البهاء دست داد پس از نیمساعت مصاحبه با آنحضرت وقتیکه از هتل خارج شدیم من بکمال اشتیاق از او سئوال کردم " خوب نظر شما نسبت به حضرت عبدالبهاء چیست؟ "

هرگز یاس و ناراحتی خرد کننده ای را که در اثر جواب مستر سار جنت بمن دست داد فراموش نمیکنم او در جواب گفت " عبدالبهاء پیرمردی دوست داشتنی مهربان و خسته است " من دلتنگ و رنجیده خاطر بودم ولیکن این واقعه دو درس روحانی بمن آموخت اول اینکه مکتب شك و اهل آن مشکلاتشان را باید بنا روش و طریق خود حل کنند و درس دوم و مهتر اینکه روح القدس هرگز خود را باجبار بر کسی تحمیل نمیکند بلکه باید طلب شود. الهیون بکرات اظهار داشته اند که اگر حضرت باری تعالی اراده فرماید باسانی قادر خواهد بود ما را با احترام و ترس نسبت بخود وا دارد ولیکن مشیت الهی براین تعلق نگرفته که احترام ما ترس و یا عشق ما را بزور و اجبار بخود جلب نماید بلکه آدمی خودش باید که در این کار پیشقدم گردد . در مورد حضرت عبد البهاء هم نگارنده بکرات متوجه

شد که حضرتش هرگز قدرت روحانی خود را بمنظور ایجاد حیرت در دیگران و یا بدست آوردن تبعیبت و وفاداری روحانی کسانی که آمادگی باطنی و درونی نداشتند ظاهر نمیفرمودند هر قدر قابلیت پذیرش و ظرفیت افراد بیشتر بود بهمان نسبت هم قدرت و قوت روحانی که حضرت عبدالبهاء به آنها نشان میدادند زیادتر بود. ژولیت تا میسرون Juliet Thompson که تمثال مبارک حضرت عبدالبهاء را نقاشی نمود بکرات اظهار داشته که بهنگام نقاشی گاهگاهی منور الهامات روحانیه حضرتش قرار میگرفته است. مستر Mr. Kenney که چندین روز افتخار ملازمت حضرت عبدالبهاء نصیبش بوده نیز بوجود چنین الهاماتی شهادت داده است و میمکسول May Maxwell یکمرتبه بنگارنده اظهار داشت که مشارالیها یکبار در محضر حضرتش چنان الهام و مکاشفه‌ای را از هیکل مبارک دریافت داشته که هرگز قادر به شرح و توصیف آن نیست و لکن با افرادی مانند مستر سارجنت که طرز تفکر مادی داشته و فاقد قوای روحانی بودند حضرت عبدالبهاء مطابق با ظرفیت و سطح فکرشان ملاقات و مذاکره میفرمودند. من خودم نیز در واشنگتن در ضیافتی که خانم پارسون Parsons داده بود شاهد رفتار و حرکات مبارک بسافیر ترکیه بودم. این ضیافت یک محفل دوستانه بود و حضرت عبدالبهاء هیچگونه تمایز و تعیین خاصی که نمودار مقام روحانیت ایشان باشد اظهار نمیفرمودند بلکه باقتضای موقع تنها بصورت مادی و مانند سایر مهمانان رفتار میفرمودند. و هر کس



که چون نگارنده باطابق بزرگ مهمانی نظر افکنند ه  
 و حضرت عبد البهاء را در حالیکه در گوشه ای جلوس  
 فرموده و برای سفیر ترکیه داستانهای خوشمزه نقل  
 میکردند مشاهده نموده بدون شك در سیمای مبارک  
 هیچگونه اثری از قدرت روحانی ندیده است ، زیرا  
 اساساً حضور حضرتش در آن جلسه ضیافت هم  
 بجهت مقاصد روحانی بلکه صرفاً بمنظور ایفای  
 يك وظیفه اجتماعی بود . حضرت عبد البهاء بدون شك  
 " همه چیز برای همه " بودند و به تناسب زمان و  
 مکان و یا افراد حرکات و سکنات و بیانات مبارک  
 تغییر میکرد . برخی که هنگام ملاقات خود شانرا  
 آماده کرده بودند تا آنحضرت را بمنزله پیر مردی  
 از دریا مشاهده کنند حضرتش برای آنها همان  
 بود ندولکن اگر آمادگی داشتند که آنحضرت را بیش  
 از این ادراک نمایند میزان پذیرش و درک آنها به  
 تناسب آمادگیشان تغییر میکرد .

در تمام مصاحبه ها و ملاقاتهای خود با حضرت  
 عبد البهاء درک و اخذ حقیقت را از سطحی بالا تر  
 از عقل و دانش محض بنحوی فوق العاده احساس میکردم .  
 عقل و هوش انسانی وسیله ای جهت تشخیص حقایق  
 و تجزیه و تحلیل مسائل و اقدام بعمل میباشد وقتی  
 با افرادی که دانش و اطلاعاتشان از ما بیشتر است  
 گوش فرا میدهیم از اخذ معلومات و درک مطالب  
 تازه محظوظ میشویم ولکن با آزادی کامل حق قضاوت  
 را برای خود محفوظ نگاه میداریم . مطالبی را که  
 میشنویم برخی را فوراً قبول میکنیم و بعضی را  
 با محافظه کاری و دقت میپذیریم و برخی دیگر را

در باطن و درون خود رد و طرد مینمائیم و بدون توجه به میزان عقل و دانش گوینده قضاوت نهائی را حق مشروع خود میدانیم و لکن در مورد حضرت عبد البهاء جریان امر چنین نبود من همواره تمام مطالب و اظهارات حضرتش را با خضوع و افتادگی کامل و اعتقاد راسخ میپذیرفتم و این پذیرش نه بخاطر تصور قدرت و توانایی برای حضرتش بلکه باین علت بود که همیشه در اعماق قلب و روح خود احساس میکردم که آنچه آنحضرت میفرمایند حقیقت محض است عبارت دیگر بیانات آنحضرت همواره حقیقت را منعکس مینمود یا همانطوریکه در باره دیگر پیشوایان بشریت گفته شده حضرتش با " توانائی و اقتدار " تکلم میفرمودند. در خطباتی که حضرت عبد البهاء در آمریکا و اروپا ایراد فرموده اند مسائل و مطالب مختلفی را توضیح و تشریح نموده اند. این معلومات و اطلاعات وسیع نسبت بامور و مسائل متنوعه را حضرتش از کجا آورده بود؟ در حالیکه فقط یکسال که آنهم در سن هفت سالگی بمد رسه تشریف برده و بقیه ایام عمر مبارک در سجن و سرگونی گذشته بود.

هیکل مبارک کتابخانه مجهز و دایره المعارف های متعدد نداشتند بلکه کتابهایی که در اختیار داشتند بسیار محدود بود معذک در Schenectady

وقتی که کارخانجات جنرال الکتریک بوسیله مستر استین متز Steinmetz بآنحضرت نشان داده میشود این شخص که در الکتریسته اطلاعات بسیار عمیق داشت مشتاقانه محو توضیحات و تشریحات حضرت عبد البهاء در خصوص الکتریسته شده بود.

مور M R. Moore يك كشيـش كليـساي موحـد يـن كـه د ر  
اين موقع حاضر بوده ، بنگارنده اظهار داشت " مستر  
استين متز آنچنان محو توضيحات حضرت عبد البهاء  
شده بود كه دهانش از تعجب باز مانده بود ."  
M R. Saffa Kinney ميگويند مستر سافاكيني

يكبار از حضور مبارك سئوال نموده بود "عبد البهاء  
آيا شما همه چيز ميدانيد؟" و آنحضرت در جواب  
فرموده بود ند " نه من همه چيز را نميدانم ولكن  
وقتي دانستن چيزي برايـم لازم باشد آن چيز در جلوي  
چشم مجسم و نمودار ميگردد ." بد بين ترتيب حضرت  
عبدالبهاء در موقع تماشا و گردش در كارخانجات  
جنرال الكتريك نشان دادند كه اطلاعاتشان در  
الكتريسيته از مستر استين متز بيشتر است .

حضرت شوقي افندي فرموده اند كه اشراق  
و الهام منبعث از قدرت روح است و اين همـان  
قدرتي است كه تمام و كمال و همواره در دسترس  
حضرت عبد البهاء قرار داشت . آنحضرت بكترات  
در خصوص علم بي واسطه و لدني بياناتي فرموده اند  
همان علمي كه بدون احتياج بوسائل و كتب و يـا  
مدد افراد ديگر بدست ميآيد اين همان قدرت  
الهامي عجيبـي است كه تا حدودي در دسترس مـبا  
هم قرار دارد . غالباً در پايان مصاحبه ها و ملاقاتها  
و پس از جواب دادن به برخي سئوالـات پيچيده و مشـكل  
حضرت عبدالبهاء مي فرمود ند " فرصت براي توضيح بيشتر  
نيست ، شما خودتان در اين باره تفكر كنيد تا حقيقت را  
دريابيد ."

بد بين ترتيب اگر چه حضرت عبدالبهاء ديگر

بصورت ظاهر در میان ما نیستند که بسئالات ما  
جواب عنایت فرمایند و لکن قدرت روح القدس  
که بکمال قوّت در وجود آنحضرت موجود بوده  
هنوز در دسترس ما قرار دارد تا ما را هدایت  
کند ، قوّت بخشد و شفا عنایت فرماید .

انتهی

نروژ مهر ماه ۱۳۴۱

(ترجمه از انگلیسی)

## نظری به تعالیم اقتصادی بهائی

ترجمه و امباس

دنیای امروز در بستر بیماری افتاده است و کسی نمیتواند بیماری آنرا در این ایام آشفته و پریشان انکار کند. ولکن در تشخیص مرض آن توافق کاملی وجود ندارد. عدهای اظهار میکنند که بدی تشکیلات و سازمان باعث این بیماری گردیده چه فطرت انسانی از آنچه همواره بوده بهتر یا بدتر نشده است. این عده میگویند اگر سازمان و تشکیلات موجود را تغییر دهید ملاحظه خواهید کرد که جمیع امور بر منہج صحیح استوار خواهد شد. عدهای دیگر سازمان و تشکیلات را عاملی مهم تلقی نمیکنند. اینان معتقدند که اگر افراد بشر دارای زندگی مرفه تر و بهتری گردند تشکیلات موجود خود بخود اصلاح میگردد. در میان این دو نظریه کاملاً مخالف و مابین نحوه فکر و اصول و مبادی دیانت مقدس بهائی قرار دارد.

تعالیم بهائی تصدیق دارد که طبیعت انسانی در میان یک رشته تحولات و تغییرات همیشگی تکامل و ترقی یافته است. یکزمان نوع انسان در حوض ادنی و زمانی

دیگر در اوج اعلای روحانیت و اخلاق قرار دارد. ولکن در يك مدت طولانی ترقی و تکامل او همواره معبودی و رو بکمال میباید اگر غیر از این بود نوع بشر هم اکنون میبایست در مرحله بدوی اجداد و نیاکان خود بسر برد از طرف دیگر با اعتقاد دیانت بهائی سازمان و تشکیلات مجهز و وسائل و عوامل مادی علت و سبب ترقی و تکامل روحانی نوع انسان نیستند. بلکه پیشرفت و تکامل چه در عوامل روحانی و چه در امور مادی نتیجه علت دیگر یعنی تربیت و هدایت افراد بشر بوسیله خداوند بوده است. همانطور که جسم انسان از يك ترکیب ساده توسعه و تکامل یافته روح انسانی نیز ترقی حاصل نموده است و این ترقی و علو بوسیله هدایت و دلالت مشیت الهی انجام گرفته است. هر زمان که روح انسانی در مراحل ترقی و کمال حرکتی سریع داشته تشکیلات و امور مادی او نیز ناگهان در طریق ترقی و تکامل گام برداشته است.

سازمان و تشکیلات بدون تکامل و علو روح انسانی بیثمر و فاقد ارزش است. هیچ تشکیلاتی نمیتواند افراد بشر را بمرحله‌ای بالاتر از آنچه که روح آنان رسیده است سوق دهد. تشکیلات و سازمان نیرو و فعالیت افراد را در مجاری معین بکار انداخته و از اتلاف قوای آنان جلوگیری میکند و اشتراك مساعی بین افراد را بوجود میآورد با اصطلاح باید گفت که "بیمایه فطیر است". اگر افراد بشر مستعد و بالقوه لایق و قابل کارهای بزرگ نباشند تشکیلات و سازمان قادر به تغییر فطرت باطنی آنان نخواهد بود.

همانگونه که مرغوبترین مواد اولیه راجهت استفاده

نهائی ناگزیر بشکل وهئیت معین در میآوردند، بین  
 افراد بشر نیز قانون و مقرراتی لازم است تا خطاها  
 و لغزشهای آنانرا محدود و مقید نماید. همچنین  
 سازمان اقتصادی مورد نیاز است که کافل تمتع صحیح  
 نوع انسان از مواهب و نعمای مادی حضرت رحمن گردد.  
 بدون تشکیلات پی‌نظمی و هرج و مرج ایجاد خواهد شد.  
 تعالیم دیانت بهائی تصویری است از بشریتی که  
 حیات و نیروی جدید یافته و بوسیله اتحاد و یگانگی  
 متشکلی در طریق ترقی و تعالی گام بر میدارد. جوامع  
 بهائی در سراسر عالم بنفسها شاهی است مبین که  
 این ادعا صرفاً یک امیدواری عبث و عاری از حقیقت  
 نیست. در اکثر ممالک عالم دستجاتی موجود که  
 خالی از تعصبات متنوعه نژادی طبقاتی و مرامی حداکثر  
 کوشش خود را بکار میبرند تا تعالیم روحانی حضرت  
 بهاءالله را به مرحله اجرا و عمل در آورند این افراد  
 معتقدند که شمس حقیقت از هر افقی که طالع شده  
 یا بشود حق است و بکمال جدیت برای صلح و صفا  
 و آسایش و رفاه عموم اهل عالم فعالیت میکنند و  
 چنان متشکل و متحدند که گوئی یک روح در ابدان  
 متعدده اند طرز عمل دنیای بهائی چنان تنسیق یافته  
 که در عین متحد الشکل بودن به تمایزات محلی و  
 ابتکارات شخصی مجال و میدان بروز میدهد. در حقیقت  
 این نمونه کوچکی از طرز عمل برای ایجاد یک دنیای  
 متشکل و متحد است. اصل مهم در تشکیلات نظم اداری  
 و همچنین تعالیم اقتصادی بهائی سازگاری و قابلیت  
 توافق است. در این تشکیلات اداری و تعالیم اقتصادی  
 نقشه خشک و سخت اقتصادی وجود ندارد. زیرا امکان

و از مننه مختلفه در طول تاریخ وجود انواع و اقسام مختلفی از سازمان اقتصادی را ایجاد میکند. در عوض در دیانت مقدس بهائی اصول کلی مسلمی بمثابه يك قالب و چوب بست وضع شده که در داخل آن حکومت محلی و حکومت آئینده جهانی میتواند در هر زمان نقشه خود را برای مقابله با مسائل و مشکلات مخصوص بخود طرح نمایند.

### يك اقتصاد جهانی

اصل اول از اصول کلی اقتصادی در دیانت بهائی آنست که باید يك اقتصاد جهانی وجود داشته باشد. حضرت بهاء الله میفرماید: " عالم يك و وطن محسوب و من علی الارض اهل آن " این اصل صداقت و وفاداری وسیعتری از آنچه که امروزه مردم جهان نسبت به حکومت ملی ابراز میدارند در بردارد همان حکومتی که افراد انسانی را دلالت میکنند تا به ناراحتیها ورنجهای افراد بشر در سایر ممالک به دیده بی اعتنائی و به نحوی که گویا اصلا بدانها مربوط نیست بنگرند. حضرت بهاء الله میفرماید: " لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم " نه فقط افراد باید نسبت بهمه اهل عالم بدون توجه به نژاد و رنگ و طبقه و عقیده به دیده برادری بنگرند بلکه دولتها نیز موظفند از صمیم قلب رفاه و سعادت عموم نوع بشر را مد نظر قرار دهند. حضرت بهاء الله در خصوص نمایندگان و وکلای منتخبه از طرف افراد يك جامعه چنین میفرماید: " و یُتَبَغی لهم ان یتکونوا ائمناء الرّحمن بین الامکان و وکلاء



اللّٰهُ لَمَنْ عَلَى الْاَرْضِ كُلِّهَا ۰۰۰۰"

حضرت ولی مقدّس امرالله تعالیّم مبارکه حضرت بهاء الله را در توفیق مبارک مورخ ۱۹۳۶ چنین توجیه و تشریح میفرماید: " وحدت کافه نوع بشر ما به الامتیاز مرحله ایست که حال هئیت جامعه بشری بآن نزدیک میشود وحدت خانواده و قبیله و شهر و ملت متوالیاً مورد اقدام واقع و کاملاً تحقّق پذیرفته است . وحدت عالم غایت قصوائی که بشر سرگردان برای نیل بآن تلاش مینماید . اکنون تشکیل وحدت مّلی بپایان رسیده است و هرج و مرجی که ملازم اختیارات مطلقه حکومت است بمنتهای درجه شدت میرسد . عالمیکه در حال رشد و بلوغ است باید از قید این بت وهم خود را رها کرده بوحدهت و جامعیت روابط بشری معترف و بطور قطع نظامی ایجاد نماید که بوجه احسن بتواند این اصل اساسی حیاتش را مجسم سازد ۰۰۰۰" (ترجمه)

در یک چنین دنیائی سازمان اقتصادی بعنوان تنها هدف خود باید خیر و رفاه عموم نوع بشر را در نظر داشته باشد نه اینکه فقط مصالح عده محدودی از افراد مانند یک طبقه یا یک ملت معیّن را مورد توجه قرار دهد. در یک چنین دنیائی یک واحد پول جهانی نیز که فی الحقیقه مورد نیاز است باید در جریان گذاشته شود (هرگونه مخالفتی با این فکر بر اساس نظریه محدود ملیت پرستی مبتنی است ۰) همچنین یک سیستم عمومی اوزان و مقیاسها مورد احتیاج است و هیچ علّت و دلیلی وجود ندارد که از راحتی و سهولت یک سیستم متحد الشکل عمومی

صرف نظر شود. در چنین دنیائی کلیه مواد خام برای خیر و رفاه اهل عالم فراهم شده و بکار خواهند رفت و بازارهای جهان به بهترین وجه هم آهنگ خواهند شد تمام سدها و موانعی که هم اکنون در طریق تجارت و داد و ستد جهانی وجود دارند همراه با یکی از بزرگترین موانع و مشاکل اقتصادی یعنی جنگ محو و زائل خواهند شد زیرا که علت عمده جنگ توجه مصالح محلی و ناحیه ای مقدم بر منافع و مصالح جمیع نوع بشر میباشد. با بر طرف شدن جنگ تسلیحاتی جنگ اقتصادی نیز مانند تعیین ارز و سهمیه ها محو و ناپدید خواهد شد و در حقیقت تمام روی زمین از نظر اوضاع اقتصادی و سیاسی مملکت واحد خواهد گردید این غایت و هدف قصوی است و تا وقتی که نیل بدان حاصل شود هر وسیله ای که وحدت نوع بشر را تأسیس و ترویج کند خوب و پسندیده میباشد. حکومت عالم باید گرد هم آمده و بنابر اقتضای ضرورت و احتیاج در بکار بردن و اعمال بهترین اصول یک اقتصاد جهانی موافقت کنند تا آنکه ما لا ینک هیئت مرکزی جهانی مستقر گردیده و توسعه و پیشرفت این مقصد را رهبری نماید در حال حاضر " شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد" ( U.N.E.S.C.O. ) قدم مهمی است که در طریقی که حضرت بهاء اللّٰه یک قرن پیش نشان داده اند برداشته شده است.

### فقر و غنا

در میان هر دسته از نوع بشر که بصورت ملت واحدی متشکل شده اند. مهمترین علت مشکلات

اقتصادی وجود فاصله طبقاتی و فقر و ثروت مفرط است که در حال حاضر بسیار متداول میباشد. با در نظر گرفتن این حقیقت که هر یک از افراد بشر نسبت به ضروریات و مایحتاج زندگی و میزان معینی از راحتی و آسایش حق مسلمی دارد قوانینی باید وضع و تصویب گردد تا حداقل سطح زندگی افراد فقیر را تضمین کند و همچنین محدودیتی برای ثروت هر یک از افراد جامعه تعیین نماید. از زمانیکه این گونه تعالیم از طرف حضرت بهاء الله باهل عالم عنایت شده است ملل راقبه جهان بوسیله بیمه کردن افراد در مقابل بیکاری حداقل دستمزدها وضع مالیاتهای تصاعدی بردرآمد و تدابیری از این قبیل بطور قابل ملاحظه‌ای در این طریق پیشرفت نموده‌اند. و لکن در کشورهایی که توسعه کامل نیافته‌اند هنوز میلیونها نفر از افراد انسانی وجود دارند که از وسائل اولیه زندگی محرومند و حتی در کشورهایی که توسعه و پیشرفت حاصل نموده‌اند هنوز هم قوانین موجوده از هدف واقعی و کمال مطلوب فاصله دارد. در برخی از کشورها اکثریت وسیعی از اهالی دارای غذا و پوشاک مناسب و ضروری نیستند و حال آنکه چند خانواده قسمت اعظم ثروت مملکت را در دست دارند بدیهی است که یک چنین ترتیب و قرار مزایای زندگی دسته جمعی را خراب و معدوم میسازد زیرا از طرفی افراد ثروتمند در زیر بار مسئولیت سنگین اداره ثروت مفرط خود دچار زحمات میشوند و از طرف دیگر افراد فقیر مظلومانه همراه با بدبختی و فلاکت زندگی مینمایند.

برقراری مساوات تام بین ثروت اغنیا و فقرا

میلهما غیر ممکن است و مطلوب و مفید نخواهد بود زیرا انجام این عمل به دلسردی افراد و بینظمی اجتماع منجر خواهد شد و لکن طریق معتدل آنست که حدودی جهت ثروت و غنا مقرر گردد و وجود مراتب و تنوع در ثروت بطور آزاد و در داخل این حدود لازم شمرده شود بطوریکه هر یک از افراد جامعه مقصد و مطلوبی داشته باشد برای وصول بدان کوشش و کار کند و در عین حال هیچ فردی محتاج و نیازمند نباشد. استقرار چنین نظامی در عالم محتاج زمان و فرصت است و بهر حال برای انفاق و تبرع اهمیّت زیادی داده شده است. حضرت بهاء اللّه در کلمات مبارکه مکنونه میفرمایند: "ای اغنیای ارض فقرا امانت منند در میان شما پس امانت مرا درست حفظ نمائید و براحات نفس خود تمام نپردازید."

### سازمان صنعتی

با وجود توسعه و پیشرفت فوق العاده صنعت در صد سال اخیر، تعالیم حضرت بهاء اللّه حقیقت و واضحی را که غالباً بدست فراموشی سپرده شده است خاطر نشان میکند و آن اینکه زراعت از امور دیگر مهم تر و ضروری تر است چه که قسمت اعظم سکنه روی زمین معاش زندگی خود را از طریق کشاورزی تحصیل مینمایند و بعلاوه حیات و زندگی همه افراد بشر بآن منوط است. و این بعهدہ حکومت آئینده خواهد بود تا اصولی را که در این تعالیم بیان گردیده است برای احتیاجات گوناگون شهرهای مختلفه صنعتی یا نواحی زراعتی بکار برند. هر قریه یک مخزن عمومی یا بیت المال

خواهد داشت که بوسیله جمعی از امنای قریه که از طرف بیوت عدل محلی منصوب شده اند نظارت میگردد. عوائد این مخزن عمومی با ثروت و در آمد سالیانه افراد بستگی دارد. از این مخزن بمحتاجین و بآنهائی که در ضمن سال دچار آفت و بلا شده اند کمک خواهد شد. فی المثل ایتم، عجزه و سالخوردگان بکمک این مخزن در رفاه و آسایش بسر خواهند برد و همچنین اگر زارعی با وجود مخارج و تعهدات سنگین و کوشش فراوان، بعلل مختلفه سال بدی داشته و کشتش برکتی نیافته با و نیز کمک خواهد شد. حضرت بهاء اللّه میفرماینده: " چون چنین ترتیب داده شود هر فردی از افراد هئیت اجتماعیه در نهایت راحت و سرور زندگانی نماید و مراتب نیز باقی ماند. . . . . "

در شهرهای بزرگتر باید این روش با مقیاس وسیعتری بکار رود و اصول اساسی دیگری مانند مالیاتهای تصاعدی و در نظر گرفتن تعهدات باندازه در آمد نیز مرعی گردد. از آنجائیکه اکثریت مردم کارگر و مزدور عده دیگرند اصول مسلم دیگری نیز برای اداره صنایع لازم است. در مسئله ملّی کردن صنعت همقوانین قطعی و مسلمی در دیانت بهائی تشریح نشده است زیرا بهمان علل و ملاحظاتیکه گفته شد این قوانین نمیتواند در تمام زمانها و مکانها بکار رود. اصل عمده و مهمی که وضع شده اینست که بکارگران علاوه بر دستمزد باید سهمی هم از منافع کارخانه داده شود بدینترتیب اولاً توجه و علاقه مخصوص نسبت بکار در آنان ایجاد میگردد و ثانیاً سهمی از

عایدات حاصله از زحماتشان بآنان داده میشود. در حال حاضر حتی پیشروترین کشورهای جهان هم از این کمال مطلوب و هدفی که جهت سازمانهای صنعتی تعیین شده است بغایت دورند.

### کار و سرمایه

مهمترین مسئله و بزرگترین مشکل در عالم صنعت رابطه بین کارگران و صاحبان سرمایه است. هر يك از آنها تصور میکند که طرف دیگر سهم بیشتری از عوائد حاصله از فروش کالاهای تولیدی را که تولید آنها مستلزم دخالت کار و سرمایه است بخود تخصیص میدهد. کارگران مطالبه سهم بیشتری میکنند و کارفرمایان در جواب اظهار میدارند که پرداخت دستمزد بیشتر نفعی جهت آنان باقی نخواهد گذاشت و بالاخره وضع بجائی میرسد که صنعت بعلت اعتماد کارگران یا تعطیل کار از طرف کارفرمایان فلج میگردد و شک نیست که این امر بضرر طرفین تمام میشود. از آنجائیکه قاعده وجود ندارد که بوسیله آن مقدار سهم طرفین معین شود این تمایل برای هر دو طرف بوجود آمده است که اولاً سعی کنند تا آنجائیکه میتوانند سهم بیشتری مطالبه نمایند و ثانیاً در دو گروه مختلف تقسیم شوند تا بعوض یافتن راه حل منصفانه از قدرتهای نسبی خود در انجام مقاصد صنفی استفاده نمایند.

برای حلّ چنین مشکلی حضرت عبدالبهاء در تشریح تعالیم بهائی چنین میفرمایند: "حلّ مشکاکل اقتصادیه هرگز بضدیت و نزاع و مقاومت بین

سرمایه داران ورنجبران ممکن نیست مگر بحسن تفاهم  
وتساهل بطیب خاطر از طرفین ۰۰۰۰"

مادام که حسن نیت وجود ندارد ناگزیر اعتصاب  
مستمر ادامه خواهد یافت تا اینکه تمام دستگاه  
اقتصادی مختل و پریشان گردد. در یک دستگاه متشکل  
بر طبق اصول بهائی اعتصاب وجود نخواهد داشت.  
حداکثر و حداقل درآمدها تعیین گشته و یک سیستم  
تقسیم منافع بوجود خواهد آمد. اساس عدالت و انصاف  
استوار خواهد گردید. طرق وسایل اداری که بوسیله  
آنها تمام اختلافات بنحو مسالمت آمیز مرتفع گردد  
معین و پیشبینی خواهد شد. اگر یکی از طرفین اختلاف  
فاقد حسن نیت باشد با اعمال زور قانونی و نه از  
طرفین اعتماد یکطرفه قضیه فیصله خواهد یافت  
و دیگر نیازی با اعتماد نخواهد بود " اعتصاب سبب  
خرابی است اما قانون سبب حیات است "۰

( خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء )

اما اظهار نظر در مسائل فوق هنوز هم بعهد  
مستقبل ایام است حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۲ در  
آمریکا بیانات ذیل را ایراد فرمودند: "۰۰۰۰  
فی الحقیقه تا بحال خیلی ظلم بعوام شده باید  
قوانینی گذارد زیرا کارگران ممکن نیست باوضع  
حالیه راضی شوند."۰

### سیستم اداری

در یک مقاله مختصر که مسائل اقتصادی مورد نظر  
است فقط بنحو اجمال میتوان نظم اداری دیانت  
بهائی را مورد بحث قرار داد همان نظمی که در

تاریخ بشریت بی نظیر و مثیل است. این نظم الهی از مزایای حکومت دموکراسی و سلطنتی و اشرافی بهره مند و از معایب و مفاسد آنان عاری و مبرا است. غایت قصوایش آنست که حکومت را بر طبق مقررات مخصوصه در دست افراد صالح و بی غرض اعم از رجال یا نساء قرار دهد همان افرادی که تنها مقصد و مرامشان آنست که مشیت و اراده الهی را طبق هدایتی که از طرف حضرت بهاء الله بآنان عنایت شده اجرا نمایند. این نفوس تحت نفوذ و تأثیر مصالح و منافع حزبی قرار نخواهند گرفت بلکه قلبا خیر و رفاه عموم نوع بشر را آرزو خواهند داشت. ایشانند که قوانین و تعالیم حضرت بهاء الله را برای رفیع احتیاجات ازمنه و امکانه مختلفه بکار خواهند برد مسئول و مراقب خواهند بود که عدالت و انصاف بتمام معنی و در حق فقیر و غنی بطور مساوی اجرا شود. در این نظام اداری عدم تمرکز بحدّ زیادی در نظر گرفته شده و لکن قدرت نهائی همچنان متمرکز خواهد ماند باید دانست که این قدرت و مرجعیت نهائی از بابت امور اداری در دست يك مجلس منتخب جهانی قرار خواهد گرفت. اولیای امر محلی قدرت بیشتری از آنچه که هم اکنون دارند دارا خواهند شد. و لکن اولیای امور و مراجع ملّی دارای قدرت کمتری خواهند شد. زیرا که قسمتی از قدرت و اختیار کنونی آنها بوسیله پارلمان جهانی اعمال میگردد و باین ترتیب هرگونه پیش بینی و شرایط لازم تا آنجا که مطلوب و مناسب باشد بجهت حفظ و نگاهداری مشخصات و صفات ممیزه حکومت محلی و ملّی بکار خواهند رفت و لکن آنها



با يك تشكيلات متحد الشكل دنيائی هم آهنگ خواهند گرديد همچنين پيش بينی لازم بعمل خواهد آمد تا مشكلات و مسائل جهانی با يك مقياس وسيع جهانی حل و رفع گردد. پر واضح است كه ملل عالم تا كنون بپيشرفت مختصری در طريق تأسيس يك چنين نظام اداری نائل آمده اند.

### فرد

موفقيت هر سيستم اقتصادی بطرز رفتار و اعمال افراد جامعه مربوط است. بدینجهت قسمتی از احكام و دستورات ادیان الهی كه افراد بشر را مخاطب داشته اند بمسائل اقتصادی مربوط است. ولكن حضرت بهاء الله تعالیم فردی معینی عنایت فرموده اند كه منحصرًا بمسائل اقتصادی ارتباط دارد. بسیاری از این تعالیم نظریه دیانت بهائی را در خصوص كار بیان میدارد از نظر بهائیان كار و كوشش برای فقیر و غنی امری اجباری بوده و تكدی و گذرانندن عمر در بطالت و بیکاری هر دو حرام شده است. حضرت بهاء الله در كلمات مباركه مكنونیه میفرمایند: " پست ترین ناس نفوسی هستند كه بی ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس معطله مهمله ارجح عند الله مذکور " و در كتاب مستطاب اقدس میفرمایند: " أَبْغَضُ النَّاسَ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ يَقْعُدُ وَيَطْلُبُ " البته كار باید در عین حال كه وسیله ای جهت تأسيس معاش است بعنوان خدمت بعالم بشریت انجام شود. " اِسْتَعْمَلُوا بِمَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَنْفُسُكُمْ وَأَنْفُسُكُمْ " ( كتاب مستطاب اقدس )

غایت و هدف در چنین کاری فی المثل برای یک صنعتگر آنست که بهترین وجهی که میتواند کار خود را انجام دهد تا بندگی به خداوند و خدمت به همنوع را بجا آورد کاری که با این روح انجام گیرد در دیانت بهائی نفس عبادت شمرده شده است.

یکی دیگر از تعالیم فردی دیانت بهائی که خصوصاً بامور اقتصادی مربوط است لزوم نوشتن وصیتنامه میباشد بر هر فرد واجب شده که وصیتنامه خود را بنویسد بکمال آزادی ثروت و ماترک خود را بهر کس که میخواهد بدهد. ولكن در صورت عدم وصیت حضرت بهاء اللّٰه بهترین طرز تقسیم ثروت را تعیین فرموده اند و بر طبق آن اولاد - زن یا شوهر - پدر - مادر - خواهران - برادران و معلمین از ماترک متوفی هر يك بمقیاس معینی سهم میبرند و بزرگترین سهم به خویشاوندان نزدیکتر میرسد. هرگاه کسی بدون وصیتنامه فوت کند طرز تقسیم فوق نسبت بماترک او اعمال میگردد. این طرز تقسیم بتوزیع عادلانه ثروت و کم شدن فاصله طبقاتی کمک خواهد نمود تعالیم عمومی تر حضرت بهاء اللّٰه نیز تا تأثیر عمیقی در امور اقتصادی دارند و لكن این تعالیم در تمام ادیان الهی عمومیت دارد و ما فقط در این مقال آنها را بطور خلاصه ذکر میکنیم.

حضرت بهاء اللّٰه نیز مانند مؤسسین سایر ادیان بزرگ تعلیم فرموده اند که غنای حقیقی عبارت از ثروت روحانی و معنویست نه ثروت ظاهری و مادی. اموال و ثروت های ظاهری وسیله سختی جهت امتحان روح انسانی هستند و چه بسا که فقیر يك نعمت مکنون و پنهانی باشد.

حضرت بهاء الله میفرماید: " ای پسر کنیز من در فقر  
اضطراب نشاید و زرغنا اطمینان نباید. هر فقیری  
را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب ولكن فقر از  
ما سوی الله نعمتی است بزرگ حقیر شمارید زیرا  
که در غایت آن غنای بالله رخ بگشاید." در دیانت  
بهائی انقطاع و اجتناب از تمایل و تعلق باموال دنیوی  
توصیه و سفارش شده است ولكن مقصد از این انقطاع  
و عدم توجه، ریاضت و گوشه گیری نیست مسئله مهم  
آنست که انسان به ثروت‌های ظاهری و منافع دنیوی تمسک  
قلبی نداشته باشد. در دیانت بهائی اعتدال در جمیع  
امور چه با افراد و چه بدولتها سفارش و توصیه شده  
است و در باره عدالت و انصاف هم مانند محبت و خدمت  
تاکید گردیده است.

اعمال بیش از اقوال بعنوان علامت و نشان ایمان  
شناخته شده است و برای امانت و درستی اهمیت فراوان  
قائل گشته اند این تعالیم در کتب بهائی موجود  
و در دسترس طالبان قرار دارد.

# جناب لوئی گریگوری سرسلسله ایادی امراۃ از نژاد سیاہ

” از واقعہ موہ لہ صعود خادم عزیر امراللہ لوئی گریگوری کہ قلبی نیرو و روحی مستبشر داشت و در بین احبای سیاہ پوست سرآمد اقران و موجب فخر و مباهات آنان بود کمال تاسف حاصل • فقدان این نفس جلیل کہ هموارہ مورد اعتقاد و عنایت حضرت عبد البہاء بود سبب حزن شدید گردید • فی الحقیقہ این بزرگوار سرسلسلہ ایادی امراللہ از نژاد سیاہ محسوب و نسل آیندہ بہائیان قارہ آفریقا بذکر او مباهات کردہ باو تاسی خواہند جست • شایستہ است بیاس مقام بینظیر و خدمات باہرہ این نفس جلیل محفل تذکری در مشرق الانکار منعقد گردد •“

۱۶ اگست ۱۹۵۱ شوقی

جناب لوئی گریگوری در تاریخ ۶ جولای ۱۸۷۴ در

" چارلز تون " واقع در ایالت کارولینای جنوبی آمریکا پا بعرضه وجود گذاشت . پدرش هنگامیکه بیش از پنج سال از سن او نمیگذشت دار فانی را وداع گفت و مادرش تا هنگام ازدواج مجدد زندگی بسیار سختی را باتفاق دو کودک خردسالش گذرانید بطوریکه ایام را به تهی دستی و حتی گرسنگی سپری میکرد . ناپدیری لوئی نهایت محبت را با او داشت و وقتی که لوئی بسن رشد رسید او را بشاگردی در خیاطخانه ای سپرد و کمی بعد مخارج تحصیلی او را برای یکسال در دانشگاه فیسک FISK بعهده گرفت . لوئی شخصاً خود را اداره میکرد و بواسطه بروز استعداد و لیاقت و همچنین تصدی نظافت و اطو کشی و خیاطی کردن برای دانشجویان و گاهی پیشخدمتی در مدت تعطیلات تابستان موفق بدریافت مدد معاش از دانشگاه مذکور گردید .

پس از خاتمه تحصیلات و دریافت دانشنامه از دانشگاه فیسک FISK در مؤسسه فرهنگی اوری Overy بتدریس پرداخت . مؤسسه اوری یک مدرسه کوچک خصوصی بود که بوسیله اهالی شمال برای کمک به محصلین با استعداد و ساعی اداره میشد . لوئی قسمتی از تحصیلات خود را در این مدرسه انجام داده بود . پس از مدتی در این مدرسه بمطالعه و تحصیل علم حقوق در دانشگاه " هوارد " پرداخت و در ۲۶ مارچ ۱۹۰۲ مفتخر به دریافت درجه " ال . ال - بی " از دانشگاه مذکور گردید و بعد از گذراندن امتحانات لازمه در شهر واشگتن D.C. با شرکت یک حقوقدان دیگر موسوم به جمیز کاب COBB شروع به

انجام کارهای حقوقی نمود . این دو نفر شرکت خود  
تا سال ۱۹۰۶ ادامه دادند . در سال مذکور مستر  
گریگوری در اداره خزانه داری ایالات متحده شغلی برای  
خود پیدا کرد .

جمیز کاب شریک مستر گریگوری که بعداً " به شغل  
قضاوت اشتغال جست در باره مشارالیه چنین مینویسد :  
" از افتخارات زندگی من این بود که از سال ۱۸۹۵  
تا کمی قبل از وفات مستر گریگوری با او آشنائی  
و معاشرت نزدیک و صمیمانه داشته باشم ، من او را  
بعنوان یک محصل ، معلم ، حقوقدان ، خطیب و بالاخره  
دوست و رفیق میشناختم او در هر سمت و مقامی که  
داشت مزدی نیرومند و برجسته بشمار میآمد . به  
عبارت دیگر مستر گریگوری یک محصل خوب و فعال  
با خصوصیات اخلاقی دوست داشتنی و فکری بزرگ  
و عالی بود که آنرا به سعادت و آسایش نوع بشر  
تخصیص داده بود . هرکس از ما که با او آشنائی داشت  
چاره‌ای جز نوحه و ندبه در مصیبت فقدان او ندارد ،  
تنها تسلی خاطر ما آنست که مستر گریگوری عمراً  
طولانی خود را بخوبی و موفقیت بسر آورد و فی الحقیقه  
در زمره کسانی که زندگی و حیات ملّت آمریکا  
را نیرو و وسعت بخشیده اند محسوب است ."

مستر گریگوری برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ زمانیکه  
در خدمت دولت بود ندای امرالله را شنید .  
مشارالیه همواره با محبت و سپاسگزاری فراوان از یک  
نفر سفید پوست تحصیل کرده که همکار اداری او بوده  
و برای اولین بار توجه او را نسبت بامرالله جلب  
کرده بود یاد مینمود . این شخص روزی بمستر گریگوری

گفته بود :

" من فکر میکنم دیانت بهائی چیزی است که مورد توجه و علاقه شما قرار خواهد گرفت من خیلی پییر شده ام و تحقیق در این باره برایم میسور نیست اما شما مستر گریگوری جوان هستید و من خیلی مشتاقم که اینکار را شما انجام دهید ."

اگر چه آن مرد محترم خود موفق باقبال و ایمان نشد و لکن سبب آشنائی و تماس لوئی گریگوری با جناب ژوزف هانن و خانم H ANNEN که از احبای شهر واشنگتن D.C بود ند گردید .

مستر هانن و خانم ایشان حقایق امرالله را برای جناب گریگوری توجیه و زیبایی های تعالیم بهائی را در حیات روزمره خود برای او مجسم و مسمور نمودند و بدین وسیله قلب وی را بمغناطیس محبت الله ربودند . سپس اولین لوح مبارک حضرت عبدالبهاء بافتخار لوئی گریگوری بواسطه مستر هانن و اصل و زیارت گردید .

در باره ایام طفولیت و جوانی جناب گریگوری فعلا " اطلاعات کمی در دست است . در تصویر مادر ایشان علایم و آثار محبت عمیق و لطف معنوی مشاهده میشود از پدرشان عکسی بجای نمانده است . وقتیکه ملاحظه میکنیم چگونه مستر گریگوری کمال آمادگی و استعداد را برای درک و قبول تعالیم بهائی از خود نشان داده آنوقت میتوانیم بفهمیم که تا چه اندازه حیات روحی و معنوی او عمیق و وسیع بوده است . بدون شك خالق یکتا او را با سرنوشتی بزرگ و عظیم بعالم بشری عنایت فرمود و مسلما در مستقبل ایام

در ردیف یکی از ممتازترین و برجسته ترین افراد نژاد خود شمرده خواهد شد . در جواب عریضه ای که لوئی گریگوری پس از اقبال و ایمان با مر مبارک بحضور حضرت مولی السوری تقدیم داشت هیکل اطهر مشارالیه را بهد ایت و دلالت دو نژاد سفید و سیاه دعوت میفرمایند . در این لوح مبارک مرکز میثاق خطابی بدین مضمون میفرمایند :

" ای طالب حقیقت . نامه ات رسید و از مضامین آن که دلالت بر فوز آنجناب بمقام هدایت کبری مینمود اطلاع حاصل گردید . شکر خدا را که به چنین موهبتی فائز شدی و به شاهراه ملکوت راه یافتی و بشارت ملکوت ابهی استماع نمودی . این موهبت آسمانی سبب عزت و سرور ابدی در دو جهان الهی است . امیدم چنانست که مبشر ملکوت گردی و سبب شوی که سفید و سیاه از اختلاف نژادی چشم پوشند و به حقیقت انسانیت که عبارت از اتحاد عمومی یعنی یگانگی نوع بشر است ناظر شوند زیرا این هم آهنگی و اتحاد سبب وحدت عالم انسانی و موجب ظهور عنایت پروردگار در انجمن بنی آدم است . مختصر آنکه نظر به ضعف قوا و استعداد و لیاقت محدود خود نکنید بلکه توجه به عنایات و قدرت حضرت باری نمائید زیرا تأیید او شدید است و قدرت و قوتش بی مثل و نظیر . . . . " (ترجمه)

جناب گریگوری دو سال پس از ایمان بامر مبارک با قلبی آکنده از آرزو و تمنا از حضرت مولی السوری اجازه تشرف باستان مبارک خواست و در جواب لوح دیگری در اوائل سال ۱۹۱۰ بافتخارش نازل شد .



در این لوح مبارك مركز ميشاق خطاب بمشاراليه  
چنين ميفرمايند :

" اجازه خواسته بودي كه به اين ارض مقدس مسافرت  
نمائي و زيارت عتبه مقدسه نائل گردى ايمن  
مسافرت و زيارت اكنون مقتضى حال و موافق حكمت  
نيست موكل بوقت مناسب ديگرى نمائيد . " ( ترجمه )  
در تاريخ دهم آوريل سال ۱۹۱۱ فضل و موهبت  
الهي شامل شد و هنگاميكه حضرت مولى البورى در  
رمله اسكندريه تشریف داشتند ، لوثى گريگورى  
بشرف لقا فائز گرديد . براثر زيارت محبوب خود  
در رمله و سپس هنگاميكه در مدينه منوره عكا و حيفا  
مقام مقدس اعلى و روضه مبارك را زيارت  
مينمود از دريای ژرف و بيكران اشراقات و تاثيرات  
الهي و همچنين از بحر مواج عهد و ميشاق جرعه ها  
نوشت . ياد داشتهاى ايام تشرف و زيارت مشاراليه  
و منتخباتى از الواح مبارك حضرت عبد البها ،  
كه بافتخار ايشان عز نزول يافته در جزوه اى بنام  
" دورنماى ملكوتى " چاپ و منتشر شده است .

داستان اين زيارت و تشرف در الواحى كه در  
همان ايام از كلك گهر بار مركز ميشاق عز نزول  
يافته توجه و توصيف شده است . و از جمله خطاب به  
يكي از احببى امريكا چنين ميفرمايند :

" جناب گريگورى در نهايت نورانيت و روحانيت  
وارد و با سرور بى منتهى مراجعت نمود . اين زيارت  
و تشرف بر مراتب ايمان و ثبوت و رسوخ ايشان  
افزود . بدون شك شما اين حالات را هنگام مراجعت  
مشاراليه بامريكا ملاحظه خواهيد نمود . اميدم

چنان است که جناب گریگوری سبب الفت و محبت بیشتر بین یاران شود و خادم حقیقی حضرت رحمن گردد . " (ترجمه)

خطاب به یکی دیگر از احبا چنین میفرمایند :

" جناب گریگوری اکنون در فرح و سرور بی منتهی است . در مدینه عکا بزیارت آستان مقدس و روضه مبارکه فائز و اینک در نهایت شادمانی لیلًا و نهارًا با احبای الهی و عبد البهاء محشور، ایشان بزودی مراجعت بآمریکا خواهند نمود و شما احبای سفید پوست باید از این پس چنان احترام و حسن استقبالی نسبت به این فرد سیاهپوست معمول دارید که سبب حیرت و تعجب دیگران گردد . " (ترجمه)

لوئی پس از زیارت اعتبار مقدسه مستقیماً به ایالات متحده مراجعت نکرد بلکه برحسب میل و اشاره حضرت مولی الوری بآلمان مسافرت نمود و در این مسافرت تائیدات شدید الهی شامل حالش شد . در لوحی که بافتخار یکی از احبای آلمان نازل شده حضرت عبد البهاء به شمول این تائیدات اشاره میفرمایند . قوله الجلیل :

" . . . نامه ات رسید و مضامین آن دلالت بر این داشت که جناب گریگوری پس از زیارت بقعه مبارکه قوت و قدرت و حیات جدیدی یافته است هنگامیکه به اشتوتگارت رسید اگر چه از نژاد سیاه بود و لکن چون شعله‌ای درخشان در انجمن یاران نورافشانی نمود . . . " (ترجمه)

لوئی گریگوری با نورانیت و سرور بی منتهی به اتازونی مراجعت نمود ، در حالیکه با شوق و شور تمام

و تصمیمی خلل ناپذیر قیام به اجرا و تنفیذ نوایا  
و آمال حضرت عبد البهاء نمود.

مشارالیه هدف و مقصدی را دنبال کرد که تا  
آخرین ایام حیات خود برای وصول بآن مد اومت نمود  
و آن عبارت از ایجاد اتحاد بین نژادهای مختلفه کره  
ارض و کمک در استقرار وحدت نوع بشر در این عالم  
بود.

در مدت مسافرتهای تبلیغی حضرت عبد البهاء  
در ایالات متحده در سال ۱۹۱۲ جناب علیقلی خان  
و خانم بافتخار هیکل اطهر ضیافتی در شهر واشنگتن  
ترتیب دادند. بسیاری از شخصیتهای برجسته  
و محترم باین مهمانی دعوت شده بودند، برخی  
از مدعوین از مامورین دولتی و مسئولین امور اجتماعی  
شهر واشنگتن بودند و تعدادی از اعیان نیز حضور  
داشتند. درست یکساعت قبل از ناهار هیکل اطهر  
پیامی بجناب گریگوری فرستادند و دستور فرمودند  
که مشارالیه برای شرکت در کنفرانس معهود باید  
بحضور مبارک برسد. لوئی در ساعت مقرر بحضور  
مبارک مشرف شد و کنفرانس معهود شروع و ادامه  
یافت در حالیکه بنظر میرسید هیکل اطهر میل  
به ادامه آن داشتند صرف ناهار اعلام شد و حضرت مولی  
الوری بطرف اطاق ناهار خوری تشریف فرما شدند و  
سایر مدعوین هم باستثنای لوئی گریگوری بدنبال هیکل  
اطهر روانه گردیدند. همه مدعوین در سر میز  
ناهار نشسته بودند که ناگهان حضرت عبد البهاء  
قیام نموده باطراف نظر افکنده و سپس خطاب بجناب  
علیقلی خان فرمودند " مستر گریگوری کجا اسست؟

مستر گریگوری را بیاورید "

جناب علیقلی خان در این هنگام هیچ چاره‌ای جز اینکه  
بهر ترتیب شده مستر گریگوری را یافته و بحضور مبارک  
بیاورد نداشت . خوشبختانه لوئی هنوز آن محل را ترک  
نکرده بود علیقلی خان ایشان را ملاقات نمود و متفقاً  
باطاق ناهار خوری وارد شد . حضرت عبدالبهاء  
که فی الحقیقه میزبان واقعی مجلس بودند در این  
موقع محلی را برای نشستن جناب گریگوری ترتیب  
دادند و صندلی سمت راست حضرتشان را بعلامت  
احترام به لوئی عنایت و سپس اظهار فرمودند که  
بی نهایت از حضور ایشان در این جمع مسرور و مشعوفند  
و بعد در حالی که گویا اصلاً امری اتفاق نیفتاده  
است شروع به ایراد خطابه‌ای در باره وحدت عالم  
انسانی نمودند .

در لوحی خطاب بجناب گریگوری و خانمش که  
در اوائل سال ۱۹۱۴ نازل شده حضرت مولی الوری چنین  
میفرمایند :

" ای دو نفس موء من باللّه همواره بیاد شما هستم  
و شما را بخاطر آرم . از درگاه حق رجا نمایم که سبب  
ایجاد محبت و وداد بین دو نژاد سفید و سیاه گردید  
زیرا شما خود آیتی از این مقصد جلیل هستید . . .  
مطمئن هستم که فکر و ذکر شما لیلاً و نهارا " متوجه  
هدایت و دلالت نفوس اعم از سیاه و سفید است  
لهذا باید در نهایت فرح و انبساط باشید زیرا  
در این مقصد عظیم تائید شدید خواهید یافت " ( ترجمه )  
در سال ۱۹۲۰ وقتیکه امه اللّه میسیس اگنز پارسونز  
MRS. AGNES PARSONS بزیارت حضرت عبد البهاء

در ارض مقدّسه فائز شد هیکل مبارک بمشارالیهسا  
دستور فرمود ند که اولین کنفرانس ایجاد دوستی  
و اتحاد بین دو نژاد سیاه و سفید را در شهر واشنگتن  
D.C. افتتاح نماید. میسپس پارسونز با همکاری يك  
کمیسیون فعال به تشکیل این کنفرانس موفق شد.  
کنفرانس مذکور در ماه می ۱۹۲۱ در واشنگتن منعقد و با  
موفقیت برگزار گردید و در آن نمایندگان مهم و  
برجسته‌ای از دو نژاد سیاه و سفید شرکت داشتند.  
این کنفرانس اولیه نمونه جلسات مشابه بیشماری  
گردید که در شهرهای کوچک و بزرگ در سرتاسر  
ایالات متحده آمریکا و کانادا در سنین آتیّه منعقد  
گردید. جناب گریگوری از جمله ناطقین این جلسسه  
بودند و جریان انعقاد آنرا برای مجله نجم باختر  
مرقوم داشتند.

بجرت میتوان گفت که هیچیک از مبلغین بهائی  
باندازه جناب گریگوری بکلیه نقاط ایالات متحده  
آمریکا مسافرت‌های تبلیغی و تشویقی نکرده است.  
مشارالیه در نهایت سادگی و فداکاری زندگی کرد  
و در سرتاسر ایالات متحده در مدارس کالج ها، کلیساها  
و دانشگاهها بایراد خطابه میپرداخت و با افراد  
مختلفه نیز بطور انفرادی مذاکرات امری مینمود.  
با حالتی مملو از خضوع و شجاعت و پر از لطف و  
اراده و استقامت با طبقات مختلفه از عالی و دانی غنی  
و فقیر عالم وامی ملاقات میکرد و جرعه‌ای از ماء  
حیوان هدایت کبری را بر آنان مبذول میداشت.  
در مدارس پروتستان کاتولیک و یهود و همچنین در  
انجمن‌های غیر مذهبی ایراد خطابه مینمود و در

همه جا با حسن استقبال مستمعین مواجهه می‌شود .  
روح لطیف و پیر از امید او ابواب فتح و پیروزی را جهت  
کسانیکه بد نبال او قیام و اقدام بر تبلیغ میکردند  
مفتوح می‌ساخت ، بسیاری از مبلغین بهائی که در صدد  
یافتن فرصتی برای ابلاغ کلمة الله با افراد بوده اند  
این کلمات را از طرف مقابل خود دریافت داشته اند :  
"بله ما جناب گریگوری را میشناسیم و او را صمیمانه  
دوست داریم . اگر شما هم از دوستان ایشان هستید از  
ملاقات شما بسیار خوشحالیم ."

مدت ۲۵ سال لوئی گریگوری خواه بعنوان رئیس  
کمیته ملی محبت نژادی یا یکی از اعضای آن منشاء  
و سرچشمه واقعی فعالیت‌های مربوط به محبت و اتحاد  
نژادی در آمریکا بود . بعنوان رئیس کمیته مذکور  
یا عضو آن و یا بعنوان يك فرد جناب گریگوری بنجوی  
خستگی ناپذیر به فعالیت‌های خود برای ترویج  
اتحاد و محبت بین دو نژاد ادامه میداد .

مدرسه بهائی گرین اکر GREEN ACRE شاهد  
تعدادی از کنفرانس‌های وحدت نژادی بوده کسه در  
آنها رهبران برجسته دستجات مختلفه باتفاق  
جناب گریگوری که قوه محرکه و موجد این کنفرانسها  
بوده پشت تریبون قرار گرفته و ایراد خطابانه  
میکردند . مستر گریگوری هرگز هدف و مقصد اساسی  
را از مد نظر دور نمیداشت . مشارالیه بعضویت  
محل روحانی ملی بهائیان آمریکا انتخاب و سالیان  
متمادی در کمال جدیت و وفاداری بخدمات روحسانی  
و اداری قائم بود . پس از انتخاب ایشان حضرت  
شوقی افندی ضمن توقیعی عضویت مشارالیه را در محفل

روحانی ملی تبریک و اظهار سرور فرمودند ولیکن اراده و میل مبارک را مبنی بر ادامه خدمات تبلیغی و تقدیم آن بر سایر خدمات امریه گوشزد و دستور فرمودند که سایر وظایف امریه لوئی گریگوری بنحوی ترتیب داده شود که بهیچ عنوان خدمات و مسئولیت‌های اداری مانع و رادع خدمات موثر و ثمر بخش تبلیغی ایشان نگردد. جناب گریگوری موفق شدند که این میل و اراده هیکل اطهر را با ترتیب دادن مسافرت‌های دائمی تبلیغی در فاصله انعقاد جلسات محفل ملی تحقق بخشند.

از خلال توابع منیعه متعدده‌ای که طی سالیان دراز از کلک گهربار مولای مهربان بافتخار مستر گریگوری نازل و از زحمات و خدمات مشارالیه تقدیر فرموده‌اند ارزش مجاهدات صمیمانه وارزنده ایشان را توان سنجید.

لوئی گریگوری همواره وسیله سرور و انبساط خاطر مبارک را فراهم می‌آورد. در یکی از توقیعات منیعه حضرت ولی عزیز امرالله که بافتخار مشارالیه نازل شده، چنین می‌فرمایند:

" وصول رقیمه آنجناب مورث قوت و سرور قلب گردید. این عبد بحضور آن یار عزیز اظهار مطلبی ندارم جز آنکه از خدمات روزافزون شما بامر مبارک حضرت بهاء الله که با مداومت شجاعانه و حکمت کامله و فعالیت خستگی ناپذیر و محبت صرفه حقیقیه توأم است قلبا ستایش و تمجید نمایم. نمیدانید که چه معاون و مدد کار شایسته‌ای بجهت این عبد در ایفای وظائف خطیره اش هستید." (ترجمه)

استعدادات و تظاهرات روح لوئی گریگوری متنوع و گوناگون بود زیرا مشارالیه لیاقت و استعداد خود را بنحو یکسان در انجام وظائف محوله خواه بعنوان نماینده یا منشی کانونشن ملی یا خلاصه نویسنده محفل روحانی ملی یا خطیب و یا نویسنده ابراز میداشت . مقالاتی از ایشان در مجله نجم باختار Star of the West و مجله بهائی Baha'i Magazin و مجله نظم جهانی World Order Magasin و تقریبا در تمام مجلدات کتاب عالم بهائی مندرج است . این مقالات نظیر نطقهائی که لوئی گریگوری ایراد نموده عمیق و حاکی از حقیقت و مملو از روح محبت و وسعه صدری که مشخص و معرف حیات اوست میباشد .

مستر گریگوری دوبار بنا بدعوت مربی عالیقدر سیاهپوست بوکر واشنگتن BOOKER WASHINGTON از موسسه علمی و فرهنگی سیاهان موسوم به توسکجی TUSKEGEE بازدید نمود . در این بازدیدها از مشارالیه درخواست شد که بیاناتی در خصوص دیانت بهائی برای محصلین موسسه ایراد نماید .

عکس العمل مستمعین نسبت باصول و مبانی دیانت بهائی فوق العاده مطلوب و رضایتبخش بود . در اینجا مستر گریگوری با نابغه برجسته و موجد سیاهپوست بنام دکتر جورج واشنگتن کارور DR. CARVER که نهایت ستایش و تمجید رانسبت بامر مبارک ابراز داشت ، آشنا شد و این آشنائی آغاز یک دوستی روز افزون و پرخیر و ثمر فیمابین آنان گردید .

اطاعت محضه از اوامر و دستورات حضرت



مولی الوری حضرت شوقی افندی و پیروی از تعالیم و مبادی بهائی آنچنان در حیات روحانی لوئی گریگوری تمرکز و تجسم یافته بود که در اوج آسمان خدمت و عبودیت موفق به برافراشتن پرچمی شد و در این فضای وسیع بچنان مقام ممتازی رسید که احدی را یارای همانندی و هم‌پروازی با او نبود. لوئی از خود صبر و حوصله بی حد و حصر نشان میداد زیرا ایمان او برای وصول به آرزوهای و آمال روحانیش چنان قوی بود که به او وسعت نظر و سعه صدر عطا مینمود و سبب میشد که با هر مخالفت یا تعصبی با تفاهم کامل و رضایت خاطر مواجهه شود. قلب او کانون حرارت و آتش بود اما او بسه نوایای قلبی حضرت عبدالبهاء آشنا بود و این آتش درونی را به شعله ای از نور و روشنائی مبدل میساخت. هنگامیکه یک عمل جراحی سخت و سپس ضعف روز افزون جسمانی مانع مسافرت‌های تبلیغی او شد و مسترگریگوری را مجبور به اقامت در ایلویوت و قناعت کردن بمسافرت‌های کوتاه مدت نمود مشارالیه بمکاتبه با یاران الهی و مطالعه عمیق تعالیم و مبادی امرالله نمود، آگاهی و بیداری روحانی و معنوی او روز بروز نمایانتر شد. لوئی روز بروز به محبوب و معبود قلب خود حضرت شوقی افندی نزدیکتر میشد.

هنگامیکه بزندگی لوئی نظر می افکنیم این مسئله روشن میشود که مشارالیه کاملاً برای آن مرحله از تحول یعنی رهائی از تنگنای عالم خاک که بطور ناگهانی برای این شخصیت عالیقدر و

دوستدار بزرگ عالم بشریت که بفرموده مبارک  
" قلبی منیر و روحی مستبشر داشت " پیش آمد  
آماده و مهیا بود.

لوئی گریگوری عزیز که مورد تکریم عموم یاران  
الهی بود در تاریخ ۳۰ جولای ۱۹۵۱ بملکوت راز پرواز  
کرد. اگرچه ضعف و کسالت جسمانی ماهها قبل از  
صعود عارض ایشان بود ولیکن تظاهرات روح پرفتوح  
و قلب منیرشان چنان بود که احدی انتظار صعود  
ناگهانیشان را نداشت. درست یک هفته قبل از  
صعود جلسه‌ای در منزل خود ترتیب داد و آنرا  
شخصا اداره نمود و در آن حلقه در خصوص نبوتات  
کتب مقدسه و اهمیت و ارتباط آنها با این یوم  
مبارک با حاضرین به بحث و مذاکره پرداخت، لوئی  
در حالیکه پشت میز تحریر خود نشسته بود با  
لبخندی گرم و محبت آمیز همه خوش آمد میگفت.  
با آن وقار و متانت روحانی وصف ناشدنی که از  
عوالم روحانی عظیمی حکایت مینمود جلسه را با  
سرور و بشاشت اداره کرد. جسد لوئی در ایللیوت  
واقع در ایالت مین در تاریخ اول آگست ۱۹۵۱ بخاک  
سپرده شد. جلسه تذکری بیاد او در طالار بزرگ  
" خانه دوستی " منعقد شد که در آن نه فقط اعضای  
جامعه بهائی ایللیوت بلکه جم غفیری از دوستان  
غیر بهائی که قبلا در مدرسه بهائی گرین ایللیوت  
حضور یافته بودند، شرکت داشتند. در سالنی که  
جلسه تذکره منعقد شده بود لوئی گریگوری بکرات  
جلسات تبلیغی بیوت تبلیغی و کنفرانسهای را  
راجع به دوستی و محبت نژادی اداره کرده بود

و كاملاً مناسب بنظر ميرسيد كه در اين محل زيبا  
ندای دعا و مناجات دوستان در سپاسگزارى از حيات  
پر ثمر و بركت چنين شخصى كه بين آنها زندگى  
كرده بود بلند گردد، و براى عروج روح او دست تضرع  
بدرگاه الهى مرتفع شود.

در تاريخ ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ محفل تذكري حسب الامر  
مبارك از طرف محفل روحانى ملى در مشرق الاذكار  
آمريكا منعقد گرديد كه در آن عدهء كثيرى از دوستان  
ايلات مختلفه و همچنين از كانادا شركت داشتند  
و مراتب تشكر و امتنان خود را نثار روح بزرگ  
لوئى گريگورى نمودند.

پس از صعود اين خادم برازنده و دلير امرالله  
تلگرافى از ساحت مقدّس مولای بنده نواز عزّ نزول  
يافت كه زينت بخش صدر اين مقال است در اين تلگراف  
هيكل مبارك پس از قدر دانسى از خدمات گرانبهائى  
لوئى گريگورى عنوان " سرسلسله ايادى امرالله  
از نژاد سياه " را به ايشان عنايت ميفرمايند .

ترجمه از كتاب عالم بهائى جلد ۱۲

## Surúsh-i-Mahmúd

Aus Aufsätzen von Dr. Mahmúd Majdhúb

© Bahá'í-Verlag GmbH, D-65719 Hofheim-Langenhain 1989-146

2. Auflage 1994-150

ISBN 3-87037-945-6

(431-47)